

# دلار سکاندار

هم زمانی ناکار آمدی ها ✓

بر هم زدن آرامش مردم ✓

سرمایه گذاری ممنوع! ✓

سردرگمی صادر کنندگان ✓

بازار تولید کننده کوچک تر می شود ✓

امیدواری به بورس بدون دخالت دولت ✓

سیاست های اشتباه را جبران کنید ✓



# JUPITER TECH 12

PATENTED

MULTIWIRE JUPITER

GS230-GT108



SURFACE 1962

SURFACE 1962



تعداد سیم ها

48 • 60 • 108



قطر سیم ها

5,3 • 6,3

بازدهی کوپ

**20m<sup>2</sup>**

از هر تن سنگ



ضخامت اسلب

1,2 • 2 • 3

یک مولتی وایر پیشرفته است که به طور موثر اسلب های گرانیتهی به JUPITER TECH12 دستگاه ضخامت 12 میلی متر را برش می دهد که به طور قابل توجهی امکان تولید بیش از 20 مترمربع از هر تن سنگ را افزایش می دهد. این دستگاه دارای 6 حق ثبت اختراع می باشد که به موجب آن دارای وجوه تمایز در ظرفیت تولید بسیار بالا و قابل اطمینان بودن این دستگاه می باشد. مولتی وایر جدید شرکت قسمتی از پروژه صنعتی سازی تولید اسلب های با ضخامت پایین است که در سال 2019 شروع شده، از ابتدای برش کوپ ها تا تولید محصول کاربردی ترو سبک تر

pedrini.it

Follow us on LinkedIn

نمایندگی انحصاری ایران :

۰۹۱۲۷۰۰۰۹۳۹





**پاستا**  
تولیدکننده ۷۰ نوع از محصولات پاستا، لازانیا،  
پودر کیک و سس پاستا



**فر وکتوز، گلوکز، مالتودکسترین، نشاسته ذرت**  
تولیدکننده انواع محصولات برپایه نشاسته ذرت



**کانفکشنری**  
تولیدکننده انواع شکلات، کیک، ویفر و بیسکویت



**آرد**  
تولیدکننده انواع آرد گندم



**روغن**  
تولیدکننده انواع روغن سالاد و پخت و پز



**کود**  
تولیدکننده انواع کود طبیعی مایع





کھساریہ  
۱۴۰۲ھ

# پایدار نماند؛ مال بی تجارت

(سعدی)



بان تجارت



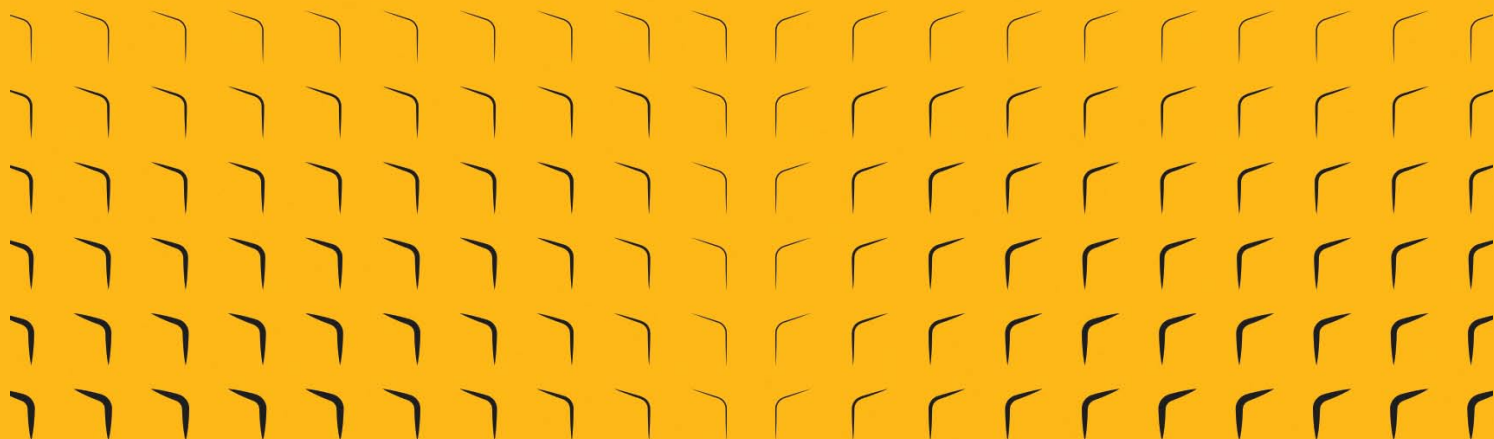


# WE ARE THE BAHMAN



## هفتاد و یک سال در کنار شما

[www.bahman.ir](http://www.bahman.ir)  
[@bahmanmotorco](https://www.instagram.com/bahmanmotorco)  
[@bahmancommercial](https://www.instagram.com/bahmancommercial)





# شرکت نورد گرم سمنان



آدرس کارخانه: کیلومتر ۷ جاده سمنان به دامغان، بعد از پلیس راه انتهایی شهرک صنعتی سمنان، خیابان اینار

آدرس دفتر تهران: خیابان شریعتی، خیابان حکمت، کوچه هشت متری صبا، کوچه ذاکری، پلاک ۷

شماره تلفن و فکس: ۰۲۱۲۲۲۰۵۰۲۰

## معدن آهن و کربنیت عباد گاریزات





## محوریت نوآوری

باید نگاه از بنج‌مارک‌ها و گام نهادن در مسیر آن‌ها به سمت تولید با محوریت نوآوری باشد

### قطب نوآوری

جشنواره و نمایشگاه ملی «مسیر آینده» به منظور تولید با محوریت نوآوری برگزار می‌شود تا با افزایش همکاری‌ها و کمک شرکت‌های دانش‌بنیان، این اتفاقات مهم در فولاد مبارکه، استان اصفهان و کشور رقم بخورد تا بتوانیم به قطب نوآوری در منطقه تبدیل شویم

### علم کیمیا

ادعای ما این است که آرزوی علم کیمیا در فولاد مبارکه محقق شد

### انقلاب صنعتی چهارم

انقلاب صنعتی چهارم، تحول دیجیتال، الزامات محیط زیستی، نیروی انسانی و... از جمله مسائل دیگری است که به عنوان چالش‌های صنعت فولاد کشور شناخته می‌شود

در فولاد مبارکه به دنبال تحول در نگاه‌ها و رویکردها هستیم که در حوزه توسعه کمی، فولاد مبارکه سال‌ها تلاش کرد تا به ظرفیت نامی خود برسد تا به امروز که این شرکت به بیش از ۱۰ میلیون تن تولید فولاد در کشور رسیده است.

۱۰  
میلیون تن

# نوآوری؛

## اکسیر و کیمیایی است که در فولاد مبارکه ارزش آفرینی می‌کند

امروز تبدیل سنگ آهن به محصولات ویژه ظرفیت پزشکی از جمله پیچ‌های ایمپلنت با ارزش افزوده‌ای بالغ بر ۳۴ هزار برابری به‌عنوان یکی از آرزوهای

۳۴

هزار برابری

بزرگ بشر در فولاد مبارکه محقق شده است و این چیزی نیست جز کیمیایی و اکسیری به نام نوآوری که ارزش آفرینی می‌کند

فولاد مبارکه امروز به خودکفایی بالای ۹۰ درصد در تامین داخلی تجهیزات رسیده و درصدد توسعه نوآوری است؛ تداوم این روند تضمین‌کننده رشد و پیشرفت این شرکت خواهد بود؛ صنعت فولاد کشور در سال‌های آینده از بسیاری از مزایای کنونی برای تولید فولاد بهره‌مند نخواهد بود

۹۰%

# جشنواره و نمایشگاه ملی مسیر آینده

## رویداد روتمایی از استراتژی و سیاست‌های نوآوری فولاد مبارکه



تولید فولاد زنگ‌نزن نزدیک شدن به یک شرکت دانشی است که با توجه به محدودیت‌های شدید و با استفاده از ظرفیت‌های موجود محقق شد.

خصوصی‌سازی مساله ای مورد توجه در کشور است که رهبر انقلاب در مورد درک نشدن صحیح آن در دیدار اخیر با صنعتگران انتقاداتی را بیان کردند.

اگر می‌خواهیم موتور محرکه صنعت بمانیم باید در حوزه‌های مختلف دانش‌بنیان نیز پیشرو و پیشران باشیم و به همین خاطر فولاد مبارکه باید به شرکتی دانشی تبدیل شود.





**PAYA FOOLAD** KAVIRE YAZD



# PAYA FOOLAD

## KAVIR E YAZD





گروه صنعتی

فولاد بهمن



BAHMAN STEEL INDUSTRIAL GROUP



**دفتر تهران:**

بلوار اندرزگو، ابتدای بلوار صبا، کوچه بلوچ شمالی، پلاک ۱۰، واحد ۶  
تلفن: ۰۲۱-۲۲۶۹۱۱۳۸  
۰۲۱-۲۲۲۱۹۲۶۳

**دفتر مرکزی:**

قائم‌شهر، خیابان تهران، بالاتر از کمربندی، جنب باسکول احمدی  
تلفن: ۰۱۱-۴۲۲۷۲۲۲۲  
۰۱۱-۴۲۲۷۱۷۷۷  
فکس: ۰۱۱-۴۲۲۷۱۸۸۸

**کارخانه:**

قائم‌شهر، کیلومتر ۱۰ جاده شیرگاه، شهرک صنعتی بشل، فاز ۲  
تلفن: ۰۱۱-۴۱۵۱۲۲۲۲  
فکس: ۰۱۱-۴۲۴۳۴۰۸۰





مجموع فولاد غدیر نی ریز

در آینده‌ای نزدیک

افزایش یک میلیون تن

ظرفیت تولید فولاد کشور



[WWW.NGHSCO.COM](http://WWW.NGHSCO.COM)





## شرکت نورد و لوله سپینتا اهواز



مجموعه نورد و لوله سپینتا اهواز، صنعتی با بیش از نیم قرن سابقه کاری موفق از برترین تولیدکنندگان لوله و پروفیل فولادی در ایران محسوب می شود. ارتقای کیفیت محصولات فولادی بر اساس استانداردهای روز ملی و بین المللی به عنوان مهم ترین اصل این مجموعه در نظر گرفته شده است.

نشانی کارخانه:  
اهواز، کیلومتر ۵ جاده اهواز - خرمشهر

شماره تماس:  
کارخانه: ۰۶۱-۳۳۳۹۶۰۷۰-۷۱  
فروش: ۰۶۱-۳۳۳۹۶۵۲۲-۲۳  
دورنگار: ۰۶۱-۳۳۳۹۶۰۷۲





# شرکت سرمایه گذاری توسعه معادن و فلزات

(سهامی عام)



## چشم انداز :

تبدیل شدن به برترین شرکت سرمایه گذاری تخصصی در امور معادن و صنایع معدنی در منطقه خاورمیانه تا سال ۱۴۰۴.

## ماموریت :

ما می خواهیم به عنوان شرکت سرمایه گذاری تخصصی معدن و صنایع معدنی با سرمایه گذاری محوری در فعالیتهای معدنی و فرآوری مواد معدنی ضمن نقش آفرینی در توسعه و بازرگانی بخش معدن با پاسخگویی به نیازهای مشتریان و ذی نفعان خود، بازده حداکثری را برای سهامداران خود به ارمغان می آوریم.

## استراتژیهای کلان :

- دستیابی به بازدهی سالانه سرآمد بازار سرمایه کشور
- کسب عنوان بزرگترین پایگاه اطلاعاتی معادن ایران، خاورمیانه و کشورهای مشترک المنافع (CIS)
- کسب برند تخصصی سرمایه گذاری و تجارت معدن
- افزایش وفاداری سهامداران و مشتریان با خلق ارزشهای ویژه
- تقویت سرمایه های انسانی متناسب با قابلیت های ضروری مورد نیاز توسعه و حیات شرکت

## راهبردهای شرکت :

- افزایش بازده سبد سهام موجود
- نوآوری در مدل کسب و کار و سرمایه گذاری شرکت
- افزایش بهره وری شرکتهای تابعه و وابسته
- تحول در فرآیندهای شرکت

**Mines and Metals**  
Development Investment Company

www.mmdic.ir

نشانی: تهران، بلوار آفریقا، خیابان اسفندیار، پلاک ۳

فاکس: ۲۲۰۴۶۱۶۶

تلفن: ۷۱۱۲۵۰۰۰





صنایع فولاد خلیج فارس

Persian Gulf

Saba Steel Co. (PJS)

نخستین تولید کننده بریکت گرم (HBI) در کشور  
سومین کشور در خاور میانه و نهمین کشور در دنیا  
The First Producer of Hot Briquetted Iron (HBI) in Iran with 1.5 Million



## HBI Advantages

All DRI Usage

Lack of Self-Igniting

Safe Transportation

Reducing Shipping Risk

سهولت در انبارش حتی در محیط باز

Minimum risk of overheating during storage even in outdoor area

قابلیت شارژ مداوم در کوره های EAF

Continuous charging capability in EAF

قابلیت شارژ بسته ای در کوره های EAF

Basket charging capability in EAF

قابلیت پیش گرمایش جهت شارژ در کوره های EAF

Preheating function capability for charging in EAF

## مزایای محصول HBI

کلیه کاربردهای DRI

عدم خود اشتعالی

سهولت در حمل و نقل

کاهش ریسک حمل دریایی

سهولت در انبارش حتی در محیط باز

Minimum risk of overheating during storage even in outdoor area

قابلیت شارژ مداوم در کوره های EAF

Continuous charging capability in EAF

قابلیت شارژ بسته ای در کوره های EAF

Basket charging capability in EAF

قابلیت پیش گرمایش جهت شارژ در کوره های EAF

Preheating function capability for charging in EAF

Factory address : Persian Gulf Mineral  
& Metal Industries Economic Zone  
13 KM. Shahid Rajaei Port Road,  
Bandar Abbas, Iran  
Phone : +98 76 33379180-8  
Email : bpgss@sabasteel.co

دفتر تهران : خیابان ولیعصر (عج)، خیابان شهید سرتیپ هوشنگ  
وحید دستگردی (ظفر)، پلاک ۳۸۰، طبقه ۴  
تلفن : ۰۲۱ ۹۱۰۹ ۱۲۶۱  
کارخانه : بندرعباس . کیلومتر ۱۳ جاده اسکله شهید رجایی  
منطقه ویژه اقتصادی صنایع معدنی و فلزی خلیج فارس  
تلفن : ۸ - ۰۷۶ - ۳۳۳۷ ۹۱۸۰

www.sabasteel.co

info@sabasteel.co



OYAZ  
TEXTILE

# ایاز کیفیتى به بزرگى یک راز

توليدکننده پارچه پرده ای و مبلى

FEELS  
LIKE A DREAM



دفتر مرکزی: تهران، میدان آرژانتین، خیابان احمد قصیر، کوچه نهم، پلاک ۷ - ۰۲۱-۸۸۵۵۶۲۵۰  
کارخانه: تهران، قرچک، کمربندی جنوبی، شهرک صنعتی قرچک، بلوار پیشرفت - ۰۲۱-۳۴۲۶۱۰۰۰

✉ INFO@OYAZTEXTILE.COM

www. WWW.OYAZ.IR

📷 OYAZ.TEXTILE



**فولاد مهر سهند**  
**FULAD MEHR**

برگزیده بیستمین جشنواره تولید ملی افتخار ملی  
برای دومین سال متوالی

# تولید ملی افتخار

اسفندماه ۱۴۰۱



۰۴۱-۵۹۹۵

کیلومتر ۳۵ جاده تبریز به آذر شهر شهرک صنعتی سلیمی

[www.mehrsteel.com](http://www.mehrsteel.com)



ACCREDITED ISO 9001 ISO 14001 سازمان ملی استاندارد



آماده برای ریاضت اقتصادی	۱۴
بر هم زدن آرامش مردم	۱۵
قربانیان افزایش افسار گسیخته تورم	۱۷
چگونه رفاه از زندگی مردم دور شد؟	۱۸
سایه جالش‌ها و بحران‌های سیاسی بر اقتصاد	۱۹
هم‌زمانی ناکارآمدی‌ها	۲۰
کشتی به گل نشست	۲۲
ایمیدرو به دنبال تعامل با بخش خصوصی	۲۴
سونامی توری در راه است	۲۶
امیدواری به بورس بدون دخالت دولت	۳۰
ابر توری شدن اقتصاد ایران	۳۱
گذر از سقف قبلی شاخص بورس	۳۱
نقض غرض	۳۲
مهاجرت نیروی متخصص معدن از کشور	۳۴
بخش خصوصی بازوی صادراتی زنجیره فولاد	۳۸
سرمایه‌گذاری ممنوع!	۴۰
کارنامه یک‌ساله کار گروه کالاهای پایه	۴۲
سردرگمی صادرکنندگان	۴۴
لزوم استفاده از تجربیات موفق کشورها در برخورد با بخش خصوصی	۴۶
هزینه محدودیت‌های انرژی بر دوش معدنی‌ها	۴۶
حضور پرننگ «ومعدان» در توسعه صنعت	۴۷
درد دیرینه ماشین‌آلات معدنی	۴۸
تنبیه مداوم صادرکنندگان	۵۰
بازار تولیدکننده کوچک‌تر می‌شود	۵۲
خطر فروپاشی صنایع ایران	۵۴
هیچ کشوری به خاطر ما فداکاری نمی‌کند	۵۶
سیاست‌های اشتباه را جبران کنید	۵۸
دستیابی به توسعه با نمایندگان امکان‌پذیر است	۶۲
تحولات بنیادین و زیربنایی در راه است	۶۴
تجلی، پیشران زنجیره ارزش	۶۵
افتخاری دیگر برای گروه صنعتی سدید	۶۶
۱۴۰۱: سال غافلگیری دستگاه دیپلماسی	۶۷
سال اعتراضات، بن‌بست هسته‌ای و سقوط ریال	۶۸
عصر تاریک اینترنت	۷۰
رویایی به وسعت چند متر	۷۳
شبح ارز چندنرخ بر بازار دارو	۷۶
فروپاشی اکولوژیکی	۷۸
ترکش تنش‌های ژئوپلیتیک بر بازار نفت جهان	۸۰
جنگی بدون برنده	۸۲



طرح جلد: ثنا حسین پور



**مدیر مسوول:** محمدرضا سعدی  
**قائم‌مقام مدیر مسوول:** داریوش آرمان  
**مدیر بازرگانی:** سمانه‌سادات خرمگاه  
**شورای سردبیری:** خاطره وطن‌خواه، محمدصادق جنان صفت  
**ا‌به بیگی:** نادر کریمی‌جویی، علی کریمی  
**دبیر ویژه‌نامه:** نسترن یوسف بکیان  
**دبیر اجرایی:** محمود مختاریان  
**همکاران ویژه‌نامه:** فاطمه رحیمی - مهدیه بهارمست  
**منیر حضوری - محمدرضا ستاری - نسیم سوران**  
**احسان نیازمند - علی حسینی - نادر نینوایی**  
**علیرضا کیانپور - الهام یوسفی - ژوبین صفاری**  
**مدیر روابط عمومی:** غلامرضا غفارزاده  
**امور آگهی‌ها:** آمنه هاشمی - رومینا پاکزاد  
**مدیر فنی و هنری:** بهروز حاتمی امین  
**صفحه آرایی:** مهدی میرعبدل برزی - سمیه حاتمی امین  
**عکس:** احسان کاظمی  
**ویراستاری:** سارا غفاری - مژده کلهر - نازنین حاتمی  
**کیومرث عبیدی**  
**حروفچینی:** اعظم متولی  
**امور انفورماتیک:** سجاد رسولی - بابک حیدری  
**امور مالی:** سید هاشم احدزاده  
**تدارکات و توزیع:** محمد مرادیان - جعفر رضایی  
**نورالدین کرامتی - مهدی میرزا پور - حامد شعبانی - کریم درنواز**

**نشانی:** خیابان شیخ بهایی جنوبی  
 رویه‌روی مسجد بقیه‌الله - بن‌بست سامان - پلاک ۴  
**تلفن:** ۰۲۱-۸۸۰۴۹۶۵۰ - ۰۲۱-۸۸۰۳۱۷۰۶  
**نمابر:** ۰۲۱-۸۸۲۱۰۷۶۳  
**سازمان آگهی‌ها:** ۰۲۱-۸۸۰۵۰۶۸۴ - ۰۲۱-۸۸۰۵۰۲۸۶  
**www.jahanesanat.ir**  
**پیامک:** ۳۰۰۰۸۳۸۸  
**لیتوگرافی و چاپ:** پیمان نواندیش





بروز می‌کند. نمونه این نسخه‌ها را در طرح اصلاحات اقتصادی دولت سیزدهم دیدیم که حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی نه تنها باعث حل مشکلات اقتصادی کشور نشد، بلکه تورم‌های بزرگ‌تری را به تن بیمار و رنجور اقتصاد ایران تحمیل کرد. این اصلاحات اقتصادی اگر چه شتاب رشد تورم را در مقطع کوتاهی کم کرد اما شرایط دوام نیاورد و تشدید تحریم‌ها از یک سو و خلق پول بدون پشتوانه باعث ناامنی در اقتصاد و به دنبال آن افزایش انتظارات تورمی شد. نتیجه چنین شرایطی تبدیل به سونامی ارزی در ماه‌های اخیر شده است که این بیمار امروز به حال نزار در آستانه رفتن به کماست.

اقتصاددانان متفق‌القول می‌گویند، راهکار عبور از این پیچ خطرناک که نه تنها اقتصاد بلکه جامعیت کشور را تهدید می‌کند، پیدا کردن راهکاری برای آشتی با دنیا و خروج از انزوای پیش آمده است. منافع ملی ایجاب می‌کند که در مراد به دنیا، همه تخم‌مرغ‌های خود را در سبد روسیه و چین نگذاریم، کما اینکه این دو کشور اگرچه در تصمیم‌های بین‌المللی علیه ایران، حامیان ایران بودند اما در شرایط تنگدستی و اوضاع سخت اقتصادی، باری از دوش ما برنداشتند.

مثال بارز این مدعا سیاست چرخش به شرق با محوریت چین است؛ کشوری که گرچه هنوز مشتری ثابت نفت ایران است، اما به دلیل فشارهای آمریکا حاضر نیست در پروژه‌های صنعت نفت ایران سرمایه‌گذاری کند. حال آنکه در عراق سنگین‌ترین سرمایه‌گذاری را انجام داده است.

سال ۱۴۰۲ با توجه به همه نشانه‌هایی که از خود بروز داده، سال سخت‌تری نسبت به ۱۴۰۱ خواهد بود.

از بودجه آن پیداست که کسری بزرگی در دل دارد. اگر مذاکرات احیای برجام به نتیجه نرسد، صادرات نفت و سایر کالاها سخت‌تر خواهد شد. این بدان معناست که باید برای ریاضت اقتصادی دیگری آماده شویم.

و در این مسیر مدام در حال محک زدن و انطباق‌پذیری است. با این حال سیاستگذاران در ایران، تلاش می‌کنند این حرکت را به شیوه خود مدیریت کرده و گروهی هم می‌خواهند این حرکت را متوقف کنند. نتیجه این می‌شود که مطالبات انباشته‌شده، با تلنگری سرریز می‌شود.

چنین حوادثی نه فقط باعث خسران اجتماعی است، بلکه ریسک‌های اقتصادی را هم بالا می‌برد. بی‌تردید برای اقتصادی که درگیر صدها مشکل ریز و درشت است، بالا رفتن ریسک‌های اقتصادی به معنای قفل شدن حرکت رو به جلوست.

سال ۱۴۰۱ در یک نگاه کلی، سالی پر از ریسک‌های اقتصادی بود؛ از سرریز مطالبات انباشته‌شده اجتماعی گرفته تا فشارهای بین‌المللی و تنگ‌تر شدن حلقه تحریم‌ها. امروز، این دو آنچنان درهم‌تنیده شده‌اند که نمی‌توان گفت آثار کدام یک مخرب‌تر از دیگری است. خروجی این دو به سخت‌تر شدن شرایط زندگی عموم مردم منجر شده است.

بی‌تردید وقتی ریسک اقتصادی کشوری بالا می‌رود، سرمایه‌گذاری کاهش می‌یابد و کاهش سرمایه‌گذاری به معنای کوچک شدن سفره‌های مردم است.

برای دولتی که درگیر تحریم‌هاست و در فروش نفت خود به بن‌بست خورده، کمبود منابع برای اداره اقتصاد کشور، تبدیل به کسری بودجه‌های بزرگ، افزایش نرخ تورم و کاهش شدید ارزش پول می‌شود. دولتی که در دیپلماسی اقتصادی گرفتار تحریم‌هاست، در مدیریت دخل و خرج خود ناتوان خواهد ماند، اتفاقی که در سال‌های اخیر و به دنبال افزایش تحریم‌های آمریکا افتاده است.

در چنین شرایطی همه نسخه‌هایی که برای برون‌رفت از وضع موجود پیچیده می‌شود، راه به جایی نمی‌برد. حتی همان نسخه‌هایی که با لطایف‌الحیل نوشته و اجرا می‌شوند هم در نهایت شبیه مُسکن عمل می‌کنند که بعد از مدت کوتاهی دوباره بیماری از جای دیگری

ایران در حالی خود را برای ورود به سال ۱۴۰۲ آماده می‌کند که در سال ۱۴۰۱ تحولات گسترده‌ای در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی رخ داده است. تحولاتی که جنس و ماهیت آنها با آنچه در سال‌های گذشته و حتی در دهه‌های گذشته تجربه کردیم، متفاوت است. بی‌شک بخشی از این تحولات ماهیت خارجی با محوریت تحریم‌ها دارد و بخشی هم تغییر و تحولات بین‌نسلی است.

هنوز نمی‌توان به طور قطع با متر و مقیاس‌های موجود جنس این تحولات را اندازه‌گیری کرد، اما قدرمسلم آنکه برخی از این تحولات قابل پیش‌بینی بوده و می‌توانست مدیریت شود که نشد؛ مانند آنچه بعد از حوادث شهریور ۱۴۰۱ و به دنبال مرگ مهسا امینی اتفاق افتاد. در واقع، اعتراض‌هایی که پس از آن انجام شد، مطالبات انباشته‌شده نسلی بود که نادیده گرفته شد و در سیاست‌گذاری‌ها و تصمیم‌گیری‌ها مورد توجه قرار نگرفت. از سویی شکاف بین‌نسلی بین حاکمیت در قدرت و نسل جدید چه به لحاظ سنی و چه به لحاظ نوع نگاه به دنیا تفاوت‌های وسیعی وجود دارد که اتفاقاً چون این تفاوت‌ها دیده نشده، تبدیل به مطالبات انباشته شده است.

چهار دهه قبل و همزمان با پیروزی انقلاب اسلامی، نسلی که اداره کشور را در دست گرفت، جوانانی بودند که با نسل‌های بعد از خود یعنی متولدین دهه ۶۰ و میانه ۷۰ به لحاظ فکری نزدیکی و قربایت داشتند؛ اما به تدریج که آنها وارد میانسالی و سپس دوران پیری شدند، نسل تازه‌نفس و جوان وارد عرصه شد که نوع نگاهشان به زندگی با آنچه مدیران و حاکمان میانسال و پیر می‌اندیشند، متفاوت است. همین موضوع عامل شکاف نسلی و سرریز شدن مطالبات انباشته‌شده شد که در شش ماه گذشته حاکمیت را به دردمس انداخته است.

جامعه‌شناسان این پدیده را تغییر و تحولات ناگزیر می‌دانند؛ تحولاتی که با حرکت جامعه جهانی پیش می‌رود



# برهم زدن آرامش مردم

یادداشت



سیدابراهیم ریسی با مشورت حلقه اول یارانش تصمیم گرفت نخستین پیام نوروزی خود در مقام ریاست جمهوری را در شهر خرمشهر و در مسجد جامع این شهر از صفحه تلویزیون برای شهروندان بفرستد تا نشان دهد با حسن روحانی تفاوت دارد و او رییس یک دولت انقلابی است. با این همه او نتوانست بر جبر شغلی تاریخی خود استیلا یابد و با کسانی که سخنان او را گوش می کردند پیوند ژرفی برقرار کند. نگاه ماتش نشان می داد او کسی نیست که با مردم سخن گفته باشد و سخنانش که بیشتر به رجز خوانی شباهت داشت و خنده های ریزی که به اجبار می خواست لب هایش را باز و چهره اش را صمیمی نشان دهد نیز بر دل ها نشست. شهروندان ایرانی، آگاهان سیاسی و نیز فعالان اقتصادی هنگامی که شنیدند او همان حرف های انقلابیون را بر زبان می آورد و با گرمی از دور زدن تحریم ها و شکست تحریم با تجهیز قوای داخلی می گوید، فهمیدند سال ۱۴۰۱ در سیاست خارجی دگرگونی بنیادینی رخ نخواهد داد. سیدابراهیم ریسی درباره اقتصاد نیز طوری صحبت کرد که امیدواری تازه ای پدیدار نشد و شهروندان فهمیدند سال ۱۴۰۱ با دست فرمان ریسی دولت سیزدهم سالی نیست که آسایش اقتصادی و آرامش ذهنی برای آنها ایجاد شود. گزارش زیر کوشش می کند برخی رخدادهای و تحولات با اهمیت سال ۱۴۰۱ را با محور فعالیت های دولت سیزدهم و نقد رفتار و گفتار دولت برای خوانندگان ارجمند توضیح دهد.

## خوشبختی و بدبختی

ایرانیان همانند همه شهروندان جهان در هر سرزمینی آرزو دارند خوشبخت باشند و شاد و عادی زندگی کنند و از بدبختی و رنج دور باشند. ایرانیان اما شوربختانه دهه های پرشماری است در گیر تنگناها و گرفتاری هایی شده اند که می شد نباشند، اگر در ایران بنگاه های نظرسنجی خصوصی وجود داشت و نتایج آن نیز اعلام می شد شاید راحت تر می شد سر درآورد ایرانیان در سال ۱۴۰۱ بیشتر احساس خوشبختی داشته اند یا بدبختی. اما این موسسه ها وجود ندارند و نمی شود بدون این نظرسنجی های مستقل پاسخی راستین برای آن پرسش پیدا کرد. کاش می شد ارزیابی دقیقی از این مساله داشت و به دولت یادآور شد شهروندان از برآیند فعالیت های آنها احساس خوشبختی دارند یا نه. واقعیت این است که چنین راستی آزمایی وجود ندارد. اما یک پژوهش انجام شده از مدیران عامل ۳۰۰ شرکت در ایران نشان می دهد بیش از نیمی از آنها با استرس

زندگی کرده اند و بیش از ۸۰ درصد گفته اند بی ثباتی سیاسی مهم ترین دغدغه آنها برای اداره شرکت خود بوده است.

## شاخص اعتماد

در دهه های تازه مسیری شده شاخص اعتماد به دولت یکی از مهم ترین شاخص ها برای ارزیابی کارنامه این نهاد و نیز شخص رییس دولت به حساب می آید و چیزی است که با نکته سنجی های موسسه های نظرسنجی و نیز همراهی جامعه شناسان و روانشناسان اجتماعی با زیرمجموعه های بسیار در دینف شاخص بسیار با اهمیت قرار گرفته است. در حالی که در ایران نمی توان با قطعیت و بدون لکنت زبان در این باره از شهروندان و گروه های گوناگون پرسید که میزان اعتماد آنها به دولت در طول سال اضافه شده یا کاهش داشته است. در این باره باید به سخنان گروه های اجتماعی و گفتار آنها و نیز برخی رخدادهای اشاره کرد. به طور مثال در حالی که رییس جمهوری در زمان مبارزه انتخاباتی دولت روحانی را مسخره می کرد که دلار را مهار نکرده و می گفت قیمت تخم مرغ، مرغ و پیاز چه ربطی به قیمت دلار دارد و وعده می داد پول ایران را در برابر دلار نیرومند می کند، اما همه می بینیم برعکس شده و در عمل قیمت دلار بیشتر شده است. افزایش درجه بی اعتمادی به دولت سیزدهم حتی در سخنان برخی مدیران ارشد سیاسی و اقتصادی و فرهنگی نیز دیده می شود و آنها ترسی از این ندارند که بگویند بی اعتمادی در جامعه نسبت به کارآمدی دولت افزایش یافته است.

## شاخص واگرایی با همگرایی

یکی دیگر از شاخص های مهم درباره ارزیابی کارنامه کامیابی یا ناکامی دولت این است که دولت در یک سال از زمامداری خود نتوانسته در جامعه همگرایی پدیدار سازد یا به واگرایی و تکه تکه کردن جامعه دامن زده است. برای ارزیابی این شاخص نیز می توان به جزئیات پرداخت. به طور مثال می توان یک عکسبرداری یا فیلمبرداری از جامعه داشت و آن را با همان صحنه در پایان سال مقایسه کرد. آیا دولت نتوانسته است میان موافقان و مخالفان خود پل و پیوندی برقرار کند که یکدیگر را بفهمند؟ اگر رسانه های مخالف و موافق دولت از نمایندگان ایرانیان بدانیم، می بینیم که وضعیت بدتر شده است. آیا دولت در سال ۱۴۰۱ نتوانسته با روشنفکران، هنرمندان، ورزشکاران، استادان دانشگاه ها، فعالان صنعتی و بازرگانی بخش خصوصی همگرایی بیشتری داشته باشد؟ به نظر نمی رسد چنین باشد و دولت و بخشی از دولت در این بخش واگرا تر شده اند. در میان شهروندان نیز شوربختانه به دلیل نرخ شتابان تورم واگرایی بیشتر شده است. بازرگانان و خرده فروشان نزد افکار عمومی افرادی فرصت طلب شناسایی شده اند که در سال ۱۴۰۱ تنها به سود خود اندیشیده اند. پیوندهای آموزگاران با والدین دانش آموزان بدتر شده است و مناسبات پولی بر مناسبات انسانی ارجح است.

## مناسبات خارجی

حالا دیگر همه ایرانیان در هر شغل و هر موقعیت اجتماعی نیک می دانند یک کشور بدون دوستی با دیگر کشورها و به ویژه بدون دوستی با بخش برتر

جهان نمی تواند چرخ اقتصاد را بچرخاند و زندگی عادی شهروندان را در سطح بالاتری نگه دارد. واقعیت این است که ایران ویژگی برجسته اش اتفاقاً این است که باید با بخش مهمی از جهان مناسبات سیاسی پایدار و رو به رشدی داشته باشد تا بتواند از سرمایه های بین المللی برای برطرف کردن نیازهای ارزی استفاده کند. علاوه بر این، ایران نیاز دارد مهم ترین کالای بین المللی خود یعنی نفت را به جهانی که نیازمند آن است بفروشد یا برای منابع گاز خود سرمایه بیرون کند تا بتواند آنها را از دل دریاها و صحراها بیرون کشیده و به جهان بفروشد. علاوه بر این ایران نیاز دارد با همسایه های بلافصل خود و نیز با کشورهای منطقه مناسبات دوستانه مستحکمی داشته باشد تا بتواند با آسودگی تجارت کند. اگر با این شاخص به کارنامه دولت سیزدهم نگاه کنیم کامیابی ویژه ای نمی بینیم و سهم ناکامی ها بیشتر بوده و هست. مناسبات ایران با آمریکا در شروع سال ۱۴۰۱ بد بود، ولی امید وجود داشت از مسیر گفت و گوهای برجامی به نقطه مناسبی برسد. ایران در دوره وزارت محمدجواد ظریف توانسته بود با هر ترفندی اروپا را دور از آمریکا نگه دارد اما اکنون کشوری مثل آلمان با ایران از در خصومت درآمده است و مناسبات با دیگر کشورهای بزرگ اتحادیه اروپا بدتر شده است. در سال ۱۴۰۱ ایران نتوانست با عربستان به آشتی برسد و مناسباتش با آذربایجان و ترکیه نیز نامناسب تر شده است.

مهم تر از همه و تاسف آورتر اینکه دولت نتوانست افکار عمومی جهان را در برابر تبلیغات منفی رسانه های خارج از کشور با خود همراه سازد. دولت های پرشماری با استفاده از تبلیغات منفی، با ایران مناسبات دوستانه ندارند. به عبارت دیگر ایران موفقیت مناسبی در جهان و به ویژه در میان دولت های موجود ندارد.

## شرق گرایی افراطی

هنگامی که درباره مناسبات خارجی ایران می نویسیم نمی توانیم درباره نزدیکی ایران به شرق یعنی روسیه و چین به مثابه دو کشور غول پیکر نظامی و سیاسی با نظام سیاسی بسته چیزی ننویسیم. واقعیت این است که دولت ریسی با توجه به انزوای نسبی در جهان به ویژه انزوایی که از اردوگاه غرب با آن مواجه بود، راهی نداشت که به دامن روسیه و چین بیفتد. شوربختانه ایران درباره روسیه روی اسب بازنده یا در بهترین حالت اسبی که دیگر جوان و نیرومند نمی شود شرط بسته است. دوستی افراطی ایران با روسیه کار را به جایی رسانده که افکار عمومی جهان را به این سو کشانده که نظام سیاسی ایران در جنگ اوکراین با روسیه همکاری تنگاتنگ دارد و این بسیار به زبان ایرانیان شده است.

از سوی دیگر ایران برای اینکه بتواند درآمد ارزی از صادرات نفت خام داشته باشد همه تخم مرغ های صادرات نفت و پتروشیمی را در سبد چین گذاشته است، اما متأسفانه با همه تلاش های ایران حجم دادوستد ایران و چین به ۲۰ میلیارد دلار می رسد که بخش عمده ای از آن نیز صادرات نفت خام ارزان ایران به چین و واردات کالا از این کشور به صورت اجباری است.



## ■ دو رخداد بزرگ ۱۴۰۱ و نمره رفوزگی

مناسبات میان دولت حاکم با شهروندان ایرانی همان طور که گفته شد چندان همگرا نبوده است. این ناهمگرایی را می توان در دو رخداد بزرگ سال ۱۴۰۱ در پاییز و زمستان ۱۴۰۱ به خوبی دید. در آخرین روزهای تابستان ۱۴۰۱ و در حالی که رئیس جمهوری در مبارزات انتخاباتی وعده داده بود مساله حجاب را به بهترین شکل حل کند، یکی از سازمان های زیرمجموعه دولت نتوانست مدیریت خوبی در برخورد با دختری به نام مهسا امینی داشته باشد و دولت به جای مدیریت کارآمد این رخداد با شهروندان در موقعیتی متضاد قرار گرفت. این مساله می توانست با مدیریت کارآمد دولت حل شود ولی به یکی از پیچیده ترین رخداد های سیاسی در تاریخ معاصر ایران تبدیل شد و موجی از هیجان و عصیان به ویژه در میان جوانان ایرانی فراهم کرد. اکنون بسیاری از مقام های دولتی باور دارند که سال ۱۴۰۱ به دوره پیش و پس از مهسا تقسیم شده است. از سوی دیگر در زمستان امسال بود که معلوم شد یک گروه سازمان یافته ناشناس سومی سازی مدارس دخترانه را در دستور کار قرار داده است و این واقعه دهشتناک در اسفندماه اوج گرفت و دولت نیز نتوانست در این باره مدیریت کارآمدی داشته باشد.

## ■ زیرساخت های حیاتی

واقعیات تلخ این است که در دهه ۱۳۹۰ و پس از اعمال تحریم ها در اوایل و اواخر دهه یادشده از سوی آمریکا و غرب درآمدهای ارزی ایران روندی کاهنده به خود گرفت. با کاهش درآمدهای ارزی ایران و دولتی که برای اداره کشور نیازمند این ارزها بود، نخستین جایی که در کانون بی تفاوتی قرار گرفت هزینه های عمرانی برای ساخت زیرساخت ها و نیز تامین سرمایه برای جلوگیری از فرسودگی آنها بود. این گونه است که در زمستان ناگزیر به قطع گاز بنگاه های تولیدی و در تابستان شاهد قطع برق صنایع و خانه ها هستیم. دولت سیزدهم نتوانست در این باره اتفاق مثبتی را رقم بزند و دست کم از کشورهایی که دم از اتحاد استراتژیک با آنها می زد نیز کمک بگیرد. پیامدهای سرمایه گذاری نکردن در زیرساخت ها در سال های آینده برای ایرانیان در دسرهای بزرگ درست خواهد کرد.

## ■ بازار ارز

حالا دیگر همه ایرانیان می دانند برای اینکه درآمد و پس انداز خود را در برابر سیل تورم بی مهار صیانت کنند، بهترین راه این است که ریال خود را تبدیل به دلار کنند. به همین دلیل است که گفته می شود نزدیک به ۱۵ میلیارد دلار آمریکایی در خانه میلیون ها ایرانی قفل شده است. حالا دیگر ریپسی نیک می داند چرا مرغ و تخم مرغ به قیمت دلار بستگی تمام عیار دارد و خوب می داند که برای تولید کافی مرغ، تخم مرغ، لبنیات و گوشت قرمز باید سالانه دست کم ۱۰ میلیارد دلار برای واردات نهاده های دام و طیور داشته باشیم. در غیر این صورت شاهد افزایش قیمت مواد غذایی خواهیم بود. مدیریت بازار ارز در سال ۱۴۰۱ از سوی دولت ریپسی یکی از بدترین مدیریت ها در سال های پس از جنگ بوده و هست. دولت ریپسی با انتصاب فردی معمولی و فاقد دانش و تخصص کافی برای ریاست بانک مرکزی و اداره بازار ارز شرایط را از تعادل نیم بند دوره دولت روحانی خارج کرد. قیمت هر دلار در سال ۱۴۰۱ با شتابی شگفت انگیز روند فزاینده ای را تجربه کرد و قیمت هر دلار برای روزهای کوتاهی به ۶۰ هزار

تومان رسید و پول ایرانی را یکی از بی ارزش ترین پول های جهان کرد. برهم خوردن تعادل در بازار ارز پیامدهای دهشتناکی بر سطح رفاه خانواده ها و نیز بر رفتار تولید کنندگان برجای گذاشته و هنوز نیز ادامه دارد. به طور مثال از اول اسفندماه ۱۴۰۱ بسیاری از توزیع کنندگان کالاهای صنعتی وارداتی یا تولید داخل دیگر کالا نمی فروشند و منتظرند چشم انداز بازار ارز بیشتر روشن شود. دلیل نفروختن این است که احتمال می دهند در سال آینده قیمت ارزهای معتبر در بازار ارز ایران باز هم شتاب بگیرد. بانک مرکزی ایران در یک تصمیم عجیب و با آمدن رییس جدید بانک مرکزی و اعلام اینکه دلار برای دو سال در قیمت ۲۸۵۰۰۰ ریال تثبیت می شود بر تقاضای ارز افزود و نیز بازار را به التهاب کشاند و سپس گفت نزدیک به ۶ میلیارد دلار به قیمت هر دلار معادل ۲۸۵۰۰۰ ریال بین مردم و برای واردات توزیع شده که معلوم نیست نصیب چه افراد و نهادهایی شده است.

## ■ سرمایه گذاری

دهه ۱۴۰۱، دهه یخبندان سرمایه گذاری در ایران بود. دولت سیزدهم تصور می کرد با رفتن دولت روحانی و بر سر کار آمدن دولتی تازه به ریاست سیدابراهیم ریپسی این یخبندان تمام شده و سیل سرمایه ها به ایران سرازیر می شود. واقعیت این است که راه های ورود سرمایه از محل پس انداز ایرانیان، هزینه های این دولت و نیز از مسیر سرمایه گذاری مستقیم خارجی در سال ۱۴۰۱ مسدود شد. سرمایه گذاران بین المللی به دلیل ادامه اعمال تحریم های ایران از سوی آمریکا، به ایران نیامدند. راه های تامین سرمایه از مسیرهای بوزانس و فاینانس نیز بسته تر شد و دولت با سختگیری برای تثبیت قیمت های انواع کالاها میل به سرمایه گذاری داخلی را هم کشت. شاید به همین دلیل است که هنوز رقم نرخ رشد سرمایه گذاری داخلی و خارجی به طور آشکار اعلام نشده است. کشوری که نتواند به اندازه استهلاک سرمایه سالانه سرمایه گذاری تازه کند، همه زیرساخت هایش فرسوده و رقابت پذیری اش کاهنده خواهد شد.

## ■ تورم

ایرانیان، از هر قشر و گروه و طبقه ای، حالا معنای قاتل بودن و کشنده بودن تورم رشد یافته را نیک می فهمند. در حالی که نرخ تورم سالانه به طور میانگین قبل از تحریم ها در سال ۱۳۹۷، ۲۵ درصد بود اما پس از ۱۳۹۷ میانگین نرخ تورم در مرز ۴۰ درصد ایستاده است که همین افزایش به تنهایی سه برابر میانگین نرخ تورم جهانی به حساب می آید. دولت ریپسی به مردم وعده داده بود نرخ تورم را کاهش می دهد و دغدغه شهروندان را در این باره کمتر می کند، اما در عمل نه تنها چنین اتفاقی نیفتاد بلکه روند فزاینده ای را تجربه کرده ایم. نرخ تورم مواد غذایی برای گروه های کم درآمد کمر شکن بوده و هست. افزایش قیمت مواد غذایی مثل برنج، گوشت قرمز، گوشت مرغ و روغن نباتی و... در سال ۱۴۰۱ ایرانیان را به خشکی راند. آسایش ذهنی و روانی شهروندان و نیز آرامش مادی آنها به دلیل تناقض در وعده های دولت برای مهار تورم به هم ریخته است. ناراضیاتی شهروندان از ناتوانی دولت در مهار تورم یکی از نقاط تاریک کارنامه دولت بوده و هست. رشد فزاینده تورم نسبت قیمت ها را بر هم زده و به تهیدستی گروه های گوناگون دامن زده است و رشد فقر و نابرابری اکنون به وضوح دیده می شود. دولت سیزدهم در این باره تنها وعده داد

و با دادن یارانه ناچیز به شهروندان که مثل برف در برابر خورشید سوزان تورم آب شد، بسنده کرد و هیچ گونه راه حل علمی - کارشناسی برای بهبود وضعیت تورم پیدا نکرد.

## ■ بودجه بندی

اقتصاددانان باور دارند ماهیت و شکل بودجه ریزی هر دولت نشان از کارآمدی و ناکارآمدی آن دولت دارد. به میزانی که بودجه سالانه فاقد تعادل و توازن در بخش های اصلی یعنی منابع و مصارف به طور واقعی باشد باید منتظر ماند جامعه به آشوب کشیده شود. آشوب بودجه ای چیزی نیست که دولت بخواهد آن را بردوش دولت پیشین یا کشورهای خارجی بیندازد و از خود سلب مسؤلیت کند. دولت های مدرن به دلیل نظارت شهروندان، دولت در سایه و رسانه های نیرومند نمی توانند هر جور و به هر میزان که بخواهند به فرد و نهادی که به آنها نزدیک سیاسی دارند، پول بدهد و نیز نمی تواند از هر گروه و قشری هر چقدر خواست مالیات اخذ کند. دولت سیزدهم با وجود شعارهایی که درباره نظم جدید در بودجه ریزی داد در عمل ضعیف تر از هر دولت دیگری عمل کرد. دولت سیزدهم با بیش برآورد کردن منابع درآمدی و نیز حساب باز کردن روی منابع ناپایدار درآمدی، کسری بودجه های هنگفت به بار آورده و برای تامین کسری بودجه به منابع بانک مرکزی دست یازیده که نتیجه آن نرخ بی مهار تورم است. بودجه بندی دولت سیزدهم به دلیل استفاده نکردن از همه دانش موجود در این باره به گمراهی رسیده است.

## ■ مولدسازی یا فروش دارایی مردم

دولت سیزدهم هنگامی که دید با درآمدهای عادی نمی تواند شفاف درآمد - هزینه در بودجه را پر کند، به این فکر افتاد که دارایی تاریخی ایرانیان را که به شکل های گوناگون درآمده اند، به فروش برساند. دولت براساس یک تصمیم اعلام نشده یک کمیسیون تاسیس کرد و این کمیسیون به ریاست معاون اول مدیریت اجرایی وزیر اقتصاد چندین نشست مخفی برگزار کردند و نتیجه گرفتند می توان با فروش دارایی های مردم هزاران میلیارد تومان پول بادآورده به دست آوردند. داستان مولدسازی یکی از عجیب ترین داستانهای اقتصادی در دولت سیدابراهیم ریپسی است که البته هنوز بخش عمده ای از آن ناپیوسته است.

## ■ سخن آخر

کارنامه دولت سیزدهم در بخش سیاسی و اقتصادی که به طور خلاصه به آنها اشاره شد، نشان می دهد که این دولت کشتی آسایش مادی و آرامش فکری ایرانیان را به سوی خشکی رانده است و اگر با همین دست فرمان جلو برود و نهاد یا نیرویی جلوی آن را نگیرد، رسیدن به خشکی کامل دور از دسترس نیست. دولت سیزدهم با توهم زاده شد و با توهم نیز بیش از ۱۸ ماه را از دست داده و چاره ای برای عبور دادن ایران از فاجعه های اقتصادی نیافته است. دولت سیزدهم فاقد عناصر ورزیده سیاسی و نیز فاقد کادر نیرومند در بخش اقتصادی است و فرماندهان اقتصادی این دولت آموزش کافی ندیده و تجربه لازم را نیز ندارند. شوربختانه رییس دولت نیز نشان داده که فاقد مهارت در انجام حکمرانی اقتصادی است و نمی تواند اولویت های اقتصادی را بیابد و همچنین فاقد برنامه و اندیشه اقتصادی برای بیرون کشیدن اقتصاد از چاله ها است. سخن آخر توصیه ای است به رییس دولت سیزدهم و آن تجدیدنظر بنیادین در اندیشه سیاسی او برای بهتر اداره کردن اقتصاد کشور است.





در سال جاری تعداد زیادی از سرمایه‌گذاران و مدیران متخصص و توانمند کشور مسیر خروج از وطن خودشان را در پیش گرفتند و ترجیح دادند بیش از این شاهد آزمون و خطاهای متعدد دولت و حرکت بر مسیر اشتباه نباشند.

اما مردم و به طور کلی طبقات محروم در کشور که اتفاقاً این روزها هیچ اعتمادی به دولت ندارند، سیاست‌های دولتمردان و مدیران را زیر نظر گرفته‌اند و منتظر کوچک‌ترین اشتباهی هستند تا واکنش نشان دهند. در واقع مردمی که طی سال‌های گذشته انواع و اقسام درد و رنج‌ها و فشارهای اقتصادی را به جان خریدند، امسال نشان دادند که دیگر تاب و تحملی برای روبرویی با نتایج خطاهای دولتمردان را ندارند. این در حالی است که اگر دولت بدون توجه به تأکيدات مقام معظم رهبری مبنی بر بها دادن به بخش خصوصی همچنان مسیر اشتباه دولت‌های گذشته را طی کند و برای ایفای نقش بخش خصوصی در اقتصاد راه را باز نگذارد، گویی کارت دعوتی را برای حضور مردم کف خیابان‌ها صادر کرده است؛ چرا که اکنون دیگر سفره‌ای برای مردم نمانده و منتظر تغییرات ویژه در حوزه سیاستگذاری‌ها هستند.

اما در همین حین بیاناتی از سوی مقام معظم رهبری در جمع کارآفرینان و تولیدکنندگان کشور مطرح شد که برای فعالان بخش خصوصی و صنعتگران دردکشیده جای بسی خوشحالی داشت. آن هم چیزی نبود جز اذعان رهبری به اشتباهات دولت‌های گذشته مبنی بر دخالت‌های بیش از اندازه در اقتصاد و به حاشیه راندن بخش خصوصی. البته این برای اولین بار نبود که رهبری با تأکید بر اصل ۴۴ قانون اساسی، بر افزایش همکاری دولت با بخش خصوصی تأکید کردند اما از آنجا که همچنان بیش از ۸۰ درصد اقتصاد در اختیار دولت قرار دارد، تأکید مجدد بر این مساله آن هم از سوی بالاترین مقام سیاسی کشور این امید را در بین فعالان اقتصادی کاربرد و متخصص ایجاد کرد که از این پس نحوه تعامل دولت با بخش خصوصی تغییر کند.

هرچند در این میان برخی کارشناسان و تحلیلگران اقتصادی اعلام کردند که دولت اگر چه در شعارهای تبلیغاتی، بخش خصوصی را همراه خود می‌داند اما در واقعیت حاضر نیست به این بخش اعتماد کند و حتی در بسیاری از امور اقتصادی به رقابت با این بخش می‌پردازد. به همین دلیل

قربانیان افزایش افسار گسیخته نرخ تورم اگر چه بخش بزرگی از جمعیت کشور هستند اما منتفعین تحریم و نابسامانی‌های اقتصادی که تعداد آنها هم زیاد نیست، از افزایش هر چه بیشتر تورم استقبال می‌کنند و اجازه نمی‌دهند سیاستگذاری‌ها بر اساس منافع ملی و حداکثری دنبال شود. این در حالی است که اگر دولت سیزدهم ظرفیت کارشناسی و تجربی مورد نیاز برای مدیریت اقتصاد بحران زده ایران را داشت و در این حوزه از نظرات بخش خصوصی به درستی بهره‌مند می‌شد، این امکان وجود داشت که جلوی افزایش نرخ ارز و سقوط بیشتر ارزش ریال را گرفت. اما متأسفانه نگاهی به عملکرد سال جاری دولتمردان نشان می‌دهد که نه تنها در زمینه تکنرخی شدن ارز و کاهش نرخ تورم موفقیتی حاصل نشده بلکه سطح ناکارآمدی‌ها و ناتوانی در تصمیم‌گیری‌ها به جایی رسیده که دلار رکورد شکسته و به دنبال آن، وضعیت رفاهی و معیشتی مردم سقوط قابل توجهی را تجربه کرده است.

در این بین صنایع کشور نیز که از اوایل سال جاری با چالش کمبود نقدینگی و افزایش هزینه‌های جانبی تولید دست و پنجه نرم می‌کردند، با تحولات جدیدی طی ماه‌های اخیر روبرو شدند به طوری که حتی کالاهایی که با هزار زحمت و هزینه‌های بالا تولید کردند، به دلیل کاهش قدرت خرید مصرف‌کننده روی دست آنها ماند و بازار داخلی و خارجی بسیاری از اهالی صنعت روز به روز کوچک‌تر شد. از طرفی افزایش قیمت کالاهای متناسب با افزایش نرخ ارز از سوی برخی فروشندگان، بازار کالاهای مختلف حتی حداقلی‌ترین نیازهای مردم را تحت تأثیر قرار داد، به طوری که در سال جاری تمامی بازارهای کشور افزایش قیمت را تجربه کردند.

در واقع به نظر می‌رسد کنترل بازارها از دست دولتی که تصور می‌کند با روش‌های اشتباهی مثل قیمت‌گذاری دستوری در حال کنترل همه اقتصاد است، خارج شده به طوری که گرانی کمر مردم را شکست و علاوه بر اینکه منجر به سقوط بخش قابل توجهی از قشر متوسط کشور به زیر خط فقر شد، در شهرهای گوناگون شاهد تجمعات جامعه کارگران و بازنشستگان که جزو اقشار ضعیف جامعه هستند نیز بودیم. با این حال اما خم به ابروی دولت نیامد و به هیچ یک از اعلام آمادگی‌های تشکلهای بخش خصوصی برای کمک به بازار، توجهی نشان نداد.





## چگونه رفاه از زندگی مردم دور شد؟



مجید سلیمی بروجنی \*

در همه جای دنیا عرف این است که دولت‌ها مسوولیت تامین رفاه مردم را برعهده می‌گیرند. مسوولیتی سنگین که برخی دولت‌ها با وجود میل باطنی شان، کم و زیاد آن را اجرایی کرده‌اند. نگاهی به عملکرد دولت‌ها در اکثر نقاط دنیا به ما نشان خواهد داد که در این حوزه همه راه‌ها به دولت‌ها ختم شده است. در جوامع در حال توسعه، دولت‌ها مسوولیت‌های بیشتری در حوزه رفاه دارند و مردم نیز از آنها انتظار ارتقای سطح رفاه عمومی زندگی شان را داشته‌اند. طی چند سال اخیر و با گسترش نفوذ شبکه‌های اجتماعی در جهان، مردمان کشورهای توسعه یافته، رفاه و توسعه شهروندان جوامع توسعه یافته را دیدند و آن را به مطالبه‌های سیاسی از حاکمان شان تبدیل کردند.

در کشور ما از دوران محمود احمدی‌نژاد تحریم‌های بین‌المللی موجب تحمیل بحران سنگین اقتصادی به پیکره اقتصاد شده است. بحران اقتصادی نه تنها مانع افزایش استانداردهای زندگی مردم ایران از آن زمان به بعد شده، بلکه تقریباً نتایج یک دهه پیشرفت در این زمینه را به طور کامل محو کرده است. همانند بحران‌های اقتصادی ناشی از شوک‌های بزرگ صنفی اقتصاد کلان، تردیدی وجود ندارد که تحریم‌ها با کاهش صادرات نفت و جلوگیری از تجارت خارجی ایران، ضربه جدی به اقتصاد این کشور و سطح زندگی مردم عادی آن وارد کرده است. تحریم‌های آمریکا در حکم یک شوک منفی بزرگ به اقتصاد ایران، به طور طبیعی ساده‌ترین استانداردهای زندگی افراد عادی ایران را تحت تاثیر قرار داده است.

ساده‌ترین استاندارد زندگی، از تولید ناخالص داخلی سرانه و همچنین معیارهای مبتنی بر پیمایش مصرف خانوارها متاثر شده و در یک بازه زمانی کوتاه بین سال‌های ۲۰۱۶ تا ۲۰۱۸ که تحریم‌ها کاهش یافتند تا سال ۲۰۱۸ که دوباره به ایران تحمیل شدند، اقتصاد ایران از رشد ۱۳ درصدی تولید ناخالص داخلی به منفی شش درصد رسید. به نظر می‌رسد اقتصاد مقاومتی مدنظر حاکمیت، تلاش برای خودکفایی بیشتر، تحریم واردات و... به دولت کمک کرده تا به زانو در نیاید اما برای مردم - به جز نخبگان دولتی - روزگار بهتری را رقم نزنده است. برای بخش بزرگی از جامعه، رفاه رو به زوال است و نااطمینانی بر تمام حوزه‌ها سایه افکنده. در حالی که دولت هیچ عجله

و تلاشی برای مصالحه با جهان ندارد، مردمی که در یک دهه گذشته، گوشت و لبنیات و حالا حتی میوه را از سفره خود حذف کرده‌اند و عمرشان در جستجوی کار و خرید خانه و خودرو، به تعویق انداختن ازدواج و فرزندآوری سپری شده، رنج ناشی از تحریم‌ها را تحمل می‌کنند.

برای آنکه بدانیم تحریم‌ها با رفاه و کیفیت زندگی مردم چه کرده‌اند، نیازی به عدد و رقم نیست و شاخص‌های کلان به قدر کافی گویاست. درآمد سرانه در پایان دهه ۹۰، یک سوم کمتر از سال ۹۰ بود. رشد سرمایه‌گذاری در این دهه روند نزولی طی کرد و حالا منفی شده است. تورم به مرز ۵۰ درصد رسیده و رشد پایه پولی هم دیگر همچون قطار ترمزبریده‌ای شده که هیچ چیز جلودارش نیست. در چند دهه گذشته هر زمان کشور درگیر بحران شده، سیاستمداران از مردم تقاضای کمک و همراهی کرده‌اند و مردم نیز بیشتر از توانشان به کمک آنها رفته‌اند. به طور نمونه در دوران مصدق اوراق قرضه دولت را خریدند یا در دهه ۶۰ با حضور در جنگ به بقای کشور کمک کردند و در آخر نیز در دهه اخیر به صورت مستقیم و غیرمستقیم صبر به خرج دادند و در حالی که سفره و جیب‌شان همواره کوچک‌تر و خالی‌تر شد، فشار تحریم‌ها را تحمل کردند و به نوعی پای سیاست‌های ضدغرب ایران ایستادند. اما امروز و در شرایطی که شاید ۸۰ درصد مردم با مشکلات سنگین اقتصادی دست‌وپنجه نرم می‌کنند، هنوز برنامه اقتصادی و رفاهی مشخصی از دولت دیده نمی‌شود.

وضعیت چنان رو به وخامت بود که در پنج، شش سال اخیر سرمایه‌گذاری انجام شده حتی جبران استهلاک سرمایه‌گذاری‌های قبلی را هم نکرده است. در حال حاضر روشن است که کشورمان یک فرصت طلایی ده ساله را از دست داده است. تردیدی نیست که اگر بخواهیم این عقب‌ماندگی را جبران کنیم باید از مسیر اصلاح سیاستگذاری‌ها پیش برویم. اقتصاد ایران ظرفیت‌های خیلی خوبی دارد؛ برای استفاده از آن بسیاری از سیاستگذاری‌ها را باید اصلاح و جراحی کرد. جبران گذشته تنها با اصلاحات اساسی امکان‌پذیر است. در یک

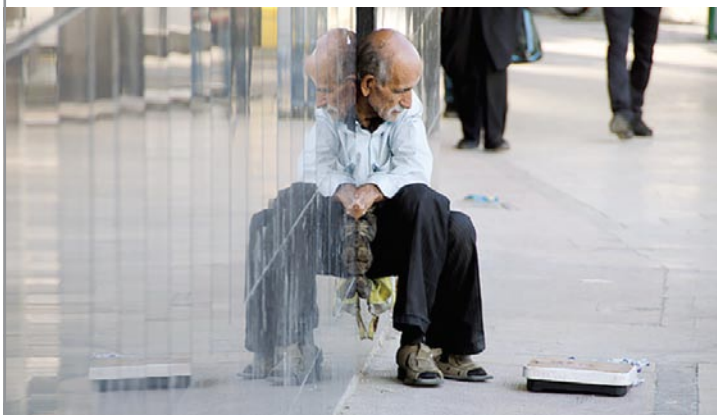
اقتصاد متعارف رشد اقتصادی و ایجاد رفاه با تجهیز پس‌اندازهای مردم و سرمایه‌گذاری آن در فعالیت‌های مولد انجام می‌شود. متأسفانه در اقتصاد ما به دلیل فضای نامناسب کسب‌وکار که متأثر از برخی رویکردها و واقعیت‌ها در حوزه‌های مختلف اجتماعی و اقتصادی است، مردم پس‌اندازهایشان را وارد فعالیت‌های غیرمولد همچون ارز و طلا و سکه حرکت می‌کنند.

جامعه مدنی انتظار داشت با حل مشکلات تحریم‌ها فضا به حالت عادی برگردد اما وقتی تحریم‌ها برطرف نشد، جامعه واکنش نشان داد. پس می‌توان گفت که بخشی از اعتراضات به تحولات اقتصادی و عدم چشم‌انداز روشن آینده برمی‌گردد. بخشی از مولفه‌هایی که مانع گردش پس‌اندازهای مردم در بخش‌های مولد اقتصادی می‌شود و در نتیجه دولت را وادار می‌کند که به سیاستگذاری اقتصادی به محوریت تولید ثروت و ارزش‌افزوده به محوریت مصرف منابع زیرزمینی و روزمینی و حتی قدرت خلق پول روی بیاورد، از مسائل مختلف اجتماعی است.

اعداد و ارقام صدای بلند می‌دارند؛ نه آن طور که پشت تریبون‌ها قرار گیرند و به لب و دهانی برای شعارهای بی‌اساس تبدیل شوند؛ بلکه صدای بلند تحلیل، شرایط موجود نمایانگر اوضاع روزهای آینده هستند. آمار و ارقام نه تنها شرایط اقتصادی را پیش‌بینی می‌کنند بلکه وقایع سیاسی و اجتماعی را هم پیش از وقوع می‌بینند و هشدار می‌دهند.

مفروضاتی همچون رشد بی‌رویه تورم، افزایش روزافزون رکود، عدم کنترل بازارهایی همچون خودرو و ارز از جمله مهم‌ترین پایه‌های اعتراضات اخیر بودند. هر کدام از این موارد به تنهایی می‌توانند آثار منفی بر حوزه‌های مختلف از جمله اقتصاد و اجتماع بگذارند. در حالی که شاخص رفاه همسایگانمان طی سال‌های اخیر رشد کرده، ایران زیر سایه سیاستگذاری‌های غلط و ناکارآمد، حداقل رفاه نسبی را از اکثر مردم دور کرده است. بر این اساس بهتر است که دولت صدای مردم را بشنود.

\* کارشناس اقتصادی





## سایه چالش‌ها و بحران‌های سیاسی بر اقتصاد



حامد پاک‌طینت \*

در سال‌های گذشته بنا به مقتضیات روز و شرایط اقتصادی، سیاسی و اجتماعی کشور، محوری‌ترین چالش هر سال در ابتدای همان سال مشخص می‌شد. یک سال پیش‌بینی می‌شد گرفتار بحران اقتصادی شویم، سال دیگر بحران بیکاری محوری چالشی سال را دربر می‌گرفت و سالی دیگر نیز بحران رکود در درجه اول اهمیت قرار می‌گرفت.

مجموعه بحران‌ها سال به سال اضافه شد و دامنه گسترده‌ای از تورم، رکود تورمی، بحران آب و خشکسالی، سرمایه‌های اجتماعی، صندوق‌های بازنشستگی، فرار سرمایه، بحران نقدینگی، سیاست خارجی، بحران هسته‌ای و سلامت را دربر گرفته است. دهه‌ها گذشت و هر سال بحران‌های جدید به بحران‌های سال‌های قبل پیوند خورد و اکنون ما مانده‌ایم و کلکسیون از چالش‌ها. تجمیع چالش‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و مدیریتی سالیان گذشته و ایجاد همبستگی بین آنها ما را به سمت بحران‌های بیشتر در سال آینده می‌کشاند.

برای ارزیابی عملکرد اقتصاد و اینکه بدانیم چه عواملی در حال هدایت اقتصاد به سمت فروپاشی هستند، کافی است نیم‌نگاهی به تحولات اقتصادی کشور در پایان سال ۱۴۰۱ بیندازیم. در ماه‌های منتهی به پایان سال، شاهد واگرایی شاخص‌های عملکردی اقتصاد و خارج شدن آنها از تناسب و محاسبه و همچنین عدم همخوانی آنها با معیارهای علمی بوده‌ایم. همه این علامت‌ها نشان‌دهنده خارج شدن اقتصاد از شرایط عادی است و بارزترین علامت این موضوع نیز درهم‌آمیختگی هم‌زمان بحران‌هاست.

اما تصویر اقتصادی که به سمت بحران حرکت می‌کند را چگونه می‌توان ترسیم کرد؟ با استناد به مباحث علمی و آکادمیک اقتصادی، در زمان فروپاشی اقتصادی رکود اقتصادی آنقدر عمیق و

سرعت افزایش قیمت‌ها آنقدر بالا می‌رود که امکان فروش و عرضه کالا از متولیان عرضه تولید و فروش سلب می‌شود. دلیل این مساله را نیز باید در سرعت بالای تغییر قیمت کالاها جست‌وجو کرد، به طوری که در زمان فروپاشی اقتصادی اقلام مصرفی هر لحظه با نرخ‌های جدیدی ظاهر می‌شوند و در نتیجه تولیدکننده و فروشنده قدرت قیمت‌گذاری درست بر اساس شرایط بازار را نخواهند داشت.

در همین حال، به دلیل عدم تمکن مالی جامعه و سقوط شدید قدرت خرید مردم، امکان خرید کالا از خریدار نیز سلب می‌شود. بنابراین زمانی که فروپاشی اقتصادی اتفاق می‌افتد هم امکان فروش کالا مختل می‌شود و هم امکان خرید آن. در این حالت کرکرها پایین کشیده می‌شود، جامعه با کمبود کالای مصرفی مواجه می‌شود و در یک کلام اقتصاد فلج شده و از کار می‌افتد. در چنین شرایطی ورشکستگی‌ها وسیع می‌شود، بیکاری بیداد کرده و ابرتورم در اقتصاد ظهور می‌کند. سرعت فروپاشی اقتصاد در کشورهای در حال توسعه که زیر فشار تحریم هم است و دولت توانی برای فروش نفت و درآمدزایی از محل مالیات (به دلیل رکود فراگیر و ورشکستگی واحدهای تولیدی) ندارد بیشتر خواهد بود و این یعنی مواجهه سریع‌تر با بحران‌ها.

در تصویری که مراجع علمی از یک اقتصاد در حال فروپاشی اقتصادی ارائه می‌دهند توان مردم برای خرید به حدی نزول می‌کند که حتی برای تامین مایحتاج اولیه زندگی خود به فروش دارایی‌ها و لوازم زندگی روی می‌آورند. این ناتوانی در ادامه به دولت نیز سرایت می‌کند، به طوری که تامین مالی خدمات عمومی، از تعمیر آسفالت کف خیابان گرفته تا خدمات بهداشتی و سلامت، دیگر ممکن نخواهد بود. اما آیا اقتصاد ایران در چنین ورطه‌ای افتاده است؟

پاسخ به این پرسش منفی است و اقتصاد ایران هنوز وارد مرحله فروپاشی نشده است. با این وجود و با توجه به سرعت بالای سقوط پول ملی (افزایش چند هزار تومانی قیمت دلار تنها ظرف چند روز در اسفند ماه) که به سرعت می‌تواند بر قیمت کالاها، از مواد اولیه کارخانجات تولیدی گرفته تا محصول

نهایی اثر بگذارد و آنها را مشمول افزایش قیمت کند نشانه‌ای از وضعیت خطرناک فروپاشی اقتصادی است.

با استناد به آموزه‌های علمی و آکادمیک اقتصادی، پیش‌بینی می‌شود که کسری بودجه دولت در سال آینده به ۷۰۰ هزار میلیارد تومان برسد که در این شرایط تورم ۶۰ درصدی به صورت قطعی در انتظار اقتصاد ایران خواهد بود. اگر سال آینده نیز با همین فرمان در زمینه سیاستگذاری اقتصادی پیش برویم، شرایط سیاسی کشور تغییر نکند و محدودیت‌های بین‌المللی نیز پابرجا باشد، تبعات تحریم و درگیری‌های خارجی نیز به تورم ۶۰ درصدی پیش‌بینی شده اضافه می‌شود که قابلیت محاسبه بر اساس معیارهای علم اقتصاد را ندارد.

اینجاست که پی می‌بریم عدد ۶۰ درصدی پیش‌بینی شده تنها یک عدد پایه‌ای برای شاخص تورمی به حساب می‌آید و در نتیجه امکان بروز تورم‌های سه‌رقمی در سایه چالش‌ها و بحران‌های سیاسی و فشارهای خارجی چندان دور از انتظار نخواهد بود. در این حالت باید منتظر تکرار رویه جهش قیمت دلار و سقوط ارزش ریال در دامنه‌های وسیع‌تر باشیم که آسیب‌های ناشی از آن کشور به همه بخش‌ها سرایت خواهد کرد. تجربه تاریخی کشورهایی که درگیر تورم‌های بالا هستند نیز نشان داده که عبور شاخص تورمی از یک محدوده مشخص آهنگ رشد قیمت‌ها را تندتر و سرعت پیشروی تورم به سمت چندرقمی شدن را چندبرابر می‌کند. از این زمان به بعد است که تغییر جهت‌گیری اقتصاد و سیاستگذاری برای به عقب راندن شاخص تورمی راه به جایی نمی‌برد.

در کنار همه مصائب و مشکلات یادشده، امیدی به تیم اقتصادی دولت سیزدهم برای پایان دادن به بحران‌های یادشده و عبور از دوران گذار اقتصادی نیست. بنابراین بحران مدیریت در کنار همه بحران‌های یادشده شرایط وخیمی را برای اقتصاد ایران رقم می‌زند. در این برهه حساس، تنها عاملی که می‌تواند سرعت سقوط اقتصادی را کاهش دهد حل تنش‌های سیاسی و بین‌المللی است و دیگر با فرمول‌های اقتصادی نمی‌توان جلوی بحران‌ها را گرفت.

\* اقتصاددان





مدیر برگزیده بخش خصوصی صنعت فولاد مطرح کرد

## همزمانی ناکارآمدی‌ها

مهندس محمودجید شیخزاده مدیر برگزیده بخش خصوصی صنعت فولاد که مدیریت شرکت فکور صنعت تهران را به عنوان یکی از شرکت‌های تاثیرگذار در رشد صنایع کشور به‌ویژه صنایع معدنی و فلزی در اختیار دارد، معتقد است سال ۱۴۰۱ سال همزمانی ناکارآمدی‌ها در بدنه مدیریتی کشور بود که به خصوص در حوزه صنعت و معدن کشور، مصادمات جبران‌ناپذیری را به کشور وارد کرد. در ادامه یادداشت تحلیلی مرد سال فولاد ایران را می‌خوانید.

معتقد هستم که در درون سیستمی که ناکارآمدی‌هایی وجود دارد می‌توان با مدیریت کارآمد و با بهرمندی از افراد متخصص و کارآمد، اصلاحاتی انجام داد و در برخی بخش‌ها جهش کرد؛ همان‌طور که در چند دهه اخیر موفقیت‌هایی در کشور داشتیم؛ در قسمت‌هایی که در این دهه‌ها افراد کارآمد سر کار آمدند و سیاستگذاری‌ها ریل‌گذاری‌های درستی را انجام دادند و تا حد خوبی به اهداف مورد نظر دست پیدا کردند. این موارد و موفقیت‌ها را نمی‌توان کتمان کرد اما باید این نکته را مد نظر داشت که بخش بسیار کمی از این موفقیت‌ها به سیستم مربوط بود، در حالی که بخش زیادی مرهون کارآمدی افراد بوده است. در کشورهای جهان سوم بسیاری از کارآمدی‌ها به کارآمدی افراد برمی‌گردد و نمونه‌های آن در جهان سوم بسیار فراوان است. از جمله آنها می‌توان به ماهاتیر محمد در مالزی و خانم ضیا بیگم خالده در سنگاپور اشاره کرد که با تعیین استراتژی‌های بسیار کلان و بلندمدت، نقش کلیدی در توسعه کشور ایفا کرده‌اند.

**تغذیه بخش معدن از موفقیت‌های قدیمی**  
در حوزه صنعت و معدن کشور که حوزه تخصصی کار ماست، طی سال‌ها در بخش بدنه مدیریتی شاکله نسبتاً خوبی شکل گرفته بود. می‌توانیم بگوییم بعد از دو دهه اول انقلاب، افرادی وارد این حوزه شدند و تجربه کسب کردند که سره را از ناسره تشخیص می‌دادند و به مرور روی تکنولوژی‌ها مسلط شدند و روش‌های توسعه و انتقال تکنولوژی را آموختند، به‌طوری‌که سیاستگذاری‌های خوبی برای چند برنام‌ه پنج‌ساله صورت گرفت و چشم‌اندازهای خوبی در حوزه‌هایی مثل فولاد از جمله هدف‌گذاری برای تولید ۵۵ میلیون تن فولاد تا سال ۱۴۰۴ شکل گرفت. از سوی دیگر در حوزه‌های صنعتی صنعتی چشم‌اندازهای خوبی شکل گرفت. اینها موفقیت‌هایی است که حاصل تجربه سنگینی بود و هنوز که هنوز است این بخش از این تجربه‌های موفق تغذیه می‌کند. شرکت‌های بزرگ خارجی در دهه‌های دوم و سوم انقلاب وارد کشور شدند و در کشور ما رسوب دانش فنی داشتند.

سپس شرکت‌های مهندسی و شرکت‌های مهندسیین مشاور شکل گرفتند و پروژه‌هایی به شکل EPC شکل گرفت تا قادر باشند این پروژه‌ها را اجرایی کنند و پروژه‌های

آن بخش برنام‌ه‌ریزی و سیاستگذاری می‌کند. ناکارآمدی سوم، ناکارآمدی فردی و مدیریتی است و به انتخاب‌های اشتباهی برمی‌گردد که انجام می‌شود. به این ترتیب ممکن است سیستمی کارآمد وجود داشته باشد که مجموعه حاکم بر آن نیز مجموعه کارآمدی هستند، اما یک فرد ناکارآمد را بالای سر آن سیستم بگذاریم که این فرد فاقد تخصص در حوزه مورد نظر و همچنین عدم شناخت و تجربه و تعهد است و به صورت فردی نمی‌تواند نقش مثبتی در آن سیستم کارآمد ایجاد کند. چه برسد به آنکه مجموعه‌ای ناکارآمد باشد و یک فرد ناکارآمد نیز در راس این مجموعه قرار داشته باشد.

**نقش کلیدی افراد در توسعه کشورهای جهان سوم**

در واقع در سال ۱۴۰۱ که همراه با چالش‌های بزرگی بود، این سه نوع ناکارآمدی خودشان را به نحو بسیار واضحی بروز دادند. علاوه بر ناکارآمدی سیستمی که این بار به شکل کامل بروز کرد، با ناکارآمدی مدیریتی در بخش‌هایی اعم از سیستم‌های قانونگذاری و عملکرد دوازده‌تخته‌ها در حوزه‌هایی مثل صنعت و معدن، حمل‌ونقل، آموزش و پرورش و روبرو بودیم. بالاتر از همه اینها ناکارآمدی فردی در این دوره بسیار شفاف بود. با انتخاب افرادی که هیچ‌گونه صلاحیت شخصی و فردی و همچنین تجربه و دانشی در حوزه خاص تحت مسوولیت خود نداشتند، ما به مشکلات زیادی برخوردیم. به عنوان مثال افرادی که حتی یک‌بار معدن را ندیده بودند، متولی بخش معدن کشور شدند و افرادی که یک اسکله را از نزدیک ندیده بودند، متولی بخش حمل‌ونقل کشور شدند. همچنین برخی افرادی که هیچ اطلاعاتی در حوزه پتروشیمی و سرمایه‌گذاری نداشتند، متولی پتروشیمی کشور شدند. بنابراین بدهی است که نتایج و خروجی عملکرد چنین افرادی که تیم ناآشنا به امور را نیز کنار خود دارند، قابل قبول نباشد و موفقیتی را در حوزه تحت مسوولیت خود رقم نزنند.

من در حوزه صنعت و معدن اعلام می‌کنم که ظهور و بروز این موضوع ناکارآمدی در چه جنبه‌هایی خود را نشان داده است.

حال این سوال مطرح می‌شود که آیا می‌شود در سیستمی ناکارآمد کار کرد و موفقیتی را رقم زد یا خیر.

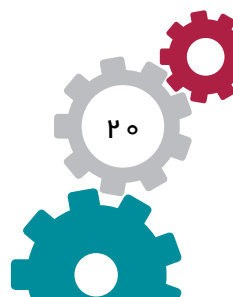
به شکل کلی سال ۱۴۰۱ را می‌توانیم سال چالش‌های بزرگ و متقابل سال همزمانی ناکارآمدی‌ها نامگذاری کنیم. در سال جاری تغییراتی که در ارتباط با جلیه‌جایی دولت اتفاق افتاده بود، ثبات نسبی پیدا کرد و در شرایطی قرار گرفتیم که علاوه بر عبور از گذشته‌ها و تمرکز بر عملکرد دولت‌های قبل، می‌توانستیم از دولت سیزدهم در ارتباط با عملکرد مدیران و وزیران کابینه انتظار پاسخگویی داشته باشیم. اگر چه همیشه گذشته‌ها با دولت‌های بعدی همراه است، ولی در برخی از حوزه‌ها گذشته‌ها قابل اتکا نیست و عملکرد دولت حاکم مد نظر و قابل ارزیابی است.

**انواع ناکارآمدی‌ها**  
برای بیان ناکارآمدی‌ها در ابتدا باید به چالش‌های بزرگی از جمله تشدید تحریم‌ها و عدم توافق با قدرت‌های بزرگ و همچنین بحران‌های داخلی، مسائل اجتماعی و اقتصادی و بحران‌های منطقه‌ای اشاره کرد که در سال جاری همچنان بر سر راه بودند. این در حالی است که برای چالش‌های بزرگ، آدم‌های بزرگ، سیستم‌های هوشمند و افراد کارآمد لازم است.

در حال حاضر ما می‌خواهیم بگوییم که در مقابل این چالش‌های بزرگ و برای مدیریت آنها، چگونه عمل کرده‌ایم. به صورت کلی می‌توانیم سه نوع ناکارآمدی را تبیین کنیم. نخست ناکارآمدی سیستمی و حاکمیتی است که چندان به دولت‌ها بستگی ندارد و مجموعه برآیند تمام دستگاه‌هایی است که در یک نظام حاکم نقش بازی می‌کنند و معدل خروجی این سیستم در واقع خیلی برآمده از عملکرد بخش‌های مختلف نیست؛ اگر چه آنها هم نقش دارند، ولی تابع تبدیل خروجی تابعی است از آن پلنینگ، سیاست‌ها و استراتژی‌های کلان و همچنین مدل اجرایی کالانی که بر دستگاه‌های مختلف قانونگذاری اجرایی و نظارتی حاکم است.

ناکارآمدی بعدی ناکارآمدی مدیریتی است و به تخصص و تعهد در آن حوزه مشخص و توانمندی برای مدیریت کار و بحران و سیاستگذاری و تعیین استراتژی برای بخش‌های خاص بستگی دارد که در حال حاضر بخش مورد نظر ما عمدتاً بخش صنعتی و معدنی کشور است. این ناکارآمدی مدیریتی می‌تواند ناشی از عدم داشتن دانش و تجربه و شناخت کافی باشد و همچنین سیستم مدیریتی که در

**ناکارآمدی فردی**  
در این دوره بسیار شفاف بود. با انتخاب افرادی که هیچ‌گونه صلاحیت شخصی و فردی و همچنین تجربه و دانشی در حوزه خاص تحت مسوولیت خود نداشتند، ما به مشکلات زیادی برخوردیم. به عنوان مثال افرادی که حتی یک‌بار معدن را ندیده بودند، متولی بخش معدن کشور شدند و افرادی که یک اسکله را از نزدیک ندیده بودند، متولی بخش حمل‌ونقل کشور شدند





بسیاری در کشور با موفقیت انجام شد. در واقع چرخ این حوزه نسبتاً راه افتاد. همچنین از جمله توسعه‌هایی که در این حوزه شکل گرفت و بسیار عالی بود، تشکیل NGها (سازمان‌های مردم‌نهاد) و تشکلهای بخش خصوصی از جمله انجمن فولاد، انجمن سنگ آهن، انجمن مس و... بود که این انجمن‌ها نقش خیلی خوبی در سیاستگذاری و تعامل با دستگاههای قانونگذار و دستگاههای اجرایی پیدا کرده بودند. اما متأسفانه در اواخر دولت دوازدهم که بیشتر دولتی سیاسی بود تا دولت اقتصادی و همچنین در دولت جدید و به طور کلی ۵ سال اخیر، با کنار رفتن مدیران تکنوکرات و توانمند و در واقع افرادی که تجربه ۴۰ ساله در این حوزه داشتند روبه‌رو بودیم که جای خود را به افرادی دادند که در این حوزه حضور و تجربه‌ای نداشتند و حتی از نزدیک شاهد رشد صنعتی نبودند. ریزه کاری‌های این بخش را ندیده بودند و شناختی در مورد افراد متخصص و موثر در این حوزه و همچنین شرکت‌های موثر در توسعه بخش صنعت و معدن از جمله مس، آلومینیوم، فولاد، استخراج و اکتشاف معدنی نداشتند.

### عدم تصمیم‌گیری؛ قله ناکارآمدی‌ها

با این روش انتخاب مدیریتی و با این جهت‌گیری که به دست مدیران ارشد کشور و سیاستگذاران اتفاق افتاد، با توجه به اینکه اثر درک درستی از نتایج این تصمیمات نداشتند، تغییراتی ایجاد شد و در اولویت‌های اقتصاد و به طور مشخص صنعت و معدن کشور جابه‌جایی‌هایی اتفاق افتاد. به عبارتی برخی دولتمردان و مدیران به جای توسعه، بر موارد حاشیه‌ای متمرکز شدند تا در سایه‌امن قرار بگیرند. در نهایت نتیجه این شد که وقتی عملکرد ۵۰۰ شرکت برتر ایران در رتبه‌بندی سازمان مدیریت صنعتی کشور را مورد بررسی قرار می‌دهیم، متوجه می‌شویم که این شرکت‌ها در سال ۱۴۰۰ در مقایسه با سال ۱۳۹۹ با روند کاهش رشد ۲۰ درصدی روبه‌رو شده‌اند؛ به این معنا که کوچک شدن حوزه اقتصاد و صنعت و معدن کشور طی سال‌های اخیر اتفاق افتاده است که بخشی از علل عدم توسعه و کوچک شدن اقتصاد به ناکارآمدی مدیران مربوط می‌شود (وقتی تورم را از رشد شرکت‌های برتر کم کنیم، می‌بینیم که در سال ۱۳۹۹ رشد شرکت‌ها حدود ۲۶ درصد بوده، اما در سال ۱۴۰۰ تفریق تورم از رشد ظاهری شرکت‌ها ۶ درصد بوده است).

نکته بسیار مهمی که باید در اینجا به آن اشاره کرد محل بروز و ظهور قله ناکارآمدی‌هاست که از تلفیق ناکارآمدی مدیریت و ناکارآمدی مدیر حاصل می‌شود و آن هم چیزی نیست جز عدم تصمیم‌گیری، و عبارتی خروجی مدیریت ناکارآمد، تصمیم نگرفتن است که حتی از تصمیم‌گیری غلط، لطامت بالاتری برای یک کشور دارد، چراکه اگر تصمیمات غلطی اتخاذ شود، ممکن است به زودی از نارسایی تصمیم مطلع شوید و آن را اصلاح کنید اما وقتی تصمیمی اتخاذ نشود، هیچ کس متوجه نمی‌شود تصمیم درست چیست؟ آیا باید تصمیمی گرفت یا خیر؟

### برخی مدیران تنها صدنلی را اشغال می‌کنند

متأسفانه در حال حاضر به بهانه اینکه دستگاه‌های نظارتی ایراد و اشکالی می‌گیرند و بعداً برای مدیران دولتی و نیمه‌دولتی در دسر ایجاد می‌کنند، برخی مدیران تنها این صدنلی‌ها را اشغال می‌کنند و هیچ تصمیمی نمی‌گیرند تا دوره مدیریتی آنها بگذرد و از یک موسسه بزرگی به یک موسسه بزرگ دیگر کوچ کنند. به همین دلیل هیچ رشد و جهشی در هیچ‌یک از صنایع اتفاق نمی‌افتد و رشد‌هایی که می‌بینیم، همه زاییده فرصت‌هایی غیرمدیریتی است که ارتباطی به مدیریت افراد ندارد. لذا بسیاری از این مدیران عوض می‌شوند و می‌آیند و می‌روند اما می‌بینیم شرکت‌های بزرگ هنوز سوده هستند، واقعیت این است که در دنیا به سوددهی صرف نگاه نمی‌کنند و این شرکت‌های بزرگ باید بتوانند لوگو و متیوهای توسعه بسیار بزرگ باشند. لذا می‌بینیم مثلاً در ۵۰۰ شرکت بزرگ دنیا حتی یک

شرکت ایرانی وجود ندارد یا فاصله ۱۰۰ شرکت برتر ترکیه با ما هر ساله بیشتر می‌شود. به طوری که رشد عملکرد و سوددهی شرکت اول آنها ۱/۵ برابر شرکت اول ما بود و شرکت صدم آنها ۱/۵ برابر شرکت صدم ما بود و امسال این فاصله ۵۰ درصد افزایش پیدا کرده است. بنابراین اولین و صدمین شرکت ترکیه دو برابر شرکت اول و صدم ایران است. این بررسی نشان می‌دهد ما در حال عقب افتادن از این قافله هستیم.

### چالش عدم تصمیم‌گیری از سوی مدیران ارشد

تحلیل من این است که هیچ عملی در این صحنه بالاتر از عدم تصمیم‌گیری و عدم تصمیم‌سازی در ارتباط با مدیر و مجموعه مدیریتی، دستگاه‌های نظارتی، مجموعه‌های وابسته، هیات‌مدیرها و بخش‌هایی که به نام تسهیل‌کننده وارد این قضیه شده‌اند، نیست. در این خصوص می‌توان به ستاد تسهیل و رفع موانع تولید اشاره کرد که با وجود اینکه تشکیل شده‌اند، اما به دلیل ناکارآمدی و حضور افراد بدون تصمیم، نتایج مورد نظر حاصل نمی‌شود و هر روز دچار مشکلات بیشتری می‌شویم. دلیل اصلی این کار عدم تصمیم‌گیری است. بنابراین به چالش‌های بزرگ و همزمانی ناکارآمدی‌ها که در سال جاری با هم بروز کردند، می‌توان به چالش عدم تصمیم‌گیری از سوی مدیران ارشد کشور نیز اشاره کرد که عارضه و ضایعه بزرگی برای کشور است که اگر درمان نشود، همچنان دچار مشکلات عددهای خواهیم بود. یکی دیگر از عوارض این عدم تصمیم‌گیری‌ها ناکارآمدی‌ها، دستورهای غیرفنی و غیرکارشناسی، بخشنامه‌های روزانه و ساعتی، بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌های متضاد و عدم ثبات رویه‌هاست. هر چند ممکن است بسیاری از این مدیران حسن نیت داشته باشند، اما از انجایی که کاربرد نیستند و نمی‌توانند چه باید بکنند، شاهد صدور دستورات متناقض هستیم که نهایتاً به حل موضوع کمک نمی‌کند، بلکه بسیاری از مسائل را پیچیده‌تر نیز می‌کند. برای نمونه می‌توان به روابط بورس، وزارت صمت، ایمیدرو، خرید و فروش سنگ، بحث صادرات، گمرک و... اشاره کرد که به عنوان یک شبکه نامنظم در کنار یکدیگر کار می‌کنند. به طوری که وقتی یک فعال اقتصادی پس از ورود به این شبکه دچار سرگیجه می‌شود و نمی‌داند کدام مجموعه چه سیاستی را دنبال می‌کند، در واقع این سیاست‌ها نه تنها ثبات ندارند بلکه با یکدیگر هماهنگ هم نیستند. لذا صنعتگران و تجار کشور امکان برنامه‌ریزی میان‌مدت و بلندمدت ندارند. در حالی که چنین وضعیتی در یک بازه زمانی بلندمدت خودش را به شکل کاهش سرمایه‌گذاری، به‌هم‌ریختگی زنجیره فعالیت‌ها و نهایتاً کوچک‌تر شدن اقتصاد و ورشکستگی واحدهای کوچک و متوسط و حتی ورشکستگی واحدهای بزرگ نشان خواهد داد.

### چالش کنار زدن مدیران ارشد متخصص

در تمام دنیا روال بر این گونه است که مدیران ارشد متخصص هیچ‌گاه کنار نمی‌روند و از تجربه و اندیشه آنها در اتاق‌های فکر در کنار مدیران جوان استفاده می‌شود. در واقع مدیران با تجربه سعی می‌کنند در سیاستگذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها به مدیران جوان‌تر کمک کنند تا در حوزه‌هایی مثل صنعت و معدن جهش و توسعه اتفاق بیفتد. در حال حاضر در تمام وزارتخانه‌های کشور مان افراد خبره، کارشناسی و توانمند یا به طور کامل یا به صورت پراکنده کنار گذاشته شده‌اند. در حالی که اگر این افراد خبره در کنار هم بودند و یک تیم قوی را تشکیل می‌دادند، می‌توانستیم امیدوار باشیم که مدیران دستگاه‌های اجرایی و نظارتی عملکرد قابل قبولی را ارائه دهند و با دست فرمان افراد متخصص جلو بروند.

### ضرورت تجدیدنظر در عزل و نصب مدیران

نکته دیگر اینکه باید در عزل و نصب مدیران تجدیدنظر کنیم و به عنوان مثال در ارتباط با حوزه صنعت و معدن از مدیرانی بهره بگیریم که دستکم در این حوزه خاص تجربه دارند. کسی که برای مدیریت بخش معدن مسوولیتی را

می‌پذیرد، باید حداقل‌های آشنایی به امور این بخش را داشته باشد و در نهایت یک نظام مایشسته‌گزینی را تشکیل دهیم. این در حالی است که شایسته‌گزینی اکنون رعایت نشده و بسیاری از مدیران هر چند انسان‌های خوبی هستند اما در زمینه فعالیت خود تجربه‌ای ندارند و نمی‌توانند باری از روی دوش صنعتگران و معدنکاران کشور بردارند. نکته دیگر اینکه در صورت تشکیل اتاق فکر متشکل از مدیران متخصص و کاربلد، گام بعدی این است که مدیران ماجرات تصمیم‌گیری و آزمون و خطا را داشته باشند. در حال حاضر دستگاه‌ها و سیستم‌های نظارتی در کشور ما به گونه‌ای عمل می‌کنند که مدیران جرات تصمیم‌گیری ندارند. به نظر می‌رسد دیوان محاسبات و سیستم‌های نظارتی منظر هستند تا افراد را به دلیل تصمیمات اشتباه که خودخواسته هم نبوده مآخذ کنند و به جای بررسی خروجی‌ها، صرفاً روی خطاهای آنها دست بگذارند؛ در حالی که پیامدهای تر کفعل دستگاه‌ها و همچنین تبعات عدم تصمیم‌گیری به مراتب بیشتر خواهد بود. در صورتی که قصد داشته باشیم این مشکل حل شود، باید شرایطی را فراهم کنیم که مدیران جرات تصمیم‌گیری داشته باشند. اخیراً در ارتباط با طرح مولدسازی که بنده خیلی موفق آن هم نیستیم، دیدیم که به دلیل واگه‌ها و عواقب این کار طی سال‌های آینده، تمامی نظارت‌ها لغو شد اما در ارتباط با شرکت‌های صنعتی و معدنی و بنگاه‌های بزرگ بخش خصوصی که باید پروژه‌های بزرگی را تعیین تکلیف کنند، دستگاه‌های نظارتی در کوچک‌ترین اقدامات مدیریتی دخالت می‌کنند و حدود و اختیارات مدیر مجموعه را زیر سوال می‌برند.

### شهر به شهر شدن پروژه‌ها به دلیل فشارهای محیطی

نکته آخر که باید به آن اشاره شود این است که مدیرانی با تخصص ناکافی که نمی‌توانند مواضع اصولی و منطقی داشته باشند، تحت تاثیر فشارهای محیطی و دستگاه‌های قانونگذاری قرار می‌گیرند و ناچارند تصمیماتی را اتخاذ کنند که با اصول کار سازگاری ندارد. از جمله اجرای محل طرح پروژه‌های فولادی و معدنی که بسیار هویداست و تحت تاثیر فشارهای برخی نمایندگان مجلس از شهری به شهر دیگر منتقل می‌شود. نتیجه این می‌شود که در هر منطقه‌ای کارخانه‌هایی همچون علف هرز بیرون می‌زنند بدون اینکه زیرساخت‌ها و هدفگذاری‌های لازم در ارتباط با آن تعریف شده باشد. یا اینکه در حوزه‌هایی مثل زنجیره فولاد توسعه‌های بسیار خوبی صورت می‌گیرد، اما در حوزه زیرساخت‌ها و انرژی دچار عقب‌افتادگی می‌شود، چراکه در آن مقطع زمانی و در بخش مربوطه ناکارآمدی‌هایی در بخش مدیریتی وجود داشته است. در واقع کارخانجاتی با سرمایه‌گذاری‌های قابل توجه ساخته می‌شوند و معادن شروع به استخراج می‌کنند، اما می‌بینیم که گاز و برق این واحدها به یکباره قطع می‌شود و امکان تولید با تمام ظرفیت برای این کارخانه‌ها وجود ندارد. ضمن اینکه کارخانه‌ها به خصوص در حوزه فولاد به دلیل محدودیت‌های انرژی با زبان قابل توجهی روبه‌رو می‌شوند، در حالی که دولت طبق قانون بهبود محیط کسب و کار، خسارت آنها را نیز پرداخت نمی‌کند. نکته تاسف‌آور اینکه چنین محدودیت‌هایی برای صنایع کشوری ایجاد می‌شود که اولین کشور دنیا در ذخایر نفت و گاز جهان است. در این حوزه محدودیت‌هایی که اخیراً برای صنایع کشور ایجاد شده، بهترین مثال برای نشان دادن سوءمدیریت‌ها و همچنین عدم برنامه‌ریزی در کشور بود. بنابراین لازم است که تصمیمات دستگاه‌های نظارتی، حاکمیتی و اجرایی علاوه بر اینکه از یکدیگر تفکیک می‌شوند، هماهنگی لازم را نیز با یکدیگر داشته باشند. در غیر این صورت، این وضعیت نابسامان، نابسامان‌تر خواهد شد و سرمایه‌گذاری‌ها و زمان‌هایی که تاکنون برای رشد و توسعه اقتصاد کشور صرف شده است، در برابر نیاز و درخواست جامعه پاسخگو نخواهد بود.

مدیرانی با تخصص ناکافی که نمی‌توانند مواضع اصولی و منطقی داشته باشند، تحت تاثیر فشارهای محیطی و دستگاه‌های قانونگذاری قرار می‌گیرند و ناچارند تصمیماتی را اتخاذ کنند که با اصول کار سازگاری ندارد. از جمله اجرای محل طرح پروژه‌های فولادی و معدنی که بسیار هویداست و تحت تاثیر فشارهای برخی نمایندگان مجلس از شهری به شهر دیگر منتقل می‌شود.







## شکست حکمرانی اقتصادی دولت سیزدهم به روایت آمار

# کشتی به گل نشست



نسیم سوران

اقتصاد ایران در سالی که گذشت آپستن تحولات بسیاری بود؛ تحولاتی که هر چند کارشناسان در خصوص آن هشدارهای لازم را داده بودند، اما از نگاه سیاستگذار دور ماند تا زنگ خطر فروپاشی اقتصادی به صدا در آید. آن طور که به نظر می‌رسد اقتصاد در این سال به صحنه تقابل دولت با واقعیت‌های موجود تبدیل شد. دولتی که با طرح ادعای تکرر کمی کردن تورم، مقابله با گرانی و گران‌فروشی، از بین بردن فقر مطلق، ایجاد شغل و کاهش بیکاری، مبارزه با فساد و در یک کلام تغییر ریل اقتصادی وعده می‌داد ایران را به بهشت برین برای مردمانش تبدیل می‌کند، در تحقق وعده‌هایش ناکام ماند و شکست بزرگی را از ناحیه حکمرانی اقتصادی اش متحمل شد. اکنون در سایه سیاستگذاری‌های دستگیر اجرا، تورم به ۵۰ درصد رسیده، دلار از ۵ هزار تومان عبور کرده، رکود واحدهای صنعتی و تولیدی فراگیر شده، بر تعداد جمعیت فقیر افزوده شده، عمق نابرابری بیشتر شده و آهنگ سقوط رفاه خانوارهای ایرانی نیز تندتر شده است. هر چند دلایل بسیاری در خصوص چرایی ناکامی اقتصادی دولت مطرح می‌شود، اما شاید اصلی‌ترین آن را باید در تکرار سیاست‌های خطا جست‌وجو کنیم. هر چند چالش‌های اقتصادی سالی که گذشت با فریاد اعتراضی بخشی از جامعه نیز همراه شد، اما به نظر می‌رسد دولت سیزدهم در دام ذهنی خودساخته‌اش اسیر شده و علاقه‌ای به تغییر رویکرد سیاستگذاری خود ندارد. ادامه پیشروی دولت با سیاست آزمون‌وخطا به معنای کاشتن بذر سقوط اقتصاد ایران است.

زمان کسی تصور نمی‌کرد که دلار بتواند از این فراتر نیز برود و کانال‌های قیمتی را با سرعتی باورنکردنی پشت‌سر بگذارد.

### بحران ارزی پایان سال

شاید دولت نیز هنوز به این باور نرسیده بود که کنترل بازار ارز از دستش خارج شده و به همین خاطر در جلسه‌های فوری و ناگهانی علی صالح‌آبادی که آن زمان بر صندلی ریاست بانک مرکزی تکیه زده بود را برکنار کرد و محمدرضا فرزین را بر جایگاه وی نشاناد. دولت با این امید که تغییر سسکاندار بانک مرکزی می‌تواند آرامش را به بازار ارز بازگرداند رای به تغییر ریاست نهاد پولی کشور داد، اما این تغییر با التهابات بیشتر قیمتی در بازار ارز همراه شد. آمارها نیز نشان می‌دهند که در زمان روی کار آمدن محمدرضا فرزین دلار تا محدوده ۴۳ هزار تومان نیز بالا رفته بود، اما حضور وی در ساختمان شیشه‌ای میرداماد کمکی به عقب‌نشینی بازار ارز نکرد و دلار با سرعتی باورنکردنی به حرکت خود در مسیر رشد ادامه داد. دلار در سایه سیاست‌های تحت فرمان بانک مرکزی و ظرف مدت کوتاهی از ابتدای کانال ۴۰ هزار تومانی به نرخ‌های بالای ۶۰ هزار تومان رسید. به این ترتیب سرعت سقوط ارزش ریال از زمان روی کار آمدن فرزین بیشتر و پیشروی دلار در مسیرهای رشد ادامه‌دار شد. اقداماتی نظیر حذف دلار توافقی از تابلوی معاملات صرافی‌ها، حذف ارز سهمیه‌ای و رسمیت بخشیدن

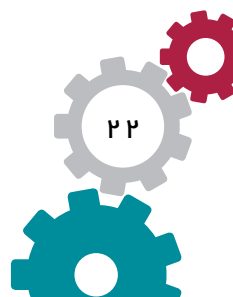
رشد قیمت دلار شد. اگر بخواهیم دو عامل سیاسی و اقتصادی را در تحولات قیمتی بازار ارز دخیل بدانیم شاید بهتر باشد اقتصاد ایران در سال ۱۴۰۱ را در دو نیمه جدا مورد بررسی قرار دهیم.

### سرعت بالای صعود دلار

در نیمه نخست سال این خبرهای سیاسی بود که بر رفتار معاملاتی بازیگران بازار ارز تاثیر می‌گذاشت. به همین خاطر بود که با هر خبر مثبتی دلار در مسیر کاهشی حرکت می‌کرد و با هر خبر منفی نیز میل به صعود در میان معامله‌گران تقویت می‌شد. این روند هر چند تا پایان شهریورماه تداوم داشت، اما انتشار خبرهایی از جنس پایان مذاکرات در مرداد و شهریور باعث بی‌حسی معامله‌گران به رخدادهای سیاسی شد و توانست دلار را به بالای ۳۰ هزار تومان برساند. اما هر چه بود نیمه نخست سال با نوسانات کم قیمت ارز به پایان رسید. از نیمه دوم سال اما جهت‌گیری بازار ارز به‌طور کامل تغییر کرد. این بازار که پیش از این در معرض خبرهای منفی از مذاکرات قرار گرفته بود، تحت فشار ناآرامی‌ها و اعتراضات خیابانی نیز قرار گرفت و آمادگی خود را برای صعود به کانال‌های بالاتر اعلام کرد. اولین نشانه صعود دلار نیز در آبان‌ماه رویت شد، به‌طوری که اسکناس آمریکایی به فاصله چند روز توانست چند پله قیمتی بالا برود و به کانال ۳۶ هزار تومانی نفوذ کند. هر چند این تحولات در میان جامعه به‌تازگی ایرانی در حال وقوع بود اما تا آن

ارزبایی عملکرد دولت با نگاه به آمار برای اینکه بدانیم عملکرد اقتصادی دولت در سالی که گذشت چگونه بوده باید به متغیرهای اصلی و داده‌های آماری مراجعه کنیم. با آنکه هیچ نشانه‌ای از موفقیت دولت در هیچ یک از زمینه‌های اقتصادی به چشم نمی‌خورد، اما بحران ارزی‌ای که در ماه‌های منتهی به پایان سال دامنگیر کشورمان شد بر نگرانی‌ها در خصوص آینده اقتصادی کشور افزوده است. زمانی که ابراهیم ریسی اداره امور کشور را به دست گرفت و رسماً رییس‌جمهور شد، بازار ارز در شرایط نسبتاً ثبات‌تری قرار داشت. در مردادماه سال گذشته و در روزهایی که ابراهیم ریسی در حال دریافت حکم تنفیذ خود بود دلار هنوز فرصت نفوذ به کانال‌های قیمتی بالای ۳۰ هزار تومانی را نیافته بود. هر چند در سایه رخدادهای سیاسی و خبرهایی که در خصوص مذاکرات ایران با غرب منتشر می‌شد دلار در مسیرهای کاهشی و افزایشی در حرکت بود، اما آمارها نشان می‌دهند که این ارز خارجی همچنان در نرخ‌های کمتر از ۳۰ هزار تومان معامله می‌شد. نکته جالب توجه اینکه دلار در معاملات ابتدای سال ۱۴۰۱ نیز بین دو کانال قیمتی ۲۶ و ۲۷ هزار تومانی رفت‌وبرگشت می‌کرد. به نظر می‌رسد سهم خوش‌بینی‌ها به آینده مذاکرات در ثبات قیمتی دلار در ابتدای سالی که گذشت بسیار پررنگ بوده است، چه آنکه همین موضوع در نیمه دوم سال اهرم اصلی

اولین نشانه صعود دلار در آبان‌ماه رویت شد، به‌طوری که اسکناس آمریکایی به فاصله چند روز توانست چند پله قیمتی بالا برود و به کانال ۳۶ هزار تومانی نفوذ کند. هر چند این تحولات در میان جامعه به‌تازگی ایرانی در حال وقوع بود اما تا آن زمان کسی تصور نمی‌کرد که دلار بتواند از این فراتر نیز برود و کانال‌های قیمتی را با سرعتی باورنکردنی پشت‌سر بگذارد





به بازار متشکل به عنوان بازار مرجع اعلام قیمت ارز هر چند سیاست‌های اولیه بانک مرکزی برای مدیریت نرخ ارز در دوران فریزین بوده، اما این سیاست‌ها در ادامه تغییر کرد و راه‌اندازی بازار مبادله ارز و طلا بازگشت ارز سهمیه‌ای و صدور مجوز دوباره فعالیت صرافی‌ها برای خرید و فروش ارز در دستور کار سیاستگذار قرار گرفت.

هیچ یک از سیاست‌های یادشده اما به کمک بازار ارز نیامد و میل به صعود دلار همچنان در میان معامله‌گران دیده می‌شد. دلار در شرایطی نرخ‌های بالای ۶۰ هزار تومان را در دولت سیزدهم به خود دید که ابراهیم ریسی در زمان انتخابات با انتقاد از سیاست‌های ارزی گذشته گفته بود: «یک روز ارزی و یک روز گفتن خزانه خالی است، هر دو اشتباه است. نرخ ارز باید مدیریت شود.» دولتی که ارزی‌های گذشته را نکوهش می‌کرد، خود نیز در دام همین سیاست‌ها افتاد با این تفاوت که این سیاست‌های تکراری نیز به کمک دولت نیامد و بحران ارزی در پایان سال اقتصاد ایران را گرفتار کرد. شاید هر آنچه در سایه سیاست‌های ارزی دولت اتفاق افتاده برای پیش‌بینی حرکت اقتصاد به سمت فروپاشی کافی باشد. آنچه ورای این بحران بر همگان آشکار شده ورشکستگی بیشتر واحدهای تولیدی، تندشدن آهنگ خروج سرمایه و افزایش چندبرابری قیمت کالاهاست، آن هم در دوره فعالیت دولتی که وعده رونق اقتصادی و حمایت از معیشت خانوارها حتی یک بار هم از سر زبان تیم اقتصادی‌اش نیفتاد.

#### چرخه معیوب اقتصادی

اما بحران ارزی زائیده چه تحولاتی در اقتصاد ایران بوده است؟ کارشناسان پیش از این و به دفعات متعدد به این پرسش پاسخ داده و خطرات آن را به دولت‌مردان گوشزد کرده‌اند. کسری بودجه، نقدینگی، تورم و تحریم چهار عاملی است که دست به دست یکدیگر داده و سرعت سقوط اقتصاد ایران را تشدید کرده است. هر چند پیش از این نیز تحلیل‌هایی تکراری در خصوص تاثیر کسری بودجه و ناترازی آن ارائه شده است، با این حال اهمیت این موضوع آنچنان بالاست که صاحب‌نظران در اظهارات خود کماکان نسبت به خطرات آن هشدار می‌دهند. در سالی که گذشت ناترازی بودجه همچنان یکی از نگرانی‌های اصلی اقتصاد ایران بود. با آنکه آمار رسمی و دقیقی از رقم کسری بودجه منتشر نمی‌شود اما طبق گفته‌های مقامات دولتی این کسری اعدادی بین ۴۰۰ تا ۵۰۰ هزار میلیارد تومان را در بر می‌گیرد. بزرگی این اعداد زمانی برای اقتصاد ایران نگران‌کننده می‌شود که بدانیم مسیرهای ورود دلارهای نفتی به کشور مسدود شده و دولت برای تامین هزینه‌های جاری‌اش همچنان به منابع بانک مرکزی چشم دوخته است. این موضوع زمانی روشن‌تر می‌شود که بدانیم درآمدهای مالیاتی هم کفاف هزینه‌های گزاف بودجه‌ای دولت را نمی‌دهد و در نتیجه استقراض از بانک مرکزی و بانک‌ها به عنوان یکی از گزینه‌های اصلی تامین مالی دولت مطرح می‌شود. چرخه معیوب کسری بودجه و دست‌درازی به منابع بانکی با نگرانی بزرگ‌تری به نام تورم و گرانی همراه می‌شود.

#### دور باطل خلق پول و تورم

داده‌های رسمی به روشنی از تهدیدهای این روزهای اقتصاد ایران سخن می‌گویند. این آمارها نشان می‌دهند که سرعت خلق پول در اقتصاد بیشتر و در عین حال عقب‌ماندگی بخش واقعی اقتصاد از این شاخص بیشتر شده است. آمارهایی که پیش از

این منتشر شده نشان می‌دهد که در فاصله سال‌های ۸۳ تا ۱۴۰۰ حجم نقدینگی کشور ۱۶۰۰ درصد رشد کرده، حال آنکه حجم حقیقی اقتصاد در همین بازه زمان تنها ۰/۹ درصد رشد داشته است. این آمارها به روشنی عدم تناسب بخش واقعی اقتصاد با بخش پولی کشور را نشان می‌دهند. در سالی که گذشت نیز هیچ نشانه‌ای از تناسب این دو شاخص در اقتصاد دیده نمی‌شود و به نظر می‌رسد این رویه در حال تکرار است. آخرین آمارها نیز نشان می‌دهند که حجم نقدینگی کل کشور به بیش از ۵۸۰۰ هزار میلیارد تومان رسیده است. پیش‌بینی شده که به‌رورسانی این آمارها از سوی بانک مرکزی ما را به اعداد بالای ۶۰۰۰ هزار میلیارد تومان تا پایان سال برساند. عقب‌ماندگی بخش حقیقی اقتصاد از بخش پولی کشور موضوعی است که کارشناسان از آن به عنوان یکی از علامت‌های افزایش تورم یاد می‌کنند. آمارهای تورمی اعلامی از سوی مراکز رسمی نیز این موضوع را تایید می‌کند. برای مثال در آخرین آمار تورمی اعلامی که مربوط به بهمن‌ماه است نرخ تورم سالانه به بالای ۴۷ درصد و تورم نقطه‌ای نیز به بیش از ۵۳ درصد رسیده است. نکته جالب توجه این است که بسیاری از کارشناسان معتقدند شیوه محاسبه تورم از سوی مراکز رسمی مورد تایید نیست و تورم واقعی آن چیزی است که مردم در سطح جامعه و در خریدهای معمول زندگی خود احساس می‌کنند.

#### ضربه گرانی به خانوارهای ایرانی

امروز دیگر سطح تورم و گرانی به حدی رسیده که حتی دهک‌های بالای جامعه را نیز نگران کرده است. حتی اگر آمارهای دولتی را هم مبنای ارزیابی عملکرد دولت قرار دهیم متوجه می‌شویم که قیمت مسکن سر به فلک کشیده و خانه‌دار شدن برای بسیاری تبدیل به رویا شده است. آمارهایی که پیش از این منتشر شده نشان داده که افراد برای خرید خانه باید بیش از یک قرن منتظر بمانند. این در حالی است که دولت سیزدهم وعده می‌داد که هر سال یک میلیون واحد مسکونی می‌سازد و خرید خانه دیگر دغدغه قشر پایین دست جامعه نخواهد بود. اما تورمی که در سایه سیاست‌های دولت به بازار مسکن نفوذ کرده حتی اجاره‌نشین‌ها را نیز حاشیه‌نشین کرده است. طبقات کم‌درآمد جامعه که با تعویق انداختن خرید خانه و خودرو به دنبال گشایشی در زندگی عادی خود بودند، اینک در خرید مایحتاج روزانه نیز در تنگنا قرار گرفته‌اند. این موضوعی است که در آمارهای رسمی نیز به آن اشاره شده و نسبت به کاهش سرانه مصرف،

کاهش کالری دریافتی، حذف گوشت قرمز از سفره افراد، کاهش مصرف لبنیات، افت شدید خرید میوه و خشکبار و کاهش مراجعه به دندانپزشکی یا مراکز مشاوره هشدار داده می‌شود. اما افت رفاه خانوارها تنها به خرید اقلام خوراکی محدود نمی‌شود و این روزها بسیاری دیگر توان خرید پوشاک را نیز ندارند و به خرید لباس‌های دست دوم روی آورده‌اند.

#### حرکت دولت در مسیر اشتباه

همه آنچه گفته شد به خوبی نشان می‌دهد که تورم و گرانی و کاهش شدید قدرت خرید در حال حذف طبقه متوسط جامعه است. فرو رفتن بیش از ۲۶ میلیون نفر در چاه فقر به گواه آمارهای دولتی نیز خود شاهدی بر این مدعاست که دولت با اصرار بر تکرار سیاست‌های خطا حرکت خود را بر مسیر فروپاشی آغاز کرده است. آنچه بر نگرانی‌ها می‌افزاید چشم‌پوشی دولت‌مردان از اثرات تحریم و فشارهای خارجی بر اقتصاد است. آنطور که آمارها نشان می‌دهد تحریم، سرعت حرکت اقتصاد را تند و در عین حال آهنگ فرار سرمایه از کشور را تندتر کرده است. شاهد این مدعا نیز رشد حداقلی تولید ناخالص داخلی است که طبق آمارهای بانک مرکزی از ۴ درصد در نیمه نخست سال ۱۴۰۱ فراتر نرفته، حال آنکه در همین بازه زمانی رقم خالص حساب سرمایه به منفی ۱۲/۹ میلیارد دلار رسیده است. به گواه کارشناسان منفی شدن رقم حساب سرمایه نیز مصداق خروج سرمایه از کشور است. اگر وضعیت نگران‌کننده سرمایه‌گذاری خارجی را هم به این مساله بیفزاییم به اقتصادی برمی‌خوریم که نه منابع کافی برای بزرگ شدن در اختیار دارد، نه شرایط لازم برای خروج از تله رکود و تورم. در این اقتصاد تورم‌زده، تنها رانت‌خواران هستند که ثروت‌اندوزی می‌کنند و با کشاندن اقتصاد به سمت فعالیت‌های دلالتی در برابر هر فعالیت مولدی مانع ایجاد می‌کنند. اما مهم‌ترین نکته در زمینه عملکرد دولت همین بس که حاکمیت یکپارچه اصولگرایان تحت فرمانروایی ابراهیم ریسی مدعی بود اقتصاد را به برجام گره نمی‌زند و روزهای روشنی را برای جامعه ایرانی فراهم می‌کند. آنچه در عمل دیدیم اما ناکارآمدی در ثبات‌بخشی به اقتصاد و تشدید اثرات تحریم و فشارهای خارجی در اقتصاد ایران بوده است. اکنون که شکست دولت در زمینه سیاست‌گذاری بر همگان آشکار شده و جامعه ایرانی زیر فشار رکود و تورم سنگین کمر خم کرده، باید دید آیا سیاست‌های دولت سیزدهم در سال پیش‌رو به سمت فروپاشی اقتصادی برمی‌گردد؟



#### تورم و گرانی و

کاهش شدید

قدرت خرید در

حال حذف طبقه

متوسط جامعه است.

فرو رفتن بیش

از ۲۶ میلیون نفر

در چاه فقر به گواه

آمارهای دولتی نیز

خود شاهدی بر این

مدعاست که دولت

با اصرار بر تکرار

سیاست‌های خطا

حرکت خود را بر

مسیر فروپاشی آغاز

کرده است. آنچه بر

نگرانی‌ها می‌افزاید

چشم‌پوشی

دولتمردان از اثرات

تحریم و فشارهای

خارجی بر اقتصاد

است

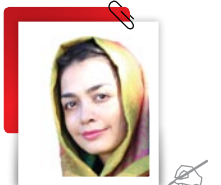






رئیس هیات عامل ایمیدرو در گفت و گو با «جهان صنعت» مطرح کرد

## ایمیدرو به دنبال تعامل با بخش خصوصی



منیر حضوری

بورس کالا عرصه‌ای است که فعالان اقتصادی و بخش خصوصی بر اهمیت آن واقف هستند؛ اما مساله این است که ماهیت این حوزه با دخالت دولت زیر سوال رفته است. بارها تاکید شده که وقتی بورس کالا وظیفه مشخص خود را انجام دهد و تولیدکنندگان و مصرفکنندگان به صورت آزاد در این عرصه فعالیت کنند، به‌طور حتم شاهد آن خواهیم بود که بازار به ثبات رسیده و از این شرایط همه نفع می‌برند اما در غیر این صورت بازنده بخش خصوصی خواهد بود. این در حالی است که بازار هیجانی و بی‌ثبات مورد نظر هیچ یک از تولیدکنندگان و فعالان فولادی و معدنی نیست و ایده‌آل همه دغدغه‌مندان، فعالیت در بازار با ثبات است. در غیر این صورت دود تصمیمات دستوری به چشم تولیدکننده و مصرفکننده می‌رود و در این بین تنها برخی یعنی دلالتان و واسطه‌گران سود می‌برند.

■ به دلیل اهمیت توسعه اکتشافات کمی در این خصوص صحبت کنید. ایمیدرو در سالی که گذشت چند معدن کشف کرده است؟

در سال ۱۴۰۱ ایمیدرو و شرکت‌های تابعه تعداد ۲ گواهی کشف اخذ کردند که در جدول نشان داده شده است. در خصوص توسعه تکنولوژی در حوزه اکتشاف می‌توان به مواردی اشاره کرد. در حوزه حفاری اکتشافی، حمایت و توسعه استفاده از روش‌های حفاری RC به دلیل سرعت بالا و راندمان مناسب این دستگاه‌ها در مطالعات اکتشافی تفصیلی به منظور تدقیق ذخایر شناخته شده و تبدیل ذخایر ممکن و احتمالی به ذخایر قطعی، خصوصا در محدوده‌های معدنی (مانند سرب و روی مهدی‌آباد یا محدوده‌های شرکت ملی صنایع مس ایران) شاهد اقدامات موثری هستیم. همچنین واردات دستگاه‌های حفاری مغزه‌گیری عمیق‌زن (بیش از ۲۰۰۰ متر) توسط شرکت‌های بزرگ معدنی تابعه و خصوصی در دستور کار قرار دارد و تاکنون حدود ۵۰ دستگاه سفارش خرید، وارد کشور شده است.

در حوزه مطالعات ژئوفیزیک، حمایت و توسعه استفاده از روش‌های الکترومغناطیسی زمان پایه به صورت زمینی و هوایرد به ویژه در محدوده‌های اکتشافی با تیپ کانسارزی پورفیری و یا ماسیو سولفاید، در قالب برگزاری مناقصات انتخاب پیمانکار

حاکمی از این است حجم و ارزش معاملات به ترتیب رشد ۵۷ و ۵۰ درصدی نسبت به دوره مشابه سال ۱۴۰۰ داشته است.

معامله‌گران تا تاریخ منتهی به ۵ اسفند سال جاری حدود ۸۸ میلیون و ۳۵۷ هزار تن (حدود ۸۳ درصد حجم کل معاملات فیزیکی) انواع محصولات صنعتی و معدنی به ارزش حدود ۵۰۳ هزار و ۴۵۲ میلیارد تومان (حدود ۵۸ درصد ارزش کل معاملات فیزیکی) را مورد داد و ستد قرار داده‌اند که به لحاظ حجم و ارزش به ترتیب شاهد رشد ۷۴ و ۵۲ درصدی نسبت به دوره مشابه سال ۱۴۰۰ هستیم.

■ شرایط کالاهای عرضه شده برای معدنی‌ها در بورس کالا به چه صورت است؟

در حال حاضر کالاهای عرضه‌شده در بورس کالا مطابق ابلاغیه‌های وزارت صنعت، معدن و تجارت و شرکت بورس کالای ایران معامله می‌شوند که دلار کشف‌شده با توجه به قیمت میانگین موزون و قیمت‌های جهانی متناسب با عرضه و تقاضا و متناسب با دلار سامانه مبادله ارز و طلای بانک مرکزی است. به عنوان مثال همان‌طور که در نمودار مشاهده می‌شود قیمت دلار شمش فولادی در آخرین معامله در تاریخ ۸ اسفندماه بالای ۳۷ هزار تومان کشف نرخ شد که متناسب با قیمت دلار سامانه مبادله ارز و طلای بانک مرکزی است.

بارها تاکید شده که اگر دولتمردان از مداخله در بازار صنایع معدنی خودداری کنند و اجازه دهند که فعالان اقتصادی به صورت آزاد معامله کنند و مکانیسم عرضه و تقاضا حاکم باشد، شرایط ما هم مثل دیگر کشورهای موفق اقتصادی عادی خواهد شد. در این خصوص هر چند مسوولان معدنی بارها مطرح کرده‌اند که در زنجیره فولاد تمایلی برای قیمت‌گذاری دستوری وجود ندارد، اما این حوزه هنوز مشکلات جدی دارد و بحث دخالت دولت همچنان پررنگ است. روزنامه «جهان صنعت» در این خصوص با وجیه‌الله جعفری معاون وزیر صمت و رئیس هیات عامل ایمیدرو گفت‌وگو کرده است.

■ وضعیت بورس کالا و فروش محصولات معدنی را چطور ارزیابی می‌کنید؟

در گزارش معاملات محصولات صنعتی و معدنی در بورس کالا از اول سال جاری تا تاریخ ۵ اسفند ۱۴۰۱ و مقایسه آن با دوره مشابه سال ۱۴۰۰ باید گفت که تا تاریخ منتهی به ۵ اسفند ۱۴۰۱ مجموع بیش از ۱۰۶ میلیون تن انواع محصول صنعتی و معدنی، پتروشیمی و فرآورده‌های نفتی و همچنین ۱۲۰۵ کیلوگرم طلا، ۶۶۹۵۰ دستگاه خودرو و دو باب اموال غیرمنقول به ارزش بیش از ۸۵۶ هزار و ۹۴۲ میلیارد تومان در بازار فیزیکی بورس کالا مورد معامله قرار گرفته است. بررسی‌ها

در حال حاضر کالاهای عرضه‌شده در بورس کالا مطابق ابلاغیه‌های وزارت صنعت، معدن و تجارت و شرکت بورس کالای ایران معامله می‌شوند که دلار کشف‌شده با توجه به قیمت میانگین موزون و قیمت‌های جهانی متناسب با عرضه و تقاضا و متناسب با دلار سامانه مبادله ارز و طلای بانک مرکزی است



این سازمان طی سال‌های گذشته تمامی تصمیم‌گیری‌هایی که در حیطه وظایف و اختیارات ایמידرو است را با مشارکت بخش خصوصی اخذ کرده است. نمونه بارز آن حضور تشکل‌های بخش خصوصی (خانه معدن ایران، اتاق بازرگانی، انجمن‌های فولاد، سرب و روی، مس، اتحادیه طلا و جواهر و...) در جلسات تهیه، تدوین و بازبینی طرح‌های جامع فولاد، آلومینیوم، طلا، گوهر سنگ و... است

### ■ وضعیت مرکز فرآوری مواد معدنی کرج به کجا رسید و امروز چه شرایطی دارد؟

تشکیل کمیته تدوین استراتژی مرکز و برگزاری جلسات متعدد فنی با لایه‌های مختلف مدیریتی و کارشناسی جهت ارائه و جمع‌بندی استراتژی مذکور، برگزاری جلسات متعدد فنی و مدیریتی با معاونان و مدیران سازمان و همچنین مدیران عامل شرکت‌های مطرح معدنی نظیر اقبال پارسیان، آسکو تک، توسعه معادن و فلزات، MMTE و هلدینگ زرین در خصوص زمینه‌های همکاری مشترک از اقدامات اخیر این مرکز است.

همچنین شکل‌گیری ۷ قرارداد و تفاهمنامه به شرح نامه شماره ۳۹۷۹ ص/۱ مورخ ۱۴۰۱/۱۱/۱۹، تعمیرات و بازسازی وسیع فضای سبز و ابنیه مرکز در بخش‌های مختلف اداری و فنی، ایجاد انگیزه و شور و نشاط در مرکز به واسطه به کارگیری پتانسیل‌های مختلف در کمیته مشاوران و کارشناسان با ۳۴ عضو ثابت و برگزاری جلسات هفتگی مدون جهت طرح موضوعات فنی و افزایش سرعت پیگیری موارد، ترمیم موقت نسبی دریافتی نیروهای قرارداد شرکتی و پروژه‌های از منابع داخلی جهت همسان‌سازی با بدنه قراردادی و افزایش انگیزه در سیستم، اصلاح ساختار و فرآیند خرید و افزایش سرعت خرید تجهیزات فنی مطالعات متالورژی و زنجیره آهن و فولاد از دیگر موارد مورد توجه در مرکز فرآوری مواد معدنی کرج است.

تجارت خود را در جایگاه راهبر و تسهیلگر توسعه بخش معدن و صنایع معدنی قرار داده و بخش خصوصی را سرمایه‌گذار و اجراکننده پروژه‌ها در تمامی بخش‌های بالادستی و پایین‌دستی می‌داند.

### ■ چه میزان در حوزه معدن، بومی‌سازی شده و به باور شما این مساله چقدر به توسعه بخش معدن کمک کرده است؟

در صنعت فولاد و مس بیش از ۶۰ درصد نیازمندی‌ها بومی‌سازی شده و وابستگی به واردات تجهیزات و قطعات خارجی کاهش داده شده است. اثرات مثبت این موضوع شامل کاهش هزینه‌های تمام‌شده، افزایش سرعت تحویل، ایجاد فرصت‌های اشتغال در کشور و تامین پایدار نیازمندی‌های بخش معدن و صنایع معدنی و کاهش ریسک‌ها مرتبط است. اکنون ارزشی صنعت فولاد کشور از طریق بومی‌سازی و حمایت از ساخت داخل ۵۰ درصد کاهش یافته و بیش از ۲۶ هزار قطعه و تجهیز در این صنعت، بومی‌سازی شده است. طی ۳ سال گذشته با راهبری ایמידرو، حدود ۱/۵ میلیارد دلار صرفه‌جویی ارزی حاصل از بومی‌سازی در بخش معدن و صنایع معدنی داشته‌ایم. بخشی از این صرفه‌جویی ارزی در اجرای طرح‌های توسعه‌ای حاصل شده است. در مجموع، خودتکایی در این حوزه، زمینه توسعه بیشتر این صنایع را در کشور فراهم می‌کند و این موضوع موجب خواهد شد تا شاهد ثروت‌آفرینی بیشتر و افزایش سهم این صنعت در اقتصاد کشور باشیم.

ژئوفیزیک در شرکت تهیه و تولید مواد معدنی ایران و عقد تفاهمنامه با سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح در توسعه و اجرای فناوری الکترومغناطیس هوابرد مورد توجه است.

همچنین لازم به ذکر است که پهنه‌های اکتشافی باقیمانده و در اختیار ایמידرو به تعداد ۱۱ پهنه و با مجموع مساحت ۴۱۵۹۶ کیلومتر مربع است که در استان‌های اردبیل، آذربایجان غربی، زنجان، کردستان، اصفهان، چهارمحال و بختیاری و کرمان واقع شده است. هم‌اکنون مطالعات اکتشافی فاز شناسایی در پهنه‌های مذکور در حال انجام است که پس از معرفی محدوده‌های امیدبخش، مطالعات پی‌جویی جهت معرفی اندیس‌ها اجرا خواهد شد.

### ■ ایמידرو تاکنون چقدر بخش خصوصی را فراخوانده و در عرصه‌های مختلف معدنی از این حوزه نظر خواهی کرده است؟

این سازمان طی سال‌های گذشته تمامی تصمیم‌گیری‌هایی که در حیطه وظایف و اختیارات ایמידرو است را با مشارکت بخش خصوصی اخذ کرده است. نمونه بارز آن حضور تشکل‌های بخش خصوصی (خانه معدن ایران، اتاق بازرگانی، انجمن‌های فولاد، سرب و روی، مس، اتحادیه طلا و جواهر و...) در جلسات تهیه، تدوین و بازبینی طرح‌های جامع فولاد، آلومینیوم، طلا، گوهر سنگ و... است. این مهم به این دلیل پیگیری و اجرایی می‌شود که ایמידرو طبق سیاست‌های کلان دولت و وزارت صنعت، معدن و

ردیف	سال ۱۴۰۰	سال ۱۴۰۱
تعداد گواهی کشف ماخوذه	۲	۲
مجموع تناژ ثبت شده در گواهی کشف	۴۰۰ میلیون تن (مس - طلا) ساریگل	۱۷۷ میلیون تن (زغال سنگ) - کوچعلی جنوبی ۱ میلیون تن (سرب و روی) - ازبک کوه
توضیحات	گواهی کشف جانچا جهت بهره‌برداری به کنسرسیوم واگذار شده است. برای محدوده ساریگل، در مرحله بازگشایی پاکات انتخاب سرمایه‌گذار است.	برای محدوده کوچعلی جنوبی، در مرحله بازگشایی پاکات انتخاب سرمایه‌گذار و برای محدوده ازبک کوه امکان مشارکت با سرمایه‌گذار اکتشافی است.







## تهدیدهای نظام بانکی در اقتصاد ایران به روایت حیدر مستخدمین حسینی

# سونامی تورمی در راه است

نسیم سوران - اقتصاد ایران در معرض دو تهدید جدی قرار دارد؛ از یک سو فشارهایی که از آن سوی مرزها و با ابزار تحریم بر آن وارد می‌شود را به جان خریده و از سوی دیگر نیز با معضلات خودساخته ناشی از سیاستگذاری دولتمردان مقابله می‌کند. هر چند شوک‌های ناشی از تهدید خارجی باعث خروج قطار اقتصادی از ریل اصلی آن شده، اما به نظر می‌رسد سهم چالش‌های داخلی در شکل‌گیری ناترازی‌های اقتصادی کمتر از تحریم نبوده است. غلبه سیاسی دولت بر بانک مرکزی و بانک‌ها از جمله تهدیدهای داخلی است که موجب شده بار اصلی ناترازی‌های اقتصادی بر دوش سیستم بانکی کشور بیفتد. اینجاست که دولت اهداف و مناسبات سیاسی کوتاه‌مدت خود را در اولویت قرار می‌دهد. ملاحظات و قیود بانک مرکزی و شبکه بانکی را نادیده می‌گیرد و با صدور دستور خلق پول، منابع لازم برای هزینه‌های بودجه‌ای‌اش را تأمین می‌کند. خروجی این سیاست‌ها را نیز در تضعیف جایگاه بانک مرکزی به عنوان کارگزار سیاست‌های پولی و در نتیجه گرفتار شدن در تله رشد بالای تورم دیده‌ایم. به باور حیدر مستخدمین حسینی، «اگر بانک مرکزی مستقل باشد، می‌تواند ثبات قیمت‌ها را دنبال کند اما به دلیل محدود بودن حوزه اختیارات این نهاد در زمینه سیاستگذاری پولی باید نگران یک سونامی تورمی جدید در آینده نزدیک باشیم». وی همچنین معتقد است که در سایه طرح بانکداری مجلس، اگر ته‌مانده‌ای از مستقل بودن در بانک مرکزی دیده می‌شد رو به خاموشی گذاشته و آخرین نفس‌های بانک مرکزی نیز در اختیار دولت قرار خواهد گرفت. مشروح کامل گفت‌وگو با این اقتصاددان و معاون حقوقی و امور مجلس اسبق وزارت اقتصاد و بانک مرکزی را در ادامه می‌خوانید.

این طرح در حقیقت به ما می‌گوید که اگر ته‌مانده‌ای از مستقل بودن در بانک مرکزی دیده می‌شد رو به خاموشی گذاشته و آخرین نفس‌های بانک مرکزی با این طرح در اختیار دولت قرار خواهد گرفت. آخرین آمارهای بانک مرکزی (تا پایان آبان ماه ۱۴۰۱) نشان می‌دهد که حجم پول از نقدینگی (یعنی میزان پول نقد و حساب‌های جاری) با رشد همراه بوده و نسبت پول از نقدینگی به بالای ۲۳ درصد رسیده که این رقم از سال ۹۲ تاکنون سابقه نداشته است. به این ترتیب دولت سیزدهم رکورد خلق پول را نیز به نام خود ثبت کرده است. این مساله نشان می‌دهد که حدود یک‌چهارم نقدینگی به صورت پول نقد در جامعه گردش می‌کند و به تعبیر ما شکل دهنده یک سونامی جدید از نقدینگی و زمینه‌سازی برای حرکت آن به سمت بازارهای موزی است که هیزی برای شعله‌ور شدن تورم تلقی می‌شود. افزایش گردش پول در اقتصاد نشان می‌دهد که مردم به طور عقلایی تصمیم گرفته‌اند در شرایط تورمی سرمایه خود را در حساب‌های جاری یا به صورت نقد نگهداری کرده تا هر زمان که بخواهند در بازارهای مالی سرمایه‌گذاری کنند.

کارساز بوده و برای مثال توانسته افزایش سطح عمومی قیمت‌ها را مهار کند، تورم را تحت کنترل در آورد و در کنار آن رشد نقدینگی را متوقف و حداقل در سطح قبلی آن حفظ کند. حتی آخرین آمارهای اعلامی از سوی بانک مرکزی نیز خلاف جهت‌گیری‌های دولت را نشان می‌دهد. اگر بخواهیم به اصل پرسش بپردازیم باید بگوییم که مساله کاهش تورم در حوزه مسوولیت بانک مرکزی است. اما وعده کاهش تورم و کنترل سطح عمومی قیمت‌ها و همچنین تحت کنترل در آوردن رشد نقدینگی و در یک جمع‌بندی حفظ ارزش پول ملی تنها با سیاستگذاری‌های یک بانک مرکزی مستقل محقق می‌شود. با این حال، ما در سناریوهای دولت و بانک مرکزی این استقلال را نمی‌بینیم و حتی در دهه اخیر شاهد از دست رفتن اندک اختیارات بانک مرکزی بوده‌ایم. طرح نمایندگان مجلس و برخی اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام تحت عنوان «طرح قانون بانکداری» را نیز می‌توانیم تیر خلاص از دست رفتن چارچوب وظایف بانک مرکزی بدانیم که می‌توانست جهت‌گیری و هدفگذاری استقلال این نهاد را به دنبال داشته باشد.

■ در میان وعده‌های اقتصادی دولت سیزدهم، وعده مهار گرانی و کنترل تورم بیش از همه خودنمایی می‌کند. کابینه اقتصادی دولت از همان ابتدا اعلام کرد که از جعبه‌سیاه خلق پول رمزگشایی و موتورهای اصلی رشد نقدینگی را خاموش کرده است. ابراهیم ریسی حتی پیش از آنکه بر صندلی ریاست تکیه بزند از امکان پذیر بودن تورم تک‌رقمی تحت فرمانروایی دولت متبوعش سخن می‌گفت. این گزاره در یک سال گذشته نیز به کرات از سوی دست‌اندرکاران این دولت تکرار شده است، اما آمارها خبر از خودنمایی تورم‌های بالای ۵۰ درصدی و بایگانی شدن وعده تورم تک‌رقمی در اقتصاد می‌دهند. آیا اساساً وعده کاهش تورم در حوزه مسوولیت‌های دولت است یا بانک مرکزی؟ گزارش‌ها و نقطه‌نظراتی که توسط دولت و تیم اقتصادی‌اش مطرح می‌شود حکایت از این دارد که توانستند تورم را کنترل کنند، اما تا این لحظه حتی یک مورد از وعده‌های اقتصادی رییس جمهوری محقق نشده تا ما به عنوان کارشناسان مستقل اقتصادی دلخوش به این باشیم که تلاش‌های دولت در برخی حوزه‌ها

مساله کاهش تورم در حوزه مسوولیت بانک مرکزی است. اما وعده کاهش تورم و کنترل سطح عمومی قیمت‌ها و همچنین تحت کنترل در آوردن رشد نقدینگی و در یک جمع‌بندی حفظ ارزش پول ملی تنها با سیاستگذاری‌های یک بانک مرکزی مستقل محقق می‌شود. با این حال، ما در سناریوهای دولت و بانک مرکزی این استقلال را نمی‌بینیم



بانک مرکزی در دولت سیزدهم و در خصوص مهم‌ترین مساله مرتبط با این نهاد که نرخ بهره است اختیار لازم را برای تصمیم‌گیری ندارد. در شرایطی که با تورم حدود ۵۰ درصدی مواجه هستیم می‌بینیم که سپرده سرمایه‌گذاری سه ساله با تصمیم اخیر بانک مرکزی تثبیت و ۲۲/۵ درصد تعیین شده است

این نهاد برای رسیدن به اهداف تعیین شده اشاره می‌کنیم. برای مثال هدف بانک مرکزی سیاست پولی است اما آیا بانک مرکزی به تنهایی می‌تواند این هدف را محقق کند؟ جواب این سوال منفی است چرا که اجازه چنین کاری را ندارد و در زمان اجرا با تصمیمات مجلس و قوه مجریه یا فشارهای مجلس مواجه می‌شود. برای مثال مجلس از سیاست اعطای تسهیلات ارزان قیمت انتقاد می‌کند، این در حالی است که حتی با وجود افزایش نرخ تسهیلات از ۱۸ به ۲۳ درصد با وجود تورم ۵۰ درصدی، هر کسی که بتواند از نظام بانکی تسهیلات بگیرد در حقیقت امتیاز یک رانت بزرگ برایش نوشته شده است. این مساله ناشی از این است که بانک مرکزی نمی‌تواند هدف اصلی خود را که حفظ ارزش پول با ابزار نرخ بهره است تنظیم کند. استقلال ابزاری نیز استفاده موثر از ابزار سیاست پولی و استقلال مالی نیز دسترسی به منبع مالی برای کنترل بودجه و همچنین تامین حقوق و پاداش پرسنل بانکی است.

حال اگر برگردیم به اصل سوال که چرا بانک مرکزی نمی‌تواند به مسوولیت‌های حرفه‌ای بانکداری خود بپردازد، باید به همان قانون اولیه علم اقتصاد یعنی عرضه و تقاضا اشاره کنیم. در ساختار اقتصادی ایران هنوز بحث عرضه و تقاضا بعد از گذشت دهه‌ها هنوز به درستی تعریف نشده است. برای مثال هنوز مشخص نشده که آیا در سیاست‌های طرف عرضه اقتصاد سیاست انحصاری را دنبال می‌کنیم یا رقابتی؟ هنوز وقتی دولتی عوض می‌شود هر یک از ارکان دولت به شکلی متفاوت ساختار اقتصادی کشور را تعریف می‌کنند. سیاست‌های طرف تقاضا نیز بلا تکلیف است و هنوز نمی‌دانیم که آیا از سیاست‌های طرف تقاضای اقتصاد آزاد تبعیت می‌کنیم یا با محدودیت مصرف سیاست‌های اقتصادی را طراحی می‌کنیم. تا این موارد مشخص نشوند بانک مرکزی نمی‌تواند جهت‌گیری مشخصی در زمینه سیاست‌گذاری پولی داشته باشد. تا زمانی که ساختار اقتصادی ما روشن نشده و در ابهام به سر می‌برد، نمی‌توانیم یک بانک مرکزی مستقل داشته باشیم که بتواند درک واحدی از مسائل حرفه‌ای بانکداری داشته باشد.

هنوز هستند افرادی که باور دارند استقلال بانک مرکزی به کلیت اقتصاد لطمه وارد می‌کند. دسته‌ای از مخالفان استقلال بانک مرکزی می‌گویند که باید

کنند. اجرای این سیاست‌ها باعث شد که نقدینگی تحت کنترل بانک مرکزی در آید و اثرات آن در مهار رشد نقدینگی و تورم دیده شود.

اما بانک مرکزی در دولت سیزدهم و در خصوص مهم‌ترین مساله مرتبط با این نهاد که نرخ بهره است با تورم حدود ۵۰ درصدی مواجه هستیم می‌بینیم که سپرده سرمایه‌گذاری سه ساله با تصمیم اخیر بانک مرکزی تثبیت و ۲۲/۵ درصد تعیین شده است. باید در ماه‌های آینده میزان سپرده‌ها را در نظام بانکی رصد کنیم و ببینیم که آیا منبع سپرده‌های مردم در بانک‌ها بیشتر شده است یا خیر؟ شاید قابل پیش‌بینی باشد که کمتر کسانی حاضر به سرمایه‌گذاری در بانک‌ها با نرخ بهره ۲۲/۵ درصد آن هم در یک حساب بلندمدت سه ساله باشند و وقتی مردم می‌بینند که اگر در صنایع خودروسازی ثبت‌نام کرده یا از طریق سازوکار بورس کالا اقدام به خرید خودرو کنند، می‌توانند از رانت بزرگی برخوردار شوند، سرمایه‌های خود را نیز به همان سمت می‌برند. در این باره نیز شنیده‌ایم که زمین‌های خرید و فروش کارت ملی در حوزه خرید و فروش خودرو فراهم شده و افراد می‌توانند به راحتی از این مسیر سودآوری کنند. در مجموع باید گفت بانک مرکزی در شرایط کنونی اختیار لازم براساس وظایفی که بر دوشش است را ندارد تا بتواند اثرات موثر خود را بر سیاست پولی بگذارد.

**آیا می‌توانیم به طور کامل از بانک مرکزی سلب مسوولیت کنیم و به این نتیجه برسیم که در ساختار سیاسی کنونی امکان نقش آفرینی بانک مرکزی در حوزه سیاست‌های پولی وجود ندارد؟ چرا ساختار سیاسی کشور اجازه نمی‌دهد بانک مرکزی به مسوولیت‌های حرفه‌ای بانکداری بپردازد؟**

واقعیت این است که جنبه‌های مختلف استقلال بانک مرکزی در کمترین حد خود قرار گرفته است. در ادبیات اقتصادی انواع مختلفی از استقلال بانک مرکزی وجود دارد مانند استقلال در هدف، ابزاری، پرسنلی، مالی، سیاسی، اقتصادی، قانونی و واقعی. وقتی حرف از استقلال در هدف می‌زنیم در حقیقت به استقلال و آزادی بانک مرکزی برای تعیین اهداف و سیاست‌گذاری

همان‌طور که گفته شد کاهش تورم در حوزه مسوولیت‌های بانک مرکزی است؛ البته نه بانک مرکزی ایران که از دستورات دولت تبعیت می‌کند، رییس کل آن در جلسات هیات دولت به طور منظم شرکت می‌کند و تابع نقطه‌نظرات هیات وزیران است. در حال حاضر نقدینگی در وضعیتی قرار گرفته است که تورم بالا، سود حقیقی منفی بانک‌ها و انتظارات تورمی مثبت انگیزه‌های شده برای افزایش فشار روی حجم پول و این روند را باید یک روند خطرناک به لحاظ سیاست پولی تلقی کرد که می‌تواند یک سونامی تورمی جدید را در آینده نزدیک ایجاد کند.

**می‌دانیم که بانک مرکزی در قبال موضوعاتی مانند مدیریت خلق پول، کنترل تورم و حفظ ارزش پول ملی مسوول است. هر چند دولت در گفتمان سیاسی خود این مسوولیت‌ها را متوجه نهاد پولی کشور می‌داند، اما همان‌طور که اشاره کردید دولت در عمل بانک مرکزی را تحت سلطه خود در آورده است. شاهد این ادعا نیز دست‌درازی به منابع بانک مرکزی برای جبران چالش‌های بودجه‌ای است. بنابراین می‌توان این‌گونه استدلال کرد که بانک مرکزی اساساً زیر سلطه دولت است و نمی‌تواند آن‌طور که باید و شاید به ایفای نقش بپردازد. این مساله را در دولت سیزدهم چگونه می‌بینید؟ آیا بانک مرکزی در ایران اختیاری در حوزه مسائل پولی از قبیل مهار تورم دارد؟**

اختیار بانک مرکزی در حوزه مسائل پولی به شکل قانون درآمده است اما در عمل روزبه‌روز کم‌رنگ‌تر می‌شود. یعنی اگر بانک مرکزی‌ای داشته باشیم که رییس کل و ارکان آن مانند شورای پول و اعتبار از اختیار لازم منهای دولت برخوردار باشند، سیاست‌هایی اتخاذ می‌کند که به حل چالش‌های بانکی و اقتصادی کشور منجر خواهد شد. نمونه این سیاست‌ها را تحت عنوان «سیاست‌های سه قفله و شش قفله» در دولت محمود احمدی‌نژاد و در دوره ریاست آقای پهلمااسب مظاهری در بانک مرکزی دیدیم. این سیاست‌ها با این هدف دنبال می‌شد که جلوی افزایش بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی گرفته شود و اجازه ندهند بانک‌ها از منابع بانک مرکزی برای اعطای تسهیلات استفاده







جدید بانک مرکزی نیز ماموریت داد که به دنبال مهار تورم باشد و به بحران ارزی کشور پایان دهد. اما همان طور که اشاره شد روسای بانک مرکزی عمدتاً قریبیان دستورات سیاستمداران می‌شوند و اراده زیادی در تنظیم و اجرای سیاست‌های پولی کشور ندارند. با این اوصاف، دست رییس جدید بانک مرکزی در سیاستگذاری پولی را چقدر باز می‌بینید؟ آیا می‌توان به تحولی اساسی در حوزه سیاست‌های بانک مرکزی در دوره ریاست محمدرضا فرزین خوش بین بود؟

برای پاسخ به این پرسش می‌توانیم به وضعیت بازار ارز در این روزها نگاهی بیندازیم. ما شاهد این هستیم که نرخ ارز همچنان رشد می‌کند و جامعه حتی سفری که رییس جمهور به چین در قالب پیمان‌های اقتصادی داشت را نیز خوشایند ندید. این رخدادها در دوره ریاست آقای فرزین بر بانک مرکزی در حال وقوع است که از همان ابتدا نیز وعده کاهش تورم را مطرح می‌کرد. بنابراین باید ببینیم که رییس بانک مرکزی و تعویض روسای کل بانک مرکزی به تنوع کارساز نیست. تغییرات روسای کل بانک مرکزی تنها ممکن است به ایجاد تغییراتی در ساختار داخلی بانک منجر شود اما تا زمانی که تغییر در ساختارهای اصلی اقتصاد مانند اصلاح روابط اقتصادی ایران با دنیا فراهم نشود، تغییر رییس کل بانک مرکزی تغییری در حوزه کلان اقتصادی ایجاد نمی‌کند. به عبارتی، تا زمانی که بنیان‌های اصلی اقتصادی کشور تغییر نکنند و روابط اقتصادی ایران با غرب برقرار نشود تغییری در حوزه سیاست‌های پولی و بانکی با تغییر مدیریت بانک مرکزی ایجاد نخواهد شد. لازم به ذکر است که اصلاح روابط ایران با دنیا را نیز باید در حوزه سیاست خارجه کشور دنبال کنیم. اگر ما روابط سیاسی خارجی را به کمال آسفالت‌بدون سنگلاخ نبریم نمی‌توانیم انتظار داشته باشیم که بنیان‌های اقتصادی کشور تغییر کند. طرح قانون بانکداری مجلس نیز چیزی بر قدرت رییس بانک مرکزی اضافه نمی‌کند و حتی بخشی از اختیارات فعلی‌اش را سلب می‌کند. با وجود هشدارهایی که جمعی از هیات‌عاملان بانک‌ها و مقامات پیشین بانک مرکزی در خصوص این طرح مطرح کرده‌اند اما نقطه نظرات کارشناسان لحاظ نشد و این طرح مراحل اجرایی خود را طی می‌کند. بنابراین از این منظر نیز نمی‌توانیم خوش بین باشیم که ریاست جدید بانک مرکزی می‌تواند مسیر جدیدی را در حوزه سیاست‌های پولی دنبال کند.

■ **یکی از اقداماتی که فرزین در ماه‌های اول حضورش در بانک مرکزی در دستور کار قرار داد افزایش نرخ بهره است. در خصوص اثرگذاری این سیاست بر مهار تورم هنوز اختلاف نظرهای بسیاری وجود دارد و عمده این اختلافات نیز به گران تمام شدن هزینه تسهیلات برای واحدهای تولیدی برمی‌گردد. نظر شما چیست؟ ابزار نرخ بهره را در اصلاح ساختار اقتصادی کشور و مهار تورم تا چه اندازه موثر می‌یابید؟**

یکی از ابزارهای مهم سیاست پولی که در ردیف وظایف اصلی و کلیدی بانک مرکزی قرار می‌گیرد تا به وسیله آن بتواند هم نقدینگی را کنترل و هم تورم را مهار کند نرخ بهره است. نرخ بهره در حقیقت عامل اصلی در اصلاح ساختار اقتصادی محسوب می‌شود. گام اولیه تغییر نرخ سود نیز در دوره ریاست آقای صالح‌آبادی در بانک مرکزی تدارک دیده شد و در دوره ریاست آقای فرزین به مرحله اجرا رسید، اما این تنها یک قدم کوچک در حوزه سیاست‌های پولی و مهار تورم محسوب می‌شود. ما می‌دانیم که کشورهایی

بانک مرکزی از بخش دولتی ۷۰ درصد رشد داشته و سپرده‌های بخش دولتی نزد بانک مرکزی ۷ درصد کمتر شده است. مطالبات بانک مرکزی از بانک‌ها نیز حدود ۱۵ درصد افزایش پیدا کرده، اما ذخایر بانک‌ها به کل سپرده‌ها که حاکی از کمبود نقدینگی بانک‌هاست ۴۰ درصد کمتر شده است. اینکه این روزها می‌شنویم بانک‌ها تسهیلات کافی نمی‌دهند به این دلیل است که در واقع نقدینگی کافی در اختیار ندارند. کاهش ۴۰ درصدی ذخایر بانک‌ها به کل سپرده‌ها نیز این مساله را تایید می‌کند. اینها علامت‌های خوبی برای اقتصاد نیست. سپرده‌های مردم نزد بانک‌ها نیز کاهش یافته و آثار آن را در بالا رفتن نسبت پول از نقدینگی می‌توان دید. با این زوایا اینکه دولت بخواهد به دنبال راه‌های جایگزین برای تامین مالی باشد و برای مثال مولدسازی را جایگزین استقراض از بانک مرکزی کند، ممکن نیست. موضوع مولدسازی به خودی خود جای تامل دارد و از نگاه اقتصادخوانده‌ها هر سیاست و دستورالعملی باید در نظم قانونمند خود قرار داشته باشد. در کشورهای دیگر نیز دیده‌ایم که در یک چارچوب استاندارد این فعالیت‌ها را دنبال می‌کنند در ایران نیز هیات عالی و گذاری و سازمان خصوصی‌سازی در این خصوص مسوولیت دارند اما دولت‌مردان به دنبال مولدسازی رفته و افرادی را به این حوزه وارد کرده‌اند که با وجود آشنایی اندکی که با مقوله واگذاری دارند، اما اختیارات وسیعی برای این منظور دریافت کرده‌اند. اما بحث مولدسازی هر چه باشد، درآمدی پیش‌بینی شده از این محل هم نمی‌تواند کمکی به توقف استقراض دولت از بانک مرکزی کند به ویژه آنکه تا این لحظه و طبق شنیده‌ها، بودجه دولت ۴۰۰ هزار میلیارد تومان کسری دارد. بنابراین دولت همچنان برای تامین منابع مالی متکی به بانک مرکزی است و این رویه نیز در سال آینده تداوم خواهد یافت و در نتیجه بودجه تهدید جدی برای آینده نظام بانکی و در راس آن بانک مرکزی تلقی می‌شود.

■ **عملکرد ضعیف بانک مرکزی در نیمه نخست سالی که گذشت دولت را به فکر تغییر سکاندار پولی کشور انداخت. دیدیم که از هشتم دی ماه نیز محمدرضا فرزین رسماً با مصوبه دولت رییس جدید بانک مرکزی شد و علی صالح‌آبادی بعد از یک تجربه ناموفق ساختمان شیشه‌ای میرداماد را ترک کرد. نکته جالب توجه اینکه دولت به رییس**

هماهنگی کاملی بین سیاست‌های پولی (بانک مرکزی) و مالی (سیاست‌های مالیاتی و بودجه‌ای دولت) وجود داشته باشد. از نگاه این افراد، اگر استقلال بانک مرکزی برقرار باشد این هماهنگی شکل نمی‌گیرد و نظام اقتصادی با اختلال مواجه شده و به مانعی برای رشد و توسعه اقتصادی تبدیل می‌شود. این نگاهی است که دولت و مجلس در ایران دنبال می‌کنند. برخی می‌گویند وقتی بانک مرکزی مستقل باشد این نهاد خودش را از تمامی مسائل و مشکلات دولت در حوزه مالی مبرا می‌داند و این مساله موجب اتلاف منابع مالی می‌شود. برخی هم می‌گویند استقلال بانک مرکزی می‌تواند بهانه‌ای در دست دولت باشد تا در مواقعی که نرخ تورم بالا می‌رود، این مساله را متوجه بانک مرکزی بدانند تا دولت از زیر بار مسوولیت اجرای سیاست‌های نادرست اقتصادی‌اش شانه خالی کند.

■ **کسری بودجه دولت ریشه بسیاری از معضلات امروز اقتصاد ایران است و درست به همین خاطر است که دولت همواره موتور چاپ پول را روشن نگه داشته تا بتواند برای تامین هزینه‌هایش به آن متوسل شود. اما دولت سیزدهم همواره ادعا می‌کند که به منابع بانک مرکزی دست‌درازی نکرده و حتی تداوم رشد پایه پولی و نقدینگی را هم انکار می‌کند. اخیراً نیز از طرحی تحت عنوان مولدسازی دارایی‌های دولت رونمایی کرده و حتی در آمد بالای ۱۰۰ هزار میلیارد تومانی از محل مولدسازی در بودجه ۱۴۰۲ پیش‌بینی شده است. آیا سیاست جدید در آمدزایی دولت می‌تواند جلوی استقراض از بانک مرکزی را بگیرد؟ یا اینکه بودجه همچنان تهدیدی جدی برای آینده نظام بانکی کشور به حساب می‌آید؟**

چند سالی است که یکی از واحدهای صنعتی و تولیدی به نام کارخانه چاپ اسکناس بانک مرکزی سه شیفت کار می‌کند و موتور چاپ پول آن لحظه‌ای وقفه ندارد. در شرایطی که بار کود توری مواجه هستیم، کارخانه اسکناس بانک مرکزی تنها کارخانه‌ای بوده که به درستی کار می‌کرده و مشغول ارائه خدمت به دولت بوده است. این مساله باعث شده که پایه پولی و نقدینگی رشد کند و پول پر قدرت وارد چرخه اقتصادی شود. براساس آخرین آمارهای بانک مرکزی، حجم پایه پولی به ۷۵۰ هزار میلیارد تومان رسیده، خالص مطالبات

اینکه دولت بخواهد مولدسازی را جایگزین استقراض از بانک مرکزی کند، ممکن نیست. موضوع مولدسازی به خودی خود جای تامل دارد و از نگاه اقتصادخوانده‌ها هر سیاست و دستورالعملی باید در نظم قانونمند خود قرار داشته باشد. در کشورهای دیگر نیز دیده‌ایم که در یک چارچوب استاندارد این فعالیت‌ها را دنبال می‌کنند



اگر رشد نقدینگی بی کیفیت باشد تنها زمینه ساز افزایش تورم و رشد قیمت ها می شود. افزایش تولید نیز باید به گونه ای باشد که بخشی از آن به مصارف داخلی برسد و بخشی از آن نیز صادر شود اما در حال حاضر سیاست ها به گونه ای است که به نیازهای داخلی بی توجهی می شود

هیچ گاه پاسخ روشنی به جامعه نداد. واردات کالا با ارز نیمایی عملی برای افزایش قیمت ها خواهد بود و اگر ارز بازار آزاد ملاک قیمت گذاری قرار گیرد باید شاهد تورمی شدید در حوزه کالاهای وارداتی باشیم. بنابراین وقتی می گوئیم بانک مرکزی مستقل باشد برای این است که آزادی عمل در حوزه سیاست های پولی داشته باشد، نرخ بهره را آن گونه که به صلاح اقتصاد است تغییر دهد و به حفظ ثبات قیمت ها کمک کند و حتی در مسیر رشد اقتصادی نیز حرکت کند.

ما همواره حرف از کنترل رشد نقدینگی می زنیم اما واقعیت این است که اقتصاد در نبود نقدینگی نمی تواند رشد کند. نکته ای که در این بین نباید نادیده بگیریم این است که رشد نقدینگی باید با کیفیت باشد و به افزایش فعالیت واحدهای تولیدی و صنعتی بینجامد تا هم اشتغال ایجاد کند و هم تورم کنترل شود. اما اگر رشد نقدینگی بی کیفیت باشد تنها زمینه ساز افزایش تورم و رشد قیمت ها می شود. افزایش تولید نیز باید به گونه ای باشد که بخشی از آن به مصارف داخلی برسد و بخشی از آن نیز صادر شود اما در حال حاضر سیاست ها به گونه ای است که به نیازهای داخلی بی توجهی می شود و عمده تولیدات وارد مرحله صادرات می شود. برای اینکه دولت بتواند صادرات را نیز جذاب کند نرخ ارز را بالا می برد و ارزش پول ملی را کاهش می دهد. بنابراین اتفاقی که می افتد این است که محدودیت تولید در داخل شکل می گیرد و عمده کالاهای با کیفیت به بهانه کاهش ارزش پول ملی صادر می شود به این امید که ارزهای صادراتی به چرخه اقتصادی کشور بازگردد. نکته جالب توجه این است که این ارزها نیز با نرخ های اعلامی از سوی دولت به کشور عرضه نمی شود و با تاخیر و بعد از افزایش قیمت ارز به چرخه اقتصادی برمی گردد. اینجاست که بار دیگر پی می بریم استقلال بانک مرکزی باعث می شود که این نهاد به گونه ای سیاست گذاری کند که جلوی کاهش ارزش پول ملی گرفته شود. اما با ساختار فعلی اقتصادی، با تصمیماتی که اتخاذ می شود و با طرحی که در مجلس در جریان است و با این وضعیت نقدینگی که روز به روز بزرگ تر می شود و کمکی به افزایش تولید و اشتغال و مهار تورم نمی کند، نمی توان چندان به اصلاح نظام بانکی کشور امیدوار بود.

صحبت از استقلال بانک مرکزی کرد که ورودی ارز از محل فعالیت های بخش خصوصی باشد. از آنجا که در ایران ریشه تدارک درآمدهای ارزی دولت است بانک مرکزی نمی تواند اختیار لازم را داشته باشد و به دنبال استقلال برود. اما اگر دولتی بخواهد بانک مرکزی را تبدیل به سازمانی کند که وظیفه و شهرت آن حفظ ثبات قیمت ها باشد این مهم وسیله ای خواهد بود که به دولت نیز کمک می کند تا تعهد خود را در قبال حفظ ثبات قیمت ها ثابت کند. بنابراین استقلال بانک مرکزی موجب ارتقای اعتبار این نهاد از دید مردم و فعالان اقتصادی می شود. این افزایش اعتبار موجب می شود که هزینه های تورم زایی در اقتصاد کاهش یابد و انتظار تورمی شکل نگیرد. این یک نکته کلیدی است که ما را به سمت پذیرش استقلال بانک مرکزی می کشاند. با طرحی که نمایندگان مجلس ارائه کرده اند اما قوام و استحکام بانک مرکزی در حال تضعیف است و این مساله ای است که هم موجب کاهش اعتماد مردم و فعالان اقتصادی به بانک مرکزی و هم نهادها و سیستم های مالی سایر کشورها می شود. اگر بانک مرکزی مستقل باشد می تواند ثبات قیمت ها را دنبال کند اما به دلیل محدود بودن حوزه اختیارات این نهاد در زمینه سیاست گذاری پولی شاهد ثبات قیمت ها در اقتصاد نبوده ایم. بانک مرکزی حتی در حوزه سیاست های ارزی نیز به درستی عمل نمی کند و این را می توان از عرضه میلیاردها دلار ارز نیمایی و ایجاد رانت برای گروه های ذی نفع متوجه شد. پیش از این بارها این سوال مطرح می شود که ۱۴ میلیارد دلار ارز ۴۲۰۰ تومانی که تحت عنوان واردات کالای اساسی و دارو در اختیار واردکنندگان قرار گرفت چه کمکی به حفظ قیمت کالاها کرد؟ آیا این اقدام با قیمت ۴۲۰۰ تومان ارزش گذاری می شد یا با قیمت ارز بازار آزاد؟ بر همین اساس است که اکنون نیز می توان این مساله را مطرح کرد که واردات کالاهای اساسی و دارو با ارز ۲۸۵۰۰ تومانی نیمایی باعث ایجاد رانت شده است. اینجاست که پرسش مطرح می شود که آیا کالاهایی که وارد می شود با نرخ نیمایی قیمت گذاری می شود؟ آیا دولت با متخلفان برخورد خواهد کرد؟ به نظر می رسد این مساله جای تردید دارد چه آنکه دولت در خصوص ارز ترجیحی نیز

مانند انگلیس، آمریکا، آلمان و دیگر کشورهای اروپایی چند سالی است سیاست تغییر نرخ بهره را در دستور کار قرار داده اند و به نتایج درخوری از قبل آن نیز دست یافته اند. با این حال باید بدانیم که ساختار اقتصادی کشورهای صنعتی پیشرفته با ساختار اقتصادی کشور بیمار ایران بسیار متفاوت است. بنابراین نرخ بهره به تنهایی نمی تواند ابزاری کارا برای کنترل رشد پول و تورم باشد. همان طور که اشاره شد، در دستورالعمل جدید بانک مرکزی نرخ سود سپرده بلندمدت ۳ ساله با هدف جذب نقدینگی ۲۲/۵ درصد در نظر گرفته شده است. نرخ اعطای تسهیلات نیز برابر با ۲۳ درصد است. فاصله این دو عدد با تورم اعداد بزرگی است و به همین دلیل نمی توان رشد نرخ بهره را در کنترل تورم چندان موثر دانست. پیش از این نیز اشاره شد آنهایی که موفق به دریافت تسهیلات با نرخ ۲۳ درصدی آن هم با وجود تورم ۵۰ درصدی می شوند در واقع موفق به دریافت رانتی بزرگ از پس انداز مردمان عادی می شوند. بنابراین ابزار نرخ بهره در شرایط فعلی ایران قطره ای از دریا برای اصلاح ساختار اقتصادی به حساب می آید.

**■ نظام بانکی در ایران با چالش های عدیده ای روبه رو است. این چالش ها عمدتاً به قوانین پولی و بانکی کشور برمی گردند و با سیاست هایی که دولت ها دنبال می کنند؛ پیش از این اشاره کردید که بانک مرکزی اختیار کافی در حوزه سیاست گذاری پولی ندارد و مطیع خواسته های دولتی هاست. روشن است عدم استقلال بانک مرکزی به نظام بانکی سرایت کرده و بانک ها نیز تحت لوای دولت به ایفای نقش می پردازند. خروجی این مساله برای اقتصاد ایران چه بوده است؟ آیا می توان نسبت به اصلاح نظام بانکی در ایران امیدوار بود؟**

در خصوص مساله استقلال بانک مرکزی برخی می گویند عمده درآمد کشور حاصل از فروش نفت است و درآمدهای غیر نفتی کشور نیز حاصل صادرات محصولات پتروشیمی است. به این ترتیب اعتقاد بر این است که مبنای اصلی منابع ارزی کشور نفت و پتروشیمی است و در نتیجه درآمدهای حاصل از آن نیز متعلق به دولت است. به این ترتیب زمانی می توان





## «جهان صنعت» بازار سرمایه در سال ۱۴۰۲ را بررسی کرد

### امیدواری به بورس بدون دخالت دولت

ریسک‌های ادامه‌دار در اقتصاد و بازار سرمایه است. این مساله در صنایع دیگر نیز همواره در دسرافین بوده است. همچنین یکی از راهکارهای بانک مرکزی برای کنترل تورم، بالا بردن نرخ بهره بود که این موضوع در تضاد با رشد بورس است. بالا رفتن نرخ بهره هم باعث بالا رفتن هزینه تولید می‌شود و هم استقبال به بازار سرمایه را کم‌رنگ می‌کند. همچنین اعتراضات در ۶ ماهه دوم سال نیز به عنوان یک ریسک سیاسی سبب درجا زدن بازار بورس شد.

شاید یکی از اثرگذارترین عوامل افت بازار، نرخ ارز فرزین بود که محمدرضا فرزین رییس تازه بانک مرکزی جانشین صالح‌آبادی، آن را اعلام کرد. نرخ ارز ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومانی در سامانه نیما که صادرکنندگان باید با همان نرخ ارز خود را عرضه می‌کردند نه تنها به ثبات بازار کمکی نکرد که یکی از عوامل التهاب بازار ارز نیز شد. موضوع نرخ ارز فرزین اثر منفی خود را در بازار گذاشت اما روزه‌های آخر منتهی به اسفند خبر جدید مبنی بر تغییر این سیاست به گوش رسید که سبب شد بازار جان دوباره‌ای بگیرد. همچنین بالا رفتن نرخ ارز سایه سایر ریسک‌ها بر بازار بورس را در اسفندماه کم‌رنگ کرد و شاخص مقاومت‌ها را یکی از پس از دیگری پشت سر گذاشت. با این حال برخی کارشناسان ریسک‌های سیاسی را بزرگ‌ترین ریسک برای سال آینده بازار می‌دانند. اما تمام ریسک‌های مطرح‌شده در سال ۱۴۰۱ می‌تواند به گونه‌ای دیگر در سال ۱۴۰۲ بازار را درگیر کند. با این همه برخی کارشناسان معتقدند در سال آینده پربازده‌ترین بازار، بازار بورس است. گروه‌های معادن، فلزات، پتروشیمی و پالایشگاه بازده بیشتری در سال آینده خواهند داشت، اما نرخ رشد طلا و دلار کمتر از بازار سرمایه خواهد بود.

#### ■ سال آینده برای بورس بهتر است؟

هرچند اسفندماه برای بازار ماه خوبی بود اما همچنان تردیدها بر سر بازار وجود دارد. با این همه تحلیلگرانی هستند که خوش‌بینانه سال جدید را آغاز می‌کنند. به طور کلی بازار در سطح ارزنده‌ای قرار دارد. اما مهم‌ترین مساله‌ای که بازار سرمایه و سهامداران با آن روبرو هستند ریسک مربوط به مصوبات و قوانینی است که بر بازار سرمایه سایه افکننده و باعث مهاجرت سهامداران و خروج سرمایه‌گذاران بازار سرمایه به سمت بازارهای موازی و غیرشفاف شده است.

با این همه گروهی از کارشناسان بر این باورند که در پایان امسال و ابتدای سال آینده، در بهترین حالت وضعیت شاخص تورم همانند سال جاری خواهد بود. پیش‌بینی نهادهای بین‌المللی پولی و مالی هم حکایت از ادامه روند صعودی نرخ تورم دارد. صندوق بین‌المللی پول در آخرین گزارش خود پیش‌بینی کرده بود که نرخ تورم برای دو سال آینده بالای ۵۰ درصد باقی خواهد ماند. در واقع با تداوم شرایط فعلی افزایش و رکوردزنی تورم نقطه‌ای در ماه‌های آینده دور از انتظار نخواهد بود. همین موضوع می‌تواند عامل مهمی برای تداوم روند صعود بازار تلقی شود. همیشه بورس به همراه تورم رشد می‌کند. این فنر به زودی رها خواهد شد و رشد بازار کماکان به خاطر تورم خواهد بود. هرچند باید امیدوار بود که دولت فعلی مانند دولت قبلی با ایجاد حباب کاذب در بازارها از جمله بورس به کسب درآمد از جیب مردم نپردازد. با این همه اغلب پیش‌بینی‌ها حاکی از رونق بورس در سال ۱۴۰۲ خواهد بود.

شاید مهم‌ترین کلیدواژه‌ای که بتوان برای رونق بورس در نظر داشت عدم دخالت دولت در بازار است که این امر با قیمت‌گذاری دستوری به صورت غیرمستقیم رخ می‌دهد.

**ژوبین صفاری - بورس در سال ۱۴۰۱** روزه‌های پرنوسانی را سپری کرد. هرچند در سایر بازارها نیز چنین بود، اما بورس حداقل تا اوایل اسفندماه بازدهی مناسبی نسبت به سایر بازارها نداشت. نکته‌ای که باید گفت این است که زمستان سال ۱۴۰۱ داغ‌تر از آن چیزی بود که حتی سختگیرترین تحلیلگران در مورد آن پیش‌بینی می‌کردند، دلار در این فصل رشد چشمگیری داشت و خود را بالاخره به عدد ۵۰ هزار تومان رساند. بازار سکه و طلا هم که همیشه گوی رقابت را از دلار می‌ربایند، در اواخر ۱۴۰۱ با حباب‌های بالایی معامله شدند. این در حالی است که در بین بازارهای داخلی، بورس با تاخیر در اسفندماه رشد داشت که برخی تحلیلگران را بر آن داشت تا پیش‌بینی کنند بهار ۱۴۰۲ نوبتی هم باشد نوبت بورس است و نه تنها شاخص به سقف قبلی می‌رسد، بلکه می‌تواند از رکوردهای قبلی خود نیز عبور کند. اما مشکل اساسی همواره بر سر راه بورس ریسک‌های سیستماتیک است، که بیش از همه بازارها روی گلولی بازار سرمایه فشار وارد می‌کند. ریسک‌هایی که در سال ۱۴۰۱ فشار بر سهامداران را دوچندان کرد و باعث ضررهای مالی فراوان شد.

نکته حائز اهمیت در مورد بازار سهام وسعت دربرگیرنده این بازار نسبت به گذشته است. در حال حاضر حدود ۵۰ میلیون سهامدار سهام عدالت با بورس درگیر هستند که همین موضوع اهمیت این بازار را بیشتر می‌کند. اما معضل بزرگی که بازار سهام با آن درگیر است اتفاقی است که در سال ۹۹ رخ داد. در واقع تقاضای بیش از حد ارزش ایجادشده در بازار سبب شد تا شاخص بورس تا محدوده ۲ میلیون و ۱۰۰ برود و در ادامه به یک باره زیر پای آن خالی شود و دیوار بلند بی‌اعتمادی بین سهامداران و بازار کشیده شود؛ دیواری که این روزها به سختی قرار است برداشته شود اما همچنان در سال ۱۴۰۱ برخی تصمیم‌های خلق الساعه سبب شد تا همچنان اعتماد اصلی به بازار برنگردد. نکته دیگر متغیرهای کلان اقتصادی است که در روند بازار موثر است.

کارشناسان معتقدند ریسک‌های سرمایه‌گذاری در حال بزرگ‌تر شدن است و تحولات سیاسی موانع اقتصادی ایجاد می‌کند؛ بنابراین اتفاقات به شدت غیرقابل پیش‌بینی است. از سوی دیگر انتظارات تورمی سبب شده تا نقدینگی مدام در بین بازارهایی با ریسک کمتر در جریان باشد تا بتواند ارزش خود را حفظ کند.

رشد اقتصادی منفی که در سود شرکت‌ها موثر بوده به عنوان یکی از عوامل اثرگذار در روندهای اقتصادی شناخته می‌شود. از ابتدای دهه ۹۰ به بعد مهم‌ترین عاملی که روند اقتصادی را در ایران شکل داده و دولت‌های مختلف با وجود ادعایی که داشتند از پس آن برنیامدند، تحریم است که سایه آن بر اقتصاد و همه بازارها نمایان است. بورس هم قطعا تحت تاثیر این متغیر مهم قرار دارد.

#### ■ ریسک‌های پیش‌روی بازار سهام در ۱۴۰۲

سال گذشته بلاتکلیفی در تصمیم‌های مسوولان در خصوص ورود خودرو در بورس سبب ریزش بازار و زیان سهامدارانی شد که با تحلیل بهبود اوضاع تولیدکنندگان خودرو در قیمت‌های معقول سهام شرکت‌های خودرویی را خریدند. در این بین اما شورای رقابت طی دو نامه در اوج معاملات بازار روند عرضه خودرو در بورس را غیرقانونی دانست و سبب شد سرمایه‌گذاران در حیرت این بلاتکلیفی بمانند. از سوی دیگر بالا رفتن نرخ خوراک پتروشیمی‌ها ریسک دیگری بود که صنایع پالایشی و پتروشیمی را با خود درگیر کرد. قیمت‌گذاری دستوری که نمود آن در خودرو نیز رخ داد از جمله





## ابرتورمی شدن اقتصاد ایران

**پیمان مولوی\*** - وقتی در خصوص بازار سرمایه صحبت می‌کنیم باید بدانیم که سایر بازارها هم به آن مرتبط می‌شوند و فشار از سایر بازارها به این بازار نیز منتقل می‌شود. اما عامل همه این فشارها در واقع تورم است. آنچه در روند بازار ارز تاثیرگذار است، اصرار روسای بانک مرکزی بر غیرواقعی خواندن تقاضا در بازار برای حفظ ارزش پول است. درست است که محدودیت‌هایی برای دسترسی به دلار وجود دارد اما تقاضا برای دلار را به سمت بازارهای موزای پیش می‌برد.

واقعیت این است که در وضعیت فعلی هم کمتر کسی به دنبال شرکتداری و سهامداری در بورس است، بیشتر به دنبال آن هستند که درآمد خود را ثابت نگه دارند، ضمن اینکه ترس سال ۹۹ هم سایه‌اش همچنان بر سر بازار وجود دارد.

بنابراین بیشترین پول در این وضعیت نخست به سمت بازار طلا، بازار مسکن و بعد بازار خودرو است و بازار سهام در درجه چهارم قرار می‌گیرد. اما در این بین حجم پول به قدری در اقتصاد کشور زیاد است که بازار سهام هم در آخر این سیکل از آن منتفع خواهد شد. بنابراین می‌توان گفت در اردیبهشت ماه شاهد افزایش تقاضا در بازار سرمایه خواهیم بود. مگر اینکه ریسک جدید و ناشناخته‌ای بیش از آنچه امروز با آن مواجه هستیم، پیش‌روی اقتصاد کشور قرار گیرد که در این صورت تحلیل‌ها متفاوت تر خواهد بود.

در حال حاضر جریان نقدینگی در حال تبدیل شدن به طلا و خودرو است و تا پایان خرداد ۱۴۰۲ بازار املاک و مستغلات نسبت به آذر ۱۴۰۱ که متوسط قیمت مسکن در تهران ۴۸ میلیون تومان بود، حداقل ۴۰ تا ۵۰ درصد رشد خواهد کرد. اما در خصوص بازار سرمایه نمی‌توان به قطعیت چنین چیزی را پیش‌بینی کرد. در واقع به لحاظ بنیادی وقتی بازار مسکن رشد می‌کند، تمام دارایی‌های شرکت‌های بورسی هم به همین میزان رشد می‌کنند اما بازار در شرایط پایین‌تر از ارزش ذاتی قرار می‌گیرد. این موضوع تا یک جایی می‌تواند افرادی را ترغیب کند که وارد شوند اما بسیاری از سرمایه‌گذاران هم به دلیل ریسک‌های موجود، وارد این بازار نمی‌شوند. در نهایت ابرتورمی شدن اقتصاد ایران (ونزوئلایی شدن) ممکن است تاثیر روی بورس بگذارد، که کامل‌کننده ارزش‌داری باشد. باید توجه داشت اقتصاد ایران ملک‌بنیان است و تورم‌های بالا هم نمود بیشتر خود را در ملک و طلا نشان می‌دهد تا بورس. ماهیت اقتصاد ایران با اقتصادهای دیگر حتی زیمبابوه فرق دارد. بنابراین کم‌ریسک‌ترین بازار برای در امان ماندن از تورم به ترتیب مسکن، طلا، خودرو و بازار سرمایه است. اما باید توجه داشت که بسیاری از شرکت‌های بورسی قیمت‌های بسیار ارزنده‌ای دارند، چراکه هم تولیدمحور هستند، هم سود تولید می‌کنند و هم سود تقسیم می‌کنند. در حال حاضر چند شرکت پتروشیمی در بازار هست که نزدیک به ۴۰ درصد حاشیه سود دارند و نزدیک به ۷۰ درصد سود تقسیم می‌کنند. اما این برای همه قابل توصیه و توصیف نیست. در حال حاضر در صنعت پتروشیمی شرکت‌هایی را داریم که اگر از یک سو میزان تزیق سرمایه در گردششان ۳۰ درصد رشد کند از آن سو حاشیه سودشان هم ۳۰ تا ۴۰ درصد رشد می‌کند. فروش ارز حاصل از صادرات در سامانه جدید طراحی شده حاشیه سود بیشتری را به شرکت‌های ارزش‌محور می‌رساند.

توصیه این است که افرادی که مسکن و دارایی ندارند از سرمایه‌گذاری در بازار سهام صرف‌نظر کنند اما افرادی که سرمایه مازاد دارند می‌توانند با ۳۰ درصد نقدینگی خود از فرصت بازار سرمایه بهره ببرند.

\* تحلیلگر اقتصاد



## گذر از سقف قبلی شاخص بورس

**فردین آقابزرگی\*** - تجربه گذشته از فرهنگ سرمایه‌گذاری و بورس‌بازی نشان می‌دهد که عده کثیری در مثبت‌ها سهم می‌خرند و در منفی‌ها می‌فروشند. جریان مثبت بازار که شروع شود همان افرادی که با دلخوری خارج شده‌اند، ولو با قیمت‌های بالاتر بر روی سهم‌ها سرمایه‌گذاری خواهند کرد.

زمانی گفته می‌شد سرمایه‌گذاری در بازارهای مسکن، طلا، ارز و... با کمترین ریسک سود مناسبی خواهد داشت، اما در حال حاضر می‌دانیم سایر بازارها در نقطه مشکوکی قرار دارند و سکه ۳۸ تا ۴۰ میلیون تومانی در حال حاضر چندان منطقی نیست.

نسبت به بازار سرمایه و بورس بی‌مهری‌هایی از سوی مسوولان دولتی صورت گرفت؛ از جمله افزایش نرخ بهره و نرخ خوراک پتروشیمی‌ها، انتشار اوراق با سود بالا یا نرخ‌گذاری دستوری برای ارز نیما و... با این همه اما پتانسیل حرکت نقدینگی به سمت بورس حتی از سایر بازارها را محتمل می‌دانم.

با فرض ثابت بودن شرایط و مولفه‌های اقتصادی حال حاضر و به خصوص مولفه‌های سیاسی و نظامی (جنگ اوکراین) باز هم بازار بورس از استقبال برخوردار خواهد بود. شرایط باثبات و به دور از تنش‌های نظامی بسیار متفاوت از وضعیتی است که سایه و گمانه‌ای از شرایط جنگی بر سر کشور باشد.

هر چقدر هم که نقش ایران را در جنگ اوکراین و روسیه کم‌رنگ بدانیم، اما موضع‌گیری‌ها در حمایت از روسیه در برابر اوکراین، ضریب ریسکی برای بازار ارز خواهد بود.

برخی مسوولان معتقدند نابسامانی‌های بازار ارز مضرانه است، اما واقعیت این است که بخشی از گرانی ارز مضرانه نیست، بلکه موضع‌گیری‌ها علیه اوکراین، غرب، آمریکا و اروپا به نفع روسیه به معنی آن است که باید ریسکی را در اقتصاد در نظر گرفت. برای نمونه در اسفند ماه قطع ارتباط ارزی با عراق یکی از عوامل اثرگذار در بالا رفتن قیمت ارز شد که ناشی از فشار غرب بود.

با همه این اوصاف به نظر می‌رسد بازار بورس عقب‌ماندگی خود را جبران خواهد کرد و سال آینده احتمالاً بهار پررونقی در انتظار بازار سرمایه و بورس خواهد بود. هر چند سایه تمام ریسک‌ها بر سر اقتصاد وجود دارد، اما بازار سرمایه پتانسیل جذب نقدینگی بیشتر را دارد. بهبود شرایط اقتصادی همواره به بهبود وضعیت بازار سرمایه منجر نمی‌شود. بزرگ‌ترین تهدید بازار سرمایه نحوه اتخاذ تصمیم دولتی است که همواره با کسری بودجه مواجه بوده است.

قطعا بر اساس مستندات اقتصادی دو سال آینده تحت تاثیر سوء تورم بر اقتصاد خواهد بود. جذابیت و قابلیت سطح عمومی قیمت‌ها وجود دارد و تحت تاثیر افت شرایط اقتصادی باید بورس را مستحق افزایش ببینیم. در سال آینده بورس سپر تورمی بسیار مناسبی خواهد بود که برای مردم حفظ سرمایه می‌کند.

\* تحلیلگر بورس





«حسین راغفر» از پسر فتهای اقتصادی کشور در سایه تصمیمات دولت سیزدهم پرده برداشت

## نقض غرض

نسیم سوران- جامعه ایرانی از شکست پی در پی دولت در بهبود اقتصاد به فغان آمده و صدای اعتراض مردم از هر گوشه و کناری بلند شده است. دولتی که با وعده بازسازی اقتصادی یا به عرصه سیاستگذاری گذاشت راهی به سوی پایان دادن به چالشهای اقتصادی نیافت و در عبور از بحرانهای کنونی کشور ناکام ماند. چرخش سیاست بر اقتصاد از یک سو قدرت تصمیمگیری درست را از نهادهای اجرایی سلب کرده و تئوری مصائب اقتصادی با تحریمهای فرساینده از سوی دیگر، مانع از حرکت کشور بر مسیر توسعه شده است. چالشهای رهاشده کشور، بیکاری را افزایش داده، رکود واحدهای تولیدی را فراگیر کرده و معیشت و رفاه خانوارهای ایرانی را به خطر انداخته است. ترکش سیاستهای دولت در حالی به جان معیشت جامعه افتاده که مردان اقتصادی دولت چشم انداز آتی کشور را همچنان روشن می بینند. حسین راغفر معتقد است که دولت اندازه های مشکلاتی که جامعه با آن روبه رو است را نمی شناسد و تصویر روشنی از نابسامانیهای بی سابقه کنونی مردم و جامعه ندارد. به همین دلیل وعدههایی می دهد که در تحقق آنها دچار ناکامی می شود. حرکت خلاف دولت در مسیر وعده های اقتصادی اما جامعه را ناراحت و ناامید کرده است. از نگاه وی، دولت سیزدهم علاوه بر ظرفیتهای کارشناسی محدودی که دارد مشکلات گسترده ای را از دولت های قبلی به ارث برده که ضعف های دیگر این دولت را نیز برجسته تر کرده است. مشروح کامل گفت و گو با اقتصاددان و عضو هیات علمی دانشگاه الزهرا را در ادامه می خوانید.

که دولت داده از سوی مجلسی ها نیز مطرح شده بود. وعده ساخت یک میلیون واحد مسکونی در سال و یا وعده های دیگری که برای پرداخت یارانه نقدی به مردم مطرح می شد از جمله این موضوعات است. نکته جالب توجه اینکه حتی نمایندگان مجلس نیز متوجه ابعاد مسائل مورد اشاره و اینکه منابع لازم برای تحقق آنها قرار است از کجا تامین شود نبوده اند. طرح وعده های اقتصادی آن هم در شرایطی که مشخص نباشد منابع لازم برای تحقق آن قرار است از کجا تامین شود ما را به وضعیتی رسانده که این روزها با آن روبه رو هستیم.

■ بنابراین می توانیم بگوییم که طرح وعده ها و شعارهای خوش آب و رنگ اقتصادی دسیسه دولت ها برای وارد شدن به عرصه سیاست و قدرت است که باعث می شود اقتصاد قربانی سیاست شود؟

اینکه می گوید اقتصاد قربانی سیاست است به این معناست که اگر اقتصاد جدای از سیاست می بود

ناکامی شده است. این در حقیقت ماهیت سیاست است که به دولت ها اجازه می دهد وعده های غیر قابل تحقق زیادی بدهند. طرح این وعده های غیر قابل تحقق نیز عمدتاً تجمدی و با هدف کسب رای در زمان انتخابات است. اگر بخواهیم خوش بینانه به مساله نگاه کنیم فرض ما بر این خواهد بود که دولت نمی خواسته است به گونه دیگری در قبال آنچه گفته و مطرح کرده رفتار کند. از این منظر باید بگوییم که دولت در حقیقت اطلاع دقیقی از ابعاد مسائلی که مطرح کرده، چه عمق مشکلات و گستردگی آنها و چه حجم منابع مورد نیاز برای تحقق آنها نداشته است. برای مثال زمانی که دولت در خصوص ساخت یک میلیون مسکن در سال سخن می گوید هیچ تصویری از ابعاد مصالح و ابزارهایی که باید برای ساخت یک میلیون واحد مسکونی در سال به کار برسد نداشته است.

در این بین نمی توان نقش جناح محافظه کار را در طرح ادعاهای گوناگون دولت در زمینه های اقتصادی نادیده گرفت چرا که بخش قابل توجهی از وعده هایی

■ بازار وعده های اقتصادی در ایران همیشه داغ است. دولتمردان همواره سعی می کنند با طرح ادعاهایی از قبیل کاهش قیمت کالاهای مصرفی، ایجاد شغل، حمایت ویژه از معیشت خانوارها و بهبود رفاه مسیر رسیدن به قدرت را برای خود هموار کنند. از آن زمان به بعد است که این وعده ها به فراموشی سپرده می شوند و بازی سیاست با اقتصاد آغاز می شود. دولت سیزدهم نیز از ابتدای آغاز به کارش با همین فرمان پیش رفته و با آنکه پشت تریبون ها اقتصاد را اولویت اصلی خود معرفی می کند، اما پشت میز سیاستگذاری به گونه دیگری عمل کرده است. چرا گفتمان اقتصادی دولت با آنچه در واقعیت می بینیم تا این اندازه تفاوت دارد؟

دولت اندازه های مشکلاتی که جامعه با آن روبه رو است را نمی شناسد به همین دلیل وعده هایی داده است که حتی در ارزیابی اینکه این وعده ها چه هزینه هایی می تواند برایش داشته باشد نیز دچار

در ایران سازوکارهای تغییر و حتی سازوکارهای قانونی اعتراض به درستی تعریف نشده است. اما اگر سازوکارهای قانونی اعتراض در جامعه فراهم بود مردم می توانستند وعده هایی که دولت در قبال گرفتن رای آنها در زمان انتخابات داده بود را مطالبه کنند





زمانی که درآمدهای پیش‌بینی‌شده بودجه محقق نشد دولت بسیار جسورانه و غیرمتعارف مبادرت به افزایش قیمت ارز کرد. این مساله نیز موجب شد وعده‌هایی که دولت داده بود غیرعملی شود تا با شرایط امروز در اقتصاد کشور روبه‌رو شویم

■ برخی بر این باورند که دولت سیزدهم وعده‌های پوپولیستی می‌دهد تا شکافی که بین دولت و ملت ایجاد شده را پر کند. اما به نظر می‌رسد اندیشه‌های سیاستگذاری این دولت بیش از آنکه پوپولیستی باشد غیرمنسجم بوده و نمی‌توان آن را مبتنی بر نگاه کارشناسی بر مسائل دانست. شاید همین مساله موجب شده که در مدت زمان کوتاهی تاریخ انقضای وعده‌های دولت به سر آید و تعداد بیشتری از خانوارهای ایرانی در تله فقر و کاهش رفاه گرفتار شوند. خطرات این نگاه برای اقتصاد ایران چیست؟

این طبیعی است که دولت تلاش کند عمق شکست‌های اقتصادی‌اش را کوچک‌تر از آنچه که هست نشان دهد. این مساله منحصر به دولت سیزدهم نیست و حتی دولت‌های قبلی نیز به همین شیوه عمل کرده‌اند. مادامی که این فساد وجود دارد امکان اصلاحات اقتصادی نیز منتفی است. با توجه به اینکه فساد، فساد می‌زاید بی‌توجهی به مساله فساد باعث گسترش و تعمیق بیشتر آن در لایه‌های اقتصادی کشور می‌شود که خروجی آن نیز چیزی جز بدتر شدن معیشت مردم نیست. واقعیت این است که مسوولان و مقامات در حاکمیت نمی‌خواهند به این واقعیت تلخ تن بدهند که در شرایط کنونی باید راه‌های دیگری را اتخاذ کرده تا جلوی فساد را بگیرند و امکان آغاز اصلاحات در کشور را فراهم کنند.

اعتراف به وجود فساد گسترده می‌تواند آغاز حرکت بر یک مسیر درست باشد، اما اینکه نخواهیم با واقعیت‌ها روبه‌رو شویم مشکلات کشور دوچندان می‌شود. مادامی که دولتمردان نپذیرند که چنین فسادی وجود دارد، دیگر نمی‌توان دست به اصلاحات زد و بنابراین به مسیر کجی که سه دهه است اقتصاد کشور را به آن سمت سوق داده کماکان ادامه خواهند داد.

تداوم حرکت در چنین مسیری نیز به معنای انباشت مشکلات و در نتیجه تعمیق مشکلات معیشتی مردم خواهد بود. عزم سیاسی در بالاترین سطح تصمیم‌گیری کشور برای برخورد با این فساد گسترده و عمیق لازم است در غیراین صورت نه دستگاه قضایی، نه مجلس و نه دولت به تنهایی عزم کافی برای پایان دادن به فساد را نخواهند داشت.

■ با نگاه به کارنامه عملکردی دولت می‌توانیم بگوییم که سیاستگذار نمره مردودی گرفته و گرفتار روزمرگی شده است؟ با این اوصاف آیا می‌توان امیدی به اصلاح شرایط اقتصادی داشت؟

همه دولت‌ها در ایران در چهار دهه گذشته گرفتار روزمرگی در سیاستگذاری بوده‌اند. هرچه مشکلات گسترده‌تر و عمیق‌تر شده گرفتاری‌های روزمرگی آنها نیز بیشتر شده است. این دولت نیز مانند همه دولت‌های گذشته عمل می‌کند با این تفاوت که علاوه بر ظرفیت‌های کارشناسی محدودی که دارد مشکلات گسترده‌ای را نیز از دولت‌های قبلی به ارث برده که ضعف‌های دیگر این دولت را نیز برجسته‌تر کرده است. بنابراین مساله روزمرگی یک پدیده جاری و عام در نظام تصمیم‌گیری‌های ماست و همین مساله را نیز می‌توان یکی از موانع اصلی در مسیر اصلاحات اقتصادی کشور عنوان کرد.

در نتیجه آن کسری بودجه بیشتر شد. در میانه راه و زمانی که درآمدهای پیش‌بینی‌شده بودجه محقق نشد دولت بسیار جسورانه و غیرمتعارف مبادرت به افزایش قیمت ارز کرد. این مساله نیز موجب شد وعده‌هایی که دولت داده بود غیرعملی شود تا با شرایط امروز در اقتصاد کشور روبه‌رو شویم. نکته تاسف‌برانگیز آنکه هر سال که دولت مبادرت به افزایش قیمت ارز می‌کند سال بعد با کسری بودجه بزرگ‌تری روبه‌رو می‌شود چراکه دولت بزرگ‌ترین متقاضی در جامعه است و در نتیجه افزایش نرخ ارز هزینه تامین تقاضاهایش در اقتصاد را به شدت بالا می‌برد، این در حالی است که هیچ‌گاه درآمدهایش با همان سرعت بالا نمی‌رود. در سایه سیاست دولت برای افزایش نرخ ارز، سال آینده بار دیگر کسری بودجه دولت بیشتر می‌شود و هزینه‌های تامین بودجه‌های دولت نیز هم‌زمان با آن به شدت رشد می‌کند. در صورتی که دولت و حاکمیت از آنچه که در ۶ ماه گذشته بر اقتصاد ایران رفت درس نگرفته باشد به احتمال زیاد با مشکلات بسیار جدی‌تری از آنچه در این ۶ ماه بر کشور رفته مواجه خواهد شد. بنابراین انتظار ما بر اساس عملکرد دولت در سال ۱۴۰۱ این است که در ماه‌های آردیبهشت و خرداد سال ۱۴۰۲ با تورم بسیار بالاتری از آنچه که امسال شاهد بودیم، مواجه شویم.

■ یکی از مهم‌ترین مسائلی که ابراهیم ریسی و تیم سیاستگذاری‌اش از آغاز بر آن تاکید داشتند این بوده که معیشت مردم را به برجام و تحریم‌ها گره نمی‌زنیم. اما می‌بینیم که اقتصاد ایران در چنبره تحریم‌ها افتاده و پس‌لرزه‌های تنش‌های سیاسی با غرب هر روز به جان یکی از بازارها می‌افتد. امروز که در سایه خوش‌بینی‌های دولت و فشار تحریم‌ها صحبت از دلار ۵۰ هزار تومانی و مسکن متری بالای ۵۰ میلیون تومان می‌شود، ابراهیم ریسی بر این باور است که قطار پیشرفت اقتصادی با سرعت در حال حرکت است. اما سوال اینجاست که دولت سیزدهم از کدام قطار پیشرفت صحبت می‌کند؟

طرح مسائل اینچنینی از سوی دولتمردان در حقیقت تلاشی است برای تزیین امیدواری به جامعه اما ایراد کار دولت‌ها این است که در زمان مطرح کردن این ادعاها پایه‌های عملی آن را فراهم نمی‌کنند و حتی مطالبی را به میان می‌آورند که علیه خود آنها عمل می‌کند. برای مثال تصور بر این است که وعده‌های خوش آب و رنگ اقتصادی یا صحبت کردن از قطار پیشرفت اقتصادی قرار است به جامعه امیدواری بدهد اما چون مردم در عمل چیز دیگری می‌بینند، خوشه‌های خشم جامعه به دلیل شکافی که بین آنچه دولت مطرح می‌کند با آنچه اتفاق می‌افتد شعله‌ور می‌شود. به نظر می‌رسد مشاورین دولت دچار توهم هستند و آنهاپی که سیاست‌های کلان کشور را تدوین می‌کنند نیز به احتمال زیاد اطلاعات نادرستی را در اختیار مقامات اصلی کشور قرار می‌دهند. شاید همین مساله باعث می‌شود که در نتیجه دولتمردان تصویر روشنی از نابسامانی‌های بی‌سابقه کنونی مردم و جامعه نداشته باشند. همین می‌شود که رییس‌جمهوری صحبت از قطار پیشرفت اقتصادی می‌کند این در حالی است که شواهد متعدد و متقنی وجود دارد که پسررفت‌های بسیار فاحشی را به ویژه از سال ۱۳۸۴ تاکنون تجربه کرده‌ایم که سرعت این پسررفت‌ها و عقب‌گردهای اقتصادی در یک سال و نیم گذشته حتی بیشتر نیز شده است.

احتمالا در وضعیتی متفاوت از آنچه اکنون هستیم قرار داشتیم، اما واقعیت این است که در هیچ کجای جهان اقتصاد جدا از سیاست نیست با این حال نکته اساسی این است که سیلسیون با زبانی سخن می‌گویند که مردم آن را لمس کنند و متوجه ابعاد آن در زندگی روزانه خود باشند. برای مثال نگرانی‌های معیشتی از جمله دغدغه‌های اصلی جامعه است که سیلسیون نیز بسیار در خصوص آن اظهارنظر می‌کنند. دولت سیزدهم نیز همچون دولت‌های گذشته گزاره‌های متعددی در خصوص بهبود وضعیت معیشتی مردم مطرح کرده که قابلیت تحقق پیدا نکرده است. بنابراین باید بگوییم که این اولین باری نیست که دولتمردان وعده‌هایی می‌دهند که امکان تحقق آنها وجود ندارد. ماهیت اصلی سیاست این است که دولتمردان بتوانند روی حساسیت‌ها و نیازهای مردم سرمایه‌گذاری کنند و رای آنها را به دست بیاورند.

مساله مهم و اساسی در ایران این است که سازوکارهای تغییر و حتی سازوکارهای قانونی اعتراض به درستی تعریف نشده است. اما اگر سازوکارهای قانونی اعتراض در جامعه فراهم بود مردم می‌توانستند وعده‌هایی که دولت در قبال گرفتن رای آنها در زمان انتخابات داده بود را مطالبه کنند. نکته قابل توجه این است که در شرایط کنونی بسیاری از حامیان دولت که در زمان انتخابات به دولت رای داده بودند نیز به شدت معترض سیاست‌های فعلی شده‌اند.

بنابراین تنها جناح‌های مخالف نیستند که معترض سیاست‌های دولت شده‌اند، بلکه کل جامعه در شرایط کنونی از سیاست‌هایی که دولت اتخاذ کرده ناراحت و ناامید است. به ویژه آنکه دولت خلاف وعده‌هایی که داده عمل کرده است. آقای ریسی اشاره کرده بود که دولت در حوزه اقتصاد دو خط قرمز مهم و اساسی دارد که اولین آن کنترل و کاهش تورم است و دیگری نیز حفظ ارزش پول ملی. هر دوی این خطوط قرمز در یک سال و نیمی که از عمر دولت می‌گذرد بارها و بارها توسط خود دولت نقض شده است. این نشان می‌دهد که صلاحیت‌های علمی و تجربه کافی سیاستگذاری در دولت سیزدهم به شدت با کمبود و محدودیت مواجه است.

■ می‌دانیم که یکی از مهم‌ترین چالش‌های امروز اقتصاد ایران سرکشی تورم است. تقریباً از سال ۹۷ تورم‌های دورقمی ما را همراهی کرده و هر یک قدمی که به پیش می‌گذارد جامعه را چند قدم از قدرت خرید سال قبلش دور تر می‌کند. ابراهیم ریسی رییس‌جمهوری است که با گذشت بیش از یک و نیم سال هنوز از وعده کاهش تورم سخن می‌گوید، اما در عمل راهی به سوی تحقق این وعده نبرده است. چرا دولت در موضوع کاهش تورم شکست خورد؟

علت اصلی شکست دولت در مساله کنترل تورم را باید به سیاست‌های دولت و کسری بودجه‌های بزرگی که دارد نسبت بدهیم. برای مثال سقف کلی اولین بودجه‌ای که دولت در سال گذشته ارائه داد ۶۰ درصد نسبت به سال ۹۹ افزایش نشان می‌داد. این در حالی بود که درآمدهای دولت در شرایط تحریمی نمی‌توانست به میزان هزینه‌ها افزایش پیدا کند. از همان ابتدا نیز مشخص بود که درآمدهای دولت، چه از نظر میزان فروش نفت و چه از نظر مالیات‌ستانی، نمی‌تواند پاسخگوی هزینه‌هایش باشد. اما دولت به جای اینکه بودجه انقباضی را حداقل در برخی از حوزه‌ها اعمال کند، بودجه انبساطی را دنبال کرد که





تحلیلگر بازارهای جهانی سنگ در مورد افزایش دخالت‌های دولت در اقتصاد هشدار داد

## مهاجرت نیروی متخصص معدن از کشور

معادن یکی پس از دیگری تعطیل می‌شوند



نسترن یوسفبکیان

چرا دولت باید سیاست‌هایی در پیش بگیرد که حتی متخصصان و سرمایه‌گذاران دلسوز و متعهد به کشور نیز راه مهاجرت را در پیش بگیرند؟ آیا عمل به فرموده‌های مقام معظم رهبری در ارتباط با بها دادن به بخش تولید و اجرایی کردن اصل ۴۴ قانون اساسی کشور آنقدر برای مسوولان دولت سیزدهم سخت است که آنها هم راه خطاهای آزموده‌شده دولت‌های سابق را در پیش گرفته‌اند و ادعاهای خود در ارتباط با رشد اقتصاد و رفاه معیشتی مردم را به طور کلی از یاد برده‌اند؟

صحبت از فرار سرمایه‌گذاران و متخصصان از کشور اگر چه موجهی از ناامیدی را در میان جامعه شکل خواهد داد اما چه بخواهیم، چه نخواهیم، چه حرفش را بزنیم یا نزنیم، تمامی افراد کار بلد و به قولی به‌دردبخت کشور این روزها مسیر مهاجرت را در پیش گرفته‌اند. شاید تاکید بر این موضوع چندان خوشایند دولت نباشد اما کافی است پای درد دل چند صنعتگر و سرمایه‌گذار بنشینید تا به شما اثبات شود که افراد متخصص در حوزه‌های مختلف اقتصادی، دیگری به بازنگری در سیاست‌های دولتمردان ندارند و ترجیح می‌دهند برای آرامششان هم که شده، به کشوری دور از وطن خود سفر کنند.

این بخش بتوانند ارزش افزوده اقتصادی ایجاد کنند و موجب رفاه مردم در کشور شوند.

وی ادامه داد: اما در ایران وقتی به عنوان یک معدن‌دار یا تولیدکننده برای ملاقات با یک مدیر میانی هم وارد وزارتخانه یا ارگانی می‌شوید، طوری به شما نگاه می‌کنند که به خوبی نشان‌دهنده عدم آگاهی آنها از جایگاه و ارزش تولید و تولیدکننده و تاجر است. در واقع طی ۴۴ سال گذشته ما آنقدر دولت را بزرگ و فربه کرده‌ایم که بخش خصوصی نمی‌تواند در هیچ حوزه‌ای ایفای نقش کند و تکان بخورد و با چنین دیدگاه‌ها و رفتارهایی روبه‌رو می‌شود.

■ **دولت به عنوان یک بنگاه‌دار عمل می‌کند**  
این فعال بخش خصوصی با انتقاد از اینکه دولت در ارتباط با معادن و به طور کلی اقتصاد به عنوان یک بنگاه‌دار عمل می‌کند، اظهار کرد: دولت در مواجهه با معادن به مانند کسی می‌ماند که صاحب پاساژ است و پاساژ سودآوری ندارد. برای همین مغازه‌های خود را با قیمت‌هایی که خیلی بالاست و توجیه اقتصادی ندارد اجاره می‌دهد. در این میان برخی نیز خام می‌شوند و معادن را اجاره می‌کنند اما بعد از چند ماه متوجه می‌شوند توانایی اداره این مغازه با هزینه‌های بالا را ندارند و دوباره مغازه را پس می‌دهند.

سرمایه برای کشور معضل بزرگی است که در آینده آثار خود را نشان خواهد داد. سیدجوادی اظهار کرد: متخصصین و بازرگانان بازاری محرک صنعت و تجارت هستند و قطعاً خروج آنها از کشور نقصان بزرگی را در این حوزه‌ها ایجاد خواهد کرد. البته اگر بازنگری در سیاست‌ها صورت گیرد، یقیناً فعالان اقتصادی به کشور باز خواهند گشت. چراکه هدف ما رشد کشور است و به طور حتم منافعی که در کشور خودمان نصیبمان می‌شود، خیلی بیشتر از اروپا یا کشورهای دیگر است. سیدجوادی با بیان اینکه اگر ما صنایع و معادن را در اختیار بخش خصوصی قرار می‌دادیم، قطعاً با شرایط بحرانی فعلی روبه‌رو نبودیم، گفت: ایتالیا چهارمین قدرت اقتصادی اروپاست اما سیاست‌ها در این کشور این گونه نیست که دولتمردان نسبت به بخش خصوصی دید از بالا به پایین داشته باشند، بلکه خدمتگزار صنعتگران هستند. زمانی که مدیر یک کارخانه در این کشور برای صحبت با یک مسوول در حوزه مشکلات صنعت وارد صحبت می‌شود، جواب سر بالا نمی‌گیرد و مسوولان این کشور وظیفه خودشان می‌دانند که مشکل را حل کنند. در واقع استدلال مسوولان دولتی در این کشور این است که باید به بخش خصوصی خدمات ارائه دهند تا فعالان

هر چند وقتی از آنها این سوال پرسیده می‌شود که آیا حاضر هستند در صورت کاهش نقش دولت در اقتصاد و بازنگری سیاست‌ها در این ارتباط به ایران برگردند، جواب آنها مثبت است و اعلام می‌کنند که قطعاً این کار را خواهند کرد اما حالا دیگر صبر آنها به سر رسیده و دیگر توان رویارویی با سیاست‌های نسنجیده‌ای که نتیجه آن را به خوبی می‌دانند، ندارند.

### ■ خروج سرمایه‌ها از کشور

سیامک حاج‌سیدجوادی تحلیلگر بازارهای جهانی سنگ که در حوزه معدن دستی بر آتش دارد و مدرک کارشناسی ارشد مهندسی معدن خود را از دانشگاه پلی تکنیک تهران دریافت کرده در گفت‌وگو با «جهان صنعت» اعلام می‌کند: مدیران متخصص در کشور ما کم نیستند، اما بسیاری از آنها به دلیل بی‌توجهی دولتمردان نسبت به واقعیت‌های اقتصادی و هشدارها، در حال مهاجرت هستند اگر چه بسیاری از خبرگان و متخصصان و بازرگانان نیز اخیراً کشور را ترک کرده‌اند. به عبارتی کسانی که به شدت عرق ملی هم داشتند، بعد از بی‌ثباتی‌های اقتصادی و فشارهای اجتماعی اخیر عملاً میلی به ماندن ندارند و بساط سفر خود را چیده‌اند. این در حالی است که خروج

مدیران متخصص در کشور ما کم نیستند، اما بسیاری از آنها به دلیل بی‌توجهی دولتمردان نسبت به واقعیت‌های اقتصادی و هشدارها، در حال مهاجرت هستند اگر چه بسیاری از خبرگان و متخصصان و بازرگانان نیز اخیراً کشور را ترک کرده‌اند



## ■ وظایف اصلی دولت در قبال صحبت‌های اخیر مقام معظم رهبری

۱- تعویض مدیران غیرمتخصص و ناکارآمد اولین اقدامی که باید از سوی مسئولان حاکمیتی و دولت انجام شود این است که وزیران و مدیران دولتی غیرمتخصص را از تیم اقتصادی کنار بگذارند و به جای آنها از مدیران خبره و متخصص استفاده کنند. ما مدیر خبره در کشور کم نداریم؛ وقتی شخصی سواد کافی ندارد و به عنوان مثال در حوزه پتروشیمی فعال بوده اما به او مسوولیت معدنی داده شده است، نمی‌توان توقع داشت که در حوزه معدن تصمیمات درستی اتخاذ کند. اما زمانی که یک مدیر متخصص و حرفه‌ای باشد، پرسنل و کارمندان قوی و کارآمد را در مجموعه خود به کار می‌گیرد و در این زمینه نسبت به افراد متخصص شناخت دارد. اما وقتی یک مدیر نسبت به حوزه کاری خود ضعف دارد، نمی‌تواند با مدیران و کارمندان قوی کار کند چراکه ضعف او آشکار می‌شود.

۲- بخش خصوصی باید همه‌جانبه حمایت شود

در جهت اجرایی شدن تأکیدات مقام معظم رهبری در ارتباط با حمایت دستگاه‌های اجرایی از بخش خصوصی، باید بخش خصوصی به صورت همه‌جانبه حمایت شود. در این زمینه دولت باید از حالت فربه خارج و چابک شود. همچنین ضرورت دارد که دولت مدیریت بنگاه‌های اقتصادی در کشور را به بخش خصوصی واگذار کند و اجازه دهد فعالان بخش خصوصی به صورت آزادانه و به دور از ممنوعیت و فشارها فعالیت کنند.

۳- ارز باید تک‌نرخ شود  
ارز نیمایی و دیگر ارزهایی که با اسامی دیگر در اقتصاد شناخته می‌شوند، معنایی ندارند. تا زمانی که ارز چندنرخ در کشور وجود دارد، صنایع توسعه پیدا نخواهند کرد و به تبع آن رشد و رفاه اقتصادی نیز حاصل نخواهد شد.

و آزاد که روزه‌روز بیشتر می‌شود، گفت: ارز چندنرخ بخش تولید و تجارت کشور را فلج کرده است و اصلاً نمی‌شود صادرات انجام داد. در شرایط فعلی با یک محاسبه سرانگشتی می‌بینیم که صادرکنندگان باید ۲۰ درصد هم از جیب خودشان هزینه کنند تا بتوانند ارز حاصل از صادرات را به چرخه اقتصاد بازگردانند. این در حالی است که بوروکراسی‌های اداری و قوانین سختگیرانه در این خصوص بساطی را برای تجار درست کرده است که حتی اگر بخواهند این کار را هم انجام دهند، باید پروسه بسیار سختی را طی کنند.

وی در پاسخ به این سوال که وضعیت صادرات با وجود این مشکلات چگونه است، اظهار کرد: بخش خصوصی صادرات انجام می‌دهد اما به دلیل موانعی که ایجاد شده، صادرات با کارت‌های بازرگانی غیرواقعی انجام می‌گیرد، در حالی که این وضعیت عملاً تمرکز صادرات را از بین می‌برد. از سوی دیگر واردات مایحتاج صنایع معدنی دچار مشکل شده و تولیدکننده داخلی نمی‌تواند نیازهای خارجی خط تولید خود را تامین کند. اینها همه مشکلاتی است که تولیدکنندگان با آن دست‌وپنجه نرم می‌کنند. در حال حاضر تولیدکنندگان اقلام موردنیاز صنعتی خود را به دو برابر قیمت خریداری می‌کنند. به عنوان مثال یک تولیدکننده باید برای خرید جنسی که ۱۰ دلار قیمت دارد، ۲۰ دلار هزینه کند نسبت به رقبای جهانی خود که کالا را به همان قیمت ۱۰ دلار تهیه می‌کنند. این شرایط قدرت رقابت تولیدکننده داخلی را هرچه بیشتر کاهش می‌دهد.

این فعال بخش خصوصی با بیان اینکه قوانین محدودکننده صادراتی، شفافیت را در حوزه تجارت کاهش می‌دهد، گفت: در این شرایط صادرکنندهها ترجیح می‌دهند عملاً از راه‌های قانونی و به نام خودشان جنس را صادر نکنند. البته این مشکلات برای بخش خصوصی است و بخش دولتی در این زمینه مشکلی ندارد و اتفاقاً این وضعیت برای این بخش ایده‌آل است.

وی افزود: در شرایط فعلی شکاف نرخ ارز در سامانه نیما با بازار آزاد، انگیزه عرضه ارز در سامانه نیما را کاهش داده است در حالی که باید آزادی

وی در واکنش به اظهار نظرهای اخیر وزیر صمت در مورد واگذاری ۵ هزار معدن دولتی از طریق مزایده به مردم افزود: دولت طوری در ارتباط با واگذاری معادن فخر می‌فروشد که انگار نمی‌داند واگذاری معادن با هزینه‌های بسیار بالا، موجب توسعه بخش معدن نمی‌شود و در نهایت معادن دوباره راكد می‌شوند. به عبارتی این اقدامات دور باطلی را ایجاد می‌کند که به دلیل عدم توجه به زیرساخت‌ها و همچنین عرضه بیلی مشکلات، مدام تکرار می‌شود.

کارشناس و فعال بازار سنگ اظهار کرد: ما باید بررسی کنیم که این ۵ هزار معدن اصلاً به چه دلیل تعطیل شدند؟ مگر می‌شود یک معدن سودآوری داشته باشد و معدنکار این معدن را به حال خود رها کند. دلیل اینکه معدن سود نداده چه بوده است؟ واقعیت این است که یا حقوق دولتی آنقدر بالا بوده یا مشکلات هزینه‌های تولید به حدی بالا رفته که کار معدن برای معدن‌دار توجیه اقتصادی نداشته است.

## ■ در حوزه قیمت‌گذاری، دخالت‌های دولت مشکل‌ساز است

سیدجوادی بیان کرد: وقتی شما ماشین‌آلات معدنی را به ۴ برابر ارزش واقعی و اقلام معدنی را به ۷ برابر ارزش واقعی خریداری می‌کنید، هزینه تولید به شدت بالا می‌رود و فعالیت در این حوزه را توجیه‌ناپذیر می‌کند. این در حالی است که در حوزه فروش نیز قیمت‌گذاری دستوری و دخالت‌های دولت مشکل‌ساز است. این فعال بخش خصوصی در پاسخ به اینکه راهکار شما برای حل این مشکل چیست، گفت: دولت علاوه بر اینکه باید مشکلات معادن را به صورت زیربنایی بررسی و حل کند، باید در جهت تک‌نرخ کردن ارز گام بردارد. تا زمانی که میان ارز نیمایی و دلار بازار آزاد اختلاف ۲۲ هزار تومانی یا بیشتر وجود دارد، مشکلات در هیچ حوزه‌ای حل نمی‌شود. ارز تک‌رقمی شاید برای دولت مشکل ایجاد کند اما یک بار از این بابت دچار تورم شویم خیلی بهتر از این است که هر سال تورم بیش از ۵۰ درصدی را تجربه کنیم.

## ■ ارز چندنرخ بخش تولید و تجارت را فلج کرد

سیدجوادی در ادامه با انتقاد از اختلاف ارز نیمایی



عمل بیشتری به بازرگانان و شرکت‌های صادرات‌محور داده شود تا بتوانند درآمدهای ارزی خود را با در دستر کمتری وارد کشور کنند.

### ■ معادن یکی پس از دیگری تعطیل می‌شوند

سیدجوادی با بیان اینکه مشکلات داخلی خیلی بیشتر ما را محدود کرده است تا مشکلات خارجی، افزود: مشکل ماشین‌آلات، حقوق دولتی و مشکلات دست و پاگیری که از سوی وزارتخانه در حوزه صادرات ایجاد شده، همگی باعث شده است که معادن یکی پس از دیگری تعطیل شوند.

وی اظهار کرد: بیش از ۸۰ درصد معادن کشور در دست دولت و شرکت‌های خصوصی است و این قوانین راطوری تدوین کرده‌اند که بخش دولتی منتفع شود. وی افزود: بخشنامه‌هایی که وزارت صمت صادر می‌کند، خودشان مشکل‌زا هستند. به عنوان مثال ناگهان جلوی صادرات آهن را می‌گیرند. ممنوعیت صادرات آهن درست زمانی از سوی وزارت صمت در دستور کار قرار می‌گیرد که روسیه تحريم شده و قیمت فولاد به شدت روند افزایشی را طی می‌کند. از سوی دیگر تمام دنیا به دنبال جایگزینی برای روسیه است که خرید خود را انجام دهد اما مسوولان ما در همین زمان جلوی صادرات آهن را می‌گیرند. در حالی که در چنین موقعیت‌هایی است که ما می‌توانیم سهم رقبای بازار جهانی فولاد را نصیب خودمان کنیم و محصولات تولیدی کشور را با قیمت‌های مناسب بفروشیم. نکته جالب توجه این است که در ارتباط با روسیه دیدیم برنامهریزی کرد و با قیمت‌های خیلی خوب وارد بازار شد اما ما هنوز اندر خم یک کوچه‌ایم...

به گفته سیدجوادی، تعرفه و عوارض اگر چه باید برای برخی کالاها در نظر گرفته شود اما باید به صورت کارشناسی باشد و اینطور نباشد که یک‌شبه و بدون مشورت با اهالی فن، صادرات آهن ممنوع اعلام شود.

### ■ بهترین موقعیت برای صادرات سنگ به اروپا

کارشناس و فعال بازار سنگ در ارتباط با وضعیت

فعلی صادرات سنگ اظهار کرد: با توجه به روند افزایشی نرخ دلار، به طور بدیهی صادرات کالاهایی همچون سنگ با قیمت‌های بالاتری انجام می‌شود. در مرحله اول افزایش نرخ ارز صادرات را توجیه‌پذیرتر می‌کند اما مشکل اینجاست که در مدت خیلی کوتاهی تورم ناشی از این افزایش ارزش کالا روی هزینه‌های تولید خودش را نشان می‌دهد و منفعت شما را از بین می‌برد. این در حالی است که اگر بتوانیم روی تورم کنترل داشته باشیم، امکانات ایجاد کنیم تا هزینه‌های تولید معدن‌دار بالا نرود، اجازه دهیم مواد اولیه خود را با قیمت‌های مناسب وارد کند، تولید به طور حتم صرفه اقتصادی خواهد داشت.

وی با بیان اینکه در گذشته فرآوری اسلب در ایران هزینه ۱۲ دلاری داشت در حالی که در اروپا هزینه تولید ۱۴ دلار بود، گفت: به همین دلیل این امکان برای ما وجود نداشت که سنگ را فرآوری و بعد به اروپا صادر کنیم چرا که توجیه اقتصادی نداشت و آنها ترجیح می‌دادند خودشان سنگ خام را تهیه کنند و فرآوری را انجام دهند. اما اکنون به دلیل افزایش هزینه‌های انرژی، هزینه فرآوری هر یک مترمربع سنگ در اروپا ۲۵ دلار شده و بهترین موقعیت برای ایران است که بتواند به اروپا سنگ صادر کند. ولی از طرفی می‌بینیم محدودیت‌های حوزه صادرات که عملاً بازگشت ارز حاصل از صادرات را غیرممکن کرده است، موجب توقف صادرات شده است. با این حال اگر این مشکلات حل شود، خیلی اتفاقات خوبی در این زمینه رخ خواهد داد و ارز حاصل از صادرات یقیناً برای توسعه بخش صنعت استفاده خواهد شد.

### ■ دولت دست بازرگان را بسته که صادرات انجام نشود

سیدجوادی با طرح این سوال که چرا باید یک صادرکننده درصد بالایی از ارز خود را به دلال اماراتی یا عمانی بدهد تا ریال دریافت کند؟ گفت: بنده می‌توانم با ارز حاصل از صادرات لوازم مصرفی کارخانه‌های سنگبری را وارد کشور کنم تا با کاهش هزینه‌های اقلام مصرفی به بخش تولید هم کمک شود. اما قانونی را در دستور کار قرار داده‌اند که اگر تولیدکننده به صورت مستقیم صادرات انجام دهد،

می‌تواند با ارز حاصل از صادرات خود به کشور جنس وارد کند. پس عملاً تکلیف بازرگانی که صادر می‌کند و بخش بزرگی از صادرات کشور در بخش خصوصی توسط واحدهای بازرگانی و به صورت مستقل انجام می‌شود، چه خواهد شد؟ به عقیده من دولت با چنین شیوه‌هایی عملاً دست بازرگان را بسته است که صادرات انجام نشود.

وی با اشاره به اینکه در حوزه صادرات در میان کارخانه‌های سنگبری و صاحبان معادن ضعف وجود دارد و معمولاً آنها صادرات خود را از طریق شرکت‌های بازرگانی انجام می‌دهند، گفت: ما موردی داشتیم که ۸ ماه طول کشیده تا به خود تولیدکننده مجوز دهند و بتواند ارز حاصل از صادرات خودش را وارد کند.

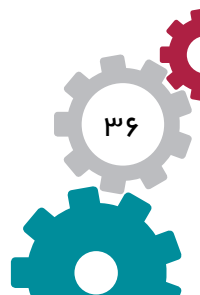
این فعال بخش خصوصی در ادامه با انتقاد از عملکرد ایمیدرو بیان کرد: سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران تاکنون برای بخش معدن چه دستاوردی داشته و چقدر موجب افزایش راندمان تولید در بخش‌های مختلف شده است؟

وی با بیان اینکه در کدام زمینه ما به صورت واقعی افزایش تولید داشتیم، گفت: منظور از افزایش تولید واقعی شعارهای وزارت صمت در مورد افزایش تولید نیست بلکه وضعیت تولید به صورت واقعی است. به عنوان مثال وزارت صمت میزان تولید سنگ را ۱۲/۵ میلیون تن اعلام کرده است در حالی که بررسی‌ها نشان می‌دهد تولید سنگ در کشور ۷/۵ میلیون تن بوده است. خب این آمارهای غیرواقعی به چه دردی می‌خورد؟

### ■ رکود صنعت زغال‌سنگ به دلیل قیمت‌گذاری دستوری

سیدجوادی همچنین با اشاره به اینکه برای تامین کک اسفنجی و سوزنی که از ماده‌ای به نام کک نفتی یا قطران با ریشه زغال سنگ به دست می‌آید ضعف داریم، افزود: ما در مناطقی از جمله کرمان، باب نیزه، البرز مرکزی و شرقی و... ذخایر قابل توجهی زغال و کارخانه داریم اما چرا ظرفیت تولید در این بخش فعال نمی‌شود و ما نمی‌توانیم زغال سنگ را به تولید حداکثر برسانیم؟

وی در ادامه بیان کرد: دخالت‌های دولت و





قیمت‌گذاری دستوری تاحدی در این حوزه مشکل‌ساز شده است که اخیراً مرکز پژوهش‌های مجلس هشدار داد: قیمت‌گذاری دستوری طولانی‌مدت باعث رکود صنعت زغال‌سنگ شده تا جایی که ایران را با وجود رتبه ۲۲ در ذخایر قطعی زغال‌سنگ، در رتبه ۴۱ تولید و در میان واردکنندگان زغال‌سنگ قرار داده است. سیدجوادی گفت: آنقدر کنترل از سوی دولت روی این معادن زیاد است که این بخش هم فلج شده است.

#### ■ ۲۰ هزار ماشین‌آلات سنگین نیاز داریم

سیدجوادی با انتقاد از اینکه سیستم مدیریتی به طور کلی غلط است، افزود: ما در کشور حدود ۲۰ هزار ماشین‌آلات سنگین نیاز داریم. در این زمینه دولتمردان اعلام کرده‌اند که برای واردات ۱۲۰۰ ماشین سنگین مجوز ورود صادر کردیم. اما سوالی که باید از مسوولان در این باره پرسید این است که با توجه به مشکلاتی که وجود دارد، چند ماشین از تعداد اعلام‌شده امکان ورود به کشور را خواهند داشت؟ اگر تمام راه‌ها را برویم در نهایت می‌توانیم ۵۰۰ ماشین وارد کشور کنیم اما آیا این تعداد ماشین‌آلات سنگین مشکل ما را حل می‌کند؟

تحلیلگر بازارهای جهانی سنگ اظهار کرد: اقدامی که دولت باید در این باره انجام دهد این است که واردات را آزاد بگذارد تا واردکننده بتواند خودش در این زمینه وارد عمل شود. مسوولان همواره می‌خواهند اینطور به جامعه القا کنند که هیکو توان تامین ماشین‌آلات سنگین معادن را دارد در حالی که همه ما می‌دانیم هیکو سالانه بیشتر از ۳۰ دستگاه ماشین‌آلات سنگین نمی‌تواند تولید کند. بنابراین توصیه‌ای که به دولتمردان می‌شود این است که شرکت هیکو را به عنوان سازنده، مسوول خرید ماشین‌آلات سنگین کند و بانک صنعت و معدن نیز با نظارت بانک مرکزی نقش تامین‌کننده ارز این ماشین‌آلات را برعهده داشته باشد.

#### ■ اعتصابات و تعطیلی کارخانه‌های سنگ

سیدجوادی در ادامه با اشاره به اینکه هیچ‌کدام

از مشکلات کارخانه‌های سنگ حل نشده است، افزود: در حال حاضر کارخانه‌های شمس‌آباد که مرکز فرآوری سنگ هستند و موتور محرک صنعت سنگ در تهران به حساب می‌آیند، رونق ندارند. به همین دلیل حدود ۶۰ کارخانه سنگ در این منطقه که صاحبان آن از بزرگان صنعت سنگ کشور هستند، برای فروش کارخانه خود اقدام کرده‌اند چراکه چرخ کارخانه نمی‌چرخد.

وی اظهار کرد: بازار داخلی هم به دلیل رکود صنعت ساختمان، با مشکل کمبود تقاضا مواجه است و در نتیجه چاره‌ای جز فروش کارخانه وجود ندارد.

به گفته این فعال بخش خصوصی، در استانی مثل اصفهان که هر سال شب عید اجناس کارخانه‌ها فروخته می‌رفت، در حال حاضر کارخانه‌ها با یک‌سوم ظرفیت کار می‌کنند و سالن‌ها و انبارهای آنها هم پر از جنس است.

#### ■ سیاست اردوغان حمایت از تولید صادرات محور است

تحلیلگر بازارهای جهانی سنگ در ادامه در پاسخ به اینکه آیا زلزله ترکیه می‌تواند فرصتی برای افزایش نقش ایران در بازارهای جهانی سنگ شود، اظهار کرد: وقوع زلزله در ترکیه باعث شد که این کشور ناچار شود حجم عظیمی ساختمان‌سازی را در دستور کار قرار دهد. اما زلزله مانعی برای تولید سنگ در ترکیه ایجاد نکرده که بگوییم ترکیه در این زمینه ناتوان شده و در زمینه صادرات ضعیف خواهد شد به صورتی که ایران بتواند در این فاصله، جایگاه خود را در بازارهای جهانی پررنگ کند.

سیدجوادی بیان کرد: بعید می‌دانم زلزله ترکیه برای ایران در ارتباط با صنعت سنگ فرصتی ایجاد کند. مگر اینکه این زلزله و شرایط توری ناشی از آن آنچنان به اقتصاد ترکیه ضربه بزند که عملاً تولیدکننده‌ها به دلیل تورم به مشکل بخورند و صادرات برای آنها توجیه نداشته باشد. ترکیه سنگ را با میانگین قیمت ۲۲ دلار عرضه می‌کند در حالی که میانگین قیمت سنگ در دنیا ۳۵ دلار

است. به عبارتی این کشور کالای خود را ۳۰ درصد پایین‌تر از قیمت‌های جهانی عرضه می‌کند و بازار جهانی نیز به قیمت‌های پایین در این حوزه عادت کرده است. حال اگر این کشور به دلیل افزایش هزینه‌های تولید نتواند به این روند ادامه دهد، در بازار جهانی به مشکل می‌خورد.

وی افزود: تنها در این شرایط است که می‌توان گفت برای ایران فرصت ایجاد خواهد شد اما به طور کلی سیاستگذاری دولت اردوغان سیاستی برخلاف ایران است که به شدت از تولیدکننده‌هایی که توان صادراتی دارند حمایت می‌کند. از این رو صنعت سنگ ترکیه یکی از صنایع مهم و ارزشور برای این کشور است.

#### ■ تشکلهای بخش خصوصی در ترکیه بسیار قوی هستند

سیدجوادی در پاسخ به این سوال که چرا ما از سیاست‌های موفق ترکیه الگوبرداری نمی‌کنیم، اظهار کرد: ما نمی‌توانیم سیاست‌های ترکیه را در دستور کار قرار دهیم چراکه سیاست ترکیه توجه به بخش خصوصی است. دولت در این کشور بخش خصوصی را آزاد گذاشته تا کار کند و صادرات انجام دهد و برای دولت و اقتصاد کشور ترکیه نیز سودآوری داشته باشد.

وی ادامه داد: بر این اساس اتحادیه‌ها و تشکلهای بخش خصوصی در ترکیه بسیار قوی هستند و اگر قرار باشد قوانین تغییر کند، مشورت با اتحادیه‌ها صورت می‌گیرد. در واقع دولت ترکیه برای افزایش تولید و صادرات به بخش خصوصی خدمات می‌دهد. این در حالی است که در کشور ما تمام سیاستگذاری‌ها و قانونگذاری‌های دولت در حوزه معدن به نفع بخش دولتی است. در نتیجه بخش خصوصی مظلوم واقع می‌شود.

این فعال بخش خصوصی در پایان با بیان اینکه نباید برای بخش خصوصی و دولتی قوانین مشترک تدوین کرد، گفت: قوانین باید جوری در نظر گرفته شوند که بخش خصوصی بتواند در فضای آزاد، رقابتی و شفاف رشد کند. ما چنین سیستمی نداریم و در نتیجه نتیجه‌ای هم نمی‌گیریم.





«جهان صنعت» از وضعیت نسبتاً خوب بازارها در سال ۱۴۰۲ گزارش می‌دهد

## بخش خصوصی بازوی صادراتی زنجیره فولاد

منیر حضوری- بازارهای داخلی در حوزه معدن و صنایع معدنی سال گذشته را با چالش‌های متعددی سپری کردند. حمله روسیه به اوکراین، تصمیم دولت برای افزایش عوارض صادراتی و بعد از آن بی‌برقی و بی‌گازی همه از مشکلات فعالان زنجیره فولاد بود. تاجایی که این موانع موجب به هم خوردگی تعادل زنجیره فولاد و در نهایت سر درگمی بخش خصوصی شد. حالا که به هر حال بازارهای بین‌المللی از جمله چین وضعیت خوبی پیدا کرده‌اند و تا حدی نسبت به سال گذشته شرایط مناسبی خواهند داشت و از آنجا که ایران هم پیرو بازارهای جهانی است، در نتیجه کارشناسان باور دارند دولت از اتفاقاتی که در سال ۱۴۰۱ افتاد درس عبرت بگیرد و با عدم دخالت در بازارهای صنایع معدنی، اجتناب از ممانعت‌های برای زنجیره فولاد و اعمال سیاست‌های دستوری اجازه دهد که فعالان بخش خصوصی با عرضه مناسب بتوانند بیشترین بهره را برای اقتصاد کشور به ارمغان آورند.

که می‌بینیم صادرات در حال انجام است. حجم صادرات مقداری افزایش یافته و باعث شده که قیمت گندله صادراتی به دلیل رقابتی که ایجاد شده، پایین‌تر از قیمت‌های بازار جهانی شود. در واقع موضوع مهم این است که باید از اتفاقاتی که در سال ۱۴۰۱ افتاده درس بگیریم و با عرضه مناسب در بازار صادراتی بتوانیم بیشترین بهره را به دست آوریم.

■ **در تمام این مدت بخش خصوصی شرایط سختی را تجربه کرده است. به باور شما این حوزه امروز چه شرایطی دارد؟**

روالی که برای عرضه محصولات چرخه زنجیره فولاد در طول سال گذشته در نظر گرفته شد، مثل همیشه براساس ضریبی از کدال یا شمش فولاد خوزستان بوده که برای محصولات کنسانتره، گندله و آهن اسفنجی عدد مشخصی است، اما شاهدیم که در روزهای پایانی امسال عرضه این محصولات در بورس عملاً از روال قیمتی که درصدی از شمش فولاد خوزستان بود، خارج شده و حالا تعادل به هم خورده و در نتیجه قیمت بورس براساس عرضه و تقاضا اتفاق افتاده است.

هر چند این اتفاق در کل درست و قابل قبول است، اما نباید فراموش کرد بسیاری از عرضه‌هایی که در بورس کالا اتفاق می‌افتند صرفاً در طول ماه‌های پایانی سال قیمت بالایی داشته‌اند و تنها به این دلیل (طبق مصوبه دولت) اگر عرضه‌ای در بورس اتفاق افتد و

که تعادل زنجیره به هم بخورد. در ادامه سال هم در فصل زمستان مثل سال گذشته مشکل قطعی گاز تکرار شد و در نتیجه عدم تعادل زنجیره شدت گرفت. در ادامه با توجه به اینکه اول اسفند گاز صنایع فولادی وصل شد، اما دیدیم که دپوی سنگینی از گندله که از اول سال روی زمین ماند، عدد به شدت قابل توجهی را نشان می‌دهد.

با توجه به اینکه در فصل تابستان مقداری از محصول گندله مصرف و مقداری هم صادر شد، در نهایت تنها مقداری باقی ماند. پس از آنکه مشکل قطعی گاز صنایع فولادی در زمستان روی داد، خودبه‌خود مصرف گندله نیز کاهش یافت. البته دلیل عمده‌اش این بود که تولید آهن اسفنجی به دلیل قطعی گاز کاهش شد. این مساله از سویی هم طبیعی است، چرا که در چین هم هر چه به طرف فصل گرم‌تری می‌رویم مصرف گندله نیز کاهش می‌دهد. دلیل که فولادسازان کوره بلند چین ترجیح می‌دهند به جای گندله از محصول سنگ‌آهن دانه درشت هندوستان که عیار پایین‌تر و قیمت مناسب‌تری دارد، استفاده کنند.

■ **با توجه به شرایطی که وصف کردید، به باور شما صادرات به چه سمتی خواهد رفت؟**

حالا که گاز صنایع فولادی وصل شده است مقداری از گندله جذب بازار داخلی می‌شود که البته حجم بالایی خواهد بود. در حال حاضر هم همین‌طور

از آنجایی که توسعه اقتصادی وابسته به حضور فعال بخش خصوصی داخلی و خارجی است، انتظار می‌رود که دولت شرایط تامین خوراک مواد اولیه برای آنها را به بهترین شکل فراهم کند و تسهیل‌گر فعالان بخش خصوصی باشد. در این رابطه گفت‌وگوی «جهان صنعت» با کیوان جعفری‌طهرانی تحلیل‌گر بازارهای بین‌المللی فولاد و سنگ‌آهن را در ادامه می‌خوانید.

■ **وضعیت بازارها و صنایع معدنی در سال ۱۴۰۱ به چه صورت بوده است؟**

فارغ از نوسانات قیمتی‌ای که در سال گذشته میلادی محصولات زنجیره فولاد داشته‌اند، باید گفت که در سال شمسی ۱۴۰۱ اتفاقات زیادی افتاد که جلوی صادرات محصولات فولادی گرفته شد؛ وقایعی که با جنگ اوکراین شروع شد و به دنبالش با افزایش عوارض صادراتی رقم خورد و بعد هم با کمبود برق و گاز ادامه یافت.

به واقع تصمیماتی که در ابتدای سال ۱۴۰۱ از سوی دولتمردان ما گرفته شد، یک اشتباه استراتژیک بود، چرا که باعث شد دو ماه از فصل کاری به راحتی از دست برود. در ادامه بسیاری از محصولات زنجیره فولاد از جمله محصولات بالادستی مثل کنسانتره، گندله و آهن اسفنجی و همچنین محصولات میانی بدون مشتری روی زمین ماندند! بعد هم وارد فصل تابستان شدیم و قطعی برق مزید بر علت شد و شاهد آن شدیم

به واقع تصمیماتی که در ابتدای سال ۱۴۰۱ از سوی دولتمردان ما گرفته شد، یک اشتباه استراتژیک بود، چرا که باعث شد دو ماه از فصل کاری به راحتی از دست برود. در ادامه بسیاری از محصولات زنجیره فولاد از جمله محصولات بالادستی مثل کنسانتره، گندله و آهن اسفنجی و همچنین محصولات میانی بدون مشتری روی زمین ماندند





مشتری نداشته باشد، می‌تواند قابلیت صادرات داشته باشند، پیش رفته‌اند. به هر حال عرضه‌ها خودبه‌خود عدد بالایی در بورس شده‌اند و آنهایی که مشتری نداشته‌اند تعادل در قیمت بازار داخلی را به هم زده‌اند و در نهایت فرمولی که براساس شمش فولاد خوزستان بوده و در معاملات رعایت می‌شده هم تعادلش به هم خورده و شاهدیم که بازار دچار سردرگمی شده است. به این ترتیب با توجه به اینکه عملاً ضریب قیمتی رعایت نشده، بخش خصوصی را به شدت درگیر و دچار چالش کرده است.

### ■ مساله مهمی که مسوولان در ارتباط با بخش خصوصی باید بر آن تمرکز کنند، چیست؟

نباید فراموش کرد که صادرات محصولات زنجیره فولاد عمدتاً در دست بخش خصوصی است، در حالی که این حوزه امروز با به هم ریختگی مواجه شده است. اینها در شرایطی است که بدنام بخش خصوصی بوده که در مزایده‌ها شرکت کرده و باید شرایط برای آنها طوری مهیا شود که در زمینه صادرات و رفع نیاز در بازار داخلی اضافه بار تولید محصول پایین دستی بعدی به آنها اضافه نشود. همچنین انتظار می‌رود بخش دولتی هر یک سهمیه‌ای برای تامین خوراک مواد اولیه مورد نیاز بخش خصوصی تعریف کنند.

در این بین شرکت‌های مختلف خصوصی و دولتی موظف هستند که خوراک شرکت‌های دولتی و خصولتی را تامین کنند اما در مورد شرکت‌های خصوصی که تعدادشان کم نیست و حجم تولیدشان در رابطه با محصولات چرخه زنجیره فولاد کوچکتر است، شاهد هستیم همیشه برای تامین خوراکشان مشکل داشته‌اند و این مساله باعث می‌شود که در یک برهه زمانی نتوانند مواد اولیه مورد نیاز خود را تامین کنند. به‌طور مثال امروز کوره‌های القایی در تامین خوراک اولیه یعنی آهن اسفنجی به جای آهن قراضه به مشکل جدی خوردند.

در شرایط فعلی برخی از سرمایه‌گذاران کوچک چینی و هندی وارد ایران شده‌اند، اما عدم حمایت از بخش خصوصی می‌تواند آنها را فراری دهد، به باور شما چنین مشکلاتی چه پیامدهایی برای خروج سرمایه‌گذاران خارجی دارد؟

به‌طور حتم، برخی از شرکت‌های بخش خصوصی که در زنجیره فولاد فعال‌اند، چینی و هندی هستند. چینی‌ها بیشتر در زنجار و خوزستان در پروسه فرآوری سنگ آهن و کنسانتره‌سازی فعال هستند که اگر احساس خطر کنند به سرعت سرمایه خود را جمع می‌کنند و از ایران خارج می‌شوند. هندی‌ها نیز عمدتاً در استان یزد و مرکزی در رابطه با کوره‌های القایی و تولید فولادها فعال هستند. امروز هندی‌ها برای تامین خوراکشان با مشکل جدی روبه‌رو شده‌اند و تا جایی که شنیده شده به فکر تعطیلی کارخانه‌هایشان افتاده‌اند. این موضوع وقتی مهم تر می‌شود که بر این مساله تمرکز کنیم که متأسفانه در شرایط تحریم امکان جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی عملاً میسر نیست. با این حال برخی از سرمایه‌گذاران کوچکتر چینی و هندی مبادرت به سرمایه‌گذاری کرده‌اند و در این شرایط نباید احساس ترس برای آنها ایجاد کنیم؛ در واقع کشور به بخش خصوصی داخلی و خارجی نیاز دارد و باید تامین خوراک مواد اولیه آنها به بهترین شکل انجام شود.

### ■ پیش‌بینی شما برای وضعیت بازارهای داخلی در سال ۱۴۰۲ چیست؟

در رابطه با وضعیت بازار داخلی باور دارم که به شرایط متعددی وابسته هستیم. کمبود برق در تابستان و گاز در زمستان، عدم تعادل در زنجیره و قوانینی که وزارتخانه تصویب کرده باعث شده که روال عادی بازار به هم بخورد. هر چند گاهی حرکت دستوری برای کنترل بازار لازم است اما دخالت بیش از حد دولت در بازار باعث ترس شده است. باید بدانیم که بازار بورس، خرید و فروش محصولات چرخه زنجیره فولاد و... همچون موجود زنده هستند و براساس اصل عرضه و تقاضا مسیر خودشان را پیدا می‌کنند. بنابراین نمی‌توانیم برای آنها به صورت دستوری خط و نشان بکشیم و در مسیر مورد علاقه‌مان هدایت‌شان کنیم، چرا که باعث ترس و عقب‌نشینی بازار می‌شود. با همه اینها، طبیعتاً بازار سال آینده تاحدی نسبت به سال گذشته شرایط خوبی خواهد داشت، چراکه بازار جهانی ۲۰۲۳ بهتر از ۲۰۲۲ است. بر خلاف

پیش‌بینی‌هایی که گفته بودند چین در ۲۰۲۳ وضع خوبی ندارد اما شاهد هستیم که شرایط این کشور بهتر شده و هدفش این است که در سال جدید میلادی رشد اقتصادی خود را جبران کند. منتظر هستیم ببینیم در نشست سالانه دوقلو که نشست کنگره خلق چین و تصمیم‌گیران کلان اقتصادی چین در ۱۰ مارس هر سال برگزار می‌شود، چه سیاستی اتخاذ می‌شود. البته شواهد نشان می‌دهد که ساخت و سازها در چین به‌ویژه در پروژه‌های زیرساختی و مسکن رو به افزایش است.

### ■ در این روند وضعیت کامودیتی‌ها به چه صورت خواهد بود؟

روندی که در حوزه کامودیتی‌ها در ادامه سال میلادی دیده می‌شود نیز نسبتاً مناسب است. این روند در بازار داخلی هم منعکس شده و تنها موردی که حائز اهمیت است این است که نرخ ارز باید به ثبات نسبی برسد. درست است که شاهد کاهش ارزش شدید ریال هستیم و وضعیت بسیار خطرناک است اما امیدواریم که این حوزه ثبات پیدا کند. البته این مساله خودبه‌خود باعث توسعه صادرات می‌شود، چراکه ارزش کالای صادراتی به ارز خارجی پایین تر از قیمت جهانی می‌رود؛ این روندی است که خیلی از کشورهای جهان در ۲۰ سال گذشته از جمله ژاپن پیش برده‌اند. در واقع زمانی که ژاپن می‌خواست اقتصاد سوم جهان بشود و از آلمان جلو بزند، ارزش پول ملی خود را پایین آورد. البته بازها دیده‌ایم که آمریکا به این سیاست کشورها اعتراض کرده، چراکه باعث شده کالاهای صادراتی شان در بازارهای جهانی ارزان تر شود.

در این شرایط اگر ارزش پول کشورمان در پایان ۱۴۰۱ نسبت به سال قبل نزدیک به نصف شده است، باید کاری کنیم که بیشترین نتیجه و بازخورد را در توسعه صادرات داشته باشیم، چراکه کشور به هر سنت دلار و هر سنت یورو صادراتی نیاز دارد و در این روند انتظار می‌رود دولت در جهت توسعه صادرات ایفای نقش کند. در واقع بازوی صادراتی چرخه زنجیره فولاد و بخش معدن کشور بخش خصوصی است و وقتی کالایی صادر می‌شود ارز آن به چرخه مستقیم اقتصاد کشور برمی‌گردد.

کمبود برق در تابستان و گاز در زمستان، عدم تعادل در زنجیره و قوانینی که وزارتخانه تصویب کرده باعث شده که روال عادی بازار به هم بخورد. هر چند گاهی حرکت دستوری برای کنترل بازار لازم است اما دخالت بیش از حد دولت در بازار باعث ترس شده است







**مدیر عامل کارخانه گروه صنعتی فولاد بهمن از نگاه نادرست دولت به بخش خصوصی انتقاد کرد**

## سرمايه گذاري ممنوع!

نسترن یوسفجکیان - حال و روز تولیدکنندگان در کشور چنان وخیم است که حتی انگیزه‌ای برای بیان مشکلات از سوی آنها باقی نمانده است. هر چند تا چند سال پیش گمان می‌رفت در صورتی که صدای بخش خصوصی و فعالان اقتصادی و صنعتی کشور به گوش دولت برسد، بخش زیادی از مشکلات آنان حل خواهد شد اما حالا این اطمینان حاصل شده است که دولت‌مداران نه تنها از چالش‌ها و مشکلات بخش تولید آگاهی ندارند بلکه خودشان نیز در این زمینه سهیم هستند و اتفاقاً در سنگ اندازی پیش پای اهالی تولید نقش ویژه‌ای ایفا می‌کنند. با علم به این موضوع و مواجهه با اقتصادی که هر روز غیرقابل پیش‌بینی‌تر می‌شود، دیگر توانی برای ادامه فعالیت برای فعالان اقتصادی کشور به خصوص تولیدکنندگان باقی نگذاشته است. با این حال همچنان عده‌ای از فعالان صنعتی کشور سعی دارند پای هدف اصلی خودشان که همان اشتغالزایی و ایجاد ارزش افزوده برای اقتصاد کشور بوده است، بایستند اما نمی‌توان از آنها توقع داشت که علاوه بر پرداخت هزینه‌های سنگین بابت تحریم‌های بین‌المللی، با خودتحریم‌های داخلی نیز خودشان را وفق دهند و سازگار شوند.



وی اظهار کرد: هر کسی که از چالش‌های مستمر امثال بنده به دلیل فعالیت در حوزه تولید اطلاع دارد، از سرمایه‌گذاری در حوزه‌های مولد خودداری می‌کند. طبیعی است وقتی برخورد مسوولان کشوری و استانی با کسانی که سال‌ها در حوزه تولید فعالیت کرده‌اند این گونه است، پس برای تازه‌واردها چه تضمینی وجود دارد که در صورت ورود به حوزه سرمایه‌گذاری و تولید، به عاقبت امثال ما دچار نشوند.

احمدی در ادامه گفت: شخصی را برای سرمایه‌گذاری و تجهیز یکی از بیمارستان‌های نیمه‌آماده و انبوه‌سازی پروژه‌های مسکونی و تجاری به استان مازندران دعوت کردم، اما یک روز نشد که این فرد از سرمایه‌گذاری منصرف شد. چراکه یکی از مسوولان برای مذاکره پیشنهاد قرار ملاقات در ساعت و محل غیرکاری به او داده بود که مطمئناً به درخواست‌های غیرمنطقی منتهی می‌شد. نمونه بارز آن مجموعه تجاری‌ای است که با اخذ مجوزهای قانونی در بدو ورودی شهر قائم‌شهر که بسیار شکیل و اصولی ساخته شده و بیش از دوسال از ساخت آن می‌گذرد، به بهانه‌های غیرقابل باوری حتی با دخالت آقای استاندار، نمایندگان مجلس، مدیران کل استان هنوز پایان کار آن صادر نشده تا حداقل ۲۰۰ نفر مشغول به کار باشند و برای دولت میلیاردها تومان درآمد سالانه ایجاد شود. به همین دلیل تابلوی خوشامدگویی به سرمایه‌گذاران در مازندران این روزها به تابلوی «سرمایه‌گذاری ممنوع» تبدیل شده است.

مدیرعامل گروه صنعتی بهمن بیان کرد: این برخوردها با تولیدکننده و سرمایه‌گذاران در شرایطی انجام می‌شود که بسیاری از کشورهای اروپایی، شمالی و کشورهای حاشیه خلیج فارس و حتی کشورهای آفریقایی برای جذب سرمایه‌گذار

**■ برخورد نادرست با فعالان اقتصادی**  
در واقع هیچ انسان عاقلی حاضر نیست در جایی که به موجی از محدودیت‌ها و مانع‌تراشی‌ها آن هم از سوی خودی‌ها روبرو است، فعالیت کند. به همین دلیل مدت‌هاست با سیل عظیمی از مهاجرت سرمایه‌گذاران و نخبگان از کشور روبرو هستیم که به شدت نگران‌کننده است. اما نگرانی وقتی بیشتر می‌شود که متوجه می‌شویم خروج این تعداد قابل توجه از سرمایه‌گذاران آن پیامی که باید به گوش دولت‌مداران برساند، به طوری که آنها همچنان با عدم اطمینان به بخش خصوصی و برخورد نادرست با فعالان اقتصادی کشور، به مشکلات حوزه اقتصاد و صنعت در کشور دامن می‌زنند. بی‌خبر از آنکه پافشاری روی سیاست‌های نسنجیده و تحت فشار قرار دادن اهالی تولید، صبر آنها را هم که تاکنون تمام سختی‌ها را به جان خریدند به سر می‌رساند و موجب شکل‌گیری موج جدیدی از مهاجرت انسان‌های دلسوز از کشور می‌شود.

بر اساس آنچه یکی از بزرگان صنعتی کشور به «جهان‌صنعت» می‌گوید، حتی به شعارهای مسوولان دولت سیزدهم در مورد حمایت از تولید نیز اطمینانی وجود ندارد. چراکه مدیران دولت فعلی راهی را در پیش گرفته‌اند که بیش از دولت‌های قبلی برای اهالی صنعت و فعالان بخش خصوصی دردسر ایجاد کرده و کار را به جایی رسانده که دیگر توانی برای بیان مشکلات باقی نمانده است.

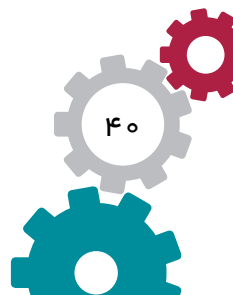
**■ سرمایه‌گذاری ممنوع!**  
بهمن احمدی مدیرعامل گروه صنعتی فولاد بهمن که بیش از ۴۰ سال از عمر خود را در حوزه تولید و اشتغالزایی صرف کرده است، می‌گوید: با سیاست‌هایی که از سوی دولت‌مداران دنبال می‌شود هیچ انگیزه‌ای برای سرمایه‌گذاری در کشور وجود ندارد.

هر کسی که از چالش‌های مستمر امثال بنده به دلیل فعالیت در حوزه تولید اطلاع دارد، از سرمایه‌گذاری در حوزه‌های مولد خودداری می‌کند. طبیعی است وقتی برخورد مسوولان کشوری و استانی با کسانی که سال‌ها در حوزه تولید فعالیت کرده و ضمن احترام به قانون اهلیت آنان به اثبات رسیده این‌گونه است، پس برای تازه‌واردها چه تضمینی وجود دارد که در صورت ورود به حوزه سرمایه‌گذاری و تولید، به عاقبت ما دچار نشوند

خدمات مالی و کاری مهیا کرده‌اند و به امثال بنده نیز پیشنهادهای وسوسه‌کننده‌ای ارائه داده‌اند، اما احساس دین به مردم کشورم و اعتقاد به آبادانی کشورم، حداقل بنده را از پذیرفتن این امکانات تاکنون باز داشته است.

### ■ مدیران دولتی اعتقادی به بخش خصوصی ندارند

مدیرعامل این کارخانجات فعال و مهم در زمینه تولید ورق‌های گالوانیزه و گالوانیزه، تولید ورق‌های رنگی، تولید رنگ‌های صنعتی، تولید ماشین‌آلات صنعتی و فرم‌دهی فلزات در ادامه صحبت‌های خود به سخنان مقام معظم رهبری در ارتباط با بها دادن به بخش خصوصی در جمع کارآفرینان اشاره و این سخنان را ارزشمند توصیف کرد و گفت: اما واقعیت این است که متأسفانه بعضی از مدیران دولتی اعتقادی به بخش خصوصی ندارند و تلاشی برای تغییر افکار و رفتار آنان دیده نمی‌شود. احمدی در





ادامه افزود: بنده بارها از بعضی از مسوولان شنیدم که گفتند ما نمی‌توانیم به بخش خصوصی اعتماد کنیم. چرا که در شرایط سخت، بخش خصوصی با ما همراه نیست.

وی با اظهار تاسف از اینکه سیاست مسوولان کشور ما با چنین تفکراتی شکل گرفته و علاقهای به افزایش نقش بخش خصوصی در اقتصاد ندارند، گفت: برای حل چالش‌های بخش تولید از وزیر صمت، مسوولان این وزارتخانه تا کمیسیون صنایع مجلس و مدیران استانی، جلسات متعددی برگزار شد اما نتوانستند یا نتوانستند هیچ‌یک از این چالش‌ها برطرف شود. بنابراین به نظر می‌رسد که مسوولان دولت سیزدهم همچون دولت قبل فقط شونده مشکلات و حتی راه‌حل‌های آن بوده‌اند اما از آنجایی که اعتقادی به بخش تولید ندارند تنها به شعار حمایت از این بخش اکتفا می‌کنند. ما هم در نهایت متوجه شدیم که جز خدا و توان خودمان نباید به کسی امید داشته باشیم.

### ■ هشدارها باعث تغییر رویه مسوولان نشد

احمدی همچنین به اظهار نظر اخیر خود در مورد سیاست‌گذاری‌های نسنجیده دولت در حوزه فولاد که تحت عنوان «زنجیره‌های تکمیلی فولاد در آستانه تعطیلی» در آبان ماه سال جاری در روزنامه «جهان صنعت» منتشر شد، اشاره کرد و گفت: انتقاد من در آن گزارش این بود که هر روز سیاست‌های من در آوردی و جدیدی در ارتباط با بخش تولید در دستور کار قرار می‌گیرد که خود به تنهایی می‌تواند تعداد زیادی از کارخانه‌های تولیدی در کشور را با چالش جدیدی مواجه سازد. یکی از این سیاست‌ها، تعرفه‌های تعیین شده از سوی وزارت صمت برای واردات ورق‌های فولادی بود که موجب تعجب و سرگشتگی بسیاری از فعالان حوزه تولید شد.

براساس این تصمیمات، در اوایل سال ۱۴۰۱، تعرفه و حقوق ورودی ورق گالوانیزه و رنگی که محصول واسطه‌ای بسیاری از صنایع تکمیلی از قبیل لوازم خانگی، ساندویچ پانل، سالن‌های تولید و ساختمان‌های مسکونی تلقی می‌شود و بیش از ۲ برابر نیاز کشور ظرفیت تولید داخلی دارد، از ۲۶ درصد به ۵ درصد تقلیل پیدا کرد و ورق‌های گالوالوم که در کشور بسیار کم تولید می‌شود از ۲۰ درصد به ۷ درصد تقلیل داده شد.

احمدی بیان کرد: جالب است بدانید که آگاه کردن مسوولان از تبعات این سیاست و هشدار در مورد تعطیلی کارخانه‌ها در زنجیره تکمیل نه تنها موجب تغییر رویه مسوولان نشد بلکه با پوزخند به اعتراض ما اخیرا تعرفه ورق رنگی و گالوانیزه را از ۵ درصد به ۲ درصد کاهش داده‌اند. مطمئنا چنین سیاست‌هایی تنها منفعته دلالتان را به دنبال دارد و تولیدکنندگان زیادی را از ادامه کار ساقط خواهد کرد. در واقع این تصمیم لجوجانه بسیاری از بخش‌های زنجیره تکمیلی را به تعطیلی خواهد کشاند. حال با چنین سیاست‌ها، برنامه‌ریزی‌ها و تصمیماتی قطور می‌توان به آینده امیدوار بود و فعالیت کرد؟

وی گفت: برخی تولیدکنندگان برای واردات قطعات و ماشین‌آلات مورد نیاز خود به بهانه‌های واہی که از سوی دستگاه‌های بالادستی ایجاد می‌شود، ماه‌ها برای تخصیص و تلمین ارز و ثبت سفارش و مستندسازی، آن هم با نحوه پرداختی که در مورد خرید ماشین‌آلات غیرمعقول و غیرقابل اجراء است، اسیر می‌شوند که به عنوان مثال خود بنده در یک

مقطعی برای ورود ماشین‌آلات خطوط تولید، بیش از ۹ ماه پیگیری ترخیص این ماشین‌آلات از بنادر کشور بوده‌ام. اما برای واردکنندگان محصول نهایی هیچ‌یک از این سختگیری‌ها وجود ندارد. مدیرعامل گروه صنعتی بهمین افزود: سیاست‌ها به گونه‌ای تنظیم می‌شود که می‌توان گفت ارگان‌های دولتی و حتی وزارت صمت به جای اینکه حمایتگر بخش صنعت باشند، به دستگاه‌هایی پول‌ستان تبدیل شده‌اند که فقط به دنبال این هستند که از سرمایه‌گذاران و صنعتگران پول دریافت کنند. سازمان امور مالیاتی، تامین اجتماعی، بانک‌ها و... کم بودند، حالا شرکت شهرک‌های صنعتی هم به این لشکر اضافه شده‌اند.

وی ادامه داد: متأسفانه در کشور ما هر کدام از این ارگان‌ها به بهانه‌های مختلف از نادیده گرفتن معافیت مالیاتی و ایراد گرفتن از دفاتر برای کسب درآمد بیمه‌ای، بهره‌های کمر شکن بانکی و افزایش قیمت‌های ایجاد شده که به تورم و رکود منتهی می‌شود تا متولی اصلی بخش صنعت یعنی شرکت شهرک‌های صنعتی که با کمترین امکانات زیربنایی بیشترین دغدغه‌ها را ایجاد می‌کند، دست به دست هم داده‌اند که نه تنها امید به حضور در بخش‌های مولد بلکه توسعه برای تولیدکننده و سرمایه‌گذار کاهش پیدا کند. در این خصوص اگر قرار به ارائه دلایل باشد هم می‌توان برای هر کدام نمونه بارزی را مثال زد.

### ■ مسوولان منافع طلب

احمدی با اشاره به اینکه حداقل ۵ درصد از ۴۰۰ نیروی مجموعه‌های ما در بخش اداری فعالیت می‌کنند، گفت: به دلیل بوروکراسی‌های پیچیده اداری، نیروهای بنده هر روز بین ادارات دولتی مختلف در رفت‌وآمد هستند. اما موضوع زمانی تاسفبار می‌شود که برخی مسوولان در پاسخ به جلو رفتن کارهای اداری از نیروهای اداری پیگیری، ایراد می‌گیرند که متوجه درخواست زیرمیزی از سوی آنها نشده‌اند. اینها مسائلی است که نمی‌توان در جایی بازگو کرد چرا که همین مسوولان متخلف به سادگی در مراجع ذی‌صلاح ادعای حیثیت می‌کنند. اما سوالی که مطرح می‌شود این است: مگر کسی که به قول خودشان هدیه می‌خواهد در حضور شاهد اقدام به این کار می‌کند یا سندی را در این خصوص ارائه می‌دهد که بتوانیم با ارائه آن از خودمان دفاع کنیم. منظور صحبت بنده این است که اگر چه نیروهای پاکدست زیادی در جمع مسوولان وجود دارند اما کار تولیدکننده در بسیاری از مواقع به افرادی منتهی می‌شود که یا نابلند یا خیلی دلسوز مملکت نبوده و به منافع سازمانی یا شخصی خود فکر می‌کنند.

### ■ محدودیت‌های انرژی در شهرک‌های صنعتی

مدیرعامل گروه صنعتی بهمین در ادامه به چالش انرژی واحدهای صنعتی به خصوص فولاد در سال جاری اشاره کرد و گفت: قطور می‌شود در کشوری که به عنوان دارنده دومین ذخایر گازی جهان شناخته می‌شود، گاز واحدهای صنعتی آن حدود دو ماه قطع باشد؟ آیا چنین اتفاقی ناشی از بی‌تدبیری مسوولان نیست؟ جالب اینجاست که وقتی در این زمینه پیگیری هم می‌شویم، مسوولان اداره گاز با تندخویی اعلام می‌کنند نمی‌توانیم گاز مردم را به خاطر شما قطع کنیم.

به نظر می‌رسد بعضی از مسوولان فرهیخته ما علاوه بر اینکه تدبیری برای حل محرومیت‌های

حوزه انرژی ندارند نسبت به جایگاه ارزشمند تولیدکننده نیز بی‌اطلاع هستند و نمی‌دانند که ما و کارکنان ما هم قسمتی از همین مردم هستیم. با این تفاوت که با ایجاد اشتغال و درآمد از فقر و فساد و... جلوگیری می‌کنیم و نسبت به حفظ امنیت عمومی هم تاثیر مستقیم داریم.

وی با بیان اینکه در حال حاضر در مازندران بعضی از شهرک‌های صنعتی برق مورد نیاز ماشین‌آلات تولیدی خود را در اختیار ندارند، افزود: برق و گاز کارخانه‌های صنعتی به خصوص کارخانجات فولادی را هر زمان از سال که دلشان بخواهد قطع می‌کنند و ظاهراً برنامه‌ای هم برای حل این مشکل ندارند. ما برای حل مشکل برق میلیاردها تومان هزینه صرف خرید ژنراتور و برای حل مشکل گاز نیز هزینه گزافی را صرف دوگانه‌سوز کردن ماشین‌آلات کردیم اما مشکل همچنان باقی است فقط از یک شکل به شکل دیگر تغییر کرده است و حالا برای تامین سوخت با گاز ژنراتور و خطوط تولیدی یا کوره‌ها با مشکل مواجه هستیم. لذا پیشنهاد مسوولان برای سوخت دوم در زمان قطع گاز یا تامین برق از نیروگاه‌ها یا ژنراتور، آدرس غلط و افزایش هزینه تولید یا در حقیقت هدر دادن سرمایه ملی است بدون اینکه تاثیری در نتیجه یا روند تولید داشته باشد.

احمدی اظهار کرد: مشکلات عنوان شده مشتق از خرابی است و طرح آن در قالب یک مقاله در صفحه‌های امکان‌پذیر نیست. اما سوال اینجاست با همین مقدار اندک هم آیا عقل سلیم در این شرایط حاضر به سرمایه‌گذاری خواهد بود؟

این فعال صنعتی گفت: برخی مدیران برای حفظ میز و جایگاه خود کار نکردن که در واقع فاقد اشتباه بوده را به کار کردنی که ممکن است با اشتباه همراه باشد و آنان را زیر سوال ببرد و پست آنان را به خطر بیندازد، ترجیح می‌دهند. ناامانگی در بخش اجرایی دولت زیاد است.

عواقب سیاست‌های در حقیقت تفسیری بسیاری از مدیران میانی و استانی که حتی از اختیارات قانونی خود استفاده نمی‌کنند و مطمئنا با سیاست‌های کلی نظام در تضاد هست، آینده خوبی را برای صنعت کشور تداعی نمی‌کند. واقعا برایشان سوال نیست در چندماه گذشته چه اتفاقی افتاد که دلار ۲۵ هزار تومانی سر به فلک کشیده و به ۵۰ هزار تومان رسیده است؟

احمدی در بخش دیگری از صحبت‌های خود گفت: قسمت اعظمی از معادن کشور ما در اختیار بخش دولتی و مقدار قلیلی در مالکیت یا اجاره بخش خصوصی است. بنابراین منابع و قدرتی که دولت در این حوزه‌ها دارد باعث می‌شود که تصمیمات متخذه در حوزه قیمت‌گذاری، نحوه عرضه، صادرات و... به صورت یکجانبه جاری و به بخش خصوصی تحمیل شود و گاه شاهد بوده‌ایم حتی به اظهار نظر آنان نیز توجه نمی‌شود.

به گفته وی، بسیاری از مناطق معدنی که سال‌های سال فعال بوده و اکنون نیز قابلیت بهره‌برداری دارند، به دلیل همین سیاست‌گذاری‌ها راکد شده است و برای بسیاری از معادن در حال اکتشاف یا حتی کشف‌شده انگیزه سرمایه‌گذاری وجود ندارد.

احمدی در خاتمه گفت: درخواست ما از این قبیل مسوولان این نیست که دست ما را بگیرند بلکه می‌خواهیم با مانع تراشی جلوی راه ما را نگیرند.

جالب است بدانید که آگاه کردن

مسوولان از تبعات

برخی سیاست‌ها

و هشدار در مورد

تعطیلی کارخانه‌ها

در زنجیره تکمیل

نه تنها موجب تغییر

رویه مسوولان نشد

بلکه با پوزخند

به اعتراض ما

اخیرا تعرفه ورق

رنگی و گالوانیزه

را از ۵ درصد به

۲ درصد کاهش

داده‌اند. مطمئنا

چنین سیاست‌هایی

تنها منفعته دلالتان

را به دنبال دارد

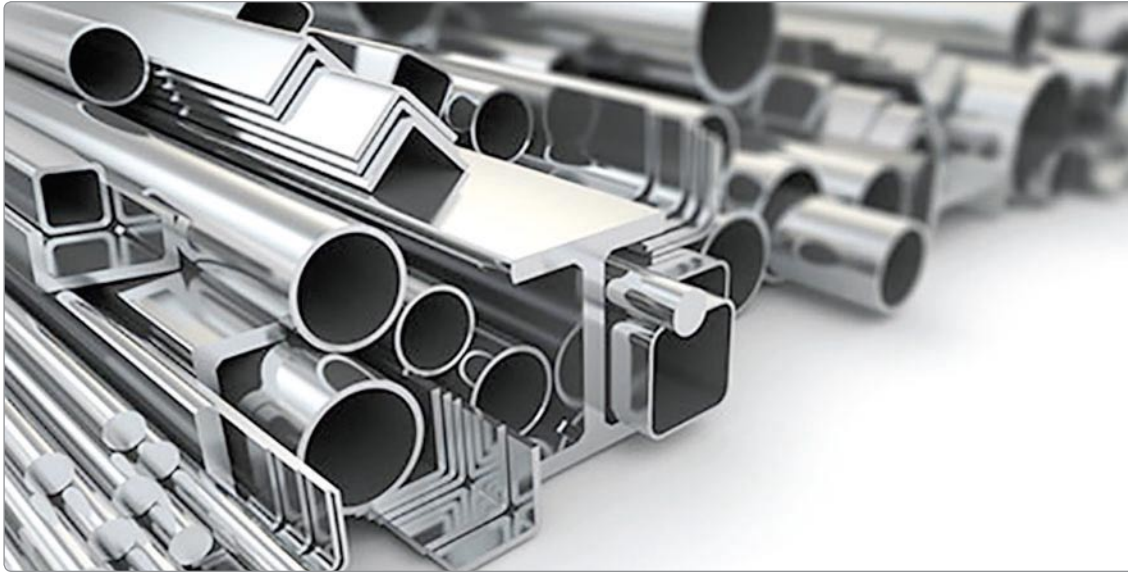
و تولیدکنندگان

زیادی را از ادامه

کار ساقط خواهد

کرد





## قیمت ورق گرم رکورد زد

# کارنامه یک ساله کار گروه کالاهای پایه

## تبخیر سرمایه در گردش



آتوش رحام  
دبیر سنگدکای لوله و پروفیل

سال ۱۴۰۱ از بسیاری جهات یکی از پر فراز و نشیب‌ترین سال‌ها برای صنایع تکمیلی فولادی و مجموعه زنجیره فولاد کشور بود. این سال از بسیاری جهات یکی از متزلزل‌ترین سال‌ها در زنجیره تامین فولاد کشور به خصوص کالای پایه بود؛ سالی که در آن بیشترین ریزش و رشد فزاینده قیمت و تورم کالاهای پایه را شاهد بودیم و علی‌رغم تلاش دولت‌مدان برای تثبیت شرایط به دلیل کثرت و شدت عوامل متزلزل‌کننده بازار همچون نرخ دلار، بحران برق و گاز و واحدهای تولیدی، بخشنامه‌های متعدد کار گروه کالای پایه، وزارت صمت نیز نتوانست اثرات و مخاطرات ایجادشده برای تولیدکنندگان را کاهش دهد به طوری که اغلب نسخه‌های تجویز شده اثری کوتاه‌مدت و موضعی داشتند.

از همین‌رو برای تشریح بهتر کارنامه کالای پایه، کالای منتخب ورق گرم را به‌عنوان برشی از عملکرد کلی کالای پایه وزارت صمت در سال ۱۴۰۱ مورد مذاقه و تحلیل و بررسی قرار دادیم.

اطلاعات تولید و فروش خود را نسبت به مجموع خریدهای بورسی بارگذاری نمی‌کردند، کدهای بورسی آن واحدها تعلق شده و از خرید در بورس کالا محروم می‌شدند.

اگرچه این طرح در ابتدا با مخالفت‌هایی مواجه بود اما از آنجایی که گام مهمی در راستای شفافیت کل زنجیره بود، شکل‌های حوزه فولاد و صنایع فلزی غیر آهنی از اعضای خود خواستند با این طرح همکاری کنند. دست‌کم این‌طور تصور می‌شد که این آمارها ضمن صحت‌سنجی به اصلاح ساختار عرضه و توزیع کالاهای پایه کمک خواهد کرد.

در نیمه اول سال بود که عرضه‌های ورق گرم تلفیقی به عنوان راهکاری که بخشی از نیاز بازار را از طریق واردات تامین می‌کرد به صورت جدی دنبال می‌شد اما در ادامه این بزرگ‌ترین تامین‌کننده ورق بازار بود که اعلام کرد سراز و کار واردات ورق را در اختیار نداشته و تنها یک مورد ورق به صورت تلفیقی توسط مبارکه وارد شد که ترخیص آن با مشکلات و تاخیر جدی روبه‌رو بود.

این در حالی بود که کار گروه بدون توجه به عدم آمادگی شرکت مبارکه، تامین کمبود ورق را به مبارکه تکلیف کرده بود و در نهایت شرکت مبارکه به ناچار بخشی از ظرفیتی که باید از طریق واردات تامین می‌شد را از محل کالای موجود خود تامین کرد به طوری که همچنان عرضه‌های تلفیقی در هاله‌ای از ابهام قرار دارند.

### خریدهای غیر متعارف ورق فولادی

اما آنچه حائز اهمیت است مدل عرضه بدون سقف

### تابستان و رکود گرم

کار گروه کالای پایه وزارت صمت به‌عنوان مرجعی که مدیریت بازار کالاهای پایه و همچنین کالاهای عرضه‌شده در بورس را به عهده دارد متشکل از نمایندگان بخش خصوصی و نمایندگان وزارت صمت و بورس کالا است. ساختار این کار گروه به گونه‌ای است که نظرات بخش خصوصی صرفاً در اقلیت قرار دارد و در هیچ شرایطی امکان صدور مصوبه با آرای بخش خصوصی وجود ندارد، چرا که در یک سو نمایندگان معدنی به عنوان دفتر تخصصی و شخص معاون معدنی و سایر دستگاه‌های تابعه زیرمجموعه وزارت صمت اعم از سازمان حمایت، ایمیدرو و معاونت صنایع حضور دارند و از سوی دیگر نماینده بخش خصوصی صرفاً یک رای تشریفاتی دارد. از همین‌رو کارنامه کار گروه کالای پایه به‌زعم فعالان زنجیره فولاد و صنایع فلزی غیر آهنی قابل قبول نبوده و این کار گروه نتوانست ثبات نسبی در دسترسی صنایع به مواد اولیه ایجاد کند.

### بازگشت به بهین‌یاب!

همزمان با شروع به کار کار گروه کالاهای پایه وزارت صمت عنوان شد که سیاست آتی این وزارت‌خانه مدیریت طرف تقاضا از طریق افزایش عرضه‌های بورسی خواهد بود و اساساً مدل سهمیه‌بندی براساس ظرفیت‌های مندرج در سامانه بهین‌یاب اعمال نخواهد شد.

به موازات این تصمیمات بخش دیگری در وزارت صمت که تحت عنوان رصد زنجیره فولاد فعالیت می‌کرد کلیه واحدها را ملزم به بارگذاری کلیه اطلاعات خرید مواد اولیه، ساخت و فروش محصولات خود در سامانه جامع تجارت کرد. به طوری که اگر واحدها

### بهار کم‌فروغ صادرات

روزهای ابتدایی سال بود که بخشنامه وضع عوارض بر صادرات زنجیره فولاد در اولین روزهای کاری، فعالان صنعتی کشور را شوکه کرد. مسوولان ذی‌ربط وزارت صمت نیز در جلسات ابراز می‌کردند که با وضع چنین عوارضی آن‌هم در اولین ماه سال که واحدها با مشکلات بازارهای صادراتی ناپایدار به دلیل دامپینگ گسترده محصولات روسیه در منطقه روبه‌رو بودند شاید یکی از تصمیمات غلط وزارت صمت بود که با اهداف تنظیم بازاری و به منظور حصول اطمینان از خروج بی‌رویه محصولات مورد نیاز بازار داخل به خارج از کشور از یک سو و اصلاح قیمت محصولات فولادی کشورمان و عدم ارزان‌فروشی در صادرات از سوی دیگر وضع شد. با گذشت تنها دو هفته از وضع این عوارض، شیوه اجرای آن به کلاف سردرگمی برای گمرک و سایر دستگاه‌های اجرایی دخیل در امر تولید و صادرات تبدیل شد و موجی از نارضایتی را در سرتاسر زنجیره فولاد ایجاد کرد؛ امری که طراحان و مجریان را نیز در تطبیق عوارض صادراتی که با هدف نزدیک کردن نرخ صادراتی به نرخ بازارهای منطقه وضع شده بود با مشکل روبه‌رو کرد، همچنین آثاری همچون از دست رفتن برخی بازارهای صادراتی و صدور مطالبه‌نامه‌های متعدد از سوی گمرک برای صادرکنندگان را به دنبال داشت. در نهایت اثرات وضع این عوارض، بخشی از صادرات کشور را در بدو سال به تعویق انداخت، چرا که بسیاری از صادرکنندگان به دلیل عدم قطعیت از نرخ نهایی کالا با عوارض صادراتی، تا تثبیت شرایط بازار از فروش کالا صرف‌نظر کردند.

### همزمان با شروع به کار

کار گروه کالاهای پایه وزارت صمت عنوان شد که سیاست آتی این وزارت‌خانه مدیریت طرف تقاضا از طریق افزایش عرضه‌های بورسی خواهد بود و اساساً مدل سهمیه‌بندی براساس ظرفیت‌های مندرج در سامانه بهین‌یاب اعمال خواهد شد.

به موازات این تصمیمات بخش دیگری در وزارت صمت که تحت عنوان رصد زنجیره فولاد فعالیت می‌کرد کلیه واحدها را ملزم به بارگذاری کلیه اطلاعات خرید مواد اولیه، ساخت و فروش محصولات خود در سامانه جامع تجارت کرد



رشد فزاینده  
قیمت ورق گرم  
همواره بخشی از  
سرمایه در گردش  
واحدهای تولیدی  
را تبخیر کرده یا  
در ساده‌ترین حالت  
موجب کاهش تولید  
به دلیل جهش  
قیمت نهاده  
خواهد شد

در سطح بازار کالای پایه بخشی متأثر از متغیرهای اقتصادی مانند نرخ ارز و محدودیت‌های انرژی بوده و بخش دیگری دلایل کاملاً فنی مانند مهندسی عرضه و ایجاد فضای آربیتراژی در بازار کالاهای پایه دارد. اگرچه بخش متغیرهای اقتصادی خارج از کنترل مسوولان ذی‌ربط است، اما بخش دوم که عموماً دلایل فنی دارد، نیازمند مدیریت جدی و بهنگام است. متأسفانه بخش بالادست صنایع بی‌آنکه به منافع ملی اهمیت دهد، به منافع مادی و کوتاهمدت بنگاه خود تمرکز دارد و این مسوولان و متولیان مدیریت بازار کالاهای پایه هستند که می‌بایست با اهتمام ویژه به ثبات بخشی به بازارها مانع افزایش افسارگسیخته قیمت نهاده‌های مورد نیاز تولید شوند. مجموعه اقدامات سال ۱۴۰۱ موبد عدم توجه به مولفه‌های فوق بوده تا جایی که برخی نهاده‌های کلیدی صنعت با نرخ دلار ۵۰ هزار تومان در بورس کالا عرضه و رشد فزاینده کم‌سابقه‌ای را تجربه کردند.

چشمگیر ۶۱ درصدی نسبت به بهمن ۱۴۰۱ به عدد ۲۵ هزار تومان به ازای هر کیلو رسیده است. تنها در عرضه بهمن ماه ورق گرم مبارکه، که شاهد ۴۲ درصد افزایش قیمت نسبت به قیمت پایه بر اثر رقابت‌های کاذب بورسی بوده‌ایم.

بانگاهی ساده به عملیات کارگزاری‌ها در زمان عرضه ورق گرم و سرد متوجه خواهید شد که کارگزاری‌ها تا زمانی که قیمت ورق به نرخ جهانی برسد فضای عرضه را در کانال رقابتی نزدیک به نرخ ارز و البته در ماه‌های جاری بالاتر از نرخ ارز آزاد، مهندسی و هدایت می‌کنند. رشد فزاینده قیمت ورق گرم نیز از این قاعده مستثنا نبوده، امری که همواره بخشی از سرمایه در گردش واحدهای تولیدی را تبخیر کرده یا در ساده‌ترین حالت موجب کاهش تولید به دلیل جهش قیمت نهاده خواهد شد.

### نیاز به مدیریت جدی و بهنگام

شیوع عمل کارگزاری‌ها همواره مورد انتقاد جدی فعالان صنعتی بوده است. جهش‌های قیمتی

بود که این اجازه را به بسیاری می‌داد که چند برابر ظرفیت تولید خود اقدام به خریدهای غیرمتعارف ورق فولادی کنند و در عمل بسیاری از واحدهای بزرگ را در تامین ورق مورد نیاز خطوط تولید خود با چالش مواجه کرد. متأسفانه اجرای اشتباه این طرح هم مانع دسترسی و توزیع هدفمند ورق به واحدهای تولیدی شد تا جایی که به دلیل عطش بازار و وجود نقدینگی سرگردان در سطح بازارها و تمایل شدید، واسطه‌ها و دلان برای تبدیل ریال به کالا هرچه عرضه‌های تلفیقی با نسبت بالاتری صورت می‌گرفت، محصول به خطوط تولید هدایت نمی‌شد و در نتیجه همین گذار اشتباه، قیمت ورق رو به فزونی گذاشت. این در حالی بود که نمایندگان بخش خصوصی از ابتدای سال در خصوص اعمال سقف خرید و جلوگیری از خرید غیرمتعارف به مسوولان ذی‌ربط هشدار دادند اما کمترین توجهی به این هشدارها نشد به طوری که به نظر می‌رسید مسوولان ذی‌ربط بیشتر به دنبال بهره‌برداری روانی مبنی بر موفقیت در مدیریت بازار بودند.

در نتیجه از آنجایی که سیگنال غلط به بازار مبنی بر تامین ورق ارسال شده به مقدار نامحدود بود و برای دلان جایگاه تنظیم‌گر بازار تعریف شده بود، نهایتاً تقاضای کاذب از عرضه‌های تلفیقی پیشی گرفت و شاهد رقابت کاذب و افزایش قیمت ورق در بازار بودیم و این در شرایطی بود که در میانه سال شرایط رکودی بر بازارها حاکم بود و مسوولان ذی‌ربط می‌توانستند با عرضه‌های هدفمند بازار را مدیریت کنند.

در همین مقطع پیشنهاد شد به منظور هدفمندتر شدن عرضه‌ها برای واحدها، سقف خرید براساس آمارهای تولید هر واحد در سامانه جامع در نظر گرفته شود. اما این پیشنهاد هم مورد وثوق کارگروه قرار نگرفت و در نهایت با درخواست تشکل‌ها، عرضه ورق گرم مربوط به واحدهای تولیدکننده لوله و پروفیل براساس سهمیه بهین‌یاب از دی‌ماه مبنای قرار گرفت که به بیان ساده بازگشت به روش بهین‌یاب بود.

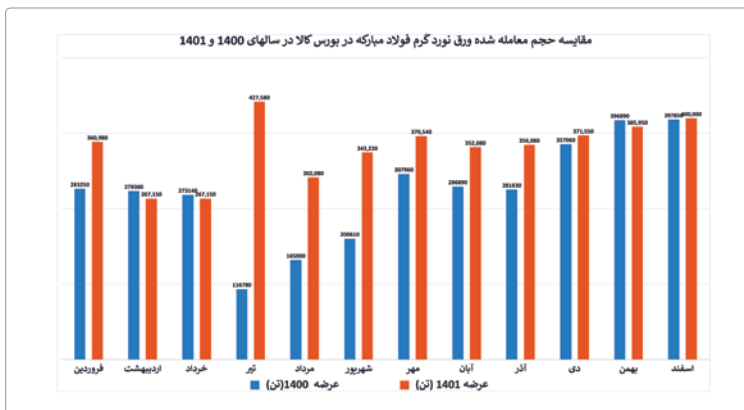
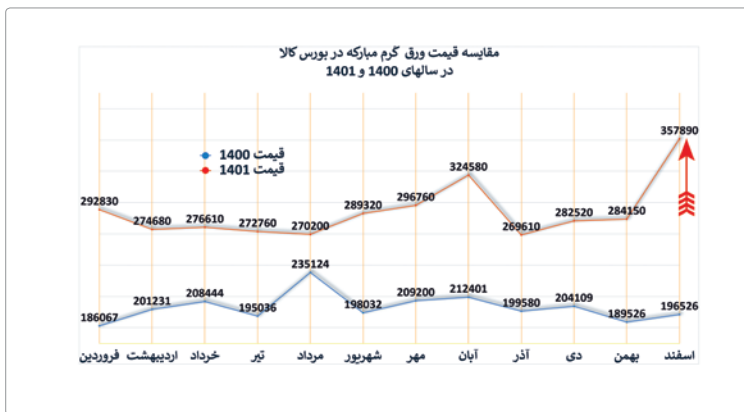
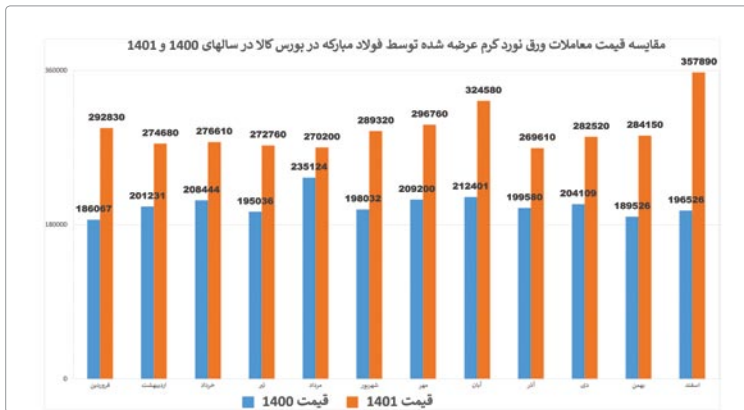
نمودار زیر موبد میزان عرضه ورق گرم نسبت به سال قبل در بورس کلاست. این نمودار نشان می‌دهد اگرچه عرضه‌ها افزایش داشته اما عدم عرضه هدفمند مانع حصول نتیجه و ثبات بازار ورق شده است.

### رکورد تاریخی قیمت ورق

ورق سرد و گرم به عنوان یکی از کلیدی‌ترین محصولات و مواد اولیه زنجیره فولاد از جایگاه ویژه‌ای در بین سایر محصولات برخوردار است. تولید انحصاری توسط فولاد مبارکه و تامین بیش از ۹۰ درصد نیاز بازار و کیفیت مطلوب نسبت به سایر تولیدات ورق‌های فولادی، شرکت مبارکه را به کالای انحصاری تبدیل کرده است، نوسانات قیمت ارز و همچنین تورم فصلی بازار ایران و از سوی دیگر کمبود ورق به دلیل مشکلات قطعی برق واحدهای بزرگ و کمبود گاز، همچنین تقاضای بالای محصولات ورق و فروش سلف ۲ ماهه در بورس کالا که با رقابت‌های کاذب همراه است، تنها برخی عوامل تنش‌زا و موثر بر قیمت ورق فولادی در کشور است که مجموعه این عوامل ثبت رکورد تاریخی قیمت ورق گرم و سرد فولاد در کشور را رقم زد.

رشد قیمت ورق سرد در بورس کالا نشان می‌دهد که تحویل اردیبهشت سال ۱۴۰۲ با رشد ۱۷ و ۵۴ درصدی نسبت به تحویل فروردین ۱۴۰۲ و اسفند ۱۴۰۱ همراه بوده که رقم قابل توجهی است. همچنین نرخ میانگین ورق گرم فولاد به تحویل فروردین ۱۴۰۲ مبارکه که بیشترین مبلغ فروش در سبد محصولات را به خود اختصاص داده است با رشد

### نمودار ذیل بیانگر جهش‌ها و رکوردهای بی‌سابقه افزایش قیمت ورق است





مدیر عامل شرکت صنعتی معدنی پایا فولاد کوپر یزد در گفت و گو با «جهان صنعت» مطرح کرد

## سر در گمی صادر کنندگان

نسترن یوسفکیان - صادر کنندگان با اینکه همواره تمام توان خود را صرف کمک به اقتصاد کشور و ایجاد ارزش افزوده اقتصادی کرده‌اند اما این روزها علاوه بر اینکه با مشکلات همیشگی در حوزه تجارت دست و پنجه نرم می‌کنند، با ابهام در رویه‌های صادراتی نیز روبه‌رو هستند. ابهاماتی که اگر با تغییرات متنوع و پیدرپی قوانین مالی و گمرکی طبق روال گذشته همراه شود، حتی می‌تواند صادرات را متوقف کند و موجب لطمه به اقتصاد کشور شود. این در حالی است که همین حالا نیز صادرات در بسیاری از بخش‌های اقتصادی در کشور کاهش داشته، اما این کاهش در شرایطی اتفاق افتاده که تجار و صادر کنندگان کشور با وجود تمام ناملایمتهای همچنان حاضرند در جهت رفاه اقتصادی مردم و ارزآوری برای اقتصاد تمام تلاش خود را انجام دهند، اما این دولت‌مداران و مسوولان هستند که با تکرار بی‌وقفه آزمون و خطاهای دولت‌های گذشته و بی‌توجهی به پتانسیل نظرات کارشناسی بخش خصوصی، سدر راه فعالان اقتصادی می‌شوند و آنها را در حالت سردرگمی قرار می‌دهند.

مجبورند مواد اولیه خود را از معادن متفرقه کوچک و بزرگ خریداری کنند. در این حوزه، بازار سنگ آهن، بازاری با رقابت مخرب و ناسالم است و معادن، سنگ آهن را با قیمت بازار آزاد به فروش می‌رسانند. از آن سو، ما مجبوریم محصول تولیدی را با قیمت‌های دستوری بفروشیم و لذا استاندارد دوگانه و غیر منصفانه بر این بخش حاکم است که به ما آسیب وارد می‌کند.

■ **تولید کنندگان کنسانتره سنگ آهن متضرر محدودیت‌های انرژی**

اعمال محدودیت‌های انرژی در فصل‌های تابستان و زمستان برای کارخانه‌های زنجیره فولاد موضوع جدیدی نیست، به همین دلیل گمان می‌رفت در سال جاری دولت سیزدهم روندی متفاوت از دولت‌های گذشته را در پیش بگیرد و با تمرکز بر آمادسازی زیرساخت‌های لازم در این خصوص، فعالان صنعتی و معدنی کشور را متحمل فشار کمتری کند. اما نه تنها این اتفاق نیفتاد بلکه برخی دولت‌مداران با اظهار نظرهای غیر کارشناسی و بهانه‌حمایت از مصرف کنندگان خانگی، صنعتگران کشور را جدای از مردم دانستند و اینطور اعلام کردند که در ارتباط با مصرف گاز و برق، مردم برای آنها اولویت بیشتری دارند، در حالی که صاحبان صنایع و تولید کنندگان کشور نیز برای مردم کار می‌کنند و هدف آنها چیزی به غیر از ارزش افزوده اقتصادی و افزایش رفاه زندگی مردم نیست. ضمن اینکه طبق ماده ۲۵ قانون بهبود محیط کسب و کار و اولای صنایع نباید در اولویت قطع خدمات قرار بگیرند و

این بود که خرید کنسانتره توسط شرکت‌های بزرگ انحصاری شد و این شرکت‌ها قیمت‌های بسیار نازلی برای خرید خود در نظر گرفتند و برخی شرکت‌ها نیز به این خاطر که می‌خواستند تولیدشان متوقف نشود، این قیمت‌ها را پذیرفتند. در نتیجه، سایر شرکت‌ها با معضل دپوی محصول و انباشته شدن کنسانتره در واحدها روبه‌رو شدند. به طور مثال ما در این دوره تنها به اندازه نیازهای ضروری خود فروش داشتیم و بعدها توانستیم کنسانتره دپوشده را به فروش برسانیم.

■ **همه بخش‌های زنجیره فولاد متضرر می‌شوند**

تسلیمی با تاکید بر اینکه ضرورت دارد نگاه یکپارچه و دقیقی به مسائل چهار حلقه معدنکاران، کنسانتره‌سازان، گندله‌سازان و تولید کنندگان آهن اسفنجی وجود داشته باشد، گفت: همچنین باید چالش‌های مختلف در حوزه زیرساخت‌های انرژی، حمل و نقل، قیمت‌گذاری دستوری و ابهامات صادراتی رفع شوند. اگر این چالش‌ها رفع نشوند و راهکارهایی برای ادامه حیات تولید کنندگان این حلقه‌ها در نظر گرفته نشود، ساده‌انگاری است که گمان کنیم ضرر آنها تنها متوجه تولید کنندگان کنسانتره و گندله خواهد بود و سایر بخش‌های زنجیره فولاد یا حتی اقتصاد کشور متضرر نمی‌شوند.

وی همچنین در پاسخ به این سوال که آیا در تامین مواد اولیه با چالش مواجه هستید، گفت: شرکت‌هایی مثل پایا فولاد کوپر یزد که فاقد مالکیت معدن هستند،

در این راستا شاهد این هستیم که صادر کنندگان کنسانتره علاوه بر اینکه در اوایل سال جاری با تحولاتی همچون کاهش قیمت در بازارهای جهانی روبه‌رو بودند، در بخش داخلی نیز با ابهامات زیادی مواجه هستند که واهمه از عواقب این ابهامات در حوزه تجارت، باعث نگرانی آنها شده است. مدیر عامل شرکت صنعتی معدنی پایا فولاد کوپر یزد در این باره در گفت و گویی با «جهان صنعت» اعلام کرد: در حال حاضر تولید کنندگان با ابهام در خصوص رویه‌های صادراتی روبه‌رو هستند. ما تمام مجوزهای قانونی را اخذ کرده‌ایم و مشکلی برای صادرات نداریم، اما تجربه تغییرات متنوع و پی‌درپی قوانین مالی و گمرکی در گذشته و احتمال تکرار آنها نگرانی‌هایی را ایجاد می‌کند.

مهندس رضا تسلیمی در مورد چالش‌های تولید کنندگان کنسانتره سنگ آهن توضیح داد: از انتهای بهار سال ۱۴۰۱، رکود شدیدی بر بازار جهانی سنگ آهن و فولاد حاکم شد که این رکود از چند طریق، تولید کنندگان این زنجیره را تحت فشار قرار داد.

وی ادامه داد: اولین مساله قیمت‌های بسیار پایین بود. قیمت فروش محصولات حتی در برخی موارد در نتیجه رکود شدید، پایین‌تر از قیمت تمام شده بود و این امر باعث شد تا حتی گاهی اوقات، شرکت‌ها در حاشیه زبان قرار بگیرند.

مدیر عامل شرکت صنعتی معدنی پایا فولاد کوپر یزد خاطر نشان کرد: مشکل دیگری که رکود در پی داشت

باید چالش‌های مختلف در حوزه زیرساخت‌های انرژی، حمل و نقل، قیمت‌گذاری دستوری و ابهامات صادراتی رفع شوند. اگر این چالش‌ها رفع نشوند و راهکارهایی برای ادامه حیات تولید کنندگان این حلقه‌ها در نظر گرفته نشود، ساده‌انگاری است که گمان کنیم ضرر آنها تنها متوجه تولید کنندگان کنسانتره و گندله خواهد بود و سایر بخش‌های زنجیره فولاد یا حتی اقتصاد کشور متضرر نمی‌شوند



هر چند چالش‌های زنجیره فولاد در بحث قیمت‌گذاری و محدودیت‌های انرژی کم نیست اما با سرمایه‌گذاری‌هایی که در شرکت پایا فولاد انجام شده، ظرفیت تولید کنسانتره این شرکت در حال حاضر یک میلیون تن در سال است که با اجرای طرح توسعه، خط دوم کنسانتره‌سازی این شرکت به ظرفیت معادل خط اول تا خردادماه سال آینده به بهره‌برداری می‌رسد و بدین ترتیب ظرفیت تولید این شرکت دو برابر می‌شود.

که متأسفانه این نگاه در ایمیدرو و وزارت صمت وجود ندارد و درصد قیمت‌های محصولات صنایع بالادستی متناسب با هزینه‌ها نیست. مشکلاتی که مانع دلگرمی، فعالیت، پایداری تولید و بهره‌وری در این زنجیره خواهد شد.

#### ■ ظرفیت تولید ۲ برابر می‌شود

مدیرعامل شرکت صنعتی معدنی پایا فولاد کویر یزد در ادامه در پاسخ به این سوال که وضعیت تولید این شرکت در حال حاضر چگونه است، گفت: هر چند چالش‌های زنجیره فولاد در بحث قیمت‌گذاری و محدودیت‌های انرژی کم نیست اما با سرمایه‌گذاری‌هایی که در شرکت پایا فولاد انجام شده، ظرفیت تولید کنسانتره این شرکت در حال حاضر یک میلیون تن در سال است که با اجرای طرح توسعه، خط دوم کنسانتره‌سازی این شرکت به ظرفیت معادل خط اول تا خردادماه سال آینده به بهره‌برداری می‌رسد و بدین ترتیب ظرفیت تولید این شرکت دو برابر می‌شود.

وی با بیان اینکه با افتتاح خط دوم کنسانتره‌سازی این شرکت، ظرفیت تولید به ۲ میلیون تن کنسانتره با عیار ۶۶/۵ درصد خواهد رسید، افزود: از سوی دیگر پروژه آب‌گیری از باطله و برگشت آب به جریان تولید را در دست اجرا داریم که در نتیجه آن، مصرف آب شرکت به شدت کم خواهد شد و صرفه‌جویی بسیار بالایی در مصرف آب خواهد شد.

سوی دیگر پس از احداث کارخانجات به دلیل عدم همیاری فولادسازها در خرید به موقع و با قیمت معقول تولیدات صنایع بالادستی زنجیره فولاد، سرمایه‌گذاری در این بخش‌ها به حداقل می‌رسد.

#### ■ تشدید رقابت ناسالم

این فعال بخش خصوصی در ادامه با بیان اینکه از سوی دیگر حرکت فولادسازها و معدنکاران در حوزه‌های مخالف فعالیت خودشان در جهت عکس زنجیره باعث می‌شود رقابت ناسالمی که در حال حاضر مشاهده می‌کنیم، شدت بگیرد، گفت: اگر فولادساز صرفاً به تولید فولاد، افزایش تکنولوژی و ارتقای سطح کیفی خودش توجه کند و از ورود به معدنکاری، تولید کنسانتره و فرآوری گندله خودداری نکند و بالعکس معدنکار و تولیدکننده کنسانتره و گندله هم ورود به بخش فولاد را برای خودش خط قرمز ذهنی تلقی کند، این مسائل باعث می‌شود که رونق در این بخش‌ها بیشتر شود.

وی همچنین با تأکید بر اینکه نگاه مجموعه‌های قانونگذار و اجرایی باید به گونه‌ای باشد که سود را در کل زنجیره پخش کنند، افزود: این در حالی است که سود زنجیره فولاد در انتهای زنجیره پخش می‌شود.

تسلیمی بیان کرد: موانع اکتشاف، استخراج و تأمین خوراک کارخانجات فولادی و صنایع بالادستی باید برطرف شود تا آنها بتوانند به موقع نیازهای صنایع فولادی را برآورده کنند. اما دستیابی به چنین هدفی نیازمند نگاه کلی و فراجناحی است. در حالی

ثانیا دولت در صورت قطع، موظف به جبران خسارات آنهاست. اما متأسفانه خبری از جبران خسارت‌ها نیست و دولت نسبت به پیامدهای این خسارت‌ها که یکی از آنها کاهش تولید محصولات زنجیره فولاد است، آگاهی ندارد یا اینکه متوجه عمق فاجعه نیست.

مدیرعامل شرکت صنعتی معدنی پایا فولاد کویر یزد در ادامه این گفت‌وگو به «چپان صنعت» گفت: ما در تابستان‌ها با چالش قطع برق و در زمستان‌ها با چالش قطع گاز روبه‌رو هستیم، در حالی که این محدودیت‌ها باعث کاهش تولید و طبیعتاً کاهش فروش ما می‌شود. در ارتباط با قطع گاز باید به این موضوع اشاره کرد که این معضل باعث کاهش تولید فولاد و در نتیجه عدم تمایل به خرید محصول سنگ‌آهن و گندله می‌شود که کاهش فروش کنسانتره را به دنبال دارد.

تسلیمی اظهار کرد: در هر دو فصل تابستان و زمستان، متضرر اصلی این قضیه تولیدکنندگان کنسانتره سنگ‌آهن هستند که باید توسط ذی‌نفعان خودشان این مسأله را مدیریت کنند، در حالی که هیچ حمایتی توسط ایمیدرو و وزارت صنایع یا فولادسازها از آنها نمی‌شود.

#### ■ توصیه‌های ایمیدرو

تسلیمی افزود: بخش دولتی علاوه بر اینکه به بخش خصوصی اعتماد نمی‌کند، با ایجاد موانع قانونی و غیرقانونی باعث دلسردی این بخش در امر معدنکاری و فرآوری سنگ‌آهن می‌شود. این در حالی است که اگر ایمیدرو و وزارت صمت، معادن کوچک مقیاسی که در هر منطقه وجود دارد را به بخش خصوصی که در آن منطقه دارای کارخانه تولید و فرآوری است واگذار کنند، خیلی از رقابت‌های ناسالم حذف می‌شود. ولی متأسفانه ایمیدرو نگاه حمایت‌از تولیدکننده و فرآوری کننده را ندارد و تأمین خوراک را به صورت صد درصدی برعهده تولیدکننده گذاشته است. از طرفی الزام تولید را از شرایط شرکت در مزایات و مناقصات معادن حذف کرده است.

مدیرعامل شرکت صنعتی معدنی پایا فولاد کویر یزد در پاسخ به اینکه برای حل این مشکلات چه باید کرد، گفت: ایمیدرو می‌تواند با یک نگاه جامع‌تر، صنایعی را که در مناطق مختلف این خصوصیت را دارند و فاقد معدن هستند شناسایی کند. در گام بعدی معادن کوچک مقیاس را با شرط زمان‌بندی برای بهره‌وری و درصد بهره‌وری براساس طرح‌های اکتشافی به‌روز، به این شرکت‌ها واگذار کند. در این راستا باید توافق‌نامه‌ای برای مدت مشخص متناسب با مقیاس معدن نوشته شود که این معدن در چه زمانی به بهره‌وری برسد. در چنین شرایطی، خوراک کارخانجات نیز با امنیت بیشتری تأمین می‌شود و ایمیدرو نیز با حفظ حقوق مالکانه معادن و دریافت سهم از صاحبان این معادن می‌تواند منافع را به دست آورد.

#### ■ نگاه‌های سلیقه‌ای در ارائه مجوزها

این فعال بخش خصوصی در ادامه با اشاره به دیگر مشکلاتی که بخش خصوصی با آن روبه‌رو است، گفت: نگاه‌های سلیقه‌ای مسوولان حوزه‌های مختلف در ارائه مجوزها از دیگر چالش‌هایی است که بخش خصوصی را دچار مشکل کرده است. حتی نگاه‌های سلیقه‌ای و فاقد ضابطه می‌تواند اخذ مجوز یک کارخانه تولیدی را به شدت سخت و گاهی اوقات غیرممکن کند. در حالی که این رویه‌ها نشان‌دهنده عدم وجود نگاه صنعتی و کارشناسی در حوزه مورد بحث است.

مدیرعامل شرکت صنعتی معدنی پایا فولاد کویر یزد همچنین با اشاره به معضل کمبود کنسانتره سنگ‌آهن در کشور گفت: کارخانجات کنسانتره لازم است که حدود ده میلیون تن محصول تولید کنند، اما به دلیل مشکلاتی که پیش از این گفته شد، ظرفیت تولید و همچنین انگیزه برای فعالیت در حوزه‌های مولد کاهش پیدا می‌کند. از

## پیام نوروزی مدیرعامل شرکت پایا فولاد کویر یزد

روز می‌رود و روزگار می‌گذرد و جان بر تن نحیف چیره می‌شود. سرما از در می‌رود و حضور دل‌انگیز بهار گرما می‌گستراند. بوی بهار می‌آید و سال‌های غم از دست می‌رود. بهار نو در همان قامت و شکل با حرفی نو می‌آید.

حکایت ما فقط باورمندی به پایداری در دوست داشتن بهار و جان‌های بهاری است. در کویر سوزان و سرد زندگی در دوری و سختی، در غم و شادی پایداری در با هم بودن، با هم ساختن و با هم ماندن است.

همت ما نزدیکی دل‌ها و همگرایی نگاه‌ها و هم‌فازی جان‌هاست.

آبادی ایران و شادی مردمان و بهارشان مطلوب دل ما کویرنشینان پایا فولاد کویر یزد است.

قدر دانم گذشت همه شما بهاریان بر نواقص و کسری‌هایمان.

منت گذاریم سعه‌صدر شما و صبرتان بر زمستان گذشته و امیدتان به بهار.

زحمات‌تان را ارج می‌نهم و امیدوارم در دل بهار طبیعت بهار‌تان به وصال یار آید و شادی بیابورد و سلامتی ارمان دهد. روز و روزگار‌تان خوش.

رضاتسلیمی



شرکت صنعتی معدنی پایا فولاد کویر یزد

### لزوم استفاده از تجربیات موفق کشورها در بر خورد با بخش خصوصی



**حمیدرضا غزنوی** \* - نگاهی به وضعیت اقتصادی کشور نشان از این دارد که با توجه به شرایط سیاسی و اقتصادی و بین المللی، کشور نیاز به یک بازنگری اساسی در سیاستها، برنامهها و راهبردها دارد. در این مسیر دو راه پیش رو است؛ یا از علم و تجربههای داخلی طی سالهای اخیر استفاده شود یا از تجربه موفق و شکستهای سایر کشورها که کارنامه درخشانی در این زمینه دارند. به عبارتی تمامی این تجربیات بومی سازی شوند.

بررسی وضعیت کشورهای صنعتی جهان نشان می دهد، برای تولید ثروت هیچ راهی بهتر از صنعتی شدن نیست. شیوه رفتاری این کشورها با پیشرانهای اقتصادی حاکی از آن است که در ابتدا برای صناعی که در اولویت اهداف و برنامهشان قرار داشت، مزیت و امتیازهای ویژه ای قائل شدند، سپس با افزایش بهره‌وری صنایع مختلف و کارایی، به هدایت این صنایع به سمت بخش خصوصی و حمایت بیشتر از این بخش اقدام کردند.

همان طور که اخیرا در صحبت‌های مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) بر آن تاکید شد، در سایر کشورها نیز با عدم کارایی و سخت شدن کنترل بخش دولتی، نیاز به یک جهش و تغییر مسیر به سمت تولید کنندگان بخش خصوصی جدی است به‌ویژه شرکت‌های خانوادگی که تصمیم‌گیری در آنها بسیار سریع بوده و رشد فزاینده‌ای دارد. پس از تغییر مسیر به سمت بخش خصوصی، با تعیین بازه زمانی و راهبردی مشخص برای برخی صنایع بهره‌ور و مزیت‌دار، حمایت‌های ویژه‌ای از بخش خصوصی انجام شد، به طوری که در ادامه مسیر دیگر این شرکت‌ها نیاز به حمایت و راهنمایی از سوی دولت‌ها را نداشتند و با اتکا بر توان، تجربه و دانش به‌روز خود به مسیر پیش‌رو ادامه دادند.

این شیوه‌ای بود که کشورهای موفق همچون کره جنوبی، آلمان، ژاپن، هند، ترکیه و... در پیش گرفتند و پیشرانهایی برای صنایع به وجود آوردند تا از طریق آنها که لوکوموتیو کشنده بنگاه‌های کوچک و متوسط هستند، در جهت بزرگ‌تر شدن و تقویت اقتصاد خود گام بردارند. امروزه شرکت‌های بزرگ و با ظرفیت‌های قابل توجهی در کشور هستند که قابلیت بزرگ‌تر شدن و توسعه بیش از پیش را دارند. ما نیز برای پیشرفت و توسعه اقتصاد و صنعت کشور ناگزیر به پیمودن این مسیر و کاهش مشکلات و چالش‌های بخش خصوصی هستیم.

امروزه با پیش گرفتن این مسیر و راهبرد، شاهد شکل‌گیری فاصله طبقاتی در کره جنوبی هستیم که جزو نکات منفی آن است. همچنین نیازمند قوانینی هستیم تا شرایط انحصاری نشود. در این راستا، دست کم پنج بنگاه بزرگ در هر رشته صنعتی مورد حمایت قرار خواهند گرفت، همچنین با پرهیز از حمایت از تعداد زیادی بنگاه، شرایط را برای رسیدن به تولید انبوه و عدم شکل‌گیری رقابت‌های ناسالم بین بنگاه‌ها فراهم می‌کنیم.

بی‌شک در شرایط فعلی اقتصاد کشور بیش از هر زمانی نیازمند راهبردهای مشخص و شفاف است و باید تمامی صنایع پیشران به صورت مشخص و شفاف تعیین شوند و با پرهیز از عملکرد عوام‌فریبانه و دوری از کسب رضایت همه بخش‌ها به فکر توسعه صنعت و اقتصاد کشور همگام با عرصه بین‌المللی باشیم زیرا در غیر این صورت بدون شک به شرایط فعلی باز خواهیم گشت.

در پایان تاکید بر این نکته ضروری است که ضمن شناسایی نخبگان و افراد باتجربه و خوشفکر در این مسیر، سازمان‌ها و وزارتخانه‌های ذی‌ربط نیز بپذیرند که در صورت عدم اجرای این جراحی بزرگ اقتصادی، تولید ثروت و توسعه در کشور محقق نخواهد شد.

\* دبیر کل مجمع کارآفرینان ایران

### هزینه محدودیت‌های انرژی بر دوش معدنی‌ها



**منیر حضوری** - تامین انرژی در سال ۱۴۰۱ یکی از جدی‌ترین چالش‌های بخش معدن و صنایع معدنی بوده است. این معضل که محدود به سال جاری هم نیست، دو، سه سالی می‌شود که به تدریج دغدغه‌آفرین شده و خسارت زیادی را به فعالان بخش معدن کشور از فولاد گرفته تا سیمان وارد کرده است. اما امسال پیامدهای این مشکل در قالب کاهش تولید، تهدید تعطیلی واحدها، تعدیل نیرو بیشتر از همیشه محسوس بود. در نتیجه ناتوانی سیاستگذاران در تامین زیرساخت‌های تولید به دلیل ایجاد در دسرهای گسترده برای فعالان اقتصادی بخش معدن بیش از پیش چشمگیر شده است. در این بین گویا کسی دلسوز بخش خصوصی نبوده و این حوزه محکوم به پرداخت هزینه‌های گزاف است. ضمن اینکه معلوم هم نیست فعالان این عرصه بالاخره راه به کجا می‌برند!

امسال، فعالان معدنی در حالی تابستان را شروع کردند که با کمبود برق روبه‌رو شدند. تا جایی که برخی واحدهای معدنی در هفته دو تا سه روز با قطعی برق دست‌وپنجه نرم می‌کردند. در این روند شاهد بودیم دستگاه‌هایی که هر کدام چندین میلیارد تومان ارزش داشتند و با وجود تحریم‌ها به آسانی قابل تهیه و جایگزینی نبودند، اما به راحتی با قطعی برق متوقف و حیات‌شان تهدید شد. فعالان معدنی دست از گلابه و سروصدا برنداشته بودند که در ادامه با آغاز فصل سرما به خاطر مصرف بالا و حمایت از مصرف‌کنندگان درگیر کمبود گاز شدند. در کل می‌توان گفت که اکثر واحدهای این حوزه در کمترین حالت ممکن ۵ ماه از سال جاری را با کمبودها در حوزه انرژی گذراندند و ماندند!

اما مشکل وقتی پیچیده‌تر می‌شود که به شعارها و تأکیدات مقامات دولتی در حوزه معدن در طول این چند سال تمرکز کنیم. بارها تأکید شده معادن و صنایع معدنی از بخش‌های مهم پیشران اقتصاد کشور هستند و روی تولید آنها باید حساب کرد. تا جایی که می‌توانند جای درآمد حاصل از فروش نفت را گرفته و به ارزآوری کشور کمک کنند. حالا در شرایطی که ایران در تقابل با تحریم‌ها قرار گرفته و عرصه برای فعالان بخش خصوصی در حوزه معدن محدود شده، متأسفانه معضل انرژی هم فشار را بر تولیدکنندگان چندین برابر کرده است. این موضوع باعث شده که فعالان معدنی بیش از آنکه خارجی‌ها را مقصر بدانند، انگشت اتهام را سمت سیاستگذاران داخلی گرفته و تأکید کنند که دولت‌مردان در موضوع حمایت از بخش خصوصی نمره قبولی نخواهند گرفت.

در شرایط کمبود گاز وقتی مسوولان پیشنهاد سوخت جایگزین یعنی مازوت را دادند، باز هم مشکل معدنی‌ها حل نشد؛ چراکه آنها در بهره بردن از این سوخت هم با مشکل روبه‌رو شدند. مساله این است که واحدهای تولیدی معدنی براساس برنامه پیش رفته بودند و به دنبال آن سیستم‌هایشان آماده برنامه‌های فوری جایگزین شده از سوی دولت نبود. در واقع کوره‌هایشان بر مبنای سوخت گاز تعبیه شده بود و مصرف مازوت به دستگاه‌هایشان آسیب وارد کرده است. ضمن اینکه هزینه استفاده از مازوت هم کم نیست و برای برخی واحدها کمرشکن است!

در ادامه در حالی واحدهای معدنی ناچار به استفاده از مازوت شدند که صدای گروه‌های دیگر از جمله فعالان محیط‌زیست نیز درآمد و بر مشکلات معدنی‌ها افزوده شد. هر چند مسوولان دولتی این موضوع را چندان پررنگ ندانسته و تأکید کردند که خبرنگاران بر این مساله مانور ندهند، ولی به هر حال اما و اگرها همچنان باقی است و انتظار فعالان این عرصه افزایش شفافیت از سوی مسوولان و کمک به توسعه پایدار در کشور است. یک مساله کلیدی در ارتباط با بحران انرژی بازمینی سیاست‌هاست. باید بررسی کنیم که چرا با این مشکل مواجه شده‌ایم و سپس راهکارهایش را جست‌وجو کنیم. سوال مهم این است که اگر مشکل کمبود انرژی داریم چرا اجازه داده شده، اینقدر واحد معدنی احداث شود؟ اگر هم مشکل در مدیریت انرژی است بهتر است سیاستگذاران راه‌حلهایی را جست‌وجو کنند تا چند سال آینده با مشکلات جدی‌تر روبه‌رو نشویم.





## روایت اردشیر سعدمحمدی از طرح‌های پیشران «ومعدان»

### حضور پررنگ «ومعدان» در توسعه صنعت

کار گروه «پیشرانان پیشرفت ایران» هفدهم بهمن‌ماه سال گذشته، با هدف طراحی مدل تعاملی جدید بین دولت و بخش خصوصی، با شروع عملیات اجرایی ۴۸ ابر پروژه ملی کار خود را رسماً آغاز کرد. طی یک سال گذشته، این پروژه‌ها که با راهبری هفت غول اقتصادی و صنعتی کشور پیش می‌رود، تقریباً نیمی از صنعت نفت و گاز، پتروشیمی و فولاد را درگیر کرده است. پس از چند ماه جلسات متوالی که با حساسیت و توجه ویژه‌ای برگزار شد، این هفت شرکت بزرگ (سرمایه‌گذاری توسعه معدان و فلزات، فولاد مبارکه اصفهان، چادرملو، گل‌گهر، نفت و گاز پارس‌سیان و پتروشیمی خلیج فارس) به عنوان پیشرانان پیشرفت اقتصاد ایران برگزیده و این ۴۸ پروژه، به عنوان کلیدی‌ترین و تاثیرگذارترین پروژه‌ها بر رشد و توسعه صنعت و اقتصاد ایران انتخاب شدند؛ پروژه‌هایی که در زنجیره ارزش شرکت‌های پیشران قرار دارند و به نتیجه رسیدن آنها با ایجاد ارزش افزوده قابل توجه و کاهش چشمگیر واردات همراه خواهد بود.

اردشیر سعدمحمدی، مدیرعامل گروه سرمایه‌گذاری توسعه معدان و فلزات، بیان کرد: در گذشته فعالیت این مجموعه متمرکز بر سرمایه‌گذاری روی سهام شرکت‌های بزرگ، خرید و فروش سهم و کنترل و نظارت بر فعالیت شرکت‌های زیرمجموعه بود؛ در حالی که اخیراً مجموعه «ومعدان» مستقیماً وارد عملیات اجرایی شده و پروژه‌های متعددی را در نقاط مختلف کشور مانند کردستان، اقلید، اردبیل، سیستان و بلوچستان و کارزون آغاز کرده است.

سعدمحمدی ادامه داد: تعدادی از این پروژه‌ها به همراه برخی پروژه‌های زیرساختی همچون احداث پایانه تخصصی مکانیزه مواد معدنی در بندر شهید رجایی و افزایش ظرفیت نیروگاه سیکل ترکیبی سمنان، در گروه پروژه‌های چهل‌وهشتگانه پیشرانان پیشرفت ایران قرار دارند.

نخستین طرح در آستانه افتتاح خانواده پیشرانان که متعلق به گروه سرمایه‌گذاری توسعه معدان و فلزات است، مربوط به افزایش ظرفیت ۳۶۰ مگاواتی نیروگاه سیکل ترکیبی سمنان (دو مدول ۱۸۰ مگاواتی) است که یک مدول آن در مرداد ماه سنکرون شده است. برای اجرای این پروژه حدود ۸۰ میلیون یورو سرمایه‌گذاری صورت گرفته است و متخصصان داخلی طراحی و اجرای آن را بر عهده دارند.

مدیرعامل «ومعدان» گفت: طبق سرمایه‌گذاری‌های صورت گرفته توسط مجموعه سرمایه‌گذاری توسعه معدان و فلزات، ظرفیت تولید کنسانتره پس از بهره‌برداری از این پروژه‌ها در غرب کشور، به حدود ۵ میلیون تن می‌رسد.

ظرفیت تولید آهن اسفنجی در طرح‌های پیشران مربوط به پروژه‌های ۱/۶ میلیون تنی بیجار، ۱/۱ میلیون تنی اقلید و ۱/۱ میلیون تنی الماس آرتاویل است.

وی افزود: پروژه یک میلیون تنی گندله‌سازی صبا امید غرب خاورمیانه طبق پیش‌بینی‌ها انتهای سال ۱۴۰۲ به بهره‌برداری خواهد رسید.

گروه «ومعدان» برای ۱۲۰ هزار متر حفاری در محدوده‌های تحت راهبری شرکت صبانور که یکی از اعضای مهم گروه سرمایه‌گذاری توسعه معدان و فلزات است، برنامه‌ریزی کرده که ۶۰ هزار متر آن تا انتهای سال جاری به پایان می‌رسد و دستاورد آن دستیابی به ۵۰ میلیون تن سنگ آهن جهت تامین خوراک پروژه‌های پیشران «ومعدان» است.

از دیگر طرح‌های پیشران این مجموعه، فولادسازی قروه با ظرفیت تولید ۱ میلیون تن فولاد و کنسانتره‌سازی صبانور همدان با ظرفیت تولید ۱ میلیون تن کنسانتره است.

اواخر بهمن‌ماه سال ۱۴۰۰، کنسرسیومی با محوریت شرکت سرمایه‌گذاری توسعه معدان و فلزات و همراهی مجموعه‌های بزرگ صنعتی کشور شامل هلدینگ صنایع و معدان غدیر، چادرملو، گل‌گهر، تجلی و گهرزمین برنده مزایده معدن مس جانجا در شهرستان نيمروز استان سيستان و بلوچستان شد؛ این کنسرسیوم اکنون هدایت یکی دیگر از طرح‌های پیشرانان پیشرفت، یعنی پروژه معدن مس جانجا را به عهده دارد.

ذخیره قطعی قابل برداشت این محدوده تقریباً ۲۵۰ میلیون تن مس است که طبق برآوردها عیار آن حدود ۰/۲۶ درصد ذکر شده که هرچند عیار بسیار پایینی است، اما با سرمایه‌گذاری عظیمی که در حال انجام است و همچنین استفاده از فناوری‌های نوین معدن‌کاری، آینده روشنی را برای این پروژه بزرگ می‌توان متصور شد. فاز اول این پروژه تا دو سال آینده و فاز نهایی آن ۴ تا ۵ سال آینده به بهره‌برداری می‌رسد.

لازم به ذکر است با حمایت دولت سیزدهم، «گروه پیشرانان پیشرفت ایران» با نگرانی ویژه به تولید داخل، در بهمن‌ماه سال ۱۴۰۰ عملیات اجرایی ۴۸ پروژه عظیم ملی با سرمایه‌گذاری ۱۷ میلیارد دلاری را آغاز کرد که از آن به عنوان بزرگ‌ترین سرمایه‌گذاری صنعتی بخش خصوصی در تاریخ کشور یاد می‌شود.



رئیس اتحادیه صادرکنندگان سرب و روی ایران در گفت‌وگو با «جهان صنعت» مطرح کرد

## درد دیرینه ماشین آلات معدنی

منیر حضوری - بحث تامین ماشین آلات معدنی یکی از بارزترین و محق‌ترین نیاز معدنی‌هاست؛ موضوعی که بعد از چندین سال هنوز فعالان این عرصه نتوانسته‌اند آن را حل کنند. اصل ماجرا این است که مسوولان بر لزوم تکیه بر تولید داخلی تاکید داشته اما فعالان معدنی تولیدکننده داخلی را ناتوان از حل مشکل می‌دانند و باور دارند در کنار این مهم باید اجازه واردات ماشین آلات داده شود. با اینکه در خیرهای منتشر شده سال جاری بحث واردات ماشین آلات مطرح شد، اما مسوولان شروطنی را گذاشتند که چندان به مذاق معادن کوچک خوش نیامد و باعث شد که مشکل همچنان حل نشده باقی بماند. در این بین برخی از مسوولان انگیزه اصلی طرفداران واردات ماشین آلات معدنی را پولشویی دانسته و انتقاد شدیدی از آنها کردند، در مقابل مسوولان معدنی پاسخ دادند در سالی که گذشت به شدت بر توانمندی هیکو در تولید ماشین آلات افرانق و بیشترین فشارها در این عرصه به معدنی‌ها وارد شده است. تا جایی که گفته می‌شود این مجموعه توان فنی و مالی نداشته و نتوانسته جایی در میان معدنی‌های داخلی و خارجی به عنوان یک تولیدکننده واقعی باز کند.

واجب‌ترین وسایلی است که معادن امروز به آن نیاز دارند. انتظار می‌رود که تامین نیاز ماشین آلات برای معادن کوچک و متوسط مورد توجه مسوولان قرار بگیرد و تأدیر نشده فکری برای این حوزه اشتغال آفرین و درآمدزا کرد.

### ■ ورود ماشین آلات به نفع معادن کوچک

در این خصوص رییس اتحادیه صادرکنندگان سرب و روی ایران به «جهان صنعت» گفت: متأسفانه

اختیار معادن کوچک و متوسط قرار می‌گیرند، هیچ کمکی به فرآیند بهره‌برداری و افزایش بهره‌وری در معادن نمی‌کند. از طرف دیگر برخی از معدنی‌ها باور دارند که تاکنون ماشین‌آلاتی که وارد کشور شده‌اند به درد معادن کوچک و متوسط نمی‌خورند و آنهایی هم که اخیراً وارد شده‌اند، همه ماشین‌آلات بزرگی هستند که به درد معادن کوچک نمی‌خورند. این در حالی است که ماشین‌آلات معدنی یکی از

مدیرعامل هیکو با بیان اینکه تولیدکنندگان داخلی هیچ مشکلی با واردات ماشین آلات نو ندارند، گفته است مشکل زمانی ایجاد می‌شود که دلالت‌ها برای بازار تصمیم می‌گیرند و هر ماشینی را که در بازار وجود دارد، بدون توجه به عمر مفیدش وارد می‌کنند. علی محمد رفیعی در این خصوص گفته است: واردات ماشین آلات معدنی به این شکل که بیشتر آنها عمر بالای ۱۰ سال دارند و اغلب هم در

در حالی که حداقل به ۲۰ هزار دستگاه در معادن نیاز داریم، اما سوال مهم این است که آیا هیکو توان تولید حداقل ۱۰۰ دستگاه را دارد؟! بر اساس بازدیدی که از این مجموعه داشتم، متوجه شدم که آنها به دستگاه‌های تراش و موتاتژ چندان مناسبی دسترسی نداشتند و خط تولید ندارند





هنگامی که مطرح می‌شود معدن می‌تواند جای نفت را بگیرد به این معنی است که باید بخش معدن را توسعه داد و دست به صادرات، رونق اشتغال و ارزآوری زد. این درحالی است که دانم برای این حوزه مانع‌تراشی می‌کنند

### ■ حقوق دولتی ناعادلانه

رییس اتحادیه صادرکنندگان سرب و روی ایران در ادامه با گلّه از اینکه دولت نگاه درآمذزایی به بخش معدن دارد و بیشتر به فکر دریافت حقوق دولتی است تا توسعه معدن، خاطر نشان کرد: امسال قرار بود ۴۰ هزار میلیارد تومان حقوق دولتی دریافت شود. با توجه به اینکه این مهم در سال ۹۷ هزار میلیارد تومان بوده، در نتیجه می‌توان گفت که از این زمان تا امروز حقوق دولتی ۴۰ برابر شده است.

او تصریح کرد: تا به امروز ۲۳ هزار میلیارد تومان حقوق دولتی دریافت شده و براساس صحبت مسوولان ۱۳ هزار میلیارد تومان متعلق به سنوات قبل و طلب‌های قبلی بوده و بر اساس آمارها می‌توان گفت که تا آخر سال ۱۲ هزار میلیارد تومان حقوق دولتی دریافت می‌شود.

با توجه به این اعداد و ارقام بیان عدد ۴۰ هزار میلیارد تومان غیرواقع‌بینانه بوده است.

ضمن اینکه همین ۱۲ هزار میلیارد تومان هم که تا آخر سال گرفته می‌شود، فشار زیادی به واحدها می‌آورد.

حسینقلی با اشاره به مشکلات متعدد بخش معدن گفت: به صورت غیرواقع‌بینانه قیمت خاک سر معدن سرب، روی، سنگ‌آهن و... را بدون توجه به بازارها قیمت‌گذاری کرده‌اند. در حالی که به پایین بودن عیارهای ماده معدنی هیچ توجهی نکرده‌اند! مساله این است که سنگ سرب و روی که ۵ درصد عیار دارد را چه کسی خواهد است! به این ترتیب انتظار می‌رود مسوولان بر اساس قیمت فروش خاک معدن حقوق دولتی را مشخص کنند.

او تاکید کرد: این حق دولت است که پول ماده معدنی را از معدنکار دریافت کند، اما این مهم اصول و شرایط خاص خود را دارد که انتظار می‌رود مورد توجه قرار گیرد.

رییس اتحادیه صادرکنندگان سرب و روی ایران با تاکید بر اینکه بخشنامه‌ها ثبات اقتصادی را از بین می‌برند، گفت: در حالی که تولیدکننده به آینده‌نگری و تحلیل نیاز دارد، اما شرایط نامن و بی‌ثباتی سرمایه‌گذاری بخش خصوصی را به تدریج حذف می‌کند. در این بین معدنی‌ها انتظار دارند که نهادهای مسوول به شکایات آنها رسیدگی کنند، چراکه مسیری که برخی از دولتی‌ها و نمایندگان مجلس در پیش گرفته‌اند چندان خوشایند بخش تولید نیست.

مختلف به ایشان وارد می‌شود. در نتیجه متاسفانه شاهد هستیم مقاماتی هم که می‌خواهند در این زمینه قدمی بردارند به شدت تحت فشار قرار می‌گیرند.

### ■ معادن بزرگ نورچشمی دولتمردان!

رییس اتحادیه صادرکنندگان سرب و روی ایران با بیان اینکه تمرکز دولتمردان بیشتر بر معدن بزرگ است، تصریح کرد: از بخشنامه‌هایی که در حوزه معدن صادر می‌شود، می‌توان فهمید که شرکت‌های خصوصی در اولویت توجه دولت قرار دارند. این درحالی است که ۸۵ درصد اشتغال در معادن کوچک و متوسط ایجاد می‌شود.

او با اشاره به اینکه تامین ماشین‌آلات برای معدن کوچک دغدغه جدی شده است، تصریح کرد: بیشتر معدن کوچک به بیل مکانیکی زیر ۳۰۰ - ۴۰۰ نیاز دارند اما تمرکز دولت بر تولید ماشین‌آلات معدنی برای معدن بزرگ از قبیل مکانیکی، شاول و دامپ تراکت است که با سایزهای بزرگ برای معدنی که توسط دولت و خصوصی‌ها استخراج می‌شوند به راحتی تهیه می‌شود.

او ادامه داد: از طرفی طی بخشنامه‌ای مطرح کرده‌اند که ماشین‌آلات را باید از داخلی‌ها خریداری کرد. در این بین مساله مهم این است که هیپکو و سایر شرکت‌ها که مدعی تولید در ایران هستند، نشان دهند که چه بخشی از ماشین از جمله موتور، گیربکس، هیدرولیک و... را می‌توانند تولید کنند تا معدن کوچک بتوانند نیاز خود را از داخل تامین کنند!

### ■ بخشنامه‌هایی که به ضرر معدن هستند

رییس اتحادیه صادرکنندگان سرب و روی ایران با ابراز تاسف از اینکه مسوولان فقط نگاه درآمدی به بخش معدن دارند، گفت: هنگامی که مطرح می‌شود معدن می‌تواند جای نفت را بگیرد به این معنی است که باید بخش معدن را توسعه داد و دست به صادرات، رونق اشتغال و ارزآوری زد. این درحالی است که دائم برای این حوزه مانع‌تراشی می‌کنند.

حسینقلی با اشاره به بخشنامه‌های متعدد دولتی برای بخش معدن خاطر نشان کرد: به طور مثال در بخشنامه جدیدی از سوی دولتمردان به اداره مالیات ابلاغ شده که بر اساس آن تولید برخی از محصولات معدنی از جمله شمش و روی شامل معافیت ارزش‌افزوده و مالیات عملکرد صادراتی در سال ۱۴۰۱ نخواهد شد؛ بخشنامه‌ای که در سه ماه پایانی سال فعالان معدنی را دل‌نگران کرد. گفته می‌شود اگر این بخشنامه اجرایی شود کلیه واحدهای تولیدی تعطیل خواهند شد و معدنی‌ها خسارت سنگینی را متحمل می‌شوند.

کل بخش معدن در گرو برخی از واردکنندگان و مونتاژکاران داخلی از جمله شرکت هیپکو قرار گرفته و شاهد هستیم که این مجموعه‌ها با دروغ‌پراکنی در زمینه توان تولیدشان، هر چه بیشتر معدنکاران را دل‌نگران کرده‌اند. حسن حسینقلی با انتقاد از اینکه این شرکت ناتوان از تامین نیاز معدنی‌هاست، خاطر نشان کرد: در حالی که حداقل به ۲۰ هزار دستگاه در معدن نیاز داریم، اما سوال مهم این است که آیا هیپکو توان تولید حداقل ۱۰۰ دستگاه دارد؟! بر اساس بازدیدی که از این مجموعه داشتم، متوجه شدم که آنها به دستگاه‌های تراش و مونتاژ چندان مناسبی دسترسی نداشتند و خط تولید ندارند. بنابراین مطالبی که مدیران این مجموعه در راستای توان تولید ماشین‌آلات مطرح می‌کنند، کذب محض است.

او با گلایه از اینکه هیپکو تاکنون به تعهدات خود عمل نکرده است، تصریح کرد: متاسفانه آنها به هیچ‌کدام از تعهدات خود عمل نکرده‌اند، چراکه همان‌طور که مطرح شد، اصلاً توان فنی و مالی ندارند. به این ترتیب چنین مجموعه‌هایی در میان معدنکاران داخلی و خارجی اعتباری ندارند.

### ■ قوانین تنها برای معدنی‌هاست!

رییس اتحادیه صادرکنندگان سرب و روی ایران در پاسخ به این سوال که برخی مطرح کرده‌اند واردات یک بهانه است و فعالان معدنی با این هدف به دنبال پولشویی هستند، گفت: کسانی که چنین سخنانی را مطرح می‌کنند، مفهوم پولشویی را نمی‌دانند و از آن استفاده نابجا می‌کنند. دلیل محکم هم این است که هر چه معدنکاران بخواهند وارد کشور کنند باید از تایید بانک مرکزی بگذرد و وقتی چنین فیلتری وجود دارد، دیگر چه جای پولشویی می‌ماند. در واقع آنقدر نظارت گسترده است که نمی‌توان به راحتی ماشین خرید و وارد کشور کرد.

### ■ فشار بر مسوولان

حسینقلی در پاسخ به این سوال که برای حل مشکل ماشین‌آلات چه انتظاری از وزارت صمت و مسوولان معدنی کشور دارید با ابراز تاسف گفت: گویا مسوولان دیگر که در خارج از وزارت صمت هستند، تمایلی برای حل مشکلات معدن در خصوص ماشین‌آلات ندارند. انتظار ما این است که معاون معدن و فرآوری مواد وزارت صمت با کسانی که در این عرصه مشکل‌آفرین هستند، مقابله کند و در راستای خدمت به توسعه اقتصادی معدن گام بردارد.

او با بیان اینکه البته برخی از اقدامات انجام شده از سوی این مقام مسوول مثبت بوده و به واقع مقامی دلسوز است، ادامه داد: متاسفانه فشارها از جوانب





عضو هیات مدیره گروه کارخانجات مهر سهند در گفت و گو با «جهان صنعت» مطرح کرد

## تنبیه مداوم صادر کنندگان

فولاد مهر سهند برنده تندیس جشنواره تولید ملی افتخار ملی

«جهان صنعت» - دولت باید شرایطی را فراهم کند که تولیدکنندگان بتوانند بدون دغدغه مواد اولیه خود را تامین کنند و در زمینه صادرات و ایجاد ارزش افزوده برای کشور گام بردارند. اما متاسفانه در سال جاری به دلیل تحریم‌های خارجی و بی‌ثباتی‌های اقتصادی، نه تنها تامین مواد اولیه برای تولیدکنندگان کار آسانی نبود بلکه در زمینه صادرات زنجیره فولاد نیز مشکلاتی ایجاد شد که فرصت طلایی صادرکنندگان برای عرضه اقدام در بازارهای جهانی را از بین برد. با این حال البته برخی از بنگاه‌های اقتصادی کشور با تکیه بر سرمایه‌گذاری شخصی و توان‌شان توانستند در زمینه تولید، افتخار آفرینی‌های متعددی به دست بیاورند.

افزایش نرخ تورم، تولیدکنندگان محصولات معدنی با مشکلات متعددی در حوزه تولید مواجه هستند، در حالی که اگر دولت در مورد نوسازی ماشین‌آلات معدنی اختیار را به بخش خصوصی می‌داد و در این زمینه همکاری می‌کرد، این امکان وجود داشت که بخشی از هزینه‌های تولید را کاهش دهد.

**فشار دستکاری نظارتی بر کنترل قیمت لوله و پروفیل**

عضو هیات مدیره شرکت فولاد مهر سهند در ادامه با انتقاد از فشار دستکاری نظارتی بر کنترل قیمت لوله و پروفیل که یکی دیگر از مشکلات صنعت فولاد محسوب می‌شود، تصریح کرد: کارخانه‌ای که ماهانه ۱۰/۰۰۰ تن تولید دارد و ماهانه ۱۰۰۰ تن محصول به عنوان سهمیه از یکی از کارخانه‌های بزرگ فولادی دریافت می‌کند و باید بخش قابل توجهی از نیاز خود را با قیمت‌های بسیار بالا از بازار آزاد تهیه کند، چطور می‌تواند از پس چنین سیاست‌هایی بر آید؟

محل‌امامی با بیان اینکه در مواردی به دلیل کاهش عرضه مواد اولیه، کارخانجات لوله پروفیل با مشکل تامین مواد اولیه روبه‌رو می‌شوند، به

روس‌ها با گذشت زمان و در دست گرفتن جریان بازار و مشتریان، قیمت خود را اصلاح کردند و موجب کاهش صادرات فولاد ایران شدند. به عبارتی بسیاری از مشتریانی را که با سختی در شرایط تحریم به دست آوردیم در نهایت خریدار محصولات روسیه شدند اما ما پیش از اقدام روسیه، از بازار صادراتی محروم شدیم.

وی بیان کرد: اگرچه در نهایت با همت تشکل‌های بخش خصوصی و ارائه مواضع کارشناسی از سوی آنها به وزارت صمت، عوارض صادراتی حذف شد، اما تبعات آن باقی ماند و فرصت طلایی صادراتی سال جاری از دست رفت در حالی که جنگ روسیه و اوکراین بهترین فرصت برای پر کردن جای پای روسیه در تامین فولاد و محصولات مشابه در صربستان و دیگر کشورهای عضو اتحادیه اروپا بود.

محل‌امامی در ادامه با اشاره به مشکل فرسودگی ماشین‌آلات معدنی افزود: با توجه به تحولات موجود و افزایش قیمت کالاها در سطح جهانی و همچنین مسائلی از جمله نوسانات داخلی قیمت ارز و افزایش قیمت اولیه مواد بورسی و نیز

در همین خصوص عضو هیات مدیره سندیکای لوله و پروفیل ایران در گفت و گو با «جهان صنعت» با انتقاد از اینکه همیشه صادرکنندگان از سوی دولت تنبیه شده‌اند، گفت: در حالی که در هیچ کجای دنیا چنین عملکردی قابل توجیه نیست اما در ایران ارز صادرکننده با نرخ‌های بسیار پایین از سوی دولت دریافت می‌شود و در اختیار واردکننده قرار می‌گیرد.

مسعود محل‌امامی که یکی از مدیران جوان برتر فولادی در کشور است، اظهار کرد: در اوایل سال جاری عملاً صادرات کشور می‌توانست خیلی خوب باشد، اما متاسفانه اعمال سیاست‌گذاری‌هایی از سوی دولت باعث شد فرصت‌های طلایی صادرات از دست برود.

عضو هیات مدیره گروه کارخانجات مهر سهند افزود: در ماه‌های ابتدایی سال با اینکه هنوز با سیاست دامپینگ روسیه در بازارهای جهانی فولاد روبه‌رو نبودیم و می‌توانستیم در حوزه صادرات و توسعه بازار گام‌های متعددی برداریم، دولت با وضع عوارض صادراتی فرصت طلایی دو سه ماهه را از صادرکنندگان گرفت. این در حالی است که

اگرچه در نهایت با همت تشکل‌های بخش خصوصی و ارائه مواضع کارشناسی از سوی آنها به وزارت صمت، عوارض صادراتی حذف شد، اما تبعات آن باقی ماند و فرصت طلایی صادراتی سال جاری از دست رفت در حالی که جنگ روسیه و اوکراین بهترین فرصت برای پر کردن جای پای روسیه در تامین فولاد و محصولات مشابه در صربستان و دیگر کشورهای عضو اتحادیه اروپا بود



متاسفانه با وجود اینکه بارها کارشناسان نسبت به عدم عرضه ورق گرم فولادی به عنوان کالای انحصاری در بورس کالا هشدار دادند و این تشکل عواقب این اقدام را بارها متذکر شده شاهد هستیم بورس کالا ابزاری برای تبدیل قیمت‌های پایه مواد اولیه از نرخ رسمی ارز نیما به نرخ دلار ۵۴ هزار تومانی غیررسمی کف بازار در پوشش رقابت‌های کاذب شده است

عضو هیات‌مدیره گروه کارخانجات مهر سهند با اشاره به اقداماتی که این شرکت در راستای مسوولیت اجتماعی انجام می‌دهد، اظهار کرد: گروه مهر سهند در راستای اجرای مسوولیت اجتماعی خود و یاری به هموطنان زلزله‌زده در شهرستان خوی، اقدام به خرید و ارسال کانکس به مناطق زلزله‌زده این شهرستان کرد. در این راستا، گروه مهر سهند ۶ عدد کانکس در جهت رفاه حال هموطنان زلزله‌زده شهرستان خوی در اختیار آنان قرار داده است. همچنین این کانکس‌ها توسط واحد حمل‌ونقل این گروه بارگیری و به مناطق زلزله‌زده ارسال شد.

ناگفته نماند از جوایز و افتخارات مجموعه‌های تحت مدیریت مسعود امامی می‌توان به برنده برتر استان در تولید انواع لوله و پروفیل فولادی، کارآفرین نمونه برتر، مدیر نمونه استانی در جشنواره پیشگامان تولید ملی، واحد نمونه کشوری در جشنواره تولید ملی افتخار ملی، کارآفرین برتر در جشنواره امتنان از کارآفرینان برتر، مدیر نمونه جوان در جشنواره ملی مدیران و تولیدکنندگان جوان، واحد نمونه صنایع متالورژی، واحد نمونه کیفی استاندارد استان، مشارکت در تدوین استانداردهای ملی، حامی برنامه‌های بهداشت حرفه‌ای، واحد نمونه کیفی استاندارد استان، واحد نمونه صادرات استان، حامی حقوق مصرف‌کنندگان، واحد نمونه سبز استان، صادرکننده نمونه کشوری، حامی حقوق مصرف‌کنندگان استان و... نام برد.

همچنین عضویت اتاق بازرگانی مشترک ایران و عراق، عضویت اتاق بازرگانی مشترک ایران و ترکیه، عضویت اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تبریز، عضویت انجمن مدیران صنایع و عضویت در هیات‌مدیره سندیکا تولیدکنندگان لوله و پروفیل نیز از دیگر افتخارات وی در حوزه صنعت است.

کارخانجات مهر سهند با اشتغالزایی مستقیم و غیرمستقیم بیش از ۵۰۰۰ نفر و با آغاز فعالیت شرکت فولاد مهر سهند با سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در سال ۱۳۸۷ تاسیس شد و شروع به فعالیت کرد. در طول سنوات گذشته ظرفیت اسمی این واحد به میزان ۳۲۰ هزار تن انواع لوله و پروفیل فولادی در سال رسید.

این مجموعه به عنوان هسته اولیه گروه کارخانجات مهر سهند در استان آذربایجان شرقی آغاز به کار کرد و پس از آن با برنامه‌ریزی دقیق، مدیریت حرفه‌ای و استفاده از پتانسیل و توان مهندسی بالا و کادر مجرب با افزایش کارخانجات به ۱۲ زیرمجموعه دیگر در این استان توسعه یافت.

محل امامی با بیان اینکه فولاد مهر سهند برنده تندیس بیستمین جشنواره تولید ملی افتخار ملی در حوزه فلزات اساسی وزارت صنعت، معدن و تجارت ایران شد، گفت: این جشنواره به منظور اثربخشی و ارتقای نقش بخش خصوصی در راستای رونق رشد و شکوفایی اقتصادی در سالن خلیج فارس نمایشگاه بین‌المللی تهران برگزار شد. این در حالی است که فولاد مهر سهند سال گذشته نیز با رشد تولید خود توسط این وزارتخانه موفق به کسب این عنوان شده بود.

**صادرکننده نمونه برای چهارمین سال متوالی**

محل امامی در ادامه بیان کرد: در مراسمی که ۵ اسفند سال ۱۴۰۰ در سالن پتروشیمی شهر تبریز نیز برگزار شد، شرکت فولاد مهر سهند برای چهارمین سال متوالی از طرف اتاق بازرگانی تبریز به عنوان صادرکننده نمونه استانی برگزیده شد. در واقع شرکت فولاد مهر سهند با صادرات به بیش از ۲۰ کشور در دنیا همواره از صادرکنندگان برتر در سطح کشور بوده و در سال ۹۹ نیز به عنوان صادرکننده نمونه کشوری برگزیده شده بود.

کاهش عرضه و افزایش قیمت قابل توجه ورق گرم اشاره کرد و گفت: طی هفته‌های گذشته ورق گرم فولادی که به عنوان مواد اولیه در کارخانه‌ها استفاده می‌شود، با افزایش قیمت قابل ملاحظه‌ای روبرو شد. دلیل اصلی این افزایش قیمت کمبود تولید داخلی و عواملی مانند نحوه کشف قیمت انحصاری یکی از شرکت‌های بزرگ فولادی در بورس کالا بود.

**رشد فزاینده قیمت از توان مصرف‌کننده داخلی خارج است**

محل امامی ادامه داد: در این زمینه حتی ما به عنوان اعضای سندیکا لوله و پروفیل فولادی اعلام کردیم که قیمت نهایی عرضه ورق گرم در بورس کالای ایران در روز دهم بهمن سال جاری فاقد هرگونه توجه جهت تولید صنایع پایین‌دستی لوله و پروفیل فولادی بود و رسوب محصول نهایی که نرخ ورق آن در یک عرضه در بورس کالا بیش از ۴۳ درصد جهش قیمت داشته به نسبت‌های بالاتری در سطح بازارها موجی از گرانی را در سطح عمومی قیمت‌ها ایجاد خواهد کرد که تحمل چنین رشد فزاینده قیمت از توان مصرف‌کننده داخلی خارج است.

عضو هیات‌مدیره گروه کارخانجات مهر سهند افزود: متاسفانه با وجود اینکه بارها کارشناسان نسبت به عدم عرضه ورق گرم فولادی به عنوان کالای انحصاری در بورس کالا هشدار دادند و این تشکل عواقب این اقدام را بارها متذکر شده شاهد هستیم بورس کالا ابزاری برای تبدیل قیمت‌های پایه مواد اولیه از نرخ رسمی ارز نیما به نرخ دلار ۵۴ هزار تومانی غیررسمی کف بازار در پوشش رقابت‌های کاذب شده است.

**مدیریت حرفه‌ای و استفاده از پتانسیل و توان مهندسی بالا**

محل امامی در ادامه با ارائه توضیحات مختصر در مورد شرکت فولاد مهر سهند بیان کرد: گروه





قائم‌مقام دبیر کل خانه صمت ایران در گفت‌وگو با «جهان صنعت»:

## بازار تولیدکننده کوچک‌تر می‌شود

نسترن یوسف‌بکیان - یک زمانی حتی در خواب هم نمی‌دیدیم نرخ ارز از ۵۰ هزار تومان رد شود، اما حالا نه تنها این اتفاق رخ داده بلکه هر عدد فضای دیگری برای نرخ ارز محتمل است. ثبت چنین نرخ‌هایی برای دلار که نشان‌دهنده کاهش هر چه بیشتر ارزش پول ملی است، اگر چه در جای خود به شدت آزاردهنده است اما آنچه بیش از افزایش نرخ دلار موجب انتقاد تحلیگران اقتصادی می‌شود، سیاست‌گذاری‌های بی‌پایه و اساس اقتصادی است که باعث می‌شود نرخ ارز همواره در حال نوسان باشد. به عبارتی می‌توان گفت که این نوسان‌های متعدد طی مدت زمان‌های کوتاه بیشتر از ثبات نرخ‌های بالا، موجب تحمیل فشار و هزینه به دوطرف عرضه و تقاضا در اقتصاد می‌شود؛ چرا که سردرگمی تولیدکنندگان و فعالان اقتصادی را به دنبال دارد و غیر قابل پیش‌بینی بودن آینده و عدم امکان برنامه‌ریزی بلندمدت را برای آنها رقم می‌زند.

خالقی افزود: در این شرایط هیچ‌یک از فعالان اقتصادی نمی‌توانند برای خرید تجهیزات و مواد اولیه مورد نیاز خود و همچنین عمل به تعهداتشان، برنامه‌ریزی‌های بلندمدت داشته باشند.

وی با بیان اینکه افزایش نرخ ارز همچنین باعث می‌شود تولیدکنندگان بازار خود را از دست بدهند، اظهار کرد: با افزایش نرخ ارز و سقوط ریال، کاهش قدرت خرید مصرف‌کنندگان ادامه دارد به طوری که آنها نمی‌توانند نیازهای خودشان را تأمین کنند و از این منظر بازار تولیدکننده نیز کوچک‌تر می‌شود.

### ■ ضرورت ارتباط با بازار بین‌المللی

این فعال بخش خصوصی با تأکید بر ضرورت ارتباط با بازار بین‌المللی، بیان کرد: صنعت کشور مادر بسیاری از حوزه‌ها انبساط شده و در برخی رشته‌های صنعتی ظرفیت تولید بالاست، در حالی که کاهش قدرت خرید مردم و رکود تومری دیگر فضای را برای عرضه کالاها در بازار داخلی در اختیار تولیدکنندگان قرار نمی‌دهد. بنابراین اگر تجارت کشور بر محور بازارهای بین‌المللی حرکت نکند و همکاری با کشورهای تسهیل نشود، عملاً برخی کالاها روی دست کارخانه‌های تولیدی باقی

روبه‌رو خواهیم بود. آرمان خالقی بیان کرد: از طرفی افزایش نرخ ارز و بی‌ارزش شدن هر چه بیشتر پول ملی باعث می‌شود قدرت خرید مردم افت بیشتری داشته باشد و رکود بازار عمیق‌تر شود.

### ■ تعطیلی واحدهای تولیدی

خالقی افزود: با ثبت نرخ‌های فضایی برای دلار، طبیعتاً خرید مواد اولیه با قیمت‌های جدید موجب افزایش هزینه‌های تولید خواهد شد که با در نظر گرفتن معضلاتی مثل قیمت‌گذاری دستوری و بخشنامه‌های خلق الساعه و گاهی به ضرر تولید، میزان فروش واحدها کاهش پیدا خواهد کرد و احتمال تعطیلی آنها بیشتر خواهد شد؛ چرا که کارخانه‌ها از پس پرداخت حقوق پرسنل و هزینه‌های جانبی تولید بر نخواهند آمد.

قائم‌مقام دبیر کل خانه صمت ایران با بیان اینکه تغییرات نرخ ارز منجر به تغییر تمام قیمت‌ها در سطوح مختلف می‌شود، گفت: بخشی از تمام آنچه یک تولیدکننده نیاز دارد به صورت مستقیم یا غیرمستقیم به نوسانات نرخ ارز برمی‌گردد. بنابراین این تغییرات پیوسته و شدید، تمام محاسبات اقتصادی را به هم می‌زند.

این در حالی است که پیش از رکورد شکنی نرخ ارز و ثبت نرخ ۶۰ هزار تومانی دلار در روزهای پایانی سال هم، تولیدکنندگان با افزایش هزینه‌های تولید و کمبود مواد اولیه روبه‌رو بودند و به طور کلی به دلیل کاهش قدرت خرید مردم، کاهش تقاضا و فروش را نیز تجربه کردند. در این راستا مرکز پژوهش‌های اتاق ایران در تحلیل‌های شاخص مدیران خرید در ماه‌ها و فصول مختلف اعلام کرد که به دلایلی از جمله قطعی گاز واحدهای صنعتی و کمبود انرژی و همچنین افت سفارشات جدید وضعیت صنایع نسبت به ماه‌های ابتدایی سال بدتر شده به طوری که اخیراً اعلام شد علامت بروز رکود تومری در دی ماه با ابعاد بزرگ‌تری ظهور کرد که نشان‌دهنده تعمیق شرایط رکودی کسب و کارهای مختلف اقتصاد ایران نسبت به ماه‌های گذشته است.

در این باره قائم‌مقام دبیر کل خانه صمت ایران در گفت‌وگو با «جهان صنعت» گفت: کمبود نقدینگی بزرگ‌ترین چالش واحدهای صنعتی و تولیدی در سال جاری بود، در حالی که با افزایش بی‌رویه نرخ ارز نیاز به نقدینگی واحدهای تولیدی همین‌طور بیشتر می‌شود و برای سال آینده نیز با تشدید این چالش برای صنایع

با ثبت نرخ‌های فضایی برای دلار، طبیعتاً خرید مواد اولیه با قیمت‌های جدید موجب افزایش هزینه‌های تولید خواهد شد که با در نظر گرفتن معضلاتی مثل قیمت‌گذاری دستوری و بخشنامه‌های خلق الساعه و گاهی به ضرر تولید، میزان فروش واحدها کاهش پیدا خواهد کرد و احتمال تعطیلی آنها بیشتر خواهد شد



برخی تصمیمات دولتمردان بدون برنامه است و هیچ پایه و اساسی ندارد به طوری که تنها زمانی که اتفاقی رخ می‌دهد، با تصمیمات هیجانی و احساسی روبه‌رو هستیم تا آن اتفاق مدیریت شود. در حالی که این تصمیمات مقطعی هیچ مشکلی را حل نخواهد کرد و در ادامه باعث بروز مشکلات جدی‌تری خواهد شد



خواهند ماند یا باید پایین‌تر از ظرفیت تولید کنند. وی افزود: باید پیمان‌های تجاری منطقه‌ای به پیمان‌های عملیاتی تبدیل شوند و تنها روی کاغذ نباشند تا با افزایش روابط بین‌المللی، بازار تولیدات داخلی نیز توسعه پیدا کند. در این میان باید زیرساخت‌های حمل‌ونقل، لجستیک، گمرک و... فراهم شود و توسعه یابد تا بازی تجارت به نفع ایران چرخش پیدا کند. خالقی در ادامه با تأکید بر اینکه توسعه روابط بین‌المللی می‌تواند راه صادرات را باز کند و موجب جلوگیری از تعطیلی کارخانه‌ها شود، گفت: عدم شفافیت در اقتصاد، رانت‌زایی، مداخله دولت در قیمت‌گذاری‌ها و سیاست‌گذاری‌های اقتصادی و عدم ارتباط با بازار بین‌الملل از علل اصلی سقوط ارزش پول ملی ایران است. بنابراین اگر خودمان را در شرایط گلخانه‌ای محبوس کنیم، نمی‌توانیم رشد کنیم و باید در جهت افزایش توسعه روابط تجاری با جهان گام برداریم.

#### ■ تصمیمات هیجانی و مقطعی

خالقی همچنین با انتقاد از روزمرگی‌هایی که در کارهای اقتصادی و سیاست‌گذاری‌های مسولان ایجاد شده است، گفت: برخی تصمیمات دولتمردان بدون برنامه است و هیچ پایه و اساسی ندارد به طوری که تنها زمانی که اتفاقی رخ می‌دهد، با تصمیمات هیجانی و احساسی روبه‌رو هستیم تا آن اتفاق مدیریت شود. در حالی که این تصمیمات مقطعی هیچ مشکلی را حل نخواهد کرد و در ادامه باعث بروز مشکلات جدی‌تری خواهد شد.

قائم‌مقام دبیر کل خانه صمت ایران با انتقاد از تعلل‌هایی که در زمینه تدوین برنامه‌های توسعه‌ای و همچنین تعیین استراتژی توسعه صنعتی رخ می‌دهد، افزود: علاوه بر فقدان نقشه راه برای صنعت کشور که باعث می‌شود سیاست‌گذاری‌ها براساس اظهارات یا منافع عده‌ای دنبال شود، با ارائه لایحه‌هایی برای بودجه از سوی دولت‌ها روبه‌رو هستیم که در امتداد بودجه‌های سابق است و به وضوح نشان می‌دهد به دلیل محقق نشدن درآمدها و بالا بودن هزینه دولت،

#### ■ هر عددی برای نرخ ارز محتمل است

این فعال بخش خصوصی همچنین در پاسخ به این سوال که پیش‌بینی شما در مورد نرخ ارز چیست، گفت: یک زمانی حتی در خواب هم نمی‌دیدیم نرخ ارز از ۵۰ هزار تومان رد شود. حتی دوره‌ای که خیلی دور هم نیست اگر می‌گفتند هر دلار هزار تومان، می‌خندیدیم اما اگر سیاست‌گذاری‌ها با این روال ادامه پیدا کند، هر عددی برای نرخ ارز محتمل است.

وی افزود: تنها در صورتی می‌توان امید داشت وضعیت ارز بهبود یابد که سیاست‌هایمان سیاست‌های پیشگیرانه، دقیق و مدبرانه باشد. در غیر این صورت با رها کردن اقتصاد کلان و عدم تبعیت از اصول اصلی اقتصاد رقابتی، هر چه بیشتر شاهد سقوط ارزش ریال خواهیم بود.

کسری بودجه به طور حتم اتفاق خواهد افتاد. وی بیان کرد: در واقع به نظر می‌رسد بیشتر به دنبال این هستیم طبقه‌ای را که از بودجه ارتزاق می‌کنند راضی نگه داریم و همچنان به ارائه پارانها به برخی نهادهای خاص ادامه دهیم. بنابراین هر سال تکمیل پروژه‌های عمرانی و توسعه‌ای کشور معطل می‌ماند. در حالی که اگر این پروژه‌ها راه بیفتند، زنجیره‌ای از صنایع مختلف به دنبال آن راه خواهد افتاد و برای آنها فرصت کار ایجاد خواهد شد.

خالقی ادامه داد: البته طی سال‌های اخیر با بهره‌برداری برخی پروژه‌های دولتی روبه‌رو بودیم که شاید در سطح ملی مورد نیاز نباشند یا صرفه اقتصادی نداشته باشند اما به دلیل فشار برخی نمایندگان مجلس و اهرم‌های سیاسی، این پروژه‌ها پیگیری می‌شوند.





در گفت‌وگو با رییس کمیسیون صنایع اتاق بازرگانی ایران بررسی شد

## خطر فروپاشی صنایع ایران



محمد رضا ستاری

علیرضا کلاهی ممدی رییس کمیسیون صنایع و معادن اتاق بازرگانی ایران با توجه به وضعیتی که امروز صنایع کشور به واسطه بی‌ثباتی اقتصادی و افزایش نرخ ارز با آن دست‌وپنجه نرم می‌کنند، معتقد است که بهبود شرایط اقتصادی و تأثیرگذاری بخش خصوصی، منوط به داشتن روابط بین‌المللی و قرار گرفتن صنایع ایرانی در زنجیره ارزش جهانی است. او بر این باور است که امروز به تمامی مشکلات و چالش‌های قبلی تولید، مساله ضعف در زیرساخت‌هایی نظیر تأمین انرژی و برق صنایع نیز اضافه شده که کشیدن ترمز تولید به علت ضعف زیرساختی در فضایی که با چنین وضعیتی از نقدینگی مواجه هستیم، به معنای تورم بیشتر است. در واقع به گفته کلاهی ممدی این وضعیت ورود به یک سیکل باطل تورم، کاهش نرخ بهره‌وری ریال و سپس کاهش قدرت خرید مصرف‌کننده را در پی دارد که اگر فکری جدی برای مهار چنین چالشی از سوی دولت نشود، احتمال فروپاشی صنایع کشور در آینده وجود دارد.

نداده است. بنابراین در اقتصاد ایران که بخش خصوصی هم تحیف و آسیب دیده است، لازم است دولت نقش متولی‌گری درستی را ایفا کند. لذا مداخله دولت باید به اندازه و مفید باشد؛ از سوی دیگر تصدی‌گری هم در صورت لزوم و با تمهیدات لازم انجام شود. به عنوان نمونه در اقتصاد کشوری مانند کره جنوبی در بخش فولاد و خودرو و در صنعت تایوان شاهد چنین نقشی از دولت بوده‌ایم. مثلاً شرکت TSMC تایوان با یک سرمایه‌گذاری ۲۲۰ میلیون دلاری در سال ۱۹۸۶، امروز تبدیل به غول و رهبر بلامنزاع صنعت تراشه‌های دنیا با ارزش بازار ۵۰۰ میلیارد دلاری شده است. لذا نمی‌توان گفت که نقش دولت در اقتصاد باید صفر باشد.

**■ با توجه به صحبت‌هایی که مطرح کردید، بخش خصوصی امروز چگونه می‌تواند در شرایط فعلی تغییر ایجاد کند؟**

معتقدم بهبود شرایط اقتصادی و تأثیرگذاری بخش خصوصی، منوط به داشتن روابط بین‌المللی و قرار گرفتن صنایع ایرانی در زنجیره ارزش جهانی است. بنابراین باید با حفظ چارچوب‌ها در رابطه با کاهش تنش‌های بی‌مورد تلاش کنیم.

**■ به طور کلی فکر می‌کنید در حال حاضر سیاست‌های اصل ۴۴ به درستی در کشور اجرا می‌شود؟ دستگاه‌های دولتی در دولت سیزدهم چگونه می‌توانند زمینه را برای پررنگ شدن**

داد: مگر نمی‌دانید امروز سه‌شنبه است و در این روز کفش ملی فروخته می‌شود؟

با این حال با اقداماتی که شد، شرکت‌های بزرگی مانند گروه صنعتی به‌شهر که بزرگ‌ترین بنگاه در نوع خودش در خاورمیانه محسوب می‌شد یا شرکت پارس الکترونیک که سلسونگ مدیرانش را برای آموزش تولید تلویزیون رنگی به آنجایی فرستاد یا ایران خودرو، کفش ملی و سایر شرکت‌هایی از این دست را ملی کردیم و حالا خروجی چنین اقداماتی را می‌بینیم. یعنی خروجی چنین کاری نهایتاً منجر به نابودی شرکت‌ها و حیفومیل در شرکت‌های دولتی شده؛ امری که آقای طبیب‌نیا وزیر اسبق اقتصاد در دولت دهم در مصاحبه معروف خود گفت: شرکت دولتی یعنی مفسده و منبع تولید رانت. در واقع سنگ بنایی که در برخورد با شرکت‌ها در اوایل انقلاب گذاشته شد، ما را نزدیک به ۳ دهه از لحاظ توسعه اقتصادی به عقب راند. البته خوشحال هستیم که از شخص اول مملکت می‌شنویم باید یکسری از کارها به بخش خصوصی واگذار شود. این موضوع به نظرم اتفاق مبارکی است.

این بدان معنا نیست که دولت نباید در توسعه کشور نقش داشته باشد؛ اتفاقاً دولت باید در روند تولید ایفای نقش کند. یعنی اساساً در آزادترین اقتصادهای دنیا که نقش دولت را حداقلی فرض می‌کنند (مانند تاجریسم و ریگانیسم) هم چنین دیدگاهی منسوخ شده و جواب

**■ تحلیل شما از صحبت‌های اخیر رهبری در دیدار با تولیدکنندگان و کارآفرینان چیست؟ آیا به نظر شما اذعان مقامات بلندپایه کشور نسبت به اشتباهات گذشته در ارتباط با دخالت‌های بیش از اندازه دولت در امور اقتصادی و لزوم توجه به بخش خصوصی می‌تواند تغییری در شرایط فعلی ایجاد کند؟**

طبیعتاً صحبت‌های مقام معظم رهبری در جمع تولیدکنندگان بسیار مثبت و دلگرم‌کننده بود. فارغ از این نکته، لازم است خاطر نشان کنم که یکی از اشتباهات تاریخی در کشور ما این بود که در سال‌های اول انقلاب و تحت تأثیر فضای آن زمان، سرمایه‌داران و کارآفرینان را به عنوان زالوصفت تلقی می‌کردند. در خاطرات آقایان لاجوردی و برخوردار آمده که در آن زمان به دیدار بنی‌صدر رفتند و او که زیرشلواری راه‌راهی به تن داشت، عملاً وقتی به صحبت‌های آنها نگذاشت. در واقع معتقدم چه‌بسا اگر در آن زمان سازمان‌ها، کارخانجات و شرکت‌ها را مصادره و ملی نکرده بودیم، شاید امروز این‌گونه شاهد زمین‌خوردن برخی از آنها نبودیم؛ شرکت‌هایی که در آن زمان مراحل بلوغ را طی کرده و از لحاظ تولید تبدیل به قهرمان‌های منطقه‌ای شده بودند. اخیراً کلیبی از مرحوم نیازمند دیدم که می‌گفت در سفر به مسکو صفی را مشاهده کردم؛ از معاون وزیر شوری سوال کردم که این صف برای چیست، پاسخ

در واقع سنگ بنایی که در برخورد با شرکت‌ها در اوایل انقلاب گذاشته شد، ما را نزدیک به ۳ دهه از لحاظ توسعه اقتصادی به عقب راند. البته خوشحال هستیم که از شخص اول مملکت می‌شنویم باید یکسری از کارها به بخش خصوصی واگذار شود. این موضوع به نظرم اتفاق مبارکی است



ما امروز نیاز مبرمی به ثبات در مسائل اقتصاد کلان کشور داریم؛ این در حالی است که قانون بهبود فضای کسب و کار را دقیق و به درستی اجرا نمی‌کنیم تا به این میزان شاهد بخشنامه‌ها و آیین‌نامه‌های خلق‌الساعه نباشیم

به علت ضعف زیرساختی در فضایی که با چنین وضعیتی از نقدینگی مواجه هستیم، به معنای تورم بیشتر است. در واقع این وضعیت ورود به یک سیکل باطل تورم، کاهش نرخ بهره‌وری ریال و بعد کاهش قدرت خرید مصرف‌کننده است. بنابراین دولت باید تمام هم‌وغم خود را روی حل کردن مسائلی مانند مشکلات زیرساختی و اقتصاد کلان معطوف کند.

■ اگر چنین وضعیتی تداوم پیدا کند، دورنمای صنایع کشور چگونه خواهد بود یا اساسا تا چه میزان صنایع قادر به تاب‌آوری در چنین وضعیتی هستند؟

اگر شرایط کنونی ادامه پیدا کند و راهکار درستی برای عبور از آن اندیشیده نشود، قطعاً شاهد فروپاشی صنایع در کشور خواهیم بود.

■ براساس آنچه دبیر انجمن هیات نظارت بر انتخابات اتاق بازرگانی اعلام کرده است، امسال تعداد متقاضیان انتخابات اتاق بازرگانی با رشد ۵۰ درصدی روبه‌رو شده است. تحلیل شما در این خصوص چیست؟ فعالان بخش خصوصی چگونه می‌توانند مطالبه‌گری خود از دولت را از طریق اتاق ایران افزایش دهند؟

قانون بهبود فضای کسب و کار و یکسری دیگر از قوانین، جایگاه اتاق را در بیشتر از ۱۳۰ نهاد و شورای کشور مشخص کرده است. اتفاقاً من رویکرد دولت سیزدهم را در مشورت با بخش خصوصی خیلی بهتر از دولت قبل ارزیابی می‌کنم. در همین رابطه لازم است خاطر نشان کنم که امروز اتاق بازرگانی افزایش جدی تعداد اعضا را در طول چهار سال گذشته تجربه کرده است؛ به طوری که ایجاد پنجره واحد، خدمات و اطلاع‌رسانی بهتر، توجه به این اتاق را جلب کرده و باعث شده تمایل به حضور در دایره تصمیم‌گیری آن بیشتر شود.

البته خوشحال هستیم که آیین‌نامه‌های جدید یکسری سخت‌گیری‌هایی را هم دارد؛ مانند اینکه شخصی که به عنوان نماینده ثبت‌نام می‌کند، باید حداقل ۲۰ نفر را در لیست بیمه خود داشته باشد یا حداقل ۱۵۰ میلیارد تومان گردش مالی سازمانش باشد. بنابراین اکنون افرادی که کاندیدا می‌شوند، از یک حداقل‌های کارآفرینی و تجربه جهت گرداندن یک بنگاه اقتصادی برخوردار هستند. چنین امری مثبت تلقی می‌شود؛ ضمن اینکه ماقطعا از رقابت سالم نیز استقبال می‌کنیم. زیرا هر قدر دامنه کاندیداها و سطح کیفیت آنها بالاتر برود، مطمئناً کیفیت کار ما نیز در هیات نمایندگان و کمیسیون اتاق افزایش می‌یابد.

اولیه و محصولات»، «دشواری تامین مالی از بانک‌ها»، «بی‌ثباتی سیاست‌ها، قوانین و مقررات و رویه‌های اجرایی ناظر بر کسب و کار»، از مواردی هستند که فعالان اقتصادی مشارکت‌کننده در این پایش از آنها نام برده‌اند. تحلیل شما در این خصوص چیست؟ در حال حاضر بررسی‌ها حاکی از آن است که تولیدکنندگان از یک سو با کمبود مواد اولیه و افزایش هزینه‌های جانبی تولید و از سوی دیگر با مشکل فروش روبه‌رو هستند. در واقع مصرف‌کننده داخلی به دلیل کاهش قدرت خرید، میزان خرید خود را کاهش داده و بازارهای خارجی نیز به دلیل تحریم و سیاست‌گذاری‌های اشتباه داخلی هر روز کوچکتر می‌شوند. پیش‌بینی شما از این شرایط چیست؟ چشم‌انداز صنایع کشور را چگونه می‌بینید؟ برای مقابله با این وضعیت چه باید کرد؟

ابتدا باید به این موضوع اشاره کنم که معتمد عمده صنایع در ایران، رانته هستند. یعنی بیش از آنکه به دنبال فعالیت اقتصادی باشند، به دنبال رانت یا دلالتی هستند. در این راستا ما کمتر شاهد فعالیت‌های خلاق ارزش هستیم که این مساله نیز دلیل دارد. فعالیت‌های خلاق ارزش، شامل فعالیت‌های ریشه‌ای می‌شوند که لاجرم نیازمند زمان و ثبات هستند. یعنی فعالیت‌های زودبازده محسوب نمی‌شوند. به همین دلیل امروز به دلیل بی‌ثباتی و ناپایداری شرایط اقتصادی از یکسو و قوانین و مقررات از سوی دیگر، هیچ‌کس آفق بلندمدتی را متصور نیست و در نتیجه حاضر نمی‌شود به سمت فعالیت‌های پر سود که بازده داخلی آن زیر ۴۰ درصد باشد. بنابراین فعالیت‌های اصولی و خلاق ارزش در کشور ما شکل نمی‌گیرد.

ما امروز نیاز مبرمی به ثبات در مسائل اقتصاد کلان کشور داریم؛ این در حالی است که قانون بهبود فضای کسب و کار را دقیق و به درستی اجرا نمی‌کنیم تا به این میزان شاهد بخشنامه‌ها و آیین‌نامه‌های خلق‌الساعه نباشیم. البته به این نکته باید اشاره کنم که در نیمه دوم دولت قبل نیز تمام این موارد و مشکلات وجود داشت و برخلاف نص صریح قانون بهبود فضای کسب و کار و بدون مشورت با بخش خصوصی شاهد صدور و تصویب قوانین، بخشنامه‌ها و آیین‌نامه‌های خلق‌الساعه بودیم. امروز به تمامی مسائل و مشکلات قبلی یک مساله دیگر نیز اضافه شده و آن فضای مبهم تامین حداقل مایحتاج صنایع به خصوص انرژی، برق و گاز است. چنین مساله‌ای قطعاً به تولید آسیب می‌زند و کشیدن ترمز تولید

نقش بخش خصوصی فراهم کنند؟ به عنوان مثال مدت‌هاست بحث واگذاری شرکت‌های بزرگ خودروسازی به بخش خصوصی به میان آمده در حالی که طبق قانون تجارت این شرکت‌ها خصوصی هستند و دولت باید اجازه دهد که مدیریت بخش خصوصی در این شرکت‌ها حاکم شود، اما همچنان در این زمینه سنگ‌اندازی می‌شود.

تا به امروز سیاست‌های اصل ۴۴ درستی اجرا نشده است، زیرا اصل ۴۴ مأموریت‌های اصلی بوده و در جایی هم که خصوصی شده، اگر نتیجه مثبت بود، یکسری پیدا شدند که با بهانه‌هایی نظیر ارزان‌فروشی و غیره در کار آن مجموعه خلل ایجاد کردند. در نتیجه بخش خصوصی امروز می‌گوید که تمایلی برای وارد شدن به قراردادهای دولتی اینچنینی ندارد؛ دلایل هم این است که اگر نتیجه خوب رقم بخورد، همان‌طور که گفتیم در مسیر فعالیت‌ها به عنوان و بهانه‌های مختلف سنگ‌اندازی می‌شود و اگر هم نتیجه بد رقم بخورد هیچ نهاد یا سازمانی پیگیر مشکلات و وضعیت شما نخواهد شد.

از سوی دیگر ما با محصولاتی سازی، یکسری صنایع را از مدار خارج و نابود کرده‌ایم مانند موضوع پتروشیمی، به خصوص معتمد که خرد کردن شرکت ملی پتروشیمی و پخش کردن واحدهای آن به سمت صندوق‌ها و ارگان‌های مختلف باعث تضاد و تداخل منافع شده و فرماندهی واحد را در صنعت پتروشیمی کشور از بین برده است؛ امری که سبب شد صنعت پتروشیمی ما از لحاظ توسعه، یک توسعه نامتوازن را تجربه کند. در کره جنوبی و در راستای تصدی‌گری درست دولت، شرکت فولاد این کشور که امروز کاملاً خصوصی است، در حدود ۴۴ میلیون تن فولاد تولید و در عین حال در نقاط مختلف جهان نیز سرمایه‌گذاری کرده است. این در حالی است که در ایران واحدهای فولاد را در مناطق بی‌آب کشور پخش کرده‌ایم که اگر زمانی سنگ‌آهن کشور تمام شود، این مناطق هزاران کیلومتر با پندار کشور فاصله داشته و قادر نخواهند بود به صورت اقتصادی نیاز خود را تامین کنند.

■ بررسی گزارش مرکز پژوهش‌های اتاق ایران و نتایج پایش ملی محیط کسب و کار در فصل پاییز ۱۴۰۱ نشان می‌دهد که این شاخص بعد از بهبود نسبی در فصل تابستان، بار دیگر تحت تأثیر موانع و عوامل تکراری نامساعدتر شده و به ۶/۰۵ رسیده است. ترتیب سه مولفه «غیر قابل پیش‌بینی بودن و تغییرات قیمت مواد





گفت‌وگو با محمود خاقانی کارشناس بین‌الملل انرژی

## هیچ کشوری به خاطر ما فداکاری نمی‌کند

ندا کروکوپور - صنعت نفت ایران در سالی که رو به پایان است، آسوده نبود. از تشدید تحریم‌ها گرفته که هر روز یک بخش از صنعت نفت و گاز و پتروشیمی را نشانه می‌رفت تا از دست رفتن فرصت رقابت در بازار نفت که قیمت‌های طلایی را به ثبت رساند. در آن روزها که نفت به ۱۲۰ دلار در هر بشکه رسیده بود، باز هم همه نگران بودند و همه چشم‌ها به سوی وزارت نفت بود که آیا با سخت‌تر شدن تحریم‌ها می‌تواند نفت بفرشد و منابع آن را به کشور برگرداند؟ هر چند مقامات وزارت نفت می‌گفتند در فروش نفت موفق بوده‌اند و رکورد زده‌اند، با این حال آثار این «فروش بیشتر و بهتر» در زندگی مردم ننشست. جز این دو تصویر کلان از نفت، باز هم مساله کمبود منابع برای سرمایه‌گذاری مطرح بود. امضای تفاهتنامه ۴ میلیارد دلاری با روسیه که بخشی از آن مربوط به همکاری روس‌ها برای تکمیل پروژه‌های نیمه‌تمام بود، اگرچه در ظاهر امیدوارانه بود اما در پایان سال بی‌خبری از اینکه «بالاخره تفاهتنامه به کجا رسید؟» همچنان سوالی بی‌پاسخ است.

این سه مساله، دستاویز گفت‌وگو با محمود خاقانی کارشناس بین‌الملل انرژی شد. این کارشناس با سابقه نفت با بررسی تحولات ۱۴۰۱، درباره آنچه در سال آینده ممکن است رخ بدهد، دیدگاه‌های خود را به «جهان‌صنعت» مطرح کرده است. گفت‌وگو با او پیش روی شماسنت:

■ چه کسانی مانع هستند؟ البته این موانع فقط در تحریم‌ها نیست. در داخل هم بخش‌های قدرتمندی می‌خواهند از فرصت تحریم‌ها استفاده کنند. هر بار یک مانع جلوی راه تصویب FATF می‌گذارند یا مانع توافق برجام می‌شوند. بنابراین معتقدم تا زمانی که آنها در یک اقتصاد کدر و غیرشفاف نقل و انتقال مالی خود را انجام می‌دهند چه در بازار دلار و در بازار نفت و در دور زدن تحریم‌ها و حتی در بازار میوه شرایط تغییر نمی‌کند. نکته مهم‌تر مدیریت انرژی در کشور است. در حالی که کسری تراز تولید و مصرف بنزین داریم، قانونگذاران ما و قوه مجریه، صدها اتومبیل به اتومبیل‌های موجود اضافه می‌کنند و واردات انجام می‌دهند، آن هم اتومبیل‌هایی که مصرف بنزین بالایی دارند. اتومبیل‌هایی که در کشور سازنده از رده خارج شدند و راندمان مصرف انرژی مناسبی ندارند.

ذات تفاهتنامه یعنی دولت‌ها موافق انجام امور مشترکی هستند و اگر مقدمات اجرای آن فراهم شود، به قرارداد منجر می‌شود. با وجود تحریم‌ها حتی بخش‌های دولتی چین هم مانند بخش خصوصی عمل می‌کنند. مهم‌ترین مانع همکاری آنها هم عدم عضویت ایران در FATF است. چینی‌ها سرمایه دارند و مشارکت در پروژه‌های ایران هم به نفع‌شان است اما ایران مشکل دارد. تحریم‌ها مانع است، حال آنکه می‌بینیم چینی‌ها سرمایه‌گذاری سنگینی را در نزدیک مرزهای ایران در عراق انجام داده‌اند. سهام شرکت‌های آمریکایی را در عراق خریده‌اند و فعالیت خود را مدت‌هاست که در عراق آغاز کرده‌اند. بنابراین پیش‌بینی من این است تا زمانی که این تحریم‌ها ادامه داشته باشد و سیاست خارجی دولت سیزدهم هم بر این اساس باشد، شرایط همین است.

■ در سالی که رو به پایان است، صنعت نفت شاهد تحولاتی در سیاست خارجی بود، از جمله تفاهتنامه ۴۰ میلیارد دلاری با روسیه و مذاکرات با چینی‌ها برای فاینانس پروژه‌ها. آیا فکر می‌کنید نتیجه این مذاکرات در سال جدید و البته پایان دولت آقای رییس‌ی به ثمر می‌نشیند؟ اگر ایران آمادگی داشته باشد تا امتیازهای قابل توجهی به چین و حتی روسیه بدهد، امکان‌پذیر است. گرچه روسیه خود با کمبود منابع مالی روبه‌رو است. به نظر من اگر هم با ایران مذاکراتی انجام داده، بیشتر جنبه سیاسی دارد و می‌خواهد از کارت ایران در معاملاتی که با آمریکا دارد، بهره بگیرد. چین هم با کارت ایران بازی می‌کند. فراموش نکنیم که اینها فقط تفاهتنامه است. از این تفاهتنامه‌ها بسیار امضا کرده‌ایم اما بسیار کم به قرارداد منتهی شدند.

چینی‌ها سرمایه‌گذاری سنگینی را در نزدیک مرزهای ایران در عراق انجام داده‌اند. سهام شرکت‌های آمریکایی را در عراق خریده‌اند و فعالیت خود را مدت‌هاست که در عراق آغاز کرده‌اند. بنابراین پیش‌بینی من این است تا زمانی که این تحریم‌ها ادامه داشته باشد و سیاست خارجی دولت سیزدهم هم بر این اساس باشد، شرایط همین است.



در حوزه گاز  
سال آینده هم با  
مشکلاتی روبه‌رو  
خواهیم بود، یعنی  
ناترازی داریم.  
به‌طور کلی دنیا خود  
را با این حقیقت  
تطابق داده که باید  
بدون نفت و گاز  
ایران به اقتصاد  
انرژی خود فکر  
کند و تامین امنیت  
انرژی خود را به  
ایران وابسته نکند

کند و سرمایه به کشور بیاورند به‌طور حتم و یقین با آن استانداردها اگر بتوانند فناوری را در صنعت نفت ما ارتقا بدهند، تحول خوبی ایجاد خواهد شد.

**■ امسال در حوزه گاز با مشکلات بزرگی از جمله ناترازی مواجه بودیم و از سویی بازی روسیه در بازار گاز چشم‌انداز پیش روی ایران در بازار منطقه‌ای گاز را دچار تغییر کرد. فکر می‌کنید این موضوع چه تاثیری بر جایگاه ایران در بازار انرژی بگذارد؟**

در حوزه گاز سال آینده هم با مشکلاتی روبه‌رو خواهیم بود، یعنی ناترازی داریم. با توجه به تحریم‌های غرب علیه روسیه، نتوانسته‌ایم از فرصت بازار پرتقاضای گاز به خوبی استفاده کنیم و قطر به نحو احسن از این فرصت استفاده کرد. به‌طور کلی دنیا خود را با این حقیقت تطابق داده که باید بدون نفت و گاز ایران به اقتصاد انرژی خود فکر کند و تامین امنیت انرژی خود را به ایران وابسته نکند.

کشورهایی مانند چین و روسیه که دوستان راهبردی ایران هستند هم همین کار را کردند و می‌کنند. روسیه واردکننده گاز نیست اما حاضر هم نشده با ایران در حوزه گاز همکاری کند یا آنکه در بازار نفت با ایران رقابت نکند، از آن سو هم می‌بینیم که چین حاضر نشده که نفت روسیه را که ارزان‌تر از ایران است، نخرد.

این موارد نشان می‌دهد کشورها در مرحله اول به منافع ملی خود در روابط بین‌الملل فکر می‌کنند. اگر منافع چین ایجاد کند که با آمریکا بیشتر رفاقت کند، می‌کند و در نتیجه به خاطر ایران روابط خود را با آمریکا خراب نخواهد کرد.

ایستگاه‌های گاز طبیعی و تلمبه‌خانه‌های نفت خام بر مبنای آنها باید تهیه شود. این استانداردها در صنعت نفت به استانداردهای آمریکایی شهرت دارد. روسیه بعد از فروپاشی شوروی سابق، زمانی که با شرکت‌های خارجی وارد مشارکت شد، ناچار به ایجاد تحول در صنعت نفت و گاز خود شد و حالا استانداردهای صنعت نفت این کشور هم به دلیل تحریم‌ها کارایی ندارد چون وابسته به شرکت‌های اروپایی شده است. در کشور ما هم هنوز استانداردهایی نداریم که بتوانیم به آنها استناد کنیم. مثلاً شیر سر چاهی اگر کوچک‌ترین نقصی در آلیاژ آن ایجاد شود یا در نحوه نصب آن به وجود آید، انفجار، آتش‌سوزی و خسارات میلیون دلاری به دنبال دارد، بنابراین نمی‌توان این ابزارهای ضروری را با استاندارد ایرانی ساخت.

البته وزارت نفت عنوان می‌کند که بخش‌هایی از این تکنولوژی‌ها بومی‌سازی شده و حالا هم از شرکت‌های دانش‌بنیان کمک گرفته شده است.

اگر بخش‌های خصوصی - چه دانش‌بنیان و چه غیردانش‌بنیان - ادعا می‌کنند که در داخل این موارد را تولید می‌کنیم، باید اعلام کنند با چه استانداردی تولید می‌کنند. تصور می‌کنم با استاندارد آمریکایی، انگلیسی یا آلمانی تولید می‌شود، یعنی حتماً یکی از این سه استاندارد در تولید اینگونه تجهیزات به کار می‌رود، در غیر این صورت کارایی ندارد.

البته استانداردهای آلمانی و انگلیسی با هم شباهت دارند. حتی چین و روسیه از همین استانداردها در صنعت نفت و گاز خود استفاده می‌کنند. اگر این کشورها به قول خود عمل

**■ مقامات وزارت نفت وعده می‌دهند که تکمیل میادین مشترک تا پایان این دولت تعیین می‌شود. به نظر شما این وعده چقدر قابل تحقق است؟**

همان‌طور که اشاره شد، این مذاکرات تا زمانی که تحریم‌ها پابرجا باشند، نمی‌تواند به قرارداد منجر شود. به خصوص که اکنون به نظر می‌رسد برجام به‌طور کل بدون سرانجام شده و FATF هم از دستور جلسات مجمع تشخیص مصلحت نظام و دولت خارج شده است.

البته چینی‌ها برای سرمایه‌گذاری در این میادین علاقه نشان می‌دهند چون از آن سو هم با عراق در حال همکاری هستند و پیش‌بینی می‌شود که بخش ایران بدون سرمایه‌گذاری خارجی در خوش‌بینانه‌ترین زمان ۱۰ سال تا ۱۵ سال به طول بینجامد تا پروژه به نتیجه و بهره‌برداری برسد.

این کمترین زمان است، بنابراین نمی‌توان گفت که طرح‌های نیمه‌تمام یا تکمیل میادین مشترک در دولت اول ریسی به پایان برسد.

**■ ضعف تکنولوژی در سال‌هایی که با تحریم روبه‌رو هستیم، بزرگ‌ترین چالش صنعت نفت محسوب می‌شود، از آنجا که صنعت نفت ایران بر پایه صنعت آمریکایی شکل گرفته، همکاری با چین و روسیه چقدر به توسعه صنعت نفت ما می‌تواند کمک کند؟**

از آنجا که صنعت نفت ایران بر پایه تکنولوژی آمریکا بنا شده، صنعت نفت ما به تکنولوژی خارجی وابسته است. این وابستگی در واقع همان استانداردهایی است که براساس آن تجهیزات مورد نیاز صنعت نفت، از آن شیرهای سر چاهی گرفته تا اندازه‌گیری‌های فشار گاز در



## نگرانی‌های بخش خصوصی برای ۱۴۰۲

# سیاست‌های اشتباه را جبران کنید

ایران طی نیم قرن گذشته در مقایسه با کشورهای نوسنعتی پیشرو و موفق در زمینه تولید و صادرات انبوه نتوانسته است به رشد پایدار متناسب با امتیازات و برتری‌های مطلق و نسبی خود دست یابد و اگرچه بخش خصوصی فعال در حوزه‌های بازرگانی و خدمات با بهره‌گیری از شرایط و ساختار نامناسب اقتصادی و امکان سودآوری بالاتر و بازگشت سریع سرمایه از توانایی مالی بسیار عظیم برخوردار شده است، اما این فرآیند هرگز نتوانسته است به روندی پویا و پیوسته در مسیر سرمایه‌گذاری، اشتغال مولد، تولید صنعتی با ارزش افزوده بالا و سرانجام به شکل‌گیری پایگاه اصلی رشد اقتصادی یعنی توسعه صادرات کالاها و خدمات غیرنفتی به ویژه صادرات صنعتی منجر و منتهی شود. باید پذیریم بخش خصوصی در سال‌های اخیر مشکلات متعددی داشته و حضورش در حوزه‌های مختلف اقتصادی کاهش یافته است.

در جهان مدرن امروز، آینده اقتصادی ایران و هیچ کشور دیگری بدون حضور و فعالیت بخش خصوصی قوی به توسعه ختم نخواهد شد و اگر سیاست‌گذاران می‌خواهند کشور را از طوفان‌های مهیب بحران‌های اقتصادی کنونی رها کنند، مسیر اصلی، تعامل با بخش خصوصی، تقویت بخش خصوصی و نهادهای وابسته به آن و عدم تضعیف این نهادها و تشویق سرمایه‌گذاران به کارآفرینی و البته هموار کردن مسیر کسب‌وکار برای فعالان اقتصادی است. در این راستا نظرات برخی اعضای اتاق بازرگانی درباره چالش‌های بخش خصوصی و نگرانی آنها برای آینده اقتصاد کشور در ادامه آمده است که می‌خوانید.

مفهوم خصوصی‌سازی برای کشورهای توسعه‌یافته نه جدید است و نه منحصر به فرد. بخش خصوصی سال‌هاست که در بین ملل صنعتی غرب ارائه خدمت می‌کند. تجربه بیش از پنج دهه تلاش موفقیت‌آمیز کشورهای نوپای صنعتی نمایانگر این واقعیت است که بدون وجود یک بخش خصوصی بالنده و توانمند در اقتصاد ملی هرگز نمی‌توان به تحول اقتصادی و توسعه صنعتی-صادراتی به منزله پایگاه مادی جریان پیشرفت دست یافت.

تجربه گذار آلمان شرقی از اقتصاد دولتی و یکی شدن آن با آلمان غربی با فروپاشی دیوار برلین در دهه ۱۹۹۰ نمونه بسیار موفقی از پایان دادن به اقتصاد دولتی و واگذاری کارها به بخش خصوصی است، تا جایی که می‌بینیم امروز آلمان به بزرگ‌ترین قدرت اقتصادی اروپا بدل شده است و می‌توان گفت اقتصاد این کشور تقریباً از سوی بخش خصوصی و جذب سرمایه‌گذاری‌های خصوصی اداره می‌شود و تشکلهای و نهادهای وابسته به این کشور حتی بیش از وزارتخانه‌ها قدرت دارند و نقش اقتصادی دولت در این کشور تسهیل‌گری برای فعالیت‌های خصوصی است.

وجود قدرتمند این بخش در اقتصاد هر کشوری از اهمیت راهبردی برخوردار است. در کشورهای نفتخیز به‌طور عام و در ایران به‌طور خاص تنها بخش خصوصی است که باید مجموعه‌گرایی‌های تحول اقتصادی و ساختاری را در زمینه گسترش پایه تولید و صادرات غیرنفتی و خروج از وابستگی به نفت سامان داده و به انجام رساند.



### چالش‌های ارز چندترخی برای اقتصاد

**مسعود خوانساری\*** - طی سال‌های اخیر بارها مشکل تفاوت نرخ ارز و ایجاد رانت و فساد به واسطه آن مطرح شده است، این اتفاق صادرات را

مختل کرده، ضمن اینکه هیچ عایدی برای کشور ندارد. در دولت سیزدهم قرار بر این بود که ارز تک‌نرخ شود. اتفاقی که در سال ۹۷ در خصوص ارز ۴۲۰۰ تومانی رخ داد، خسارت‌های زیادی بر اقتصاد وارد کرد، اما همان اتفاق امروز در حال وقوع است. سناریوی ارز ۴۲۰۰ تومانی خطا و اشتباهی است که نباید تکرار شود. یکی از آسیب‌های ارز چندترخی این است که صادرکننده مجبور است کالا را به قیمت گران خریداری اما با قیمت پایین‌تری عرضه کند، بنابراین صادرات برای صادرکننده صرفه اقتصادی ندارد و این موضوع باعث شده است که صادرکنندگان خوشنام کشور از صادرات دست بکشند. اگرچه کشور در زمینه صادرات رشد داشته است، اما با توجه به جایگاه و پتانسیل کشور نمی‌توانیم قبول کنیم که صادرات در این حد باشد، ضمن اینکه در زمینه رشد صادرات در مقایسه با سایر کشورها بسیار عقب‌تر هستیم و این واقعیتی است که باید آن را پذیرفت. در این میان نمی‌توان تأثیر تحریم‌ها را بر صادرات نادیده گرفت، به گونه‌ای که کشور در رقابت ناعادلانه‌ای قرار دارد و حداقل بین ۱۰ تا ۲۰ درصد هزینه‌های صادرات به علت تحریم‌ها گران‌تر می‌شود که این در رقابت‌های بین‌المللی هزینه‌های بسیار بالایی محسوب می‌شود. در بحث حمل‌ونقل و همچنین مرادلات و تراکنش‌های بانکی نیز به علت تحریم‌ها مشکلاتی وجود دارد و هزینه‌هایی به صادرات اضافه می‌کند و بنابراین تولید نیز گران‌تر تمام می‌شود.

رشد تورم در اکثر کشورهای جهان به چالش اصلی اقتصاد جهانی بدل شده است. در ایران هم ما به تبع رشد تورم جهانی و همچنین تورم داخلی که چند سالی است کشور درگیر آن است، شاهد رشد تورم تا مرز ۴۷ درصدی بوده‌ایم. به واسطه رشد تورم ارزش پول ملی به‌طور روزانه افت پیدا می‌کند. انتظار این است که صادرکنندگان خود را آزاد بگذارند که ارز حاصل از صادرات را با بقیه واردکنندگان مبادله کنند تا این مشکلات را نداشته باشند. در چند سال گذشته به دلیل سختگیری‌ها و نامناسب بودن محیط کسب‌وکار، رشد سرمایه‌گذاری نسبت به استهلاک منفی شده و این امر باعث افزایش خروج سرمایه و نخبگان از کشور شده است. در حال حاضر خروج سرمایه‌گذاری در کشور به ۱۰ میلیارد دلار در سال رسیده است. طبق برآوردها دست‌کم ۹۷ میلیارد دلار سرمایه در فاصله سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۰ از کشور خارج شده است. با وجود افت سرمایه‌گذاری و خروج سرمایه از کشور، نجات اقتصاد ایران با تحول و نوآوری در اقتصاد دیجیتال گره خورده است؛ از این‌رو، اتاق بازرگانی تلاش دارد حمایت خود را از جوانانی که در این مسیر قرار دارند، انجام دهد.

\* نایب رییس اتاق ایران



### نرخ ارز، متغیر کلیدی در اقتصاد ایران

**غلامحسین شافعی\*** - ماهیت برنامه‌های میان‌مدت در ایران، توزیع رانت نفت و گاز بوده و در نتیجه نه تنها توسعه به معنای دقیق کلمه

محقق نشده است، بلکه در هفت دهه پر از تجربه، برنامه‌ریزی مسائل کشور از چالش‌های سطح توسعه به حاشیه تهیه آب و برق و غذا تقلیل یافته است. این عدم موفقیت در تحقق اهداف، این سوال را برمی‌انگیزد که چرا با وجود سابقه طولانی در این امر، نتوانستیم از دستاوردهای برنامه‌ریزی بهره‌مند شویم. با توجه به ساختار اقتصاد ایران و وابسته بودن بودجه دولت، سهم بالای نهادهای وارداتی در تولیدات صنعتی و کشاورزی و نرخ ارز یک متغیر کلیدی و اثرگذار بر همه ارکان اقتصاد ایران است. کسری بودجه دولت، محیط تورمی بودجه ۱۴۰۱، ناطمینی‌های ناشی از تنش‌های بین‌المللی و نبود افق روشن از توافق هسته‌ای و اختلال در برخی مسیرهای تامین ارز، منجر به افزایش انتظارات تورمی در جامعه و هجوم به بازار دارایی‌ها به ویژه بازار ارز برای حفظ ارزش پول شده است.

آثار چنین جهش‌های بالایی در معیشت خانوارها و هزینه تولید مشاهده خواهد شد. طبق گزارش شاخص مدیران خرید (شامخ) در آذرماه، در بخش صنعت کشور، شرکت‌ها با کمبود شدید مواد اولیه روبرو بوده‌اند و به دلیل افزایش نرخ ارز، تهیه مواد اولیه برای تولیدکنندگان به شدت سخت شده است. از سوی دیگر افزایش نرخ ارز باعث شده است تا تصمیم‌گیری برای بنگاه‌ها در خرید مواد اولیه و فروش محصولات بسیار سخت شود و برنامه‌ریزی و پیش‌بینی حتی در کوتاه‌مدت امکان‌پذیر نباشد. به‌ویژه که به دلیل پایین بودن قدرت خرید مشتریان در حال حاضر، امکان افزایش قیمت‌ها متناسب با هزینه‌ها وجود ندارد. یکی از اقدامات اساسی‌ای که دولت برای حل و فصل اصولی بحران بازار ارز باید در تدوین بودجه سال ۱۴۰۲ لحاظ کند، تثبیت ورودی ارز حاصل از فروش نفت به اقتصاد است. با توجه به اینکه درآمدهای نفتی به دو متغیر توانایی فروش نفت در بازارهای جهانی و قیمت آن بستگی دارد و با عنایت به مشکلاتی که در خصوص فروش نفت و دریافت ارزهای حاصله برای کشور و نیز نوسانات قیمتی شاهد هستیم، تثبیت رانت نفت در بودجه‌های سنواری می‌تواند مانع از در نظر گرفتن درآمدهای غیرواقعی در بودجه و متعاقباً جهش‌های ارزی شود.

اقدام دیگری که باید به آن توجه ویژه شود، عمق بخشی به بازار ارز و افزایش عرضه ارز است. این عمق بخشی باید به گونه‌ای باشد که انگیزه صادرکنندگان به ورود ارز به کشور را افزایش دهد، اما متأسفانه متوجه اقدامات جدیدی هستیم که خاطرات سال‌های ۹۷ و ۹۸ را تکرار کرده، ضربه شدید به صادرات کشور بوده و آن را ۶ تا ۷ میلیارد دلار تحت تأثیر قرار داده که مساله مشکلات ارزی کشور را دوچندان خواهد کرد.

\* رییس اتاق ایران





## صادرات در محاصره تصمیمات کوتاهمدت

**حسین سلاح‌ورزی\*** - تورم مزمن و نااطمینانی‌ها، اقتصاد ایران و الگوی تفکر حاکم بر آن را کوتاهمدت کرده است. برای جهش صادراتی نیازمند بازنگری در اصول اقتصاد سیاسی، سیاست خارجی و حکمرانی اقتصادی کشور هستیم. در حالی که رهایی اقتصاد کشور و معیشت ملت از وضعیت موجود تقریباً هیچ چاره‌ای جز جهش صادراتی ندارد، چشم‌انداز تغییر وضعیت نابسامان صادرات در کشور نیز با موانع و چالش‌های بسیار جدی مواجه است.

مشکلات پیش‌روی توسعه صادرات در ایران را می‌توان در یک نگاه کلی به دو دسته مشکلات ناشی از ضعف مزیت‌های رقابتی بالفعل در تولید محصول و سرویس و مشکلات ناشی از بالا بودن هزینه مبادله برای تجار ایرانی در عرصه بین‌المللی و عدم دسترسی به ابزارهای مناسب این حوزه تقسیم کرد. نخستین و اساسی‌ترین شرط توسعه صادرات بر خورداری از توان و ظرفیت تولید محصول و خدمتی است که قابلیت رقابت‌پذیری در فضای تجارت بین‌الملل داشته باشد. فعالان اقتصادی ایرانی اما برای رسیدن به این نقطه با موانع بسیار زیادی مواجه هستند.

بالا بودن هزینه فرصت نقدینگی در اقتصاد ملی از یکسو مستقیماً هزینه‌های مالی تولیدکننده ایرانی را در تامین سرمایه در گردش افزایش می‌دهد و از سوی دیگر با کاهش تمایل به سرمایه‌گذاری‌های درازمدت در اکوسیستم تولید و تجارت، ارتقای کیفی محصول به‌واسطه توسعه زیرساخت‌های کسب‌وکار را با چالش مواجه می‌کند.

از طرفی، امروزه دسترسی کارآمد به بازار فناوری، میدانی است که به مدیر و کارآفرین مجال هنر‌نمایی در زنجیره‌سازی برای خلق ارزش و تولید و عرضه محصول رقابت‌پذیر را می‌دهد. متأسفانه قطع دسترسی فعالان اقتصادی کشور به بازارهای بین‌المللی حوزه فناوری و خدمات تخصصی مربوطه عملاً تولیدکنندگان ایرانی را از مسابقه جهانی تولید و تجارت بیرون گذاشته است. باید به این نکته توجه داشت که نظر به حساسیت شدید بهای تمام‌شده و قابلیت‌اتکای فناوری به مقیاس، برنامه‌های کلون کردن فناوری‌های روز هیچ کمکی در این زمینه به صنعتگران و تولیدکنندگان نمی‌کند و اصولاً یکی از موانع کسب‌وکارهای دانش‌بنیان توسعه فناوری و دانش فنی در کشور نیز همین عدم دسترسی به زنجیره ارزش جهانی تولید و تجارت است.

در عین حال، تورم مزمن و نااطمینانی‌های شدید، اقتصاد ایران و الگوی تفکر حاکم بر آن را کوتاهمدت کرده است. روش‌های متنوع توزیع رانت و کیفیت بد محیط کسب‌وکار سبب شده تا انتخاب طبیعی در اکوسیستم تولید و تجارت کشور علیه ژن سرمایه‌گذاری و نوآوری برای ارتقای بهره‌وری مجموع عوامل تولید عمل کند. اقتصاد سیاسی بیمار در تضمین اجرای قراردادهای مدنی و تجاری مقیاس‌پذیری را دشوار ساخته است. همه این عوامل و بسیاری از عوامل دیگر سبب شده تا نقش سیگنال بهره‌وری در سازمان‌دهی منابع و فعالیت‌های اقتصاد ایران بسیار ناچیز باشد و به‌این‌ترتیب کسب‌وکارهای فعال در این اقتصاد در میان‌مدت و درازمدت شناسی برای مواجهه با رقبای خارجی در بازارهای بین‌المللی نداشته باشند.

هرچند جهش صادراتی برای کشوری با ظرفیت‌ها و امکانات ایران در شرایطی که تجارت جهانی از رشدی پایدار و قدرتمند برخوردار است، کاملاً امکان‌پذیر است، اما تحقق این امر نیازمند همت و عزمی راسخ برای بازنگری در اصول اقتصاد سیاسی، سیاست خارجی و حکمرانی اقتصادی کشور است. دوره‌ای که سازمان‌های تخصصی حوزه توسعه تجارت بتوانند تسهیل‌گری در حوزه موانع فنی صادرات کمک معناداری به تغییر وضعیت تجارت بین‌المللی کشور کنند، گذشته است. امروز سیاستگذاران کشور باید یک‌بار برای همیشه تصمیم بگیرند که آیا توسعه اقتصادی را اولویت راهبردی امروز ایران می‌دانند یا خیر؟

\* نایب‌رییس اتاق ایران



## شکست سیاست جراحی اقتصادی

**مهرداد عباد\*** - دو عامل کلان باعث بی‌ثباتی بازار ارز شده است؛ یکی از آنها مربوط به استراتژی ایران برای ثابت نگه داشتن نرخ ارز آن هم برای چند دهه می‌شود. در واقع دولت‌ها سعی کردند طی سال‌های متمادی با ثابت نگه داشتن نرخ ارز، صادرات بیشتری انجام دهند، اما مشخص شد که این سیاست موفقیت‌آمیز نبوده است.

با توجه به صعودی شدن نرخ در بازار آزاد، چندین بار در این سال‌ها سعی کردند نرخ دستوری را به نرخ بازار آزاد نزدیک کنند، اما باز هم این دو نرخ از هم فاصله‌های معناداری گرفتند.

از زمانی که نرخ ارز دستوری ۴۲۰۰ تومان بود و هم‌اکنون که این نرخ به ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومان رسیده است؛ نرخ ارز دستوری با بازار آزاد فاصله بسیار زیادی داشته است. عامل بعدی بی‌ثباتی بازار ارز مربوط به سیاست تک‌نرخ نبودن و دستوری بودن ارز می‌شود که طی سال‌های گذشته اشتباه بودن این سیاست محرز شد. این در حالی است که پس از حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی، دولت به سمت تک‌نرخ کردن ارز پیش رفت، اما در نهایت اعلام کرد که نرخ ارز باید در محدوده ۲۸ هزار تومان تثبیت شود.

سال‌هاست که بخش خصوصی در حال تکرار این نکته است که تثبیت نرخ ارز موجب بی‌ثباتی اقتصاد و کاهش ارزش پول ملی می‌شود، اما دولتمردان هنوز نتوانسته‌اند راهکاری ارائه دهند تا نرخ ارز، تک‌نرخ شود.

دو راهکار اصلی برای کاهش بی‌ثباتی حوزه ارز وجود دارد؛ راهکار نخست مربوط به اصلاح بودجه‌نویسی دولت می‌شود، زیرا شیوه فعلی بودجه‌نویسی نتیجه‌ای جز ایجاد تورم و افزایش نرخ ارز نداشته است.

در این نوع بودجه‌نویسی دولت با کمبود درآمد مواجه و برای جبران کمبودها ناچار به چاپ پول و تامین منابع خارج از چارچوب بودجه می‌شود که همین مساله به تورم و کاهش ارزش پول ملی دامن می‌زند.

اصلاح سیاست‌های ارزی و اصلی‌ترین آن تک‌نرخ کردن ارز راهکار دوم برای ثبات بخشی به بازار ارز است. بی‌ثباتی نرخ ارز موجب شده نتوان آینده را پیش‌بینی کرد و به همین دلیل فعالان اقتصادی دچار ضرر و زیان‌های بسیار زیادی شده‌اند و تجار نمی‌توانند هیچ پیش‌بینی‌ای از آینده داشته باشند؛ وضعیت به شکلی است که ممکن است در یک روز ارزش پول ملی به میزان ۱۰ درصد کاهش یابد.

برای برون‌رفت از وضع موجود ضروری است که تیم اقتصادی دولت تغییر کند، چراکه تیم جراحی اقتصادی تاکنون نتوانسته کاری پیش ببرد. کشور با شرایط سختی روبه‌رو است و با انواع تحریم‌های بین‌المللی و مشکلات داخلی مواجه بوده، بنابراین به یک تیم زنده از همه نگرش‌ها و طرز تفکرات نیاز است. شرایط به قدری سخت است که برگرداندن به حالت نرمال هم کار سخت و پیچیده‌ای است، بنابراین در گام نخست باید همین شرایط را حفظ و در گام‌های بعدی با اقدامات بنیادی شرایط را بهتر کنیم. در هر حال با دستور نه می‌توان تورم را کنترل کرد و نه اینکه قیمت ارز را کاهش داد.

\* عضو اتاق بازرگانی ایران

## سقوط ایران به پرتگاه توسعه نیافتگی



**فریال مستوفی\*** - چشم‌انداز اقتصاد ایران مبهم است. در کشور مشکلات اساسی وجود دارد که فقط به این دولت بر نمی‌گردد؛ ناتوانی مسوولان در سال‌های اخیر باعث شده کشور مثل ایران با همه پتانسیل‌هایش در کنفرانس داووس، در لیست کشورهای توسعه‌نیافته قرار بگیرد. ما نیازمند این هستیم با دنیا روابط مسالمت‌آمیز داشته باشیم و باید بتوانیم با تمام کشورهای دوستی کنیم و منابع برد-برد را پیش ببریم.

از طرفی بزرگی دولت و عملکرد ضعیف آن موجب کسری بودجه زیادی شده که تورم‌زاست و در عین حال اختلاف نرخ بهره بانکی و تورم باعث شده است تا وام‌های بانکی به سمت سرمایه‌گذاری مولد نروند و اقتصاد ایران دچار رکود اقتصادی عمیق شود که این امر افزایش بیکاری و به خطر افتادن معیشت مردم را به همراه داشته است.

علاوه بر این، ایران با نپذیرفتن توافقنامه‌های بین‌المللی و عدم عضویت در مجامعی مانند سوئیفت و کارگروه اقدام مالی علیه پولشویی (FATF)، نداشتن استانداردهای پایه‌ای و عدم عضویت در سازمان تجارت جهانی (WTO)، اختلال در روند تولید و جذب سرمایه‌گذاری با چالش‌های جدی مواجه شده است. در نتیجه این امر، ایران را در انزوای اقتصادی قرار داده و جایگاه آن را در اقتصاد بین‌الملل و حتی کشورهای همسایه کم‌رنگ کرده است.

این مسائل باعث کاهش تولید ناخالص داخلی و رشد اقتصادی زیر یک درصد شده و در پی آن تورم‌های بالا و تشدید رکود را رقم زده است.

در نتیجه این اتفاقات، چند سالی است که خروج سرمایه از کشور شتاب بیشتری گرفته است. آمارهای منتشر شده از سوی بانک مرکزی نشان می‌دهد که تا پایان سال ۱۴۰۰ بیش از ۹ میلیارد دلار سرمایه از کشور خارج شده؛ البته کارشناسان و فعالان اقتصادی بر این باورند که تمایل ایرانی‌ها برای انتقال سرمایه‌های خود به خارج از کشور در قرن جدید شتاب بیشتری گرفته است.

این آمار زمانی نگران‌کننده‌تر می‌شود که نگاهی به وضعیت سرمایه‌گذاری‌ها در داخل کشور داشته باشیم. برخی تصور می‌کنند که داشتن ظرفیت‌های بالقوه یا پتانسیل‌های مناسب به تنهایی می‌تواند سرمایه خارجی را جذب و سرمایه‌های داخلی را حفظ کند، غافل از اینکه مهم‌ترین فاکتور برای سرمایه‌گذاری در حوزه امنیت و ثبات است.

اما طی سال‌های گذشته نه تنها نتوانستیم سرمایه‌های خارجی را جذب کنیم، بلکه در حفظ سرمایه‌های داخلی هم ضعیف بوده‌ایم، به طوری که بسیاری از تولیدکنندگان و فعالان اقتصادی در حال راه‌اندازی واحدهای تولیدی خود در کشورهای همسایه بوده و نیروهای متخصص و توانمند در فکر مهاجرت هستند.

نگاهی به تجربه سایر کشورهای موفق در زمینه‌های اقتصادی و جذب سرمایه نشان می‌دهد که رشد و توسعه تنها با حضور بخش خصوصی و کاهش تصدی‌گری بخش دولتی شدنی است. اما متأسفانه در ایران بخش خصوصی به بازی گرفته نمی‌شود.

\* رییس کمیسیون بازار پول و سرمایه اتاق بازرگانی تهران



## تاراج منابع آبی در کشور

**کاوه زرگران\*** - بیش از ۹۰ درصد مصرف آب در کشور در حوزه کشاورزی است. در سال‌های گذشته برداشت آب از منابع زیرزمینی کشور به حدی بوده که می‌توان گفت منابع آبی کشورمان را تاراج کرده‌ایم. بخشی از این برداشت‌ها در حوزه کشاورزی مصرف می‌شود. با تولید و صادرات محصولات آبربر در واقع آب کشور را صادر می‌کنیم. آمارهای بانک جهانی نشان از سهم ۹۲ درصدی کشاورزی در مصارف آب کشور می‌دهد. به عبارتی در ابتدا باید فکری به حال مدیریت مصرف آب در این حوزه کرد.

پایین بودن قیمت آب کشاورزی یک ایراد بسیار بزرگ برای صیانت از منابع آبی در کشور است. این موضوع موجب شده که هر کالای ارزان‌قیمتی را تولید کرده و به کشورهای دیگر که بیشتر از ایران محدودیت آب دارند، صادر کنیم. از جمله این کالاها می‌توان به تولید و فروش ارزان انواع سبزی و صیفی‌جات مانند هندوانه به کشورهای حوزه خلیج فارس اشاره کرد.

این در حالی است که درآمد ما از فروش و صادرات این کالاها، به اندازه قیمت آب مصرفی آن هم نیست. محصولاتی که کیفیت بهتری دارند به کشورهایمانند امارات صادر می‌شوند و محصولات با کیفیت کمتر به کشورهایمانند افغانستان صادر می‌شود. در حقیقت ما داریم آب را به این کشورها صادر می‌کنیم. گاهی هزینه پرداختی به کشاورز آنقدر کم است که حتی از برداشت محصول هم منصرف می‌شود، در حالی که دیگر آن محصول آب را مصرف کرده است.

در این میان، مشکل اساسی و بنیادی در تعیین قیمت بهای آب کشاورزی است که باید مطابق با قیمت جهانی باشد. دولت باید برای آبی که به کشاورز می‌دهد پول دریافت کند و در کنار آن یارانه برای تولید کالای مصرفی در داخل کشور به او دهد. کشاورزان قشر زحمتکشی هستند که آب را تقریباً رایگان دریافت می‌کنند؛ آنها هم فکر می‌کنند که هر محصولی برای کشور مفید است، مقصر مجلس است که برای بهای آب مطابق بهای جهانی سیاستگذاری نکرده است.

بازنگری در سیاستگذاری‌ها با توجه به ظرفیت آب، خاک و بارش کشور حائز اهمیت است. در سال‌های گذشته برداشت آب از منابع زیرزمینی کشور به حدی بوده که می‌توان گفت منابع آبی کشورمان را تاراج کرده‌ایم.

متأسفانه حالا علاوه بر کمبود آب، با مشکلاتی مانند فرونشست زمین در دشت‌ها مواجه هستیم. در حال حاضر آب‌های زیرزمینی را از راه چاه‌های مجوزدار و بدون مجوز به شکل وحشتناکی برداشت و در مزارع و جاهای دیگر استفاده می‌کنیم.

میزان برداشتی که از آب‌های زیرزمینی داریم حدود سه تا چهار برابر حد مجاز است.

میزان کسری مخازن آب در کشور نیز صعودی است. این میزان کسری در دهه ۶۰ حدود ۲۰ میلیون مترمکعب بود که در حال حاضر به ۱۴۰ میلیارد مترمکعب رسیده است. همچنین تغییرات اقلیمی در کاهش منابع آب در کشور تنها ۱۸ درصد مؤثر بود، در حالی که اثرگذاری حوزه انسانی ۸۲ درصد است.

\* رییس کمیسیون کشاورزی اتاق تهران





## چالش‌های اقتصاد دولتی

**فاطمه مقیمی** - بخش خصوصی این روزها تحت انواع فشارهای اقتصادی قرار دارد. تحریم‌های بین‌المللی، کسب‌وکار فعالان اقتصادی را نشاندهنده رفته و مصائب آن بیش از آنکه دامن سیاستمداران را بگیرد، فعالیت‌های بخش خصوصی را با چالش همراه ساخته است. دلار رکورد تاریخی خود را شکسته و چشم‌انداز روشنی هم برای مذاکرات برجام وجود ندارد. با وجود این هیچ اراده‌ای برای حل مشکلات اقتصادی و درس گرفتن از اشتباهات گذشته در میان دولت‌مردان مشاهده نمی‌شود.

با توجه به رشد روزافزون نرخ دلار، قیمت محصولات نیز روزانه در حال تغییر بوده و این مساله قدرت برنامه‌ریزی و البته رقابت با سایر کشورها را از ما گرفته است. از طرفی انبارهای بسیاری از تولیدکنندگان خالی شده و خود آنها هم نمی‌دانند که با این وضعیت چند وقت دیگر قادر به ادامه فعالیت هستند.

امروز فعالان اقتصادی و بخش خصوصی با چالش‌های متعددی مواجه هستند که بخشی از آن حاصل تحریم‌های خارجی و بخش دیگری از آن نتیجه تحریم‌های داخلی است. به عنوان مثال نرخ تورم در کشور در شرایط بسیار نگران‌کننده‌ای قرار دارد. به همین دلیل قیمت تمام‌شده تولیدات ما هر روز در حال بیشتر شدن است. کار به جایی رسیده که قیمت محصولات هر روز در حال تغییر است و این مساله قدرت رقابت در بازارهای جهانی را از ما گرفته است. اما مهم‌ترین دغدغه بخش خصوصی بی‌ثباتی نرخ ارز بوده که امکان برنامه‌ریزی در بخش صادرات و واردات را از بخش خصوصی گرفته است، جدای از این قوانین و مقررات خلق الساعه شرایط کار را برای فعالان اقتصادی حسابی سخت کرده است.

یکی دیگر از چالش‌های بخش خصوصی تعطیلی‌های بیش از اندازه در کشور است که هر روز به یک بهانه اقتصاد را تعطیل می‌کنند؛ یک روز به بهانه آلودگی هوا کشور تعطیل می‌شود، روز دیگر نبود برق و گاز واحدهای تولیدی و خدماتی را تعطیل می‌کند. یک روز ماده اولیه تولید نیست، روز دیگر تخصیص ارز صورت نمی‌گیرد. از درس‌های ترخیص کالا از گمرکات هم نگوییم بهتر است.

هر کدام از این مشکلات که به تنهایی می‌تواند یک اقتصاد را فلج کند، همگی در اقتصاد ایران جمع شده‌اند. تولیدکننده نیاز به فکر و خیال آسوده دارد تا بتواند در زمینه تولید صادراتی و تولید با ارزش افزوده بالا متمرکز شود. اما تولیدکنندگان ما مدام در حال تنش با مسائل و چالش‌هایی هستند که مدیریت هیچ کدام از آنها در حیطه اختیارات آنها نیست. همه اینها به حذف شدن ایران از بازارهای جهانی دامن زده است.

البته فعالان بخش خصوصی بارها و بارها نسبت به مشکلات اقتصادی کشور و راه‌حل‌های آن هشدارهایی داده‌اند. اما مساله اینجاست که هیچ واکنشی از سوی تصمیم‌گیران و مسوولان دولتی دریافت نکرده‌اند و رفتارها و سیاست‌گذاری‌های اشتباه همچنان ادامه دارد، غافل از اینکه ممکن است روزی فرا برسد که فرصتی برای جبران باقی نمانده باشد. متأسفانه اقتصاد دولتی سال‌های طولانی را که می‌توانست فرصتی برای جهش اقتصادی و توسعه کشورمان همچون ترکیه، کره جنوبی، ژاپن، مالزی و اندونزی باشد، از ما گرفت.

**\* عضو هیات‌رئیس اتاق بازرگانی تهران**



## بساط سامانه نیما را جمع کنید

**محمدرضا انصاری** - پتانسیل صادرات غیرنفتی ماچندین برابر مقداری است که امروز در حال انجام است. این در حالی است که هم‌اکنون از حدود ۴۰ میلیارد دلاری که صادر می‌کنیم، بخش زیادی از آن را محصولات پتروشیمی و فولاد تشکیل می‌دهند. می‌توان گفت که از این مقدار حدود ۱۲ میلیارد دلار آن در اختیار تولیدکنندگان و فعالان بخش خصوصی واقعی است. این در حالی است که با اصلاح سیاست‌گذاری‌ها و تغییر رفتار دولت می‌توان این مقدار را تا ۱۰ برابر افزایش داد.

رشد قیمت ارز یک پتانسیل و شانس برای رشد صادرات است. چرا که وقتی قیمت تمام‌شده تولید و هزینه‌های داخل کشور کاهش می‌یابد صرفه و توجیه اقتصادی صادرات هم بالا می‌رود. بنابراین در حالت عادی باید وقتی قیمت ارز بیشتر می‌شود، صادرات غیرنفتی هم توسعه پیدا کند، اما دولت با کنترل قیمت ارز و گذاشتن سامانه نیما و قوانین غیر ضرور، دانسته یا نادانسته جلوی رشد صادرات و به تبع آن ورود ارز بیشتر به چرخه اقتصاد را گرفته؛ این همان اشتباهی است که از سال ۹۷ تا به حال در کشور ما در حال تکرار است.

برای عبور از این مشکل لازم است که به سمت ارز تکنرخی در اقتصاد کشور برویم. اگر این اتفاق رخ دهد می‌توانیم بخش بیشتری از بازارهای جهانی را به تصاحب خود در بیاوریم.

بهانه دولت برای ایجاد سامانه نیما کنترل مقدار ورودی ارز به کشور و جلوگیری از قاچاق آن است، اما با ایجاد سامانه ارزی نه تنها مانع از قاچاق نشده بلکه افزایش پیدا کرده است، به طوری که برآوردهای صورت گرفته حاکی از آن است که سالانه چیزی حدود ۱۰ الی ۱۲ میلیارد دلار قاچاق ارز انجام می‌شود.

در مقابل صادرکننده موفق شناسنامه‌دار خود را تحت فشار قرار داده و از او می‌خواهند که ارز خود را در سامانه نیما و چند هزار تومان پایین‌تر از قیمت بازار عرضه کند.

چرا باید صادرکننده موظف به عرضه ارز صادراتی خود در سامانه نیما باشد؟ از حدود ۳۰ هزار نفر صادرکننده‌ای که در کشور وجود دارد حدود ۵۰۰ الی ۶۰۰ نفرشان را می‌توان صادرکنندگان اصلی دانست.

این افراد علاقه‌مند به توسعه کشور بوده و ارز صادرات خود را نیز وارد کشور می‌کنند. اما با سیاست‌های اشتباه، بخش خصوصی و شفاف اقتصاد را تحت فشار قرار می‌دهیم و بخش غیرشفاف اقتصاد را تشویق می‌کنیم.

اختلاف نرخ ارز در سامانه نیما و بازار آزاد منجر به عدم بازگشت ارز حاصل از صادرات می‌شود. چرا که صادرکننده وقتی مشاهده می‌کند که ارز در سامانه نیما نرخ پایین‌تری از بازار آزاد دارد، حاضر به عرضه ارز حاصل از صادرات خود در این سامانه نیست.

به هر حال صادرکننده ایرانی در شرایط تحریمی مشکلات زیادی را برای جابه‌جایی پول و کالای خود دارد. در چنین شرایطی سختگیری را باید رها، ارز را تکنرخی و سامانه نیما را جمع کنیم. اگر سیاست‌های اشتباه خود را اصلاح کنیم می‌توانیم صادرات غیرنفتی خود را به ۱۰۰ الی ۱۵۰ میلیارد دلار در سال افزایش دهیم.

**\* عضو هیات‌رئیس اتاق ایران**





گفت و گو با احمد رضا طحانیان مدیر عامل شرکت نمایشگاه‌های بین‌المللی اصفهان:

## دستیابی به توسعه با نمایشگاه امکان‌پذیر است

سال ۱۴۰۱ برای نمایشگاه اصفهان، سال خوبی به‌شمار می‌آید. تقویم نمایشگاهی این کلانشهر گواه این سخن است. سالی که بیش از ۳۳۳ عنوان نمایشگاهی بین‌المللی، تخصصی و عمومی بدون وقفه برگزار شد و میزبان مشارکت‌کنندگانی از سراسر کشور ایران بود. چرا که پس از ۲ سال و با فروکش کردن شیوع ویروس کرونا، زمینه مناسب برای برگزاری رویدادهای نمایشگاهی در کشور فراهم شد و شرکت‌ها همانند سال‌های گذشته توانستند با حضور در رویدادهای تجاری و نمایشگاهی به معرفی محصولات و دستاوردهای خود بپردازند. قرار گرفتن نمایشگاه اصفهان در نقطه جغرافیایی مناسب و مرکز کشور انتخاب بسیاری از شرکت‌ها برای حضور در نمایشگاه بود، زیرا شرایط مناسبی را در جهت کشف بازارهای جدید و توسعه کسب‌وکار برای آنان در بستر نمایشگاه اصفهان فراهم می‌کرد. احمد رضا طحانیان، مدیر عامل شرکت نمایشگاه بین‌المللی اصفهان اعتقاد دارد که امکان استفاده از تمام ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های نهادهای اقتصادی، مدیریت شهری و استانی به خوبی می‌تواند به کمیت و کیفیت برگزاری رویدادهای نمایشگاهی و رونق بخشیدن بهتر به کسب‌وکارهای مختلف کمک کند؛ صحبت‌های مدیر عامل نمایشگاه اصفهان را در گفت‌وگو با خبرنگار ما در ادامه بخوانید.

و نهادهای صنعتی سیاستگذار این امکان را در اختیار نمایشگاه اصفهان قرار می‌دهد که بتواند از ظرفیت‌های بین‌بخشی به شیوه موثری استفاده کند. بنابراین این هدف به ما کمک می‌کند که در نهایت امر شاهد برگزاری یک رویداد تخصصی و با کیفیت مطلوب باشیم. در تدوین برنامه سال ۱۴۰۲ همه تلاش ما کنار هم قرار دادن کانون‌های تخصصی مرتبط با یک صنعت و بهره بردن از توانایی‌های آنان است.

■ **به محل نمایشگاه بین‌المللی اصفهان و تکمیل برخی از قسمت‌ها اشاره کردید؛ چه بخش‌هایی در این مدت که قبول مسؤلیت کردید تکمیل شده است؟**

ظرفیت پارکینگ نمایشگاه به نسبت استقبال که از رویدادهای نمایشگاهی می‌شود بسیار کم است. براساس برنامه‌ریزی انجام‌شده در حال ساخت و تکمیل پارکینگ در ضلع غربی و جنوبی نمایشگاه هستیم تا ظرفیت پارک ۶۰۰ خودروی دیگر در فضای نمایشگاه اصفهان امکان‌پذیر شود. همچنین اتاق‌های مذاکرات که در سالن اصلی نمایشگاه قرار داشت به صورت کامل تجهیز و مورد بهره‌برداری قرار گرفت. این اتاق‌ها به منظور تسهیل شرایط برای مشارکت‌کنندگان یا سایر ذی‌نفعان رویدادها برای مذاکره و انعقاد قرارداد

حفظ کرامت انسانی در کلیه سطوح سازمانی، کار تیمی و شایسته‌سالاری، تنوع منابع درآمدی و... را براساس این سند چشم‌انداز به جلو پیش ببریم. این برنامه به ما کمک خواهد کرد تا بهتر از سال‌های گذشته امکان زمان‌بندی، برنامه‌ریزی و هدفگذاری برای سال‌های پیش‌رو را داشته باشیم و به اصطلاح از مسیر اصلی خودمان خارج نشویم. هدف ما در این برنامه این است تا به بهترین نتایج براساس ظرفیت‌ها دست پیدا کنیم.

■ **با توجه به این اقدامات برای تدوین برنامه نمایشگاه اصفهان چه کارهایی انجام شده است؟**

بخش زیادی از تقویم سال آینده پس از برگزاری جلسات هم‌اندیشی و گفت‌وگو با انجمن‌ها و اتحادیه‌های مربوطه برنامه‌ریزی شده است. این جلسات از این رو برگزار شده است تا بتوانیم با بهترین کیفیت رویدادهای سال آینده را برگزار کنیم. اعتقاد داریم تا زمانی که از سایر توانایی‌ها، امکانات و ارتباطات به بهترین نحو استفاده نکنیم و در این راستا به تعامل با متولیان امر نپردازیم، در کار خودمان موفق نخواهیم شد. کنار هم قرار گرفتن ظرفیت اتحادیه‌ها، انجمن‌ها، سندیکاهای تخصصی در بخش‌های مختلف

■ **اگر از لحاظ عملکردی بررسی کنیم، نسبتاً یک سال را با تمام فراز و فرودها پشت‌سر گذاشتید؛ سال ۱۴۰۱ برای شما به عنوان مدیر عامل یک نمایشگاه بین‌المللی چگونه گذشت؟**

سال ۱۴۰۱ در مقایسه با سال‌های گذشته و برای اهالی این صنعت سال نسبتاً متفاوت و خوبی بود. بسیار تلاش و پیگیری کردیم تا دو مأموریت اصلی را در حوزه صنعت نمایشگاهی اصفهان با مطلوبیت کامل انجام دهیم. نخست، تکمیل برخی کاستی‌ها در محل دائمی برگزاری نمایشگاه‌های بین‌المللی اصفهان که در ادامه خواهیم گفت چه فعالیت‌هایی انجام شده است و دوم، برگزاری چند نمایشگاه بین‌المللی و تخصصی که از نظر کمیت و کیفیت نسبت به دوره‌های سابق ارتقا یافته است. از ۱۰ ماه گذشته تا به امروز مشغول تدوین برنامه استراتژیک نمایشگاه اصفهان هستیم، اگر بخواهم به صورت دقیق گفته باشم یک هفته پس از قبول مسؤلیت در این جایگاه به کمک مشاوران و صاحب‌نظران حوزه کسب‌وکار به این مهم پرداختیم تا بتوانیم هم جایگاه فعلی خود را به صورت درست و دقیق بشناسیم، همچنین برای رسیدن به برخی ارزش‌ها از جمله حفظ برند سازمانی، صداقت و

کنار هم قرار گرفتن ظرفیت اتحادیه‌ها، انجمن‌ها، سندیکاهای تخصصی در بخش‌های مختلف و نهادهای صنعتی سیاستگذار این امکان را در اختیار نمایشگاه اصفهان قرار می‌دهد که بتواند از ظرفیت‌های بین‌بخشی به شیوه موثری استفاده کند



طراحی و تکمیل شده است. خرید و نصب دستگاه ژنراتور نیز با موفقیت انجام شده تا در شرایط اضطراری بتوانیم برق مجموعه را در هنگام قطع برق تامین کنیم، نبود دستگاه ژنراتور واقعاً یکی از کمبودهای اساسی و بسیار مهم نمایشگاه اصفهان بود که در حال حاضر این مشکل به صورت بنیادی و برای مانایی جریان برق در تمام شبانه‌روز حل شده است. در محل سابق دو سازه کروی شکل قرار داشت که به محل جدید انتقال یافت؛ این دو سازه کروی امکان برگزاری همایش‌ها و نشست‌ها و راه‌اندازی رستوران مجهزی را فراهم می‌کند و فضای مناسبی را در اختیار ما قرار خواهد داد. جاده بارانداز که در پشت سالن اصلی نمایشگاه قرار دارد مسیر پرتردد و شلوغی بود، خصوصاً در روزهای اول نمایشگاه و روزهایی که مشارکت‌کنندگان تجهیزات و کالاهای خود را از نمایشگاه بیرون می‌بردند، این جاده نیز تکمیل و بهره‌برداری شده و خودروهای حمل بار به آسانی می‌توانند پس از تخلیه و بارگیری از جاده جدید به سمت درب خروجی نمایشگاه حرکت کنند. با اقداماتی هم که در حال انجام است تلاش می‌کنیم ساختمان اداری و تجاری که در مجاورت سالن اصلی قرار گرفته را سریع‌تر مورد بهره‌برداری قرار بدهیم. این ساختمان در حال حاضر به دلیل انجام برخی کارهای زیرساختی امکان استفاده را ندارد، با این حال تلاش داریم که بخش اداری و تجاری به پایان برسد تا تمام پرسنل نمایشگاه در یک محل مستقر شوند. ساخت یک سالن جدید به متراژ ۷۲۰۰ متر که کارهای طراحی اولیه آن انجام شده است و پس از کسب تاییدیه‌های لازم مراحل ساخت آغاز می‌شود؛ لازم به ذکر است بسیاری از کاستی‌ها و نواقص سالن نیز برطرف شده است.

### ■ آن‌طور که در خبرها آمده بود موفق شدید اولین نمایشگاه مجازی فرش دستباف را همزمان با بیست و پنجمین نمایشگاه فرش دستباف برگزار کنید. درباره این مساله توضیح بفرمایید.

با اوج‌گیری ویروس کرونا بسیاری از سایت‌های نمایشگاهی برای حفظ جایگاه کسب و کارها و استحکام بخشیدن به شبکه‌سازی تجاری که در بستر برگزاری رویدادهای نمایشگاهی شکل گرفته بود، به سمت فراهم کردن زیرساخت‌های نمایشگاه مجازی روی آوردند. این اتفاق در برخی از کشورهایی که پیش‌تر در این حوزه به حساب می‌آیند انجام شد و با استقبال خوبی هم همراه بود. طی دو سال گذشته برگزاری رویدادهای نمایشگاهی به صورت مجازی در کنار عناوین نمایشگاهی به ارتقای کیفیت این مهم منجر شده است. چرا که امکان بازدید از رویدادهای نمایشگاهی در هر لحظه از ساعات شبانه‌روز، کسب اطلاعات کامل و بهره‌بردن از ارتباطات تجاری را برای فعالان اقتصادی و عموم شهروندان فراهم می‌کند. حتی کسانی که موفق به بازدید از نمایشگاه نشدند می‌توانند در آینده به سادگی از این رویداد نمایشگاهی بازدید انجام بدهند. کنار هم قرار گرفتن موارد فوق باعث شد نمایشگاه بین‌المللی اصفهان به عنوان نخستین سایت نمایشگاهی استاندارد کشور از این تکنولوژی نوین برای برپایی نمایشگاه مجازی فرش دستباف استفاده کند. این نمایشگاه تا سه ماه آینده قابل دسترسی است و مخاطبان می‌توانند به صورت مجازی از غرفه‌های حاضر در نمایشگاه فرش دستباف بازدید کنند و اطلاعات لازم برای تهیه فرش دستباف و طراحی‌های ارائه شده را با دقت در آدرس [www.isfvirtualexpo.ir](http://www.isfvirtualexpo.ir) نگاه کنند.

### ■ فکر می‌کنید نقش اصلی و اساسی نمایشگاه چیست؟ آیا نمایشگاه‌ها در جهان امروز محرک اقتصادی، تسهیل‌گر یا توسعه‌دهنده به کسب و کارهای مختلف هستند؟

بله. سوال خوبی را مطرح کردید. لازم می‌دانم برای روشن‌تر کردن مبحث مورد نظر توضیحاتی را ارائه کنم. در دنیای امروز تولید ثروت از طریق ارتباطات تجاری امکان‌پذیر می‌شود. ارتباطات تجاری به تمام روابطی گفته می‌شود که یک سازمان با هدف ارتقای جایگاهش در بازار و با مشتریان و مخاطبان خود برای ارائه خدمات، فروش کالا، در خدمت گرفتن روش‌های نوین فعالیت تجاری و توسعه بازار هدف و جذب سرمایه‌های جدید برقرار می‌کند. در یک دسته‌بندی کلی می‌توان ارتباطات را به درون و بیرون سازمان تقسیم‌بندی کرد. روابط درون ساختار یک سازمان تجاری براساس ارتباطات شکل می‌گیرد؛ ارتباط با مدیر اصلی مجموعه، ارتباط مدیران ارشد و مدیران میانی و ارتباط کارکنان با مدیران، هدفمند بودن اینگونه ارتباطات می‌تواند اهداف تعریف‌شده را برای تمام افراد در داخل آن سازمان قابل دسترس کند. هر کدام از این ارتباطات نحوه فعالیت تجاری آن شرکت با بیرون از مجموعه را نیز بهتر مشخص می‌کند. ابزارهای بسیاری برای انسجام بخشیدن به ارتباطات بیرونی سازمان تعریف شده است. برگزاری جلسات گفت‌وگو، انعقاد قرارداد، امضای تفاهمنامه، نظرسنجی، ارسال ایمیل، تماس تلفنی، تبلیغات، رسانه، استفاده از فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی و... بنابراین، ارتباطات تجاری خارجی ارسال هر پیامی است که از دفتر رسمی کسب و کار و کارکنان همان شرکت برای برقراری ارتباط با مخاطب منتقل می‌شود. بنابراین برقرار شدن هر ارتباط با بیرون از سازمان، باعث می‌شود که رقیبان و مشتریان آشنایی بهتر و بیشتری را با تجارت شما از طریق همین ارتباطات کسب کنند. در هنگام برقرار ساختن ارتباطات تجاری خارجی هر مجموعه تجاری می‌بایست بالاترین دقت را در هنگام انتقال پیام رعایت کند، چرا که در هنگام ارسال پیام نام آن شرکت تجاری و تمام داشته‌هایش در میان است. امروزه یکی دیگر از راه‌های گسترش ارتباطات تجاری، صادرات خدمات، کالا و تکنولوژی به کشورهای هدف است. چرا که صادرات نقش موثری در رشد و توسعه اقتصادی کشورها دارد. آمارهای سازمان‌های جهانی مرتبط با ارتباطات تجاری و صادرات گواهِ این ادعاست. کشورهایی که امکان برقرار ساختن ارتباطات تجاری را در بازارهای هدف داشته‌اند و جذب منابع مالی را در بازارهای هدف خارجی جست‌وجو کرده‌اند، در عمل اثبات کردند که ارتباطات تجاری بیشتر و سودآوری‌رادر بازارهای هدف برقرار ساختند. کسب اطلاعات در مورد نیازها و سلیقه مصرف‌کنندگان در بازارهای خارجی یکی از مهم‌ترین اصول ماندگاری در بازارهای جهانی و ارتقای سطح کیفیت صادرات محصولات و خدمات است. به عبارتی با چنین رویکردی شبکه‌سازی تجاری به بهترین نحو انجام شده است. با اطمینان خاطر می‌توان گفت حضور صاحبان کسب و کار در نمایشگاه‌های تخصصی، بین‌المللی و خارجی نیز یکی و شاید بهترین ارتباطات تجاری در دنیای امروز است. در هنگام برگزار شدن نمایشگاه تمام ابزارهای ارتباطات تجاری در جهت توسعه ارتباطات، بهبود بخشیدن به روابط تجاری و توسعه کسب و کار در کنار هم قرار می‌گیرند تا در سطح بالاتر معنای دقیق ارتباطات تجاری را محقق کنند. نمایشگاه به عنوان پل ارتباطی با استراتژی مناسب و با تفکر رویداد محوری حقیقت ارتباطات تجاری را به صورت کامل به نمایش می‌گذارد. نمایشگاه رسانه،

تبلیغات، چیدمان مهندسی غرفه‌ها، شرایط ایده‌آل رفاهی و خدماتی و در کل فضایی را خلق می‌کند که با استانداردهای تجاری دنیای امروز هماهنگ است؛ آنچه با عبارت ارتباطات تجاری از سوی کارشناسان تکرار می‌شود به معنای واقعی کلمه در نمایشگاه‌ها نمایان می‌شود.

### ■ جایگاه نمایشگاه اصفهان به عنوان یک کانون مهم تجاری و تبادلات را با توجه به وضعیت اقتصادی استان اصفهان چگونه ارزیابی می‌کنید؟

نمایشگاه‌ها می‌توانند به افزایش امید در بین فعالان اقتصادی منجر شوند و شبکه‌های تجاری آنان را به خوبی حفظ کنند. اگر مجموعه فعالیت‌های نمایشگاهی را به عنوان یک صنعت در نظر بگیریم، این صنعت از باب اینکه می‌تواند صنایع دیگر را به مصرف‌کنندگان معرفی کند، اهمیت فراوانی دارد. همچنین نمایشگاه‌ها به دلیل ارتقای سطح کمی و کیفی تولیدات کشور و هموار کردن راه صادرات محصولات صنایع مختلف به کشورهای دیگر، اهمیت خاص و ویژه‌ای دارند. اگر چه نسبت به سنوات گذشته، اکنون جایگاه نمایشگاه بین‌المللی و صنعت نمایشگاهی برای تجار و صنعتگران آشکارتر شده، اما به نظر می‌رسد این صنعت هنوز در کشور ما جای کار فراوانی دارد.

### ■ آیا برنامه‌های برای توسعه فعالیت‌های نمایشگاهی سال آینده دارید؟

بله؛ طبیعی است که هر صنعتی، موضوعات خاص خودش را دارد و مهم‌ترین موضوع مرتبط با نمایشگاه داشتن یک تقویم مناسب و با توجه به تحقیقات انجام‌شده درباره عناوین نمایشگاهی است و انجام این همه در نهایت امر می‌بایست به توسعه فعالیت‌های نمایشگاهی منجر شود. یکی از اصلی‌ترین برنامه‌هایی که در نمایشگاه اصفهان دنبال می‌شود، توسعه فعالیت‌های نمایشگاهی به ویژه در فضای بین‌المللی و کسب درآمدهای ارزی است. در این زمینه، تاکید داریم که با راه‌اندازی همسایه فراتر گذشته و حضور فعالان اقتصادی اصفهانی و ایرانی‌رادر نمایشگاه‌های بین‌المللی خارج از کشور و هیات‌های تجاری افزایش دهیم. تجربه اعزام هیات تجاری به کشور روسیه و تلاش برای اقدامات مشابهی که در دست اقدام است در این بخش لازم به ذکر است. بازدید هر کدام از هیات‌های تجاری و حضور رویدادهای خارجی ارتباط تجاری با کشورهای دیگر را عمق بیشتری خواهد بخشید و توجه به برگزاری رویدادهای مناسب در کنار اجرای نمایشگاه‌ها یکی دیگر از مهم‌ترین اهداف نمایشگاه بین‌المللی اصفهان است و در نهایت به توسعه کسب و کارها بسیار کمک خواهد کرد. از طرف دیگر، باید به این نکته توجه داشت که خوشبختانه در سال‌های اخیر، نمایشگاه‌ها نسبت به دوره‌های قبل، رشد بهتری هم از نظر وسعت و هم از نظر منابع مالی و کیفیت برگزاری داشته و دارند و امیدوارم با چنین پشتوانه‌ای بتوانیم توسعه فعالیت‌ها را بهتر از هر زمان دیگر به سرانجام مطلوب برسانیم.

### ■ به عنوان آخرین سوال، آیا تقویم سال ۱۴۰۲ در مقایسه با سال جاری تغییراتی خواهد کرد؟

در سال جاری در مجموع موفق شدیم ۳۳ عنوان نمایشگاهی بین‌المللی، تخصصی و عمومی را با کیفیت مطلوب برگزار کنیم. براساس تقویم سال ۱۴۰۲ و با توجه به برنامه‌ریزی‌های صورت‌گرفته هدف ما برگزاری ۵۱ عنوان نمایشگاهی است. امیدوارم بتوانیم در سال آینده نیز همانند امسال هر کدام از رویدادهای نمایشگاهی را با هم‌افزایی کانون‌ها، انجمن‌ها و اتحادیه‌های مرتبط و سایر مسوولان اقتصادی استان اصفهان با بهترین کیفیت ممکن برگزار کنیم.

یکی از اصلی‌ترین برنامه‌هایی که در نمایشگاه اصفهان دنبال می‌شود، توسعه فعالیت‌های نمایشگاهی به ویژه در فضای بین‌المللی و کسب درآمدهای ارزی است. در این زمینه، تاکید داریم که با راه‌اندازی همسایه فراتر گذشته و حضور فعالان اقتصادی اصفهانی و ایرانی‌رادر نمایشگاه‌های بین‌المللی خارج از کشور و هیات‌های تجاری افزایش دهیم





سپنتا اهواز در آستانه نوروژ خانه تکانی می‌کند

## تحولات بنیادین و زیربنایی در راه است

آغاز عملیات نصب و راه‌اندازی خط تولید لوله ۱۸ اینچ و لوله بدون درز

«جهان‌صنعت» - شرکت نورد و لوله‌سپنتا اهواز در سال جدید چند پروژه عظیم را پیگیری می‌کند که به‌ثمر رسیدن این پروژه‌ها تاثیر بسزایی در افزایش صادرات خواهد داشت.

مهندس مهدی عتیق‌پور مدیرعامل شرکت نورد و لوله‌سپنتا اهواز ضمن تبریک سال نو و تقارن نوروژ با ماه مبارک رمضان که ماه ضیافت الهی است به «جهان‌صنعت» گفت: شرکت نورد و لوله‌سپنتا اهواز از قدیمی‌ترین شرکت‌های فعال در زمینه تولیدی-صنعتی کشور بوده که ظرفیت عظیمی در امر تولید محصولات فولادی و گالوانیزه دارد.

در آن نفس می‌کشیم از اهم واجبات است که در همین راستا اقدامات موثری در شرف انجام است.

### ■ ظرفیت عظیم در حوزه صادرات

عتیق‌پور در ادامه اظهار کرد: شرکت نورد و لوله‌سپنتا اهواز به دلیل موقعیت جغرافیایی، نزدیکی به آب‌های آزاد و استقرار در استان مرز نشین ظرفیت عظیمی در امر صادرات دارد و می‌تواند ارزش آوری مناسبی برای ایران اسلامی داشته باشد. لذا از متولیان صنعت کشور خواستاریم نگاه بهتری به این مجموعه داشته باشند. این کارخانه هم در پروسه اخذ مجوزهای زیست‌محیطی و هم در ترخیص کالاهای مورد نیاز در گمرک با مشکلاتی مواجه شد که انتظار حمایت ویژه‌ای از نهادهای بالادستی داریم. عتیق‌پور در پایان سخنان خود گفت: بی‌شک سیاست خانواده‌بزرگ سپنتا احیای کارخانه مطابق با استانداردهای جهانی است. این کارخانه که در خط‌مقدم جهاد اقتصادی است، تلاش مضاعفی در راستای نیل به اهداف عالی نظام، صادرات محصولات کلیدی، شناخت بازار هدف کشورهای همسایه و صادرات از طریق آب‌های آزاد دارد که قطعاً با حمایت‌های نهادهای متولی و اراده راسخ مدیران شرکت صنعتی سپنتا و کارکنان کارخانه، در باور شعار «ما می‌توانیم» این مهم محقق خواهد شد.

### ■ نقش مهم شرکت‌های تولیدی در خودکفایی

عتیق‌پور با اشاره به نقش مهم شرکت‌های تولیدی در خودکفایی اقتصادی ادامه داد: شرکت نورد و لوله‌سپنتا اهواز با تکیه بر توان داخلی و اعتماد به نیروهای نخبه استان خوزستان که اکثراً از مناطق محروم هستند، این پروژه‌ها را پیش خواهد برد و در آینده‌ای نزدیک استارت تولید انبوه این محصولات زده خواهد شد. مدیرعامل شرکت نورد و لوله‌سپنتا اهواز یادآور شد: سال گذشته با توجه به تأکیدات مقام معظم رهبری در خصوص دانش‌بنیان شدن مجموعه‌ها، تفاهمنامه همکاری با پارک علم و فناوری استان خوزستان منعقد شد. این تفاهمنامه نیز از اقدامات موثر در بحث دانش‌بنیان شدن کارخانه، شناخت نیروهای نخبه بومی بوده که همکاری با شرکت‌های دانش‌بنیان با افق دید ایجاد ارزش افزوده از ضایعات تولیدی است. عتیق‌پور ادامه داد: در ادامه فعالیت‌های اثربخش کارخانه نورد و لوله‌سپنتا اهواز، در راستای بهینه‌سازی مصرف انرژی، کاهش انرژی‌های پرمصرف، مطالعات اولیه در خصوص ایجاد نیروگاه خورشیدی و «فولاد سبز» گام‌های موثری برداشته شده است. معتقدم حفظ محیط‌زیست و پاسداری از زمین‌های

عتیق‌پور اظهار کرد: این شرکت در سال گذشته مقدمات اولیه راه‌اندازی خط تولید لوله تا قطر ۱۸ اینچ را پیگیری کرد که مطالعات اولیه این طرح انجام شده و مجوزهای لازم از وزارت صنعت، معدن و تجارت و سازمان محیط‌زیست در حال اخذ شدن است.

همچنین دستگاه‌های مربوطه خط لوله‌سازی ۱۸ اینچ با تکیه بر توان فنی، مهندسی و تجهیزاتی داخل کشور ضمن بومی‌سازی تکنولوژی تأمین شده است.

عتیق‌پور در ادامه بیان کرد: پیش‌بینی می‌شود در آینده‌ای نزدیک این خط با حداکثر ظرفیت تولید راه‌اندازی شود که حرکت بزرگی در راستای افزایش تنوع در سبد محصولات کارخانه سپنتا اهواز است.

وی در ادامه با اشاره به سیاست شرکت نورد و لوله‌سپنتا اهواز که همان احیای کارخانه است، افزود: در ادامه افزایش سبد محصول این کارخانه مقدمات اولیه تولید لوله‌های بدون درز با روش کشش گرم را در برنامه کاری خود قرار داده که این پروژه در سال ۱۴۰۲ به سبد محصولات مجموعه بزرگ سپنتا اضافه خواهد شد.





## شرکت تجلی توسعه معادن و فلزات (سهامی عام)

TAJALI Mines & Metals Development Co.

(Public Joint Stock)

شماره ثبت شرکت (۴۳۰۸۰۱)

### توسعه در بخش معدن با نگاه تخصصی

# تجلی، پیشران زنجیره ارزش

شرکت تجلی توسعه معادن و فلزات در مسیر توسعه و پیشرفت قرار دارد و در این راستا اقدامات زیادی را تاکنون انجام داده است. امروز عملیات اجرایی ۴۸ ابرپروژه ملی با راهبردی هفت غول اقتصادی و صنعتی کشور پیش می‌رود و تجلی نیز در آن سهم قابل توجه خود را ایفا می‌کند. تجلی اولین شرکت پروژه محور سهامی عام است که در حال حاضر پروژه‌های متعددی در زمینه فولاد از معدن تا نورد شامل گندله‌سازی، آهن اسفنجی و فولادسازی را در دست اجرا دارد و از پروژه‌های آتی هم می‌توان ساخت اسکله بندرعباس و اکتشاف و استخراج از معادن را نام برد.

بر اساس آخرین اطلاعات، شرکت تجلی توسعه معادن و فلزات ۱۸ معدن را در اختیار دارد که در قالب زنجیره فولاد از سنگ آهن تا نورد فعال هستند به این ترتیب تجلی معدن متعددی را مدیریت می‌کند که هر چند کار دشواری است، اما با مدیریت و درایت صحیح این مجموعه معدنی توانسته این مهم را به خوبی پیش ببرد.

#### ورود تجلی به حوزه عناصر نادر خاکی

تجلی گروه‌های تخصصی تشکیل داده و با دقت نظر و استفاده از دانش فنی بالا روی معادن خود در حال فعالیت است. از جمله این معادن می‌توان به لیتیوم و عناصر نادر خاکی اشاره کرد.

تجلی برای بازتعریف شناسایی در حوزه‌های مختلف فلزی، پلی‌متال‌ها، لیتیوم و عناصر نادر خاکی تلاش‌هایی کرده که منجر به پیشرفت‌هایی هم شده است. چهار محدوده با ذخایر معدنی پلی‌متال و لیتیوم در استان خراسان جنوبی با مالکیت ۱۰۰ درصدی تجلی در مرحله درخواست پروانه اکتشاف قرار دارند که مراحل اداری هر یک از آنها در حال انجام است. محدوده مروسست خاوری با ذخیره معدنی منازیت (عناصر نادر خاکی) با مالکیت ۱۰۰ درصدی شرکت تجلی در مرحله انتقال گواهی کشف و کوچک‌علی شمالی با ذخیره معدنی زغال سنگ در مرحله بررسی پاکت مزایده قرار دارد. بر اساس پیش‌بینی‌ها تجلی بزرگ‌ترین و تخصصی‌ترین شرکت در زمینه مواد نادر خاکی خواهد شد و درآمد اصلی شرکت هم در این زمینه صرف می‌شود. در بحث عناصر و فلزات نادر خاکی هر چند حجم مواد به دست آمده کم است، اما ارزش آنها بسیار بالاست. تجلی برای این صنعت برنامه‌ریزی کرده تا از نیروگاه‌های کوچک مقیاس ۲۵ مگاواتی استفاده کند. همچنین اگر امکان استفاده از نیروگاه‌های خورشیدی وجود داشته باشد، تجلی از آنها بهره خواهد برد. ضمن اینکه تمرکز بر این است که حداکثر استفاده را از داخل گروه تامین کند. به عنوان مثال معادن یک هلدینگ انرژی دارد که یک قرارداد با این هلدینگ منعقد شده تا هر زمان که نیاز به تامین انرژی بود در تامین آن مشاوره‌های لازم داده شود یا مستقیماً نیاز تجلی را برطرف کنند. این مجموعه با رصد کردن همه مزایده‌های معدنی کشور بهترین موقعیت‌ها را

شناسایی می‌کند و سرمایه‌گذاری انجام می‌دهد و با بخش خصوصی از طریق خرید یا تملک و مشارکت‌های مختلف اقدام به ورود به سرمایه‌گذاری در این بخش می‌کند. در همین راستا در استان‌های هدف مانند آذربایجان، سیستان و بلوچستان، کرمان، کردستان و خراسان‌های جنوبی و رضوی، عناصر معدنی خاص را مورد نظر گرفته و از همه عناصر پلی‌متال طلا سرب و روی، آهن، عناصر نادر خاکی، لیتیوم، منیزیم و سیلیس برای اکسید منیزیم و فریوسیلیس برای سرمایه‌گذاری استفاده خواهد کرد. از اهداف شرکت تجلی ورود به اکتشافات و سرمایه‌گذاری در حوزه لیتیوم و عناصر نادر خاکی است. این مجموعه از طریق انعقاد قرارداد با اسنادی دانشگاه که در حوزه لیتیوم کشور دارای رزومه و سوابق درخشانی هستند، قرارداد مشاوره منعقد کرده و با بررسی ۱۸ محدوده اولویت‌دار در این حوزه ورود و سه محدوده لیتیوم به وسعت ۴۲۷ کیلومتر ثبت کرده که در منطقه موسوم به جنوبی است، همچنین در دو محدوده در خراسان رضوی موفق به اخذ پروانه بهره‌برداری شده است. تجلی در حوزه عناصر نادر خاکی برای دو محدوده در مزایده سازمان زمین‌شناسی و اکتشافات معدنی کشور شرکت کرده و برنده شده است. یک محدوده دارای ۲۲ میلیون تن ذخیره عیار ۱۰۰ ppm و محدوده دوم شرقی با ۹ میلیون تن ذخیره با عیار ۱۵۶ ppm را در مزایده برنده شده است.

#### اولین شرکت پروژه محور

تجلی نخستین شرکت پروژه محور در بازار سرمایه ایران شناخته می‌شود این شرکت به دنبال تامین نقدینگی حدوداً ۸ هزار میلیارد تومانی برای پروژه‌های تعریف شده‌اش است. قرار است این منابع مالی از طریق تسهیلات، افزایش سرمایه و انتشار اوراق و... تامین شوند و برای مدیریت بهتر نقدینگی، قراردادی با یک شرکت تامین سرمایه منعقد شده که بهترین روش را برای تامین منابع مالی در تجلی به کار گرفته است. بنا به اعلام مدیران معدنی اسامال اولین سالی بود که تجلی در بورس پذیرش شد البته فعالیت تجلی یک سال قبل با حدود ۵ پروژه در ۳ شرکت آغاز شده است.

#### سرمایه‌گذاری ۶۲۰۰ میلیارد تومانی

تجلی با ۶۲۰۰ میلیارد تومان وجوهی که از بازار سرمایه

تامین کرده است، در بخش‌های مختلف صنعتی و معدنی سرمایه‌گذاری کرده و اکنون به منابع جدید برای تزریق نقدینگی به طرح‌های در دست اجرا نیاز دارد. با این حال شرکت تجلی توسعه معادن و فلزات در برنامه خود این اصل را دنبال می‌کند که از سهامداران پول نگیرد و در صورت لزوم سهم کمتری اخذ خواهد شد.

سهامداران تجلی از شرکت‌های حاضر در بورس هستند و اکنون بیش از ۵۰ درصد سهام اختصاص به توسعه معادن و فلزات دارد و شرکت‌های گل‌گهر و چادرملو هر یک ۱۷ درصد از سهام را به خود اختصاص داده‌اند و بقیه در اختیار بخش خصوصی است. پیش‌بینی شده تامین نقدینگی مورد نیاز پروژه‌های تجلی از طریق بازار سرمایه، منابع داخلی بانک‌ها، منابع خارجی و صندوق ذخیره ارزی جلب و جذب شود و چنانچه با وجود این منابع کسری وجود داشته باشد از سهامداران نیز بهره‌گیری خواهد شد.

شرکت تجلی توسعه معادن و فلزات به عنوان نخستین شرکت پروژه محور کشور تا پایان ۱۴۰۱ دو سال از عمر خود را پشت سر خواهد گذاشت، در عین حال در مدت فعالیتش حدود ۱۳ تا ۱۴ ماه در بورس حضور یافته است.

#### تجلی به دنبال توسعه

نگاه به پروژه‌های تجلی نشان می‌دهد که اگر سهامداران به دنبال سرمایه‌گذاری بلندمدت باشند، تجلی این شرایط را برای آنها فراهم می‌کند. از سوی دیگر این مجموعه با نگاهی تخصصی توسعه در بخش معدن به دست‌بخش خصوصی را محقق می‌کند و نشان می‌دهد که بخش خصوصی می‌تواند عهده‌دار این توسعه شود. پروژه‌هایی که در زنجیره ارزش شرکت‌های پیشران قرار دارند، به نتیجه رسیدن‌شان با ایجاد ارزش افزوده قابل توجه و کاهش چشمگیر واردات همراه خواهد بود. تجلی پیشرفت خود را مدیون حمایت سهامداران بزرگ است و با تمام توان به فعالیت خود ادامه خواهد داد تا کمترین ضرر متوجه سهامدارانش شود.

امروز این مجموعه معدنی به دنبال آن است تا به عنوان اولین شرکت پروژه محور در کشور کمترین ضرر را متوجه سهامداران کند و بی‌شک پروژه‌های جدیدی طی سال‌های پیش‌رو تعریف کند.





## کسب جایزه ملی و لوح افتخار انرژی‌های تجدیدپذیر ایران

# افتخاری دیگر برای گروه صنعتی سدید

«جهان‌صنعت» - مهندس امیر حسین کاوه مدیر عامل گروه صنعتی سدید، جایزه ملی و لوح افتخار انرژی‌های تجدیدپذیر ایران را در حوزه تولید، سرمایه‌گذاری و توسعه نیروگاه‌های بادی دریافت کرد. گروه صنعتی سدید، تولید برق از طریق انرژی‌های تجدیدپذیر را به عنوان یک راهبرد در دستور کار خود داشته و در این راستا با دو زیرمجموعه خود به نام‌های شرکت مبیانپرو و شرکت توان باد، تاکنون موفق به طراحی، تولید، نصب و راه‌اندازی صدها دستگاه توربین بادی جهت احداث مزارع بادی مختلفی همچون منجیل، هرزویل، سیاهپوش، بینالود، خواف و... در سراسر کشور شده است.

می‌شود. همچنین با توجه به ماهیت کسب‌وکارهای موجود، کارفرمایان دولتی اصلی‌ترین مشتریان این گروه صنعتی هستند. از جمله اهداف و استراتژی‌های گروه صنعتی سدید می‌توان به حضور در صنایع بالادستی و پایین‌دستی نفت و گاز، توسعه قلمرو جغرافیایی بازار محصولات و خدمات، حضور در بازارهای جهانی و منطقه، ارتقای سطح قابلیت‌های سازمانی، جذب سرمایه‌گذاران خارجی جهت حضور در پروژه‌های مختلف، تقویت توان رقابتی، حرکت در مسیر سازمان‌یادگیرنده از طریق رشد قابلیت‌های نیروی انسانی، انجام مطالعات شناخت در خصوص صنعت نفت و گاز و پتروشیمی در راستای ایجاد کسب‌وکارهای مرتبط، ایجاد کنسرسیوم پیمانکاری فعال در امر خطوط لوله و پروژه‌های حوزه نفت و گاز با همکاری شرکت‌های فعال موجود داخلی و خارجی و... اشاره کرد.

«بررسی سیاست‌های بومی‌سازی و شکل‌دهی به صنعت»، «بررسی تحولات و روندهای توسعه فناوری و بازار انرژی‌های تجدیدپذیر دنیا» و «توسعه انرژی هیدروژن در کشور و منطقه و چشم‌انداز این انرژی در آینده» بود.

### پیکبری رویکرد ارزش‌آفرینی و هم‌افزایی اقتصادی

گفتنی است ماموریت گروه صنعتی سدید به عنوان یک شرکت هلدینگ با رویکرد ارزش‌آفرینی و هم‌افزایی اقتصادی، انجام بیمانکاری عمومی در زمینه‌های نفت، گاز، آب، انرژی، فولاد، پالایش، پتروشیمی و تولید لوله‌های قطور انتقال نفت، گاز و آب با فناوری‌های روزآمد، توسعه فعالیت و تولید پمپ‌های پیشرفته صنایع متنوع مرتبط است که با توجه به سابقه طولانی، تخصص و توانمندی‌های فنی به عنوان سازمانی معتبر در کشور و منطقه شناخته

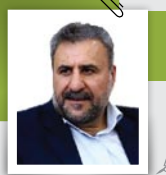
هفتمین کنفرانس و نمایشگاه بین‌المللی و چهارمین جایزه ملی انرژی‌های تجدیدپذیر ایران با حمایت و همراهی وزارت نیرو، ساتبا، اتاق بازرگانی صنایع، معادن و کشاورزی ایران و معاونت علمی، فناوری و اقتصاد دانش‌بنیان ریاست جمهوری و از سوی انجمن انرژی‌های تجدیدپذیر ایران با هدف بررسی چالش‌های پیش‌روی توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر و ارائه راهکارهای بهبود فضای کسب‌وکار این حوزه در روزهای ۸ و ۹ بهمن‌ماه سال جاری در مرکز همایش‌های بین‌المللی صداوسیما برگزار شد.

همچنین محورهای مدنظر در این دوره شامل «بررسی اثربخشی مناقصات نیروگاه‌های تجدیدپذیر»، «بررسی مکانیسم‌های توسعه نیروگاه‌های خورشیدی کوچک‌مقیاس»، «بررسی چرایی عدم توسعه انرژی حرارتی و سوخت تجدیدپذیر»، «برنامه هفتم توسعه کشور و آسیب‌شناسی عدم تحقق برنامه‌های پیشین»،





## ۱۴۰۱؛ سال غافلگیری دستگاه دیپلماسی

حشمت‌الله  
فلاح‌پیشه \*

رابطه موضع‌گیری کرده و همان ادعای بی‌پشتوانه را تکرار کرد! این در حالی بود که سفر ابراهیم ریسی به یکن، اگر چه می‌توانست سفری قابل دفاع باشد، اما در مجموع بار دیگر باعث شد ناظران با واقعیت‌های ناشی از سیاست نگاه به شرق جمهوری اسلامی و تفاوت‌های آشکار این نوع سیاست‌گذاری یکجانبه‌گرا با تنوع مناسباتی که مورد توجه دیگر کشورهاست، آشنا شده و دریابند که حتی چین و روسیه نیز با نگاهی به‌دور از یکجانبه‌گرایی و رویکردی مبتنی بر تامین هر چه بیشتر منافع خود، وارد تعامل با کشورهای مختلف می‌شوند. جالب آنکه وقتی با رویکردی تحلیلی و به‌دور از شعارزدگی به سفر ابراهیم ریسی به چین نگاه کنیم، به‌روشنی در خواهیم یافت که تنها دستاورد اقتصادی ملموس این سفر، قراردادی به ارزش سه‌ونیم میلیارد دلار بود و ۲۰ تفاهمنامه دیگر، اگر چه به امضای طرفین رسید اما عملیاتی شدنشان به رفع موانعی منوط شد که از قضا به دلیل سالیان سال تنش با غرب پیش‌روی ما قرار گرفته و طبیعتاً رفع‌شان نیز در گرو رفع تنش با این کشورهاست. نکته تامل‌برانگیز آنکه حتی چین هم ایران را ترغیب یا به تعبیری مجبور کرد که به این موانع توجه داشته باشد و نسبت به رفع آن اقدام کند. حال آنکه خروجی سفر چند سال قبل‌تر پادشاه عربستان به یکن، قراردادهایی به ارزش ۷۵ میلیون دلار بود؛ آن هم در حالی که بنابر نگاه کهنه ایران به مناسبات جهانی، دولت سعودی در قلمرو روابط راهبردی ایالات متحده قرار می‌گیرد. مجموع مناسبات چین با کشورهای عربی که عمدتاً در همین قلمرو مناسبات راهبردی ایالات متحده قرار می‌گیرند، به ۳۳۰ میلیارد دلار می‌رسد و تعامل اقتصادی همین کشورهای عربی با عربستان سعودی، سالانه از ۱۰ میلیارد دلار فراتر نمی‌رود. این اعداد و ارقام به‌روشنی ثابت می‌کند که جهان سال‌های سال است که از مناسبات راهبردی در تعاملات اقتصادی عبور کرده و امروز کشورهای جهان حتی در حوزه تعاملات سیاسی و نظامی نیز دیگر بر این نوع مناسبات راهبردی تاکید و تمرکز ندارند.

واقعیت دیگری که در روزهای پایانی سال ۱۴۰۱ آشکار شد و کسانی که در دولت کنونی، مجلس همسو با دولت و جریان سیاسی حامی این دولت، یدپولایی در مقابله و ضدیت با دیپلماسی هسته‌ای داشتند، رو به امتیازدهی به آمریکا و اروپا آوردند. آن هم چنان امتیازهایی که دولت‌های غربی را کاملاً به این اطمینان رساند که مواجهه با جمهوری اسلامی از موضع استغنا و بی‌نیازی، موثرترین راهبرد برای تامین منافع آنها در مذاکره با ایران است. همچنین پافشاری ایران بر دریافت پیام از ایالات متحده به‌رغم تکذیب از سوی کاخ سفید، کار را به آنجا رساند که دیپلمات‌های آمریکایی صراحتاً دیپلمات‌های ایرانی را به دروغ‌گویی در این زمینه متهم می‌کردند. حال آنکه این کنش و واکنش تهران و واشنگتن، تأثیری فوری و شدید بر بازار ارز و اقتصاد ایران گذاشت و بحرانی را در این حوزه رقم زد که شورش‌سادی ایرانیان در نوروز ۱۴۰۲ را نیز تحت‌الشعاع قرار داد. این کمترین انتظار است که دولت جمهوری اسلامی، اندکی از موضع شعاری دور شود و با نگاهی مبتنی بر منطق و عقلانیت دیپلماتیک، منافع ملی را در اولویت قرار دهد. حال آنکه رویکرد «آمریکاستیزی و روس‌محوری» در سالی که گذشت، منجر به نابودی یکی از بزرگ‌ترین فرصت‌های تاریخ دیپلماسی ایران شد. در نتیجه ایرانی که می‌توانست بازیگری فعال در عرصه مناسبات جهانی باشد و با خروج از کتون تنش، به دستاوردی بزرگ در راستای منافع ملی خود نائل شود، به بازیگری منفعل تبدیل شد که در روزهای پایانی سال، ناگزیر بود در مانورهای عظیم نظامی و تسلیحاتی، رورزوی ایالات متحده و رژیم صهیونیستی قرار گیرد؛ آن هم صرفاً به این دلیل که فرصت‌های خود را در زمین دیپلماسی از دست داده بود.

در پایان، به‌رغم آنکه در این سال‌ها به تمامی هشدارها و توصیه‌های دلسوزانه‌مان، با زبان اهانت و اتهام‌زنی‌های بی‌اساس پاسخ داده شد، کماکان باید امیدوار بود که دست‌کم با آغاز سال نوی خورشیدی و در ادامه این مسیر صعب و ناهموار، زبان دیپلماسی جایگزین ادعاهای شعاری و تنش‌زا شود و با راهبردی نو مبتنی بر کاهش تنش و عبور از بی‌ثباتی سیاسی و اقتصادی در داخل کشور و بها دادن به تنش‌زدایی در امور و مناسبات خارجی، به‌سوی صلح و ثبات گام برداریم تا مگر اندکی از مرارت و دشواری این مسیر کاسته شود.

\* استاد دانشگاه

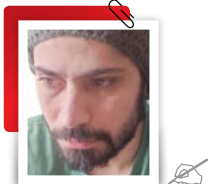
سال ۱۴۰۱ خورشیدی در حالی به پایان رسید که آنچه در تحلیل مجموعه تحولات و مناسبات سیاست خارجی جمهوری اسلامی بیش از هر نکته خودنمایی می‌کند، غافلگیری مسوولان ایرانی نسبت به این تحولات جهانی و منطقه‌ای است؛ غافلگیری و شگفت‌زدگی عمیقی که شاید مهم‌ترین و جدی‌ترین مصادیق آن، در مسیر اجرا و اعمال سیاست «نگاه به شرق» صورت گرفت. دیپلمات‌ها و دیگر مقام‌های ایرانی به‌گونه‌ای یکجانبه‌از این رویکرد «نگاه به شرق» به‌عنوان راهبرد اصلی سیاست خارجی جمهوری اسلامی سخن گفتند و به شدت پیگیر مناسبات راهبردی با روسیه و چین بودند، حال آن که به‌رغم و بنا بر تجربه‌ای که در این مدت از سر گذرانده‌اند، این واقعیت، آشکار و آشکارتر شد که در جهان امروز، عصر مناسبات راهبردی سرآمده و تنوع مناسباتی جایگزین مناسبات راهبردی شده است؛ واقعیتی که البته درک آن، بها و توانایی سنگین برای ایران در پی داشت.

سیاستی که شاید یکی از آشکارترین نمودهایش را در بحث اوکراین و مشخصاً در نگاه و سیاست ایران به این جنگ شاهد بودیم و نتیجه‌اش، بی‌تردید یکی از مهم‌ترین ناکامی‌ها و شکست‌های تاریخ دیپلماسی و سیاست خارجی ایران بود. آن هم در حالی که به‌رغم تمامی هشدارها، به‌دلیل پافشاری بر این رویکرد، منافع ایران به جنگ‌افروزی روسیه گره خورد و در حالی که لشکرکشی پوتین به خاک اوکراین و در گرفتن جنگی که تا پیش از یک سال نیز ادامه یافته، می‌توانست فرصتی برای ایران باشد و منطقاً ایران باید گلیم خود را از آب بیرون می‌کشید، شاهد بودیم که گلیم ایران در این جنگ نیم‌سوز شد! حال آنکه ایران با احیای برجام، نه تنها قادر بود مشکلات ناشی از انزوای سیاسی و تحریم‌های اقتصادی را از بین ببرد، بلکه در عین حال می‌توانست در شاهراه مناسبات سیاسی و... قرار بگیرد و به بازیگر بزرگ بازار جهانی انرژی تبدیل شود. اما نه تنها این فرصت به‌راحتی از کف رفت، بلکه پافشاری بر همان سیاست‌هایی که منجر به این فرصت‌سوزی شد، در عین حال ایران را با کلیدوازه پهنپند تحت فشار قرار داد و جمهوری اسلامی را نزد جامعه جهانی به‌عنوان یکی از مقصران اصلی آتش‌افروزی علیه اوکراین، با اتهام‌های سنگین امنیتی مواجه کرد. بر این اساس نه تنها ایران نتوانست از غائله اوکراین سودی حاصل کند، بلکه متحمل هزینه‌های هنگفت شد و در حالی که جمهوری اسلامی و اتحادیه اروپا تا پیش از آغاز جنگ اوکراین، به‌رغم تمام مشکلات و منازعات سیاسی، همواره از تعدی به حریم نظامی و امنیتی یکدیگر خودداری می‌کردند، در این مدت شاهد آن بودیم که چطور ایران و اروپا با تنش‌هایی بی‌سابقه دست و پنجه نرم می‌کنند. به‌ویژه آنکه روس‌ها در مناطقی خاص از خاک اوکراین از پهنادهای ایرانی بهره می‌بردند که برای اروپا نگرانی جدی ایجاد می‌کرد و به جان اروپایی‌ها هراس می‌افکند؛ تا جایی که به‌رغم اقداماتی که در ماه‌های پایانی سال ۱۴۰۱ انجام گرفت تا مگر منفی بتواند گلیم خود را از آن کمین‌گاه خارج کند اما آثار سوء و پیامدهای منفی همکاری پهنپادی با روس‌ها، مانع از رفع تنش در مناسبات جمهوری اسلامی و اتحادیه اروپا شد و این تنش خطرناک تا پایان سال نیز گریبان منافع ملی ایران را رها نکرد. اما در حالی سیاست «نگاه به شرق» به جز همکاری با روسیه، مراد و تعامل با چین را نیز در اولویت سیاست خارجی جمهوری اسلامی قرار می‌دهد که متأسفانه در مقاطعی از سالی که گذشت، چینی‌ها نیز دست به اقداماتی زده و مواضعی اتخاذ کردند که سیاست خارجی ایران را در بهت و غافلگیری جدی فرو برد. به‌ویژه وقتی رییس جمهوری چین درباره یکی از اختلافات مرزی که به‌نحوی کاذب علیه ایران شکل گرفته، به زبان جمهوری اسلامی موضع‌گیری کرد و در نشست با حضور سران کشورهای عربی، کاملاً همسو با موضع این کشورها اعلام نظر کرد. در حالی که بحث حاکمیت جزایر سه‌گانه واقع در آب‌های جنوبی ایران و ادعاهای امارات متحده عربی در این رابطه، آشکارا فاقد هرگونه پشتوانه تاریخی و سیاسی است، موضع غافلگیرکننده چین همسو با آنچه امارات متحده عربی مدعی است، بار دیگر نشان داد که رهبران سیاسی در سراسر جهان، سیاست‌ها و مواضع خود را به‌نحوی تنظیم و اتخاذ می‌کنند که بیشترین منافع اقتصادی و سیاسی را برای کشورهایشان حاصل کنند. چنان‌که کره جنوبی نیز به‌فصله تنها چند روز از این غافلگیری دیپلماتیک ایران به‌دست چینی‌ها، در همین



«جهان صنعت» با تمرکز بر تحولات سیاست خارجی در سال ۱۴۰۱، مهم‌ترین رویدادهای کشور را مرور می‌کند

## سال اعتراضات، بن‌بست هسته‌ای و سقوط ریال



علیرضا کیانپور

سیاست داخل و خارج کشورها معمولاً چنان در هم تنیده و پیوسته‌اند که سخت بتوان موضوعی را در میان مسائل مهم داخلی یک کشور مورد بررسی قرار داد. بی‌آنکه به مناسبات خارجی آن کشور بی‌توجه بود. همان‌طور که تحلیل مسائل سیاست خارجی بدون در نظر گرفتن اوضاع و احوال داخلی، فاقد جامعیت و دقت کافی است. پیوستگی و درهم‌تنیدگی مسائل سیاسی داخل و خارج ایران در سال خورشیدی گذشته اما به‌دلایلی فراتر از حد انتظار بود. تا جایی که بیره‌ای نیست اگر بگوییم تحلیل مسائل داخلی سیاست ایران در سال ۱۴۰۱ بدون در نظر گرفتن آنچه در مناسبات خارجی و دیپلماتیک کشور رقم خورد، ناممکن خواهد بود؛ همان‌طور که نمی‌توان ارزیابی دقیقی از اوضاع و احوال سیاست خارجی ایران به‌دست داد، بدون آنکه به‌دقت بر مسائل داخلی در این یک سال گذشته تمرکز کرد. توضیح این درهم‌تنیدگی تحولات داخلی و خارجی کشور در سال گذشته، البته چندان ساده و سراسر نیست و فراتر از حوصله و فرصت کنونی است. اما آنچه اجمالاً راه‌گشاست و دست‌کم ما را در مسیر دستیابی به پاسخ قرار خواهد داد، این است که تحولات داخل و خارج در سال ۱۴۰۱، به‌ویژه با آغاز نیم‌سال دوم تشدید یافت و به اوج خود رسید؛ یعنی از زمانی که با مرگ دختری جوان در بازداشت گشت ارشاد، اعتراضات گسترده سراسر کشور را در بر گرفت و متعاقب آن موج این اعتراضات، ایرانیان اقصی نقاط جهان را نیز با خود همراه کرد. اعتراضاتی که در روزهای پایانی نیم‌سال نخست ۱۴۰۱ و با مرگ «مهسا امینی» جرقه خورد و در حالی خیلی زود، آتش خشم عمومی را شعله‌ور کرد که شراره‌هایش تا چند ماه بعد، همچنان زبانه می‌کشید.

با این حال اگرچه وعده‌ای را که باقری کنی در روزهای پایانی بهمن‌ماه ۱۴۰۰ مطرح کرد، عملی نشد اما باز نزدیک شدن به نیمه اسفندماه همان سال، دست‌کم باز شاهد تحولی در مسیر گشایش هسته‌ای بودیم؛ تحولی که با سفر مدیر کل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به تهران رقم خورد و این در حالی بود که رافائل گروسی در جریان آن سفر در روز ۱۴ اسفندماه ۱۴۰۰ اعلام کرد در صورت عدم دستیابی ایران و آژانس به تفاهم درباره «مسائل پادمانی»، توافق درباره برجام دشوار خواهد بود. اوج نگرانی در آن مقطع، وقتی رقم خورد که مسوول سیاست خارجی اتحادیه اروپا درباره آخرین وضعیت مذاکرات هسته‌ای موضع‌گیری کرد؛ موضعی که جوزف بورل در فاصله تنها ۱۰ روز به پایان سال خورشیدی و فرارسیدن نوروز ۱۴۰۱ اتخاذ کرد و بر این اساس از احتمال نیاز به وقفه در مذاکرات به‌دلیل برخی «عوامل خارجی» سخن گفت.

صحبت از توقف مذاکرات هسته‌ای از سوی مسوول سیاست خارجی اتحادیه اروپا اما به فاصله کمتر از ۴۸ ساعت زمینه‌ساز توقف در یک مذاکرات دیگر نیز شد و بر این اساس نوزین‌روز به عنوان وسپاسیتی که به شورای عالی

سیاست خارجی به‌ویژه در بحث برجام و پرونده هسته‌ای که بی‌تردید یکی از مهم‌ترین مسائل سیاست خارجی جمهوری اسلامی در چند سال گذشته است، پس از وقفه‌ای چندماهه، در واپسین هفته‌ها و ماه‌های ۱۴۰۰ وارد فاز و مرحله‌ای تازه شد که عملاً به مجموعه تحولات این حوزه تا پایان سال ۱۴۰۱، سمت‌وسو و جهت داد. نیمه بهمن‌ماه ۱۴۰۰ بود که وزیر امور خارجه ایران از حصول برخی «توافقات هادد حوزه‌های اقتصادی و سیاسی» در مذاکرات وین خبر داد. حسین امیرعبداللّه‌پیان در حالی در روز ۱۷ بهمن‌ماه ۱۴۰۰ به این مهم اشاره کرد که حدود یک هفته بعد در ۲۴ بهمن‌ماه تیم مذاکره‌کننده ایران در چارچوب دور هشتم مذاکرات هسته‌ای در وین با نمایندگان اتحادیه اروپا و روسیه دیدار و گفت‌وگو کردند. گفت‌وگوهایی که مسوول تیم مذاکره‌کنندگان جمهوری اسلامی، آن را مثبت و زمینه‌ساز توافق در آینده نزدیک ارزیابی کرد. هر چند علی باقری کنی در حالی در اظهارات ۲۷ بهمن‌ماه ۱۴۰۰ خود اعلام کرد که تهران و گروه ۱+۵ بیش از هر زمان دیگری به توافق نزدیک شده‌اند اما در پایان سال ۱۴۰۱، هنوز خبری از دستیابی به توافق نیست.

این جنبش اعتراضی دست‌کم در آغاز محملی بود برای بازتاب خواسته‌های مدنی و نارضایتی‌های فرهنگی جامعه، اما خیلی زود معترضان خواسته‌های سیاسی و اقتصادی جامعه را نیز مطالبه کردند و در نتیجه این اعتراضات از ابعاد گوناگون مورد توجه ناظران و تحلیلگران قرار گرفت. شرایطی که باعث شد مسائل فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی کشور در سالی که گذشت، همچون مسائل سیاسی داخل و خارج کشور به یکدیگر پیوند بخورد و در نتیجه تحلیل هر یک از این مسائل، بدون توجه به موضوعات دیگر، الکن و ناممکن باشد. چنان‌که در همین گزارش اگرچه اولویت بر تحلیل مسائل سیاست خارجی کشور است و هدف آن است که مروری داشته باشیم بر آنچه در مناسبات جمهوری اسلامی با جامعه جهانی در این بازه زمانی رقم خورد اما در عین حال، ناگزیریم نیم‌نگاهی به مسائل داخلی کشور اعم از تحولات سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی نیز داشته باشیم. جالب آنکه سیر تحولات حوزه سیاست خارجی در سال ۱۴۰۱ به نحوی است که ناچاریم تحلیل تحولات این بازه یک‌ساله را با زاویه دیدی گسترده‌تر، از ماه‌های پایانی سال ۱۴۰۰ آغاز کنیم چه آنکه تحولات



امنیت ملی جمهوری اسلامی نزدیک است، در خبر روز ۲۲ اسفندماه ۱۴۰۰ خود اعلام کرد که تهران به صورت یکطرفه گفت‌وگوها با عربستان سعودی را تعلیق کرده است. هر چند این منبع رسانه‌ای نزدیک به نهادهای امنیتی در ایران، تأکید کرد که توقف در این مذاکرات «موقتی» خواهد بود و اگر چه چندماه بعد مذاکراتی میان طرفین انجام شد، اما حال در آغاز سال ۱۴۰۲، کماکان خبری از پیگیری مذاکرات نیست.

در کنار این اخبار نگران‌کننده در روزهای نزدیک به نوروز ۱۴۰۱، یک خبر خوشایند نیز روی خروجی رسانه‌ها رفت. خبری که کمتر از یک هفته به نوروز از آزادی نازنین زاغری و انوشه و خروج‌شان از ایران حکایت داشت. این در حالی بود که روزهای نخست سال ۱۴۰۱ نیز همچون روزهای پایانی سال قبل، پر بود از اخبار ناگوار و تلخ. به خصوص خبری که ۱۶ فروردین‌ماه ۱۴۰۱ و به فاصله چند روز از پایان تعطیلات نوروزی منتشر شد و از حملات تروریستی در حرم امام هشتم شیعیان در مشهد مقدس حکایت داشت؛ حملاتی با سلاح سرد که منجر به شهادت دو تن و مجروح شدن یک تن دیگر شد. ضارب نیز بازداشت و چندماه بعد به جزای اقدام تروریستی و خشونت‌بار خود رسید.

اما در حالی که از هفته‌های پایانی سال ۱۴۰۰ مذاکرات هسته‌ای متوقف شده بود، در روزهای پایانی اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۱، مسوول سیاست خارجی اتحادیه اروپا در حاشیه نشست سران جی ۷ در بروکسل در جمع خبرنگاران در این رابطه اظهار نظر کرد. جوزف بورل در حالی از بازگشت طرفین به میز مذاکرات خبر داد که در ادامه روشن شد نباید چندان به این اخبار امیدبخش دلخوش کرد. به خصوص وقتی چند روز بعد، نوبت به برگزاری نشست فصلی شورای حکام آژانس رسید و قطعنامه پیشنهادی آمریکا و سه کشور اروپایی آلمان، فرانسه و بریتانیا علیه ایران به تصویب رسید. واکنش جمهوری اسلامی اما نه تنها منجر به نزدیکی طرفین به یکدیگر نشده، بلکه عملاً پیچیدگی در مسیر احیای برجام را اوچندان کرد. چه آنکه رییس سازمان انرژی اتمی ایران در سخنانی که در روزهای پایانی بهار ۱۴۰۱ مطرح کرد، از کاهش تعهدات برجامی جمهوری اسلامی خبر داد. محمد اسلامی در حالی از «جمع‌آوری دوربین‌ها در اضافه در مراکز هسته‌ای» خبر داد که این دوربین‌ها در جریان اجرای مفاد برجام توسط بازرسان آژانس نصب شده بود. این در حالی بود که جوزف بورل حدود ۱۰ روز بعد، با حسین امیرعبداللهیان دیدار کرد و گفت که دو طرف به منظور از سرگیری مذاکرات احیای برجام طی روزهای آینده توافق کرده‌اند. وعده بورل بالاخره در نیمه مردادماه رنگ واقعیت به خود گرفت و پس از ۵ ماه وقفه، مذاکرات هسته‌ای آغاز شد. این در حالی بود که مسوول سیاست خارجی اتحادیه اروپا سه روز بعد اعلام کرد که «متن نهایی» توافق هسته‌ای برای احیای برجام را به هیات‌های نمایندگی طرف‌های مذاکره ارائه کرده است؛ متنی که اگر چه به عنوان «متن نهایی» در اختیار طرفین قرار گرفت اما ایران و دیگر طرفین مکلف بودند به آن پاسخ دهند و اگر چه قرار نبود تغییراتی بنابر نظرات طرفین در این متن اعمال شود، اما در عمل چنین نبود. ساعت ۱۲ شامگاه ۲۴ مردادماه بالاخره ایران پاسخ کتبی خود را به پیش‌نویس پیشنهادی مسوول سیاست خارجی اتحادیه اروپا ارسال کرد و در حالی که فراز فرود طبیعی در این رابطه تا حدود یک ماه بعد ادامه یافت، در گذشت مهسا امینی، دختر ۲۲ ساله اهل سقز در بازداشت گشت ارشاد در پایتخت، اعتراضاتی را در سراسر کشور به راه انداخت که نه تنها مذاکرات هسته‌ای، بلکه هر آنچه را که به مسائل سیاسی و غیرسیاسی ایران مربوط بود، تحت‌الشعاع قرار داد. تا جایی که حتی فضای مجازی

نیز تحت تأثیر همین اعتراضات با چالش جدی روبه‌رو شد و اینستاگرام و واتساپ نیز به فهرست بلند شبکه‌های اجتماعی فیلتر شده در ایران اضافه شدند.

واکنش جامعه جهانی به این اعتراضات و برخوردی که با معترضان انجام شد، مطابق انتظار گسترده بود. تا جایی که در همان روزهای نخست، وزارت خزانه‌داری آمریکا از تحریم پلیس گشت ارشاد و برخی مقامات بلندپایه نهادهای امنیتی ایران به دلیل آنچه «خشونت علیه زنان» عنوان شده، خبر داد و در ادامه نیز حتی تا ماه‌ها پس از فروکش کردن اعتراضات، هر از گاه اقدامی تحریمی علیه گروهی از نهادهای مسوولان منتسب به جمهوری اسلامی به تیترا اخبار و رسانه‌ها تبدیل شد. این غائله به‌خصوص وقتی به‌واقع مورد توجه دولت‌های غربی قرار گرفت و فشار این کشورها علیه جمهوری اسلامی به اوج رسید که اوکراین مدعی شد ایران اقدام به تجهیز پهپادی ارتش روسیه کرده است. این در حالی بود که این کشور به دلیل «ارسال سلاح از سوی ایران به روسیه» اعتبارنامه منوچهر مرادی، سفیر ایران را لغو کرد و تعداد کارکنان سفارتش در کی‌یف را کاهش داد. هم‌زمان با ادامه فشارهای ناشی از اتهام‌های پهپادی و اظهارات مقام‌های غربی در خصوص نقش ایران در جنگ اوکراین، اعتراضات نیز کماکان ادامه داشت. تا جایی که چند هفته پس از آغاز نخستین اعتراضات و در حالی که هنوز معترضان در اقصی نقاط کشور حضور خیابانی داشتند، مسوول سیاست خارجی اتحادیه اروپا در بیانیه‌ای که ۴ مهرماه منتشر شد، از ایران خواست برخورد «خشونت‌آمیز» با معترضان را متوقف و دسترسی شهروندان به اینترنت را تضمین کند. همچنین آنالنا بربوک، وزیر امور خارجه آلمان خواستار اعمال تحریم علیه ایران به دلیل اعمال خشونت‌توسط نیروهای امنیتی ایرانی و برخورد با معترضان شد.

کمتر از یک هفته از این اقدامات مقابله‌ای اروپایی‌ها سپاه پاسداران ایران دور تازه‌ای از حملات موشکی و پهپادی خود را علیه مواضع متعلق به گروه‌های «کومله»، «حزب دموکرات کردستان ایران» و «حزب آزادی کردستان» واقع در سلیمانیه عراق آغاز کرد. این در حالی بود که ۸ مهرماه در جریان برپایی نماز جمعه شهر زاهدان و اعتراضاتی که پس از آن، در این شهر آغاز شد، نزدیک به یکصد شهروند استان سیستان و بلوچستان جان باختند. این در حالی بود که یک روز پس از این حوادث، روسای جمهور، مجلس و قوه قضاییه در نشستی تحولات مربوط به اعتراضات اخیر در این کشور را بررسی کردند.

در حالی که اعتراضات کم‌کم وارد دومین ماه می‌شد، در پی برپایی تجمع اعتراضی شماری از ایرانیان مقیم ترکیه، موج تازه‌ای از اعتراضات آغاز شد که این بار نه در شهرهای ایران، بلکه در اقصی نقاط جهان و با محوریت ایرانیان خارج از کشور به راه افتاد. همچنین در حالی که رهبری در نخستین واکنش به این اعتراضات در سخنرانی روز ۱۱ مهرماه موضع گرفتند، ادعای مجدد رییس‌جمهوری اوکراین مبنی بر نقش ایران در تامین پهپادهای مورد نیاز ارتش روسیه بار دیگر فشار بر جمهوری اسلامی را افزایش داد. فشارهایی که در ادامه موجب شد اتحادیه اروپا نیز تحریم‌های جدیدی علیه ایران به دلیل ارسال پهپادهای انتحاری به روسیه اعمال کند. تداوم این اوضاع در روز ۲۳ مهر سران قوای سه‌گانه را بر آن داشت که برای دومین بار پس از آغاز اعتراضات سراسری، در نشستی ویژه به بررسی ابعاد این غائله بنشینند.

در حالی که هنوز نشانه‌ای از فرونشستن هفته‌ها اعتراضات سراسری به چشم نیامده بود، اتفاقی در حرم شاهچراغ افتاد که اگر چه به طور مستقیم ارتباطی به آن اعتراضات نداشت اما منجر به نگرانی مضاعف ناظران شد.

چه آنکه این بار حملات تروریستی در این مکان مذهبی رقم خورده و در پی آن، ۱۵ نفر به شهادت رسیده و ۴۰ نفر نیز زخمی شدند. حملاتی که شورای عالی امنیت ملی اعلام کرد توسط گروه تروریستی داعش برنامهریزی و اجرا شده است.

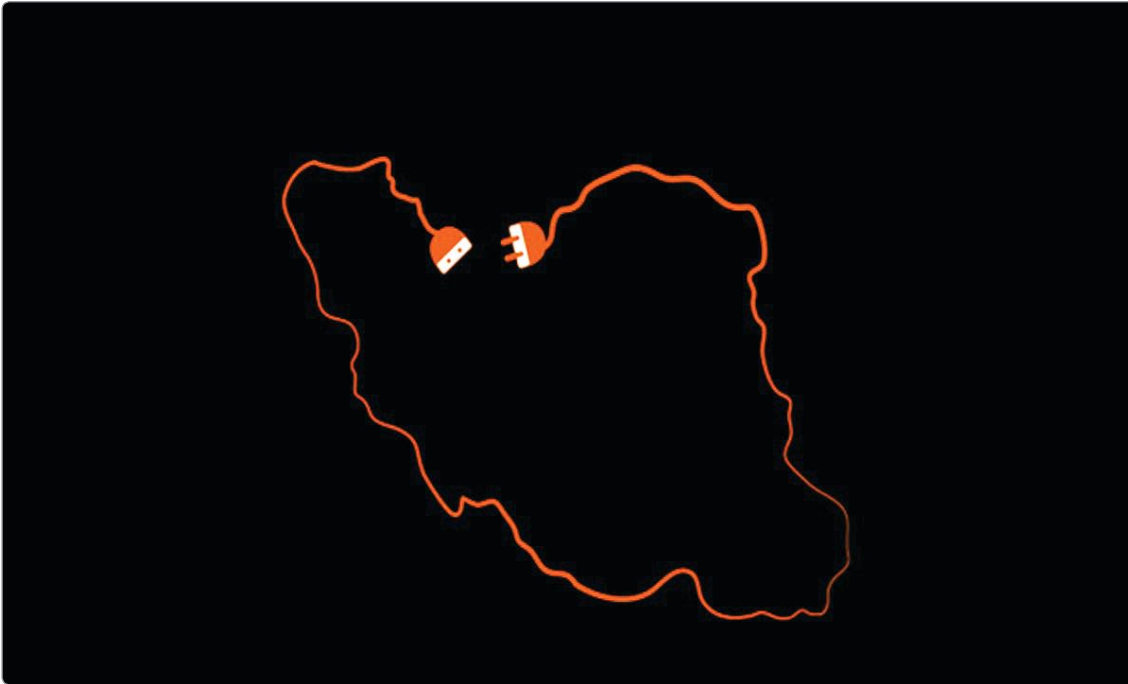
در حالی که اتهام‌زنی اوکراین در بحث استفاده از پهپادهای ایرانی از سوی ارتش روسیه ادامه داشت، بالاخره با فرارسیدن نیمه آبان‌ماه، وزیر امور خارجه ایران این مساله را تأیید کرد و البته گفت ارسال پهپادها مربوط به پیش از آغاز جنگ روسیه علیه اوکراین بوده است. این در حالی بود که چند هفته بعد و در حالی که هنوز پس از دو ماه نشانه‌ای از فروکش کردن اعتراضات دیده نمی‌شد، سپاه در حملات با استفاده از موشک و پهپاد مناطقی را در قلمرو کردستان عراق هدف قرار داد.

اعتراضات در حالی کماکان ادامه یافت که آغاز مسابقات جام جهانی فوتبال در قطر و دوگانه اجتماعی که پیش‌تر در خصوص چگونگی مواجهه بازیکنان و کادر فنی تیم ملی در قبال اعتراضات شکل گرفته بود، ۳ بازی ایران را در این رقابت‌ها به چالشی جدی تبدیل کرد. به‌ویژه آنکه ایران با تیم‌های انگلیس، ولز و آمریکا هم‌گروه بود و به‌باور بسیاری از ناظران، این گروه، سیاسی‌ترین گروه جام جهانی ۲۰۲۲ قطر بود. اوج تنش در این راستا اما وقتی رقم خورد که تیم ملی فوتبال ایران در نخستین بازی خود در دور گروهی این رقابت‌ها سنگین‌ترین شکست تاریخ خود را در بازی‌های جام جهانی مقابل تیم ملی انگلیس تجربه کرد. با این وجود به باور برخی ناظران، همین دودستگی که در جریان رقابت‌های جام جهانی فوتبال میان بخش‌هایی از جامعه شکل گرفت، در فروکش کردن نسبی اعتراضات پس از حدود سه ماه بی‌تأثیر نبود. هر چه بود بالاخره آرامش نسبی به کشور حاکم شد و در حالی محاکمه بازداشت‌شدگان آغاز شده بود که محسن شکاری به عنوان نخستین شهروندی که در جریان اعتراضات بازداشت شده بود، اعدام شد. این در حالی بود که با پشت سر گذاشتن نیمه آذرماه و نزدیک شدن به کریسمس، مجله تایم زنان ایران را به عنوان «قهرمانان سال ۲۰۲۲» جهان برگزید.

پایان یافتن اعتراضات خیابانی، لزوماً به معنای پایان فشارهای جهانی بر جمهوری اسلامی نبود. تا جایی که در یکی از مهم‌ترین اقدامات از این دست، اعضای کمیسیون مقام زن سازمان ملل، قطعنامه حذف ایران از این نهاد حقوق‌بشری را به تصویب رساندند و دبیر کل سازمان ملل نیز در سخنرانی روز ۲۸ آذرماه خود، برخورد با معترضان ایرانی را غیرقابل قبول و مصداق نقض حقوق بشر خواند. اعتراضاتی که بنابر تأیید مقام‌های رسمی جمهوری اسلامی، چندصد کشته برجای گذاشت و هزاران نفر از شهروندان ایرانی را راهی زندان کرد.

آنچه با فرارسیدن کریسمس و آغاز سال نو میلادی، بار دیگر موجب نگرانی گسترده ایرانیان شد، افزایش بی‌سابقه نرخ ارز بود. ایرانیان که سال ۱۴۰۱ را با دلار ۲۶ هزار تومانی آغاز کردند در ماه‌های پایانی سال حتی دلار ۶۰ هزار تومانی را نیز به چشم دیدند. هر چند در روزهای پایانی سال گذشته، موجی از کاهش نرخ دلار نیز بر بازار حاکم شد اما در نهایت نزدیک به مرز ۵۰ هزار تومان تثبیت شد تا ارزش پول ملی در این یک سال بیش از دو برابر کاهش یابد. همچنین ماجرای مسمومیت دانش‌آموزان که عمدتاً گریبانگیر مدارس دخترانه شد، اگر چه سه‌ماهه پایانی سال یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های ایرانیان بود اما از آنجا که در هفته‌های پایانی سال بالاخره از سوی مقام‌ها به رسمیت شناخته شد، به عنوان یکی از مهم‌ترین تحولات روزها و هفته‌های پایانی سال مورد توجه قرار گرفت.

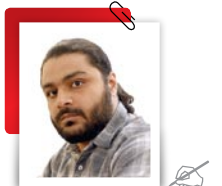




کارشناسان در گفت‌وگو با «جهان صنعت» از وضعیت فیلترینگ در ایران گزارش می‌دهند

## عصر تاریک اینترنت

اینترنت آزاد یکی از نیازهای اساسی و بديهی‌ترین حقوق یک انسان است. اما در این روزها دسترسی راحت و سریع به آن تبدیل به آرزو شده است. آرزویی که رسیدن به آن هر روز سخت‌تر می‌شود و شاید تبدیل به یک رویای دست‌نیافتنی شود. ۳۰ شهریور ۱۴۰۱ اینترنت در ایران رو به غروب رفت و عصر تاریک دسترسی به یک شبکه بین‌المللی آغاز شد. چهارشنبه سی‌ام شهریور ماه ۱۴۰۱ بود که زارع‌پور، وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات اعلام کرد: «ممکن است محدودیت‌هایی توسط دستگاه‌های امنیتی تصمیم‌گیری و اعمال شود.» البته مدتی پس از انتشار این نقل قول در خبرگزاری‌های مختلف، روابط عمومی وزارتخانه این خبر را اشتباه رسانه‌ها در انعکاس خبر دانسته و اعمال محدودیت در اینترنت را تکذیب کرد. چند ساعت بعد «اینستاگرام» و بامداد ۳۱ شهریور «واتساپ» فیلتر شد. محدودیتی که خسارت‌های عظیمی را بر جای گذاشته و کسب‌وکارهایی را که در این فضا مشغول فعالیت بودند با مشکلات گوناگونی روبه‌رو کرده است؛ مشکلاتی که کسب‌وکارها را تا مرز ورشکستگی برده است. از آن روز تا الان عصر جدیدی در اینترنت کشور آغاز شده و ما را با شبکه‌ای مواجه کرده که به زحمت می‌توان آن را شبکه «جهانی» اینترنت خواند.



علی حسینی

تصویر آینده این حوزه، تصویر شفاف‌سازی نیست

حسین اسلامی رییس هیات‌مدیره سازمان نظام صنفی رایانه‌ای استان تهران، آینده اینترنت در ایران را چندان روشن نمی‌داند و در گفت‌وگو با «جهان صنعت» عنوان کرد:



برخی از دوستان صحبت از پایان اکوسیستم می‌کنند که اعتقاد من این است که در چنین شرایطی قرار نداریم. از طرفی با سختی‌های زیادی که در نگهداشت سرمایه انسانی روبه‌رو هستیم و مشکلات جدی‌ای که با نهادهای تنظیم‌گر و نظارتی داریم، قبول دارم که ممکن است تصویر آینده برای بچه‌های فعال در این حوزه، تصویر شفاف‌تری نباشد، ولی آنچه که من می‌بینم مبتنی بر توانمندی فعالان این زیست‌بوم و آینده محتوم فناوری‌های نوینی است که خودشان را به بقیه مجموعه‌ها تحمیل می‌کنند. اعتقاد من این است که فضا، فضای پوست‌اندازی است. حتماً برخی از استارت‌آپ‌ها و فعالان آسیب خواهند دید و برخی از آنها این تهدیدها را تبدیل به فرصت و پیشرفت می‌کنند. برخی دیگر هم منتظر می‌مانند تا از این

که پیش از این فیلتر شدن «توییتر» و «تلگرام» این پلتفرم‌ها را از دسترس مردم خارج نکرده بود. در این وضعیت راهکار جدیدی اتخاذ شد تا اگر استفاده از پلتفرم‌های فیلتر شده متوقف نشد، دست کم استفاده از ابزارهای دور زدن فیلترینگ برای دسترسی به آنها دشوار شود؛ بنابراین در هفته پایانی ماه مهر VPها مختل شدند و همچنان هم با اختلال و کندی مواجه هستند.

از سوی دیگر اخباری مبنی بر فعال شدن نزدیک به ۱۰۰ ماهواره «استارلینک» در ایران منتشر شده بود اما مسوولان حوزه ارتباطات کشور تاکید کرده‌اند ارائه خدمات اینترنت ماهواره‌ای باید بر اساس ضوابط ایران باشد. این پروژه ایده اصلی «ایلان ماسک»، میلیاردر علاقه‌مند به فضاست که هدف آن فراهم کردن پوشش گسترده اینترنت با پرتاب هزاران ماهواره کوچک به مدار نزدیک زمین است؛ این پروژه می‌تواند انقلابی در دسترسی به اینترنت پرسرعت در سراسر جهان ایجاد کند و با اتمام آن بسیاری از افراد جهان می‌توانند با کمترین تاخیر و به راحتی به اینترنت آزاد دسترسی پیدا کنند. با این حال سرنوشت اینترنت ماهواره‌ای در ایران مبهم است و اگر همه چیز خوب پیش برود شاید چند سالی طول بکشد تا این فناوری در ایران گسترش پیدا کند.

فیلتر شدن پلتفرم‌ها و سرویس‌های بین‌المللی، قطعی‌های چندساعته اینترنت در طول شبانه‌روز، از کار افتادن VPNها و فیلترشکن‌ها، افت شدید سرعت و کیفیت، کاهش پهنای باند کشور و اختلال در وضعیت اینترنت کشور مجموع وقایعی است که در راستای اعمال محدودیت برای اینترنت کشور رخ داده و هرچند اینترنت را مشابه آنچه در آبان‌ماه ۱۳۹۸ اتفاق افتاد، به‌طور کلی از دسترس خارج نکرد، اما دسترسی به آن را با درسرها و چالش‌های فراوان مواجه کرد. از نیازهای روزمره کاربران به اینترنت گرفته تا امکان فعالیت کسب‌وکارهای کوچک و متوسط تحت تاثیر این تحولات قرار گرفت. پیامدهای منفی این محدودیت‌ها اقتصاد دیجیتال ایران را هم بی‌بهره نگذاشت و به تبع آن، به کل اقتصاد کشور هم آسیب جدی وارد کرد. آمارهای مختلف منتشر شده از این خسارت‌های مالی توسط نهادها، شرکت‌ها و کسب‌وکارهای مختلف گواه زبان‌های جدی وارد شده به اقتصاد دیجیتالی است که مقرر شده تا سه سال دیگر به سهم هفت درصدی از کل اقتصاد کشور برسد.

با این حال ادامه‌دار شدن وضعیت فیلترینگ میزان استفاده کاربران از شبکه‌های اجتماعی و پیام‌رسان‌های فیلتر شده را کاهش نداده؛ همان‌طور

مشکلات جامعه فقط بحث فیلترینگ و محدودیت‌ها نبوده و به‌طور هم‌زمان شوک‌های روانی زیادی در جامعه وجود دارد. از سوی دیگر شرکت‌ها و به‌طور کلی کسب‌وکارها حدود دوسال ونیم به صورت دورکاری فعالیت می‌کردند و تمرین‌هایی انجام می‌شد تا بتوانند به صورت دورکاری فعالیت کنند که ناگهان همه چیز به صورت معکوس و فیزیکی شد



شرایط عبور کنیم تا دوباره تصمیمات جدی‌ای را برای فعالیتهای درازمدت خود بگیرند. او در ادامه گفت: این تصمیم، تصمیم سختی است. من از تمام فعالان حوزه فضای مجازی، فاوا و کسب‌وکارهای دانش‌بنیان می‌خواهم که تصمیم خودشان را بگیرند. برای آن دسته‌ای که به این جمع‌بندی رسیده‌اند که دیگر فعالیتی نکنند، آرزوی خیر و برکت بسیار دارم. اما آنهایی که می‌خواهند در این فضا بمانند باید از فضای نگرانی و غم خودشان را خارج و با شتاب بیشتری حرکت کنند تا آینده آینده دلپذیرتری باشد.

#### ■ درخواست ما بازگشت شرایط به حالت عادی است

اسلامی در ادامه بیان کرد: من هنوز هم در آینده امیدهای جدی‌ای را می‌بینم. اعتقاد دارم بعد از هر سختی، گشایشی در فضای کسب‌وکار ایجاد خواهد شد. چه بهتر بود که نگاه سیاستگذاران به شیوه‌ای هوشمند می‌بود که بدون هزینه‌دادن، گشایش و اتفاقات خوب برای این اکوسیستم و زیست‌بوم رقم بخورد. در حال حاضر هم که این اتفاقات سخت رخ داده؛ امید دارم که نقطه عطفی برای تغییرات، بهبودهای جدی و تحولات آتی باشد. مطمئن هستم که وضعیت کمی بهتر از الان خواهد شد. اینکه نه قانون و نه حکم قاضی‌ای برای این محدودیت‌ها آمده و مبتنی بر شرایط خاص امنیتی، تصمیم خاص شورای امنیت بوده، با رفع آن به شرایط عادی اینترنت برگردیم. آن زمان هم واتس‌آپ و اینستاگرام نماینده‌ای را در ایران نداشتند. پس این خواهش و درخواست جدی ما از حاکمیت است که شرایط را به حالت عادی برگرداند.

رییس هیات‌مدیره سازمان نظام صنفی رایانه‌ای استان تهران در ادامه افزود: پیش‌بینی من این است که برخی از گشایش‌ها اتفاق می‌افتد. ما انتظار داریم «یوتیوب» به عنوان یک مجموعه که می‌تواند برای بسیاری از فعالان یک دانشگاه باشد، آزاد شود. اعتقاد داریم که مجموعه «گوگل پلی» و مجموعه‌هایی که برای فعالیتهای مختلف به آن نیازمند هستیم، به حالت قبل برگردد. امیدوارم حتی «تلگرام» هم رفع فیلتر شود. بعضی اوقات سیاستگذاران از اینکه احساس عقب‌نشینی کنند، رویگردان هستند. امید من این است که در شروع سال ۱۴۰۲ وضعیت کمی بهتر از الان باشد. خیلی دوست داشتم که وضعیت خیلی بهتر می‌شد ولی در حال حاضر امید زیادی ندارم.

#### ■ استفاده از فیلترشکن: افزایش آسیب‌های امنیتی

حسین اسلامی استفاده از فیلترشکن‌ها را ابزاری برای افزایش آسیب‌های امنیتی می‌داند و در ادامه نیز می‌گوید: از طرفی از درآمد فیلترشکن‌ها که می‌دانم عدد هنگفتی است، اطلاعی ندارم. آن چیزی که درک می‌کنم دو موضوع است؛ یکی اینکه استفاده از فیلترشکن باعث می‌شود آسیب‌های امنیتی به بسیاری از مردم افزایش پیدا کند. موضوع بعدی این است که دسترسی‌هایی در اختیار جوانان و حتی کودکان قرار گرفته که مطمئنم خانواده‌های ایرانی فارغ از اعتقاداتی که دارند احساس خوشایندی نسبت به این موضوع ندارند و ما متأسفیم که این موضوع رخ داده است. اینکه حجم زیادی از مردم با فیلترشکن‌ها وصل باشند و انرژی و هزینه‌های زیادی را مصرف کنند، کاملاً غیرمنطقی است. ما نباید مبتنی بر محدودیت حداکثری رفتار کنیم و باید به سمتی حرکت کنیم که فعالانه با برخی از دغدغه‌ها مقابله

کنیم. دغدغه‌هایی که مجموعه‌های نظارتی دارند را قبول دارم ولی نحوه راه‌حل این مجموعه‌ها را مناسب و سازنده کسب‌وکارها نمی‌دانم.

#### ■ تکنولوژی اینترنت ماهواره‌ای فراگیر خواهد شد

اسلامی همچنین در خصوص استفاده از اینترنت ماهواره‌ای «استارلینک» در کشور به «جهان‌صنعت» گفت: توصیه ما در خصوص استفاده از اینترنت ماهواره‌ای «استارلینک» این است که مجموعه خدمات‌دهنده‌ای که وارد می‌شوند مبتنی بر قوانین کشورها باشند. اما به‌طور کلی فناوری‌ها به گونه‌ای هستند که دیر نخواهد بود نیازی به بسیاری از مجوزها برای ارائه خدمات نخواهیم داشت. برآورد این است که تا ۵ سال آینده نحوه و تغییرات تکنولوژی به سمتی خواهد رفت که عامه مردم نیازی به اینترنتی که در حال حاضر در اختیار دارند، نخواهند داشت.

#### ■ مجموعه‌ها باید به صورت مداوم انتقادکننده باشند

رییس هیات‌مدیره سازمان نظام صنفی رایانه‌ای استان تهران در پایان خاطر‌نشان کرد: مجموعه تشکل‌ها باید به سمتی حرکت کنند که به صورت مداوم انتقادکننده باشند. اتفاقاً خیلی علاقه‌مند هستیم تا پیشنهادهای را ارائه کنیم، ولی چنین کاری نیازمند این است که سرمایه اجتماعی افزایش پیدا کند. یکی از کارهای جدی‌ای که دولت می‌تواند انجام دهد، موضوع آزادسازی اینترنت و بازگشت به زمان شهریورماه است. از سوی دیگر از بخش خصوصی هم درخواست داریم پیشنهادهای خود را راجع به موضوعات مختلف به صورت مکتوب ارائه کنند. نباید صرفاً انتقادکننده باشیم، باید پیشنهاددهنده هم باشیم. بسیاری از قوانینی که به سمت مجلس می‌روند نیازمند آن است که تصمیم‌سازان جدی‌ای را در اختیار داشته باشیم و مرکز پژوهش‌های مجلس به تنهایی نمی‌تواند این کارها را انجام دهد. در حوزه تخصصی مانند حوزه فاوا در نظام صنفی رایانه‌ای استان تهران، اعلام آمادگی می‌کنیم که در کنار مرکز پژوهش‌های مجلس تصمیم‌سازی‌های لازم را انجام دهیم و قبل از اینکه موضوعی به سمت تصویب برود در همان نقطه شروع مطرح شدن مساله و راه‌حل آن، در کنار دوستان باشیم.

#### ■ محدودیت دسترسی عرضه‌کنندگان کالا و خدمات به بازار

رییس هیات‌علمی آکادمی برند ایران در خصوص خساراتی که به کسب‌وکارهای اینترنتی وارد شده است به «جهان‌صنعت» گفت: زمانی که در مورد شوک و آسیب‌خوردن کسب‌وکارها صحبت می‌کنیم، یکی از بحث‌ها این است که این کسب‌وکارها در فضای مجازی فیلتر شده‌اند و دسترسی آن‌ها به تبلیغات ارزان و مشتری‌ها از دست رفته است. توانایی بندسازی بسیار محدود شده است. هزینه‌های فروش جدید بسیار بالا رفته است؛ تمامی این موارد به این دلیل است که با حضور در شبکه‌های اجتماعی می‌توانستند مشتری‌های زیادی را با هزینه کم و منطقی به دست آورند. همچنین اغلب کاربران فارغ از اینکه مسوولان به صورت رسمی چه می‌گویند؛ کاهش سرعت، کاهش پهنای باند اینترنت قطعی‌های مکرر را تجربه کرده‌اند. تمام این عوامل



باعث شده تا دسترسی عرضه‌کنندگان کالا و خدمات به بازار محدود شود.

#### ■ آسیب‌های شدید فیلترینگ فضای مجازی

دکتر شهریار شفیعی در ادامه بیان کرد: اگر به گذشته نگاه کنیم، بیماری کرونا را شاهد هستیم؛ بیماری‌ای که بسیاری از افسراد، نزدیکان خود را از دست دادند. از آن بیماری زمان زیادی نگذشته و تقریباً می‌توانیم بگوییم که از اواخر بهار و تابستان ۱۴۰۱ اعلام شد که مرگ‌ومیر بیماری کرونا کاهش پیدا کرده و افراد از این بیماری احساس خطر نمی‌کردند. در آن دوران تعداد بسیاری از کسب‌وکارهای خرد و مغازه‌ها بسته شدند و ارتباطات کاهش پیدا کرد. بنابراین شرایط به گونه‌ای شد که همه به فضای مجازی پناه بردند. بعد از شوکی که از بیماری کرونا به وجود آمد مردم با فاصله کمی با شوک جدید دیگری روبه‌رو شدند. او در ادامه افزود: در شرایطی که اغلب مردم به فضای مجازی کوچ کرده بودند و خودشان را ساکن و کاسب فضای مجازی می‌دانستند، ناگهان فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی بسته شد. ما در آکادمی برند ایران که به صورت فیزیکی فعالیت می‌کردیم، هزینه‌های بسیار زیادی را پرداخت کردیم تا آموزش مجازی را راه‌اندازی کنیم. بعد از این داستان‌ها از اوایل پاییز دسترسی‌ها به فضای مجازی سخت و اینترنت با کاهش سرعت همراه شد. همچنین زمانی که در تلاش بودیم که به صورت مجازی آموزش‌هایی را ارائه کنیم، نه تنها تصویر افراد بلکه صوت هم منتقل نمی‌شد. او ادامه داد: در نهایت نه تنها ما بلکه همه افراد با آسیب‌های شدیدی مواجه شدند. از طرفی این شوک‌ها به صورت ترکیبی است. ما حتی شاهد مباحث اجتماعی هم در این دوران بودیم و هزینه‌های بسیاری را پرداخت کردیم. همین مباحث اجتماعی باعث شد تا ناراحتی‌های روحی و روانی در جامعه شکل بگیرد. در نهایت همین افراد، کسانی بودند که کسب‌وکارها را مدیریت می‌کردند و این تنش‌ها و ناراحتی‌ها به آنجا هم انتقال یافت. در حالی که این مشکلات همچنان پابرجاست و حل نشده با شوک جدید دیگری که تغییرات نرخ ارز است، مواجه شدیم. در نهایت مشکلات جامعه فقط بحث فیلترینگ و محدودیت‌ها نبوده و به‌طور هم‌زمان شوک‌های روانی زیادی در جامعه وجود دارد. وی در ادامه گفت: از سویی دیگر شرکت‌ها و به‌طور کلی کسب‌وکارها حدود دو سال ونیم به صورت دور کاری فعالیت می‌کردند و تمرین‌هایی انجام می‌شد تا بتوانند به صورت دور کاری فعالیت کنند که ناگهان همه چیز به صورت معکوس و فیزیکی شد. از طرف دیگر نرخ دلار از تابستان تا به امروز ۱۰۰ درصد رشد داشته است. فارغ از اینکه مسوولان چه اعداد و ارقامی را مطرح می‌کنند، زمانی که می‌خواهیم دلار را خریداری کنیم با قیمت واقعی آن مواجه می‌شویم.

#### ■ کاهش سرعت رشد کسب‌وکارهای اینترنتی

رییس هیات‌علمی آکادمی برند ایران در ادامه افزود: در حال حاضر در حوزه مشاوره با تعداد زیادی از کسب‌وکارها روبه‌رو هستیم که این کسب‌وکارها تقریباً فلج شده‌اند و هیچ خرید و فروشی را نمی‌توانند انجام دهند. در نهایت باعث می‌شود تا کسب‌وکارها قفل شوند. این رکورد و قفل شدن باعث می‌شود که کسب‌وکارها مجبور شوند که هیچ معامله‌ای را انجام ندهند. به این دلیل که نمی‌دانند با چه هزینه تمام‌شده‌ای این معامله را امضا کنند. تمام این موارد

انتظار داریم «یوتیوب» به عنوان یک مجموعه که می‌تواند برای بسیاری از فعالان یک دانشگاه باشد، آزاد شود. اعتقاد داریم که مجموعه «گوگل پلی» و مجموعه‌هایی که برای فعالیتهای مختلف به آن نیازمند هستیم، به حالت قبل برگردد. امیدوارم حتی «تلگرام» رفع فیلتر شود. بعضی اوقات سیاستگذاران از اینکه احساس عقب‌نشینی کنند، رویگردان هستند



ضرر است و به کاهش سرعت رشد کسب و کارها منجر می‌شود. اما متأسفانه هزینه‌ها وجود دارد. شما نمی‌توانید حقوق کارمندان خود را پرداخت نکنید. به این دلیل که اگر حقوق قطع شود نه تنها کار به خوبی پیش نمی‌رود بلکه نیروهای متخصص را هم از دست می‌دهید.

شاید به‌ظاهر هزینه‌ها کاهش داشته اما در باطن منابع انسانی خود را فروخته‌اید. اگر این شرایط برای یک یا چندصد کسب و کار بود به عنوان آسیب شناخته می‌شد اما زمانی که در سطح یک جامعه اپیدمی می‌شود، یک فاجعه است. شهریار شفیعی در خصوص وضعیت وعده‌های حمایتی دولت از کسب و کارها گفت: آن چیزی که من در عمل دیده‌ام، چنین وعده‌ای را شاهد نبودم که کسب و کاری توانسته باشد این وام را دریافت کند. شاید چنین بسته‌هایی وجود دارد ولی من ندیده‌ام. همچنین با تعداد بسیار زیادی از بنگاه‌ها روبرو هستیم و همه این بنگاه‌ها پیگیری‌هایی را انجام داده‌اند ولی تا به حال هیچ کدام از آنها چنین بسته‌ای را دریافت نکرده‌اند. شاید مسوولان آمارهایی را در این زمینه مطرح کرده باشند. رییس هیات علمی آکادمی برند ایران در خصوص آینده کسب و کارهای اینترنتی به «جهان صنعت» گفت: صحبتی که رییس جمهور در این خصوص داشتند این بود که باید اینترنت به حالت سابق برگردد. دستوری که معنی مشخصی دارد. یعنی حداقل کاهش سرعت و کاهش پهنای باند باید رفع شود. این دستور در عین حال که نشان می‌دهد بر خلاف نظر وزیر ارتباطات است، اما کاهش پهنای باند در کشور را تایید می‌کند.

شفیعی در پایان گفت: پیش‌بینی من این است که این وضعیت به همین شکل باقی می‌ماند. من اراده‌ای را نمی‌بینم که بخواهد این مشکلات را حل کند. اراده اصلی مسوولان روی مباحث سیاسی است. بعید می‌دانم که آزادسازی شبکه‌های اجتماعی محقق و فیلترینگ برداشته شود. به این دلیل که فضای مجازی و به خصوص «اینستاگرام» را نوعی تهدید می‌بینند، اما خواهش من این است که حداقل پهنای باند را افزایش دهند و به حالت ثابت برگردانند تا از دنیا عقب نمانیم.

### «طرح صیانت»، طرحی نامبارک

عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی در خصوص وضعیت نامطلوب اینترنت در گفت‌وگو با «جهان صنعت» گفت: اتفاق بسیار نامبارکی که برای کشور ما طی این زمان‌ها رخ داد و یک خلط مبحثی با بحث حمایت، حفاظت و صیانت از مردم به وجود آمد، این بود که طرحی تحت عنوان «طرح صیانت» ارائه شد که نام‌های مختلفی هم برای آن گذاشته شد، اما اصل ماجرا محدود کردن دسترسی به اطلاعات بود. اولین نکته‌ای که به عنوان یک امر نامبارک مطرح شد، بحث مداخله بسیار نامربوط در حق بشری افرادی بود که در کشور ما زندگی می‌کردند، به این علت که در همه جای دنیا و طبق تمام قوانین بین‌المللی، حق دسترسی به اطلاعات آزاد باید برای همگان وجود داشته باشد و دولت‌ها باید این دسترسی‌ها را تامین کنند. دکتر صدیقه بیران در ادامه بیان کرد: در حال حاضر به جهت اینکه افراد به شدت در تلاشند تا در عصر اطلاعات حاضر باشند و با ورود فناوری‌های نوین هم مواجه شدند و از طرفی اقتصاد، سیاست، فرهنگ، بهداشت و آموزش دنیا در گرو این زیرساخت است و بیشتر هم خواهد شد؛ این ماجرا که به عنوان یک نگرانی، از افراد حراست و صیانت کرده و صورت‌مساله را پاک کنیم، اصلاً منطقی نیست. این کار بسیار اقدام بی‌خرانه و بی‌تدبیری است.

### ۹ تا ۱۱ میلیون نفر بیکار شدند

بیران در ادامه افزود: در طول این مدت در حوزه فناوری شاید به اندازه کشورهای توسعه‌یافته، توسعه نداشتیم اما به هر صورت با توجه به اینکه به یک زیرساخت نصف‌ونیمه‌ای از این فناوری دست پیدا کرده بودیم و مشاغل بسیاری در عرصه اینترنت شکل گرفت و از این روش درآمد کسب می‌کردند، با بهانه‌های متعدد شبکه‌های اجتماعی یکی پس از دیگری از میدان خارج شدند. این امر سبب شد نزدیک به ۹ تا ۱۱ میلیون نفر کسب و کارشان را از دست بدهند. حتی اگر درصدی هم کسب و کارشان به‌طور کامل از بین نرفت اما رونق فعالیت اقتصادی خود را از دست دادند. وی در ادامه گفت: در چنین شرایطی اصرار دوستان بر این بود که این کسب و کارها بر بستر یک شبکه ملی که به هیچ‌وجه



شکل نگرفته بود، فعالیت اقتصادی خود را ادامه دهند؛ شبکه‌ای که حتی تا به این لحظه هم کامل نشده است. اینکه مسوولان اصرار دارند که به شبکه‌های اجتماعی بومی وارد بشویم بسیار اتفاق مبارکی است، ولی شرط آن این است که اگر قرار است این شبکه جایگزین شبکه‌های جهانی باشد باید تسهیلات لازم را برای افراد فراهم کند.

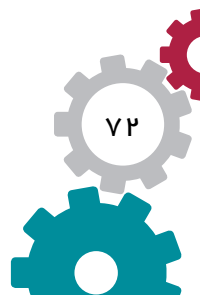
صدیقه بیران در خصوص ادعای وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات مبنی بر اینکه ۶۰ درصد مردم و کسب و کارها به پیام‌رسان‌های داخلی وارد شده‌اند، گفت: به نظر می‌آید این آمار و ارقام هم مانند باقی آمارهایی است که از دولت استخراج می‌شود و جزو آرزوهایست. این ادعا مانند این می‌ماند که در یک بیابان مغازه‌ای را راه‌اندازی کنید و بگویید بسیاری ارزان‌تر است. چطور ممکن است در این فضا مشتری وجود داشته باشد. بنابراین بر چه مبنایی چنین ادعایی مطرح شده است. به نظر می‌رسد کارشناسانی که در خدمت وزارت ارتباطات هستند باید با دقت بیشتری آمار و ارقام را ارائه کنند.

### استفاده از فیلتر شکن، یک ضرر دوجانبه

عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی در ادامه افزود: یکی دیگر از کارهای بسیار نامطلوبی که انجام گرفت، کاهش پهنای باند اینترنت بود. همچنین بحث بسیار مهم‌تر که باعث یک ضرر دوجانبه شد این بود که نه تنها حقوق دسترسی به اطلاعات سلب شد و کسب و کار و آموزش‌ها تحت تاثیر قرار گرفتند بلکه باعث شد افراد بسیار زیادی به استفاده از فیلتر شکن‌ها روی بیاورند. ابزاری که بسیار ناامن است و می‌تواند به حریم خصوصی کاربران ورود پیدا کند. بنابراین نه تنها یک مشکل را حل و آن را درمان نکردیم، بلکه چندین درد جدید هم به ماجرا اضافه شد و هر روز هم که می‌گذرد شرایط بدتر می‌شود.

بیران در پایان خاطر نشان کرد: اگر شرایط نسبت به قبل پایدارتر شده است حداقل باید بخشی از مشکل اینترنت را برطرف می‌کردند. اگر تمام این موارد را کنار بگذاریم مهم‌ترین چیزی که دولت از دست داد، میزان اعتماد عمومی است و این موضوع بسیار خطرناک است. به‌طور کلی این اشتباهاتی است که در مجموع انجام و باعث شده که دولت قابلیت اعتماد و اطمینان بخشی نسبت به ملت را از دست بدهد.

یکی دیگر از کارهای بسیار نامطلوبی که انجام گرفت، کاهش پهنای باند اینترنت بود. همچنین بحث بسیار مهم‌تر که باعث یک ضرر دوجانبه شد این بود که نه تنها حقوق دسترسی به اطلاعات سلب شد و کسب و کار و آموزش‌ها تحت تاثیر قرار گرفتند بلکه باعث شد افراد بسیار زیادی به استفاده از فیلتر شکن‌ها روی بیاورند. ابزاری که بسیار ناامن است و می‌تواند به حریم خصوصی کاربران ورود پیدا کند





# رویایی به وسعت چند متر



بخش چشمگیری از سهم سبد خانوارهای ایرانی به هزینه‌های مسکن مربوط می‌شود. قیمت افسارگسیخته آن و رشدی که در این چند سال داشته است، باعث شده که خیلی از ایرانیان بیشتر در آمد خود را صرف هزینه‌های این شاخص کنند. در تمام دنیا موضوع هزینه‌های مسکن کاملاً جدی تلقی می‌شود. دولتمردان در سایر کشورها تلاش می‌کنند که با راهکارها و سیاست‌های مختلف این هزینه‌ها را کنترل کنند و اجازه ندهند که بخش زیادی از سبد خانوار را به خود اختصاص بدهد. بر اساس استانداردهای جهانی، هر فرد شاغل باید یک‌سوم در آمد خود را برای هزینه‌های مسکن کنار بگذارد. آیا اما در کشور ما نیز همین قاعده برقرار است؟ آیا ایرانی‌ها هم تنها یک‌سوم در آمد خود را صرف هزینه مسکن می‌کنند؟ به نظر می‌آید پاسخ این سوال منفی باشد.

است که در دنیا، شاخص این عدد ۱۸ درصد است و گاهی به ۲۵ درصد نیز می‌رسد.

در وضعیتی که تورم رشد افسارگسیخته‌ای دارد، نمی‌توان توقع زیادی از بهبود بازار مسکن داشت. گرانی معضل بزرگی است که هر روز هم بیشتر می‌شود. از سوی دیگر ساخت‌وساز نیز به کمترین حد خود در چند سال گذشته رسیده است. در نتیجه، عرضه مسکن کمتر شده و قیمت‌ها افزایش پیدا کرده‌اند.

بررسی آمارهای بانک مرکزی نیز نشان می‌دهد که تعداد معاملات مسکن در مقایسه با گذشته کمتر شده است، چرا که قدرت خرید مردم پایین آمده است. زمانی که در انتهای پاییز ۱۴۰۱ تعداد معاملات افزایش پیدا کرده بود، برخی‌ها تصور می‌کردند رونق به بازار معاملات مسکن برگشته است، در حالی که کارشناسان می‌گویند این افزایش ناشی از تقاضای سوداگرانه در بازار بوده است.

از سوی دیگر، بررسی وضعیت وام مسکن و هزینه‌های آن نیز به روشنی نشان می‌دهد که دریافت این تسهیلات دیگر به صرفه نیست. هزینه دریافت وام مسکن برای متاهلان و مجردهای تهرانی افزایش پیدا کرده است. در نتیجه گرفتن این وام برای متقاضیان دشوارتر از گذشته است. بسیاری از کارشناسان و تحلیلگران بازار مسکن هشدار داده‌اند که در صورت عدم کنترل نرخ تورم، صعود قیمت دلار و نبود نظارت درست بر قیمت مسکن، این بازار در سال آینده نیز دچار همین مشکلات خواهد بود و شاید حتی وضعیت را بحرانی‌تر کند به این ترتیب خرید مسکن عملاً غیرممکن می‌شود و کل بازار به دست سوداگران و دلالان خواهد افتاد؛ فاجعه‌ای که در وضعیت کنونی، چندان دور از انتظار نیست.

وجه اشتراک دوره‌های رکود مسکن، کم شدن قدرت خریدار است. رشد بی‌رویه قیمت خانه در ماه‌های گذشته بدون تغییر در وضعیت درآمد مردم، موجب شد تا خانه‌دار شدن برای بسیاری از افراد به یک امر ناممکن تبدیل شود. بنابراین بسیار منطقی است تا تغییری در توان خریدار و قیمت‌ها رخ ندهد، رکود به پایان نخواهد رسید. بر اساس آمارهایی که از سوی مرکز آمار ایران منتشر شده، تورم نقطه‌ای کشور در قیاس با نخستین ماه زمستان سال گذشته به ۵/۱۳ درصد رسیده و در قیاس با آخرین ماه پاییز گذشته نیز رشد ۲/۸ درصدی داشته است.

در حال حاضر وضعیت تورم مسکن بسیار بحرانی است. روزبه‌روز بر قیمت‌ها افزوده می‌شود و آمارها هم نشان‌دهنده همین مساله هستند. در قیاس با نخستین ماه زمستان سال گذشته، قیمت مسکن در نخستین ماه زمستان سال ۱۴۰۱، با ۳۹/۵ درصد رشد مواجه بوده است. این وضعیت خرید و فروش مسکن در بازار اجاره آن نیز تاثیر گذاشته، به نحوی که تورم نقطه‌ای آن به ۳۹/۴ درصد رسیده است. آمارهای منتشر شده به خوبی حاکی از آن هستند که هنوز هم بخش زیادی از سبد خانوار ایرانی به مسکن اختصاص پیدا می‌کند. در واقع این موضوع چند سالی است که تکرار می‌شود و تقریباً نیمی از هزینه‌های خانواده‌ها مربوط به مسکن است، این در حالی است که تامین مسکن در سال گذشته، ۳۶ درصد بودجه خانوارهای ایرانی را می‌بلعید.

از سوی دیگر، مرکز پژوهش‌های مجلس نظر دیگری دارد. رییس این مرکز در خصوص سهم مسکن از هزینه‌های خانواده گفته بود که حدود ۶۰ الی ۷۰ درصد سبد خانوار مربوط به هزینه‌های مسکن است. این در حالی



احسان نیازمند

هدف اقسشار مختلف مردم از خرید و فروش در بازار مسکن، تلفیقی از رفع نیاز و سرمایه‌گذاری است. مسکن، از جمله بازارهای جذابی است که توانسته طی سال‌های گذشته بخش بزرگی از سرمایه افراد را به خود جذب کند. گرچه سوددهی بالای مسکن در چند سال اخیر به این مساله دامن زده، اما در طول زمان، تمایل افراد نسبت به سرمایه‌گذاری در این بازار، با فراز و فرود همراه بوده است.

وضعیت اقتصادی، میزان درآمد، حجم ساخت‌وساز، نرخ تورم و قیمت دلار به همراه مسائل دیگر، بر رکود و رونق بازار مسکن تاثیر می‌گذارد. در شرایط کنونی، وضعیت ناپسندمان و آشفته بازار مسکن باعث شده که بسیاری از ایرانیان بخش زیادی از هزینه‌های خود را به مسکن اختصاص دهند. تورم روزافزون نیز شرایط را بغرنج‌تر و دشوارتر می‌کند.

خرید و فروش مسکن در طول زمان، به پیچیدگی زمان حال نبرده است. در واقع پیشرفت بازارهای موازی و تاثیرپذیری مسکن از آنها، پیچیده‌تر شدن روابط سیاسی و گردش پول در معاملات، به مرور بر تعداد متغیرهای موثر بر پیش‌بینی قیمت مسکن افزوده است. مهم‌ترین

## تأثیرات گرانی دلار بر بازار مسکن

سیدمحمود فاطمی عقدا\* - با توجه به شرایط

کنونی و روندی که در بازار شاهد آن هستیم و همچنین عقب بودن دولت از برنامه‌های مسکنی، به احتمال قوی سال آینده، سال چندان خوبی برای بازار مسکن نخواهد بود. در این مدت انتظار می‌رفت اقداماتی برای تولید مسکن از سوی دولت انجام شود. حداقل انتظار می‌رفت پروژه‌هایی که در دولت‌های پیشین شروع شده بودند، به سرانجامی برسند و تحویل متقاضیان شوند؛ موضوعی که همچنان محقق نشده است. از سوی دیگر افزایش هزینه‌های مصالح، حمل‌ونقل، نیروی کار و سایر موارد می‌توانند روی افزایش قیمت تمام‌شده مسکن و بالطبع روی قیمت مسکن در بازار تاثیر گذار باشند. تحولات اخیر بازار مسکن نیز حاکی از آن است که همواره شاهد افزایش قیمت مسکن در پایان سال بوده‌ایم. چنانچه دولت در سال آینده بتواند با نیرویی خوب و جدیت هر چه تمام‌تر به مبحث سالم‌اندازی بازار مسکن با عمل به سیاست‌ها و تعهداتی که به ملت دلخته، ورود پیدا کند، شاید بتوانیم شاهد برقراری شرایط مناسبی در بازار باشیم.



همچنین لزوم برنامه‌ریزی دقیق و اقدامات مناسب در خصوص بازار اجاره محسوس است. چنانچه همانند سالی که گذشت بازار اجاره به حال خود رها شود و از طرفی افزایش قیمت نیز در بخش مسکن داشته باشیم، قطعاً بازار اجاره‌بها متلاطم خواهد بود و شرایط سختی برای مستأجران حاکم می‌شود.

افزایش قیمت‌ها در بازار ارز از دو جهت قابل بررسی است؛ یکی اینکه همچون گذشته با توجه به وضعیتی که اقتصاد ایران طی این سال‌ها تجربه کرده است، افزایش نرخ ارز منجر به خروج سرمایه از سایر بازارها و حرکت به سمت بازار ارز خواهد شد و با توجه به سود بالایی که در کوتاه‌مدت نصیب عده‌ای می‌شود، این امر انکارناپذیر است. موضوع دیگر در این خصوص این است که افزایش نرخ ارز در بازار بر تمامی اجناس تاثیر گذار است. متأسفانه حتی مواردی که با مبحث ارز مرتبط نیستند نیز به علت افزایش نرخ ارز و تلاطمات بازار تحت تاثیر قرار می‌گیرند. بنابر این افزایش نرخ ارز روی قیمت مصالح ساختمانی، دستمزد نیروی انسانی، حمل‌ونقل و بسیاری از موارد اثر گذار خواهد بود. اینها مواردی هستند که با قیمت تمام‌شده مسکن ارتباط مستقیم دارند.

\* رییس پیشین مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرسازی



### خلق نقدینگی سرطان اقتصاد کشور



**علیرضا محمدی\*** - با در نظر داشتن افزایش سرسام آور قیمت دلار و ناتوانی دولت در کنترل و به ثبات رساندن این نرخ، بیشتر بازارها از جمله بازار مسکن با افزایش در قیمت‌ها روبه‌رو خواهند شد. بازار مسکن کمی با تاخیر نسبت به سایر بازارها خودش را با تغییرات نرخ دلار وفق می‌دهد. اما با توجه به اینکه در سال آینده قطعاً شاهد تداوم افزایش نرخ دلار خواهیم بود، گرانی هر چه بیشتر واحدهای مسکونی دور از ذهن نیست.

از طرفی با افزایش نرخ دلار شاهد افزایش بسیار زیادی در نرخ نهاده‌های ساختمانی خواهیم بود؛ میلگرد، سیمان و بقیه مصالحی که بعضاً وارداتی هستند. این موضوع نیز مزید بر علت خواهد بود. به نظر می‌رسد شاهد افزایش چشمگیری در بازار مسکن در سال آینده باشیم. نکته حائز اهمیت دیگر این است که دولت در خصوص تحقق بیشتر شعارهایی که داده بود، ناتوان بود، از جمله شعار ساخت چهار میلیون واحد مسکونی طی چهار سال در قالب طرح نهضت ملی مسکن؛ طرحی که شاید می‌توانست کمک خیلی کوچکی به بازار مسکن بکند. با این وجود دولت قادر به انجام این طرح نبود. شهرداری‌ها نیز اقدام به سخت‌تر کردن و محدودسازی ضوابط لازم در خصوص اضافه طبقه کرده‌اند. در حال حاضر در پروانه‌های ساختمانی «اضافه اشکوب» برای متراژهای کمتر از حد معینی داده نمی‌شود. متأسفانه مسکن در ایران بازاری سرمایه‌ای است. این سرمایه سرگردان و نقدینگی‌ای که این دولت و دولت‌های پیشین به وجود آورده‌اند، سرطان کل اقتصاد ماست. بخشی از این نقدینگی در سال ۱۴۰۰ در ثبت‌نام خودروها، بازار ارز و طلا وارد شد. حتی اگر با نگاهی تکنیکال به نمودار بازارهای موازی بنگریم، می‌بینیم که شاید به ثباتی چند ماهه برسند. در چنین وضعیتی این سرمایه‌ها به سمت بازار مسکن حرکت خواهند کرد؛ موضوعی که دلیل دیگری برای افزایش قیمت مسکن به شمار می‌رود.

از سوی دیگر باید توجه داشت که در سال ۱۴۰۱ نسبت به سال ۱۴۰۰ آمار ارائه شده توسط شهرداری در خصوص صدور مجوزهای ساختمانی بسیار کمتر از سال‌های پیش بود، یعنی در واقع تولید مسکن کمتر شد. این تقاضا قابل افزایش است. این موضوع نیز می‌تواند از دلایل افزایش قیمت مسکن و برهم زدن نسبت عرضه و تقاضا در سال آینده به شمار برود. احتمال می‌رود شیب صعودی قیمت مسکن در سال ۱۴۰۲، تندتر از سال ۱۴۰۱ باشد، مگر اینکه گشایش‌هایی در اقتصاد کلان کشور رخ بدهد. به عبارتی اگر برجام دوباره احیا شود یا اینکه بتوانیم به FATF بپیوندیم، شرایط به گونه دیگری رقم خواهد خورد. اما با توجه به سیاست‌های دولتمردان این وقایع بعید به نظر می‌رسد. کشورهایی مثل چین و روسیه که سیاست‌هایمان را به آنها گره زده‌ایم، در حال سنگ‌اندازی هستند، چرا که این اتفاق با منافع آنها سازگار نیست. کشور ما نیز پیرو سیاست‌های چین و روسیه پیش می‌رود. در مجموع بعید به نظر می‌رسد که گشایش خاصی در مسائل اقتصادی کشور اتفاق بیفتد. بنا به دلایل مذکور شیب صعودی قسمت مسکن در سال ۱۴۰۲، تندتر از ۱۴۰۱ خواهد بود.

در خصوص بازار اجاره نیز باید گفت با توجه به تعادلی که همواره میان قیمت مسکن و اجاره وجود داشته است، اجاره همیشه ضریبی از قیمت مسکن محسوب می‌شود. اجاره‌بهای واحدهای مسکونی با توجه به افزایش قیمتی که در بازار مسکن رخ داده، نسبت به قیمت خود مسکن رشد نکرده است. به نظر می‌رسد در سال جدید رشد بیشتری در بازار اجاره را شاهد باشیم. یعنی اگر شیب اجاره‌بها مطابق با رویه ۵۰،۴۰ سال گذشته بخواد خودش را با قیمت مسکن تطبیق دهد، شاهد رشد اجاره مسکن نیز خواهیم بود. به عبارتی اجاره مسکن ظرفیت این را دارد که شیب تندتری پیدا کند، در حال حاضر تعادلی میان اجاره‌بها و قیمت واحدهای مسکونی وجود ندارد.

\* کارشناس حوزه مسکن

### چرخه معیوب در سازمان‌های دولتی عامل افزایش قیمت



**فرشید پورجاجتی\*** - به‌طور کلی دو گروه از فعالان صنعت ساختمان در حوزه تولید مسکن مشغول به فعالیت هستند. بخشی از آنها افرادی هستند که با سرمایه شخصی خود صفر تا صد پروژه را بدون مداخله دولت تعریف می‌کنند؛ اشخاصی که در زمین‌های خود اقدام به ساخت‌وساز کرده‌اند و روند تولید واحدهای مسکونی را نیز خودشان بر عهده می‌گیرند. اینها همان ساخت‌وسازهای شهری هستند.

بخش دوم فعالیت‌ها ساخت‌وسازهایی هستند که دولت در قالب طرح‌های مختلف اعم از مسکن مهر، اقدام ملی یا جهش تولید مسکن در حال برنامه‌ریزی آنهاست. فعالان این بخش کسانی هستند که در قالب بیمه‌تکالی برای دولت و مردم اقدام به تولید مسکن می‌کنند. چیزی که بدیهی است این است که نرخ‌گذاری در طرح‌های دولتی توسط دولت انجام شده و چیزی که امروز مشاهده می‌کنیم، فوران قیمت‌های نهادهای تولید ساختمان اعم از فولاد، سیمان و سایر مصالح است. لزوم تجدید نظر دولت در خصوص نرخ‌ها و تعدیل‌هایی که در حوزه قراردادهای دولتی صورت می‌گیرد، محسوس است. به نظر می‌رسد اگر این اتفاق رخ ندهد باید شرایط مبهم و نامشخصی را برای این پروژه‌ها متصور بود.

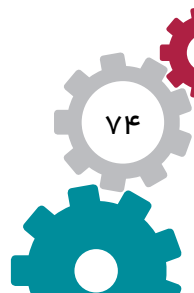
آنچه در خصوص ساخت‌وسازهای شهری رصد می‌شود، این است که شرایط مساعدی در سال ۱۴۰۱ وجود نداشته است. با وجود تمام فراز و فرودهایی که در سال ۱۴۰۱ وجود داشت، تکانه‌های شدیدی که در حوزه اقتصادی کشور رخ داده و تورم لجام‌گسیخته‌ای که در کشور و به‌طور خاص در دو سه ماهه پایانی سال داد، موید این موضوع است که در سال آینده شاهد یک افزایش قیمت شدید در حوزه مسکن کشور خواهیم بود. به عبارتی هنگامی که نهادهای تولید مشمول افزایش قیمت شوند، تولیدکنندگان بخش مسکن نیز به ناچار مجبور به تولید کالا با قیمت‌های جدید و با هزینه‌های سنگین هستند؛ کالاهایی که در این بازار عرضه می‌شوند. آن‌طور که پیداست وضعیت تولید مسکن در سال ۱۴۰۱ نامساعد بود. این کاهش تولید مسکن در کشور تبعات خاص خودش را در آینده به لحاظ اقتصادی خواهد داشت. بازار مسکن تابعی از عرضه و تقاضا است. مادمی که عرضه کاهش پیدا کند و تقاضای انباشته چند ساله‌ای داشته باشیم، قطعاً تاثیرش را خارج از مولفه‌های تولید بر بازار خواهد داشت.

به نظر می‌رسد در سال ۱۴۰۲ افزایش قیمت مسکن کم‌اکان بر مدار خود خواهد بود. مسکن ارزان دیگر در ساز و کار تولید مسکن کشور وجود نخواهد داشت. در هر صورت باید گفت که سال آینده بخشی از افزایش قیمت‌ها را نیز باید از دیدیه‌پشت‌ماهه به بعد در سیاست‌های کلی حوزه مسکن پیش‌بینی کرد. افزایش حقوق و دستمزد و هزینه‌های مرتبط با دستگاه‌های خدمات‌رسان به خصوص شهرداری‌ها، سازمان‌های نظام مهندسی و حتی شرکت‌های توزیع نیروی برق و سایر ادارات و سازمان‌های دولتی که خدمات‌رسان هستند به افزایش قیمت مسکن دامن می‌زنند.

از یک‌جانبه هیچ برنامه و سیاستی طی این سال‌ها برای حوزه مسکن دنبال نشده است. فضای کسب و کار نیز برای بخش خصوصی فراهم نشده است. تا دیروز فکر می‌کردیم عامل اصلی طولانی شدن روند دریافت مجوزهای ساخت‌وساز به ساختار اداری شهرداری‌ها برمی‌گردد، اما امروز می‌توان به راحتی عنوان کرد که سازمان‌ها و نهادهای تخصصی که باید خدمات مناسبی را در حوزه مسکن ارائه دهند، از مسیر اصلی خود منحرف و تبدیل به می‌نگاهای اقتصادی شده‌اند؛ سازمان‌هایی که علونین حرفه‌ای و تخصصی را نیز یدک می‌کشند. سازمان نظام مهندسی ساختمان یکی از عوامل اصلی طولانی بودن روند ساخت‌وساز است. باید توجه داشت که در حوزه اقتصاد هر چقدر دوران تولید کالا افزایش پیدا کند، توجه سرمایه‌گذاری کاهش پیدا می‌کند. در سراسر کشور به‌طور متوسط بیش از پنجاه درصد هزینه‌های ساخت‌وساز به هزینه خرید زمین مربوط می‌شود. نیمی از سرمایه بخش خصوصی که صفر تا صد پروژه را تعریف می‌کند، در دالان‌ها و بوروکراسی ایجاد شده توسط شهرداری‌ها و سازمان‌های نظام مهندسی قفل می‌شود؛ سرمایه‌ای که باید سریع‌تر به بازار برگردد و ایجاد تولید اشتغال کند. شوربخانه شاهد پدید آمدن ساخت‌وساز از این سازمان‌ها نیستیم. نهادهای متولی نیز متأسفانه هیچگونه نظارتی بر این موضوع ندارند. پروانه ساختمانی در خارج از کشور و در کشورهایی که اصلاً به توسعه صنعت ساختمان‌شان اعتقادی نداریم، شاید در مدت یک هفته صادر شود، چرا مسئولان کشور ما به رغم اینکه سال‌ها اعلام شده که روند دریافت پروانه ساخت‌وساز زمان‌بر است، سکوت کرده‌اند؟

به نظر می‌رسد بخش عمده‌ای از ساختار یا چرخه معیوب ساخت‌وساز کشور به ناکارآمدی و بوروکراسی‌ای که سازمان نظام مهندسی، شهرداری‌ها و سایر سازمان‌های دولتی ایجاد کرده‌اند، بازمی‌گردد. مسئولان نیز با یک نگاه دولتی پشت میزهای خود نشستند و هیچ توجهی به شرایط خاص و حد کشور در حوزه اقتصاد مسکن ندارند. به نظر می‌رسد در سال آینده نیز مانند سال‌های گذشته قرار نیست اتفاق مثبتی در بخش مسکن بیفتد. همین مسیری که تا به امروز ادامه داشته است، با شرايطی بسیار دشوارتر و فرار سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در حوزه مسکن رقم خواهد خورد و دست‌رسی به مسکن برای مردم به شدت دشوارتر خواهد شد.

\* عضو هیات‌مدیره کانون انبوه‌سازان







## قطع امید خانواده‌ها از مسکن

**بیت‌الله ستاربان** - کارشناسان برای پیش‌بینی وضعیت بازار مسکن تا پیش از سال ۱۴۰۰ قادر بودند روندی خاص را برای این بازار متصور باشند. در حال حاضر اگر تورم و شرایط نامساعد اقتصادی کشور با همین روال پیش برود، باید وضعیت وحشتناکی را برای آینده بازار مسکن متصور بود. ریشه بسیاری از مشکلات سیاسی و اجتماعی کشور در حوزه مسکن است، چرا که عدم دستیابی مردم به خانه استاندارد ناراضی‌های بسیاری را ایجاد می‌کند. همچنین عدم وجود امنیت روانی خانواده‌ها نوعی دل‌سردی از دولت را به بار می‌آورد؛ موضوعاتی که همگی از قبل پیش‌بینی شده بودند و در حال حاضر شاهد آن هستیم که همین اتفاقات رخ داده‌اند.

از این به بعد احساس قرار گرفتن در بن‌بست را خواهیم داشت. پس از سال ۱۴۰۰ بازار مسکن به بن‌بست رسید ناچاریم اقدام به ایجاد تغییرات اساسی و بنیادین در اقتصاد کشور کنیم. با این وضعیت اقتصادی نمی‌توان جامعه را اداره کرد. عمده این بحث به بخش مسکن برمی‌گردد. قیمت واحدهای مسکونی وقتی به ارقامی اینچنینی می‌رسند، یک خانواده دیگر نمی‌تواند امیدی به خرید خانه داشته باشد. وقتی مدت زمان انتظار برای خرید مسکن هفتاد سال است، آیا اصلا امید به زندگی مردم هفتاد سال برآورد می‌شود؟

نخستین شکل‌گیری اجتماعی بشر در خانواده است. وقتی امید را از بین ببریم، تشکیل این کانون نیز به خطر می‌افتد. در واقع انسان دارای یک حیات اجتماعی و یک حیات فردی است. حیات اجتماعی از خانواده آغاز می‌شود؛ موضوعی که اکنون به خطر افتاده است. وقتی حیات اجتماعی انسان به خطر بیفتد، دیگر نمی‌توان انتظار داشت که این انسان در سایر مسائل تعادل داشته باشد. این احساس خطر به اجتماع مدرسه، دانشگاه، کار و دیگر ارکان اجتماع تسری پیدا می‌کند، چرا که نخستین بنیاد حیات اجتماعی بشر را به خطر انداخته‌ایم.

پیش از سال ۱۴۰۰ امیدی مبنی بر خرید خانه تا ۲۵ سال بعد وجود داشت. متقاضیان بالاخره می‌توانستند راه‌هایی هر چند دشوار و پرمشقت بیابند تا سرانهایی برای خود مهیا کنند. به همین دلیل است که مسکن مانند خوراک و پوشاک یک کالای زیستی نامیده می‌شود. مسکن با خوراک و پوشاک از لحاظ اهمیت در یک رده قرار می‌گیرد. همان‌طور که در صورت نبود خوراک و پوشاک انسان با مشکلات جدی روبه‌رو می‌شود، فقدان مسکن نیز انسان را با مشکلاتی اساسی مواجه می‌کند. پس نمی‌توان به این مساله بی‌توجه بود. هر کس به این موضوع بی‌توجه باشد، قطعاً یک زمانی متوجه خواهد شد. دولت هم اگر بی‌توجه باشد، توسط جامعه و فشارها متوجه خواهد شد. این امر به شقوق گوناگونی صورت می‌گیرد؛ ناهنجاری‌های اجتماعی، ناهنجاری‌ها و کنش‌ها و واکنش‌های سیاسی و دیگر مسائل.

دولت با استفاده از چه ابزار و به‌کارگیری چه راهکاری می‌تواند به این وضعیت سلمان دهد؟ نزدیک به پنجاه سال است هر دولتی که می‌آید با ادعا و بدون تجربه کافی اقدام به دور ریختن تجربه‌های دولت‌های قبلی در حوزه مسکن می‌کند. کارشناسان نیز اقدام به صحبت و ارائه راهکار در خصوص مسائل، مشکلات و چالش‌هایی می‌کنند، اما گوش شنوایی وجود ندارد. دولت‌ها برنامه‌هایی می‌دهند که از همان روز اول معلوم است اجرایی نیست و ناکام خواهد بود. اکنون در مقابل ما یک صورت‌مساله عظیم، خطرناک و ضروری قرار گرفته است. آنقدر ضروری که شاید به حیات حکومت مرتبط باشد. اتکا به کشورهای دیگر در حوزه ساخت مسکن در دولت‌های قبلی تجربه شده است. تنها کافی است دولت فعلی گزارش‌های دولت‌های قبلی را مطالعه کند. همان مشکلاتی که دولت‌های پیشین تجربه کرده‌اند کماکان توسط دولت فعلی نیز تجربه می‌شود؛ مشکلاتی که کارشناسان از همان ابتدای امر نسبت به آنها هشدار داده بودند. معضلات بزرگ اقتصادی، سیاسی و اجتماعی به دست چه کسی مدیریت می‌شود؟ کمیسیون عمران مجلس و یک معاونت در یک وزارتخانه به تنهایی قادر به رفع موانع و مشکلات حوزه مسکن نیستند. در حال حاضر هیچ تشکیلاتی اقدام به تصمیم‌سازی در این حوزه نمی‌کنند. از این به بعد مشکلات مسکن به شدت حد خواهد شد؛ موضوعی که دولت را مجبور خواهد کرد در ساختار اقتصادی تغییراتی ایجاد کند. این ساختار حتماً عوض خواهد شد. دیگر بحث این مطرح نیست که با صد یا دویست میلیارد دلار درآمد دولت بتواند راه به جایی ببرد. لازم است اقتصاد باز و آزاد شود. ابزارهای مالی باید تأمین شوند. وظیفه تولید مسکن با بخش خصوصی است. تنها کاری که دولت باید انجام دهد، آسان‌سازی روادید و تأمین اعتبارات بخش‌های خصوصی است. دولت باید اقدام به ایجاد ابزارهای مالی کند. در هر کجای دنیا بخش خصوصی می‌تواند جواب مردم را بدهد. اما در ایران این‌طور نیست، چرا که دست و پای بخش خصوصی در کشور ما بسته است.

\* کارشناس حوزه مسکن



## عدم تأمین نقدینگی و اجبار به اجاره‌نشینی

**حسن محتشم** - این روزها وضعیت طوری شده که به دلیل کاهش ارزش پول ملی قیمت‌ها گاه‌دو بار در روز تغییر می‌کنند. با این اوصاف به نظر می‌رسد بخش مسکن در سال آینده با چالش‌های بسیار جدی و فراوانی روبه‌رو شود. دلیل این موضوع این است که بازار مسکن بخشی از اقتصاد کلان کشور را تشکیل می‌دهد و در عین حال نیاز ضروری جامعه ما نیز محسوب می‌شود. مطابق با اصول ۳۱ و ۳۲ قانون اساسی دولت مکلف و موظف به کمک برای تأمین مسکن جامعه است ولی ظاهراً در حال حاضر تیم اقتصادی دولت وظایف اصلی‌شان را فراموش کرده‌اند. این بخش عمده اقتصاد در حالی که شاید سهمش کمتر از بیست درصد باشد، مولد و پیشران است. سهم بازار مسکن در اقتصاد ملی و اقتصاد تولید کشور بسیار تعیین‌کننده است.

می‌توان این‌طور گفت که دولت طی یک سال و اندی گذشته برنامه‌ریزی‌هایی برای مسکن داشته است؛ برنامه‌هایی که عملاً تحقق پیدا نکرده‌اند، برنامه‌ریزی جمعی نیز برای این وعده به عمل نیامده که حداقل بتوان به آینده امیدوار بود. دولت در بودجه سال ۱۴۰۲ بین ۲۰ تا ۳۰ درصد افزایش حقوق را در نظر گرفته است. این اقدام بدون پشتوانه بوده و قرار است از پول پر قدرت و پرفشار در این خصوص استفاده شود. چاپ پول نیز به منزله تأیید و دامن زدن به تورم بیشتر است. با چنین شرایطی به نظر نمی‌رسد که شرایط مطلوبی در بخش مسکن داشته باشیم. مگر اینکه تیم اقتصادی دولت واقعا تحولی در برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری‌های خود ایجاد کند. در غیر این صورت قیمت‌ها همان‌طور که نجومی بوده، نجومی‌تر خواهد شد و بالطبع افزایش قیمت‌های ناشی از قیمت تمام شده نیز دچار افزایش خواهد شد، چرا که نرخ نهاده‌های ساختمانی، هزینه‌های بخش خدمات، دستمزد نیروی انسانی و همچنین قیمت زمین، مجموعاً قیمت تمام‌شده یک ملک را تشکیل می‌دهند.

در حال حاضر شاهد این هستیم که شهرداری اقدام به تصویب دریافت عوارض بین ۲۵ تا ۳۰ درصدی برای سال آینده در تهران کرده است. حقوق و دستمزدهای نیروی انسانی نیز بالطبع رشد خواهند داشت. در چنین شرایطی طبیعتاً با افزایش جدی در بخش مسکن و قیمت تمام‌شده مواجه خواهیم شد. زمین نیز نهایتاً به همان نسبت خودش را با شرایط روز وفق داده و دچار افزایش قیمت خواهد شد. هنگامی که افزایش قیمت را در بخش مسکن نداشته باشیم، طبیعتاً ضریبی از این قیمت اجاره‌ها را تشکیل می‌دهد. بنابراین بارش نرخ اجاره واحدهای مسکونی نیز مواجه خواهیم بود. در عین حال خریدارانی که واقعا نیاز به مسکن دارند، به علت عدم تأمین نقدینگی ناچار خواهند بود که به اجاره‌نشینی روی بیاورند. از آنجایی که عرضه کافی در بازار وجود ندارد و تقاضا نیز برای سکونت وجود داشته، دارد و خواهد داشت، وقتی این افزایش تقاضا از عرضه و تولید پیشی بگیرد، قیمت اجاره خانه بعد از قیمت املاک جهش خواهد داشت. در مجموع می‌توان گفت که نمی‌توان شرایط خوبی را در بخش مسکن کشور متصور بود. مگر اینکه دولتمردان حداقل در جهت همین تولید نهضت ملی مسکن که ماه‌هاست از آن می‌گذرد در حالی که برنامه درستی ندارد، تحولی جدی در برنامه‌ریزی و شروع ساخت‌وساز به عمل آورند. حرکتی که بتواند از نظر روانی جلوی افزایش قیمت‌ها را در بازار بگیرد. اهرم‌های اقتصادی در دستان دولت است. وقتی دولت قادر نیست قیمت‌ها را کنترل کند، ساخت‌وساز تحت تأثیر رکود موجود دچار تنش می‌شود. علت این موضوع این است که امکان برآورد از وضعیت آینده قیمت‌ها وجود ندارد. در چنین شرایطی فروش واحدهای مسکونی دیگر برای فروشندگان املاک جذابیت ندارد. آنها می‌دانند که اگر اقدام به فروش کنند با کاهش ارزش پول خود روبه‌رو خواهند شد. از طرفی نهاده‌های ساختمانی و قیمت تمام‌شده ملک که به دلیل نوسانات شرایط اقتصادی از ثبات برخوردار نیستند، باعث می‌شود که سازنده نداند با چه قیمتی قادر است اقدام به ساخت واحدهای مسکونی کند. سازندگان معمولاً بخشی از منابع نقدینگی‌شان را از محل پیش‌فروش تأمین می‌کنند. وقتی که ثبات قیمتی وجود نداشته باشد، پیش‌فروش چیزی جز دردسر برای سازندگان نخواهد داشت، چرا که قیمت‌ها در حال افزایش هستند و قیمتی که امروز ملکی به عنوان پیش‌فروش با آن معامله شده، در شرایط افزایش قیمتی، دچار نیاز برای تعدیل قیمت می‌شود؛ موضوعی که منجر به ایجاد اختلاف خواهد شد. بنابراین سازندگان ترجیح می‌دهند وارد ساخت‌وساز نشوند، چرا که منابع کافی برای این کار را در اختیار ندارند. ممکن است تعداد محدودی ساخت‌وساز انجام شود، اما باید توجه داشت که این تعداد پاسخگوی نیاز جامعه نیست. در نتیجه نمی‌توان در حوزه ساخت‌وساز و افزایش تولید و عرضه هم خیلی امیدوار بود؛ موضوعی از نابسامانی‌های اقتصادی ناشی از شرایط اجتماعی نشأت می‌گیرد.

\* عضو هیات‌مدیره انجمن انبوه‌سازان استان تهران





## بررسی «جهان صنعت» از بحران دارو در سالی که گذشت

# شبح ارز چندنرخ بر بازار دارو



مهديه بهار مست

امسال در حالی بیماران تا آخرین لحظات پایان سال به دلیل کمبود و گرانی دارو دست خالی از داروخانه‌ها خارج شدند که چند روز پیش رییس هیات‌مدیره سندیکای صاحبان صنایع داروهای انسانی ایران در نامه‌ای به رییس‌جمهور با انتقاد از پرداخت نشدن مطالبات ۲/۸ هزار میلیارد تومانی شرکت‌های دارویی از سوی بیمارستان‌های دولتی، نسبت به افزایش کمبود داروهای بیمارستانی در ماه‌های آینده هشدار داده است؛ هشدار که به تأکید برخی کارشناسان حوزه دارویی، می‌تواند چالش جدی و مشکلات اساسی در روند درمانی بیماران بستری در بیمارستان‌ها و داروهایی که تنها در سطح داروخانه‌های دولتی توزیع می‌شود، ایجاد کند. البته این دومین نامه‌ای است که اعضای سندیکا طی یک‌سال اخیر برای رییس‌جمهوری نوشته‌اند. اولین نامه آنها اواخر خردادماه و با هشدار تعطیلی خطوط تولید دارو در تیرماه امسال منتشر شد و اعلام کردند که با وجود اختلال در تخصیص ارز، تعطیلی کمیسیون قیمت‌گذاری دارو، تورم، افزایش هزینه‌های تولید، گمرک و... هیچ اقدامی برای رفع مشکلات کارخانجات داروسازی نشده و امکان تامین و تولید دارو سخت‌تر شده و به مرز بحران رسیده است.

یارانه دارو به داروخانه‌ها را به سازمان‌های بیمه محول کرده است.

سازمان برنامه و بودجه اعتبارات طرح دارویار را به سازمان‌های بیمه می‌دهد، آنها نیز به داروخانه‌ها پرداخت می‌کنند. طرح دارویار از ابتدای شروع آن یعنی مهر و آبان چالش‌های زیادی را برای داروخانه‌ها ایجاد کرده است، چراکه پرداختی مردم برای تهیه دارو تنها ۵ الی ۱۰ درصد است و مابقی آن را باید سازمان‌های بیمه به داروخانه‌ها پرداخت کنند.

این در حالی است که پرداختی سازمان تامین اجتماعی به داروخانه‌ها بسیار بد و نامنظم است. به همین دلیل مهرماه نامه‌ای به رییس‌جمهور نوشتیم اما سازمان‌های بیمه از آن تاکنون هیچ پرداختی‌ای به داروخانه‌ها نداشتند. نه تنها بیمه تامین اجتماعی بیش از ۳ ماه به داروخانه‌ها بدهی دارد، بلکه بیش از دو ماه است که بیمه سلامت هم پرداختی به داروخانه‌ها نداشته است. این در حالی است که با اجرای طرح دارویار، قرار بود پرداختی بیمه‌ها به داروخانه‌ها ظرف ۱۰ روز انجام شود که این روند رعایت نشده و به بیش از ۳ ماه رسیده است.

وی افزود: یارانه دارو در حالی توسط بخش خصوصی به داروخانه‌ها پرداخت می‌شود که چنین موضوعی در هیچ کشوری مسبقاً به سابقه نبوده

همین دلیل بسیاری از تولیدکنندگان دارو، تولیدات خود را کاهش می‌دهند که به موازات آن کشور درگیر کمبود دارویی شدید می‌شود. بنابراین به باور کارشناسان با این قیمت‌های افسارگسیخته ارز در سال ۱۴۰۲ داروهای معمولی نایاب می‌شوند و داروهای وارداتی نیز به نسبت ارز قیمت فاجعه‌باری خواهند داشت.

به گفته آنان، شاید مردم بتوانند گوشت، برنج و دیگر اقلام خوراکی را از سفره خود حذف کنند اما در قضایه تهیه دارو چنین موضوعی شدنی نیست. اگرچه اخیراً برخی بیماران به دلیل کمبود داروهای خاص در داروخانه‌ها به بازار سیاه متوسل شده‌اند اما به دلیل نوسانات ارزی قیمت بسیاری از داروها از یک میلیون تومان به ۵ میلیون تومان رسیده، به همین دلیل بیماران درمان خود را رها می‌کنند؛ موضوعی که از نگاه کارشناسان این حوزه فاجعه‌بار تلقی می‌شود.

### دارو چشم‌انداز روشنی ندارد

دکتر «علی فاطمی» نایب‌رییس انجمن داروسازان ایران با اشاره به وضعیت دارو در سالی که گذشت به «جهان‌صنعت» گفت: این روزها وضعیت تولیدکنندگان داروی داخلی مساعد نیست. دولت با شروع طرح دارویار که از اواخر تابستان سال جاری شروع شده، وظیفه پرداخت

به گفته تولیدکنندگان بهای تمام‌شده داروهای تولیدی به‌شدت افزایش یافته و به دلیل اصلاح نشدن قیمت منصفانه دارو با پوشش بیمه‌ای مناسب، امکان ادامه تولید هم وجود ندارد.

این هشدار، اواخر شهریورماه به بحران دارویی بدل شد و ساده‌ترین داروها از جمله آنتی‌بیوتیک و سرم از دسترس بیماران خارج شد تا اینطور به نظر برسد که صنعت دارو هم مانند دیگر صنایع، گرفتار هشدارهای بدون توجه و اقدام شده است. در این میان بسیاری از کارشناسان این حوزه بر این عقیده‌اند که وضعیت بحرانی داروی اخیر در دوران جنگ ایران و عراق هم وجود نداشته است. از طرفی در حالی طرح دارویار با هدف اصلاح سیاست‌های ارزی، حذف ارز ترجیحی و اختصاص مابه‌التفاوت آن به سازمان‌های بیمه‌گر و همچنین اصلاح قیمت دارو بدون افزایش پرداخت از جیب بیماران اجرایی شد که حالا بعد از گذشت ۹ ماه از این طرح نه تنها قیمت دارو افزایش یافت و پرداختی از جیب بیماران بیشتر شد بلکه چنان دچار کمبود دارویی شدید شدیم که آنتی‌بیوتیک تاریخ مصرف گذشته از هند وارد شد، اما کسی متوجه نشد! این در حالی است که به عقیده بسیاری از تولیدکنندگان، تولید دارو با قیمت‌گذاری‌های اخیر سازمان غذا و دارو مقرون به صرفه نیست. به

اگر قیمت ارز همچنان رشد کند و متناسب با آن بودجه طرح دارویار نیز اصلاح نشود و پرداختی بیمه‌ها به داروخانه‌ها نیز انجام نشود، در سال آینده با کمبود شدید داروهای معمولی مانند همان شربت آنتی‌بیوتیک مواجه خواهیم شد



بخشی از  
پرداختی‌های  
داروخانه‌ها به  
پس از تعطیلات  
عید موکول شده  
است که این روزها  
داروخانه‌ها برای  
پرداخت سنوات،  
عیدی و حقوق به  
منابع مالی زیادی  
احتیاج دارند.  
دولت برای اجرای  
طرح دارویار به  
جای اینکه از جیب  
خودش ببخشد،  
به بخش خصوصی  
قشار وارد کرده  
است

داروها از شبکه خارج و وارد بازار سیاه می‌شوند. وقتی دولت تعهدی برای خود در نظر می‌گیرد باید توان پرداخت آن را داشته باشد نه اینکه فشار مالی و ارزی مضاعفی بر دوش بخش خصوصی بگذارد. چه‌بسا این روزها بدهی دولت به بخش خصوصی بیشتر می‌شود. بخش خصوصی هم دارای ظرفیتی هستند و اگر بخواهند با دولت قطع همکاری کنند، قطعاً وضعیت بحران‌زایی در مورد دارو شکل می‌گیرد. برخی داروهای شیمی‌درمانی، وارداتی هستند، در همین نوسانات ارزی بسیاری از بیماران به خاطر قیمت‌های سرسام‌آور داروها قید درمان خود را زده‌اند.

بنابراین اگر قیمت ارز همچنان رشد کند و متناسب با آن بودجه طرح دارویار نیز اصلاح نشود و پرداختی بیمه‌ها به داروخانه‌ها نیز انجام نشود، در سال آینده با کمبود شدید داروهای معمولی مانند همان شربت آنتی‌بیوتیک مواجه خواهیم شد. وزارت بهداشت نیز اخیراً برای واردات فوری برخی داروها مانند شربت دیفن‌هیدرامین فراخوان داده که چنین موضوعی واقعاً فاجعه‌آور است. فراخوان چنین موضوعی نشان‌دهنده عدم تولید یا کاهش تولید این داروهای معمولی است. در چنین شرایطی دولت مجبور می‌شود، با دلار بیش از ۵۰ هزار تومان شربت آنتی‌بیوتیک با کمترین اثربخشی از هند وارد کند.

این در حالی است که دولت می‌تواند با پرداخت به موقع بدهی داروخانه‌ها و تولیدکنندگان داروی با اثربخشی بسیار بالاتر به دست مردم برساند. سیاستگذاری مسوولان در این خصوص برای ما قابل هضم نیست. چه‌بسا امسال تعداد داروخانه‌هایی که مشکل مالی داشته‌اند در ۴ دهه بی‌سابقه بوده است.

در ماه‌های مهر و آبان نیز به دلیل قیمت‌گذاری نامناسب از سوی سازمان غذا و دارو، میان دولت و تولیدکنندگان دارو اختلاف به وجود آمد و با کمبود شدید دارو در سراسر کشور مواجه شدیم. در حال حاضر نیز اگر بیمه‌ها به موقع پرداختی‌های خود را انجام ندهند، برخی از داروخانه‌ها همکاری خود را با بیمه‌ها به اتمام می‌رسانند و داروها را با قیمت آزاد به بیماران می‌فروشند. در این صورت قیمت دارو با بیمه آزاد در مقایسه با بیمه دولتی بیش از ۱۰ برابر گران‌تر می‌شود.

بنابراین از طرفی کارخانه‌ها نیز به دلیل زیان‌ده بودن، تولیدات خود را کاهش می‌دهند. بیماران قربانی اول اختلاف دولت و تولیدکنندگان دارو هستند، چراکه شاید مردم بتوانند مصرف گوشت، برنج و دیگر اقلام خوراکی و پوشاکی خود را کاهش دهند اما در قضیه تهیه دارو چنین موضوعی شدنی نیست. دارو برای برخی بیماران خاص حیاتی است و اگر در همان لحظه مصرف نکنند، اثربخشی خود را از دست می‌دهد. بنابراین امیدواریم دولت فکر اساسی در خصوص تامین و تخصیص اعتبارات طرح دارویار انجام دهد. در هر صورت چشم‌انداز روشنی نسبت به وضعیت دارو در سال آینده وجود ندارد.

فاطمی ادامه داد: در حال حاضر برخی از بیماران به دلایل مختلف از جمله نبود داروی خاص و وارداتی در داروخانه‌ها داروهای خود را از بازار آزاد تهیه می‌کنند. قیمت این داروها با نوسانات ارزی روز به روز بیشتر می‌شود، حتی وقتی دلار هزار تومان کاهش پیدا می‌کند باز این داروها گران‌تر می‌شود. متأسفانه نظارتی هم در این خصوص وجود ندارد. اخیراً به خاطر فشاری که بر بخش خصوصی سلامت وارد می‌شود، بسیاری از

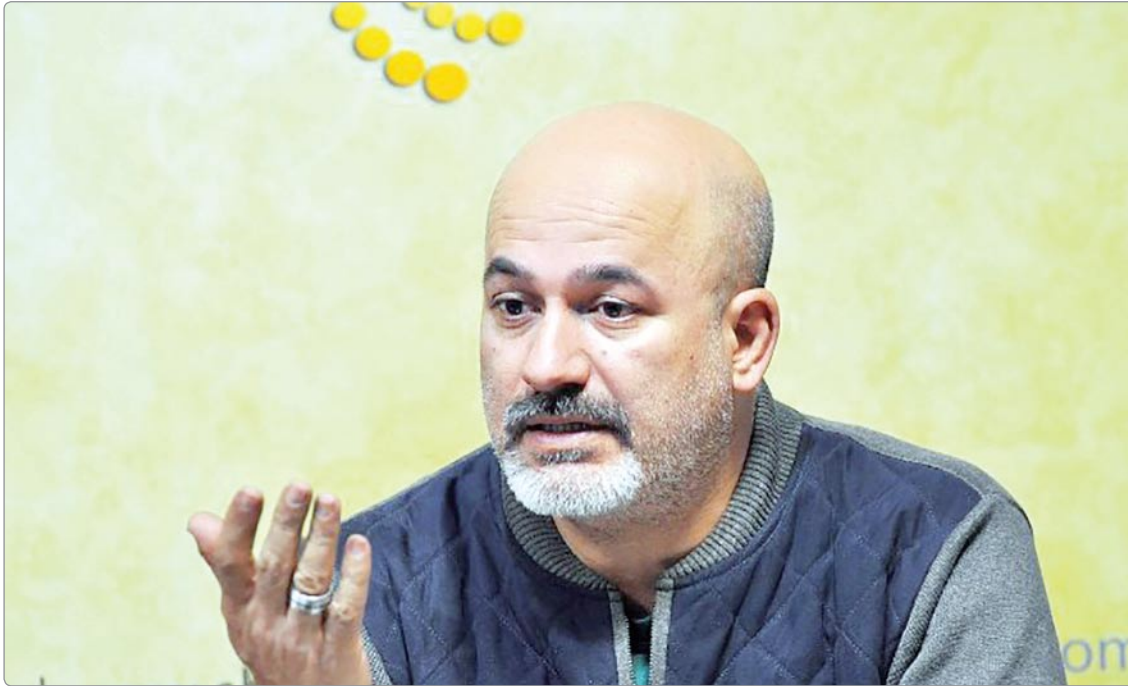
دولت باید این یارانه را به صورت مستقیم به داروخانه‌ها پرداخت می‌کرد تا حداقل این تاخیرها منجر به ورشکستگی داروخانه‌های معتبر کشور نشود. البته این زنجیره به تولیدکنندگان دارو هم آسیب وارد می‌کند. این در حالی است که هر چه به پایان سال نزدیک‌تر می‌شویم وضعیت پرداختی بیمه‌ها به داروخانه‌ها بدتر می‌شود. با توجه به اینکه به پایان سال نزدیک می‌شویم، انتظار داریم پرداختی‌های آذر تا اسفند از سوی بیمه‌ها به موقع انجام شود زیرا داروخانه‌ها هم باید حق و حقوق پرسنل خود را پرداخت کنند.

وگرنه این طرح در آینده نه‌چندان دور با شکست مواجه می‌شود. در حالی بخشی از پرداختی‌های داروخانه‌ها به پس از تعطیلات عید موکول شده است که این روزها داروخانه‌ها برای پرداخت سنوات، عیدی و حقوق به منابع مالی زیادی احتیاج دارند. دولت برای اجرای طرح دارویار به جای اینکه از جیب خودش ببخشد، به بخش خصوصی فشار وارد کرده است.

نایب‌رییس انجمن داروسازان ایران با تاکید بر اینکه قیمت برخی داروها به خاطر نوسانات ارزی ۱۰ برابر گران‌تر شده است، بیان کرد: با اینکه پرداختی‌ها از جیب بیماران افزایش پیدا نکرده، اما قیمت بسیاری از داروها گران‌تر شده است، زیرا بسیاری از واردات مواد اولیه داروهای موثره با ارز نیمایی انجام می‌شود. البته با تورم بیش از ۴۰ درصدی هزینه‌های ریالی شرکت‌های تولیدی نیز با افزایش قیمت روبه رو شده است.

دکتر فاطمی درباره تبعات شکست طرح دارویار در سال آینده اظهار کرد: اگر طرح دارویار با این روند پیش برود و با شکست مواجه شود، قطعاً سال آینده با کمبود شدیدتر دارو روبه‌رو می‌شویم. چه‌بسا





«جهان صنعت» بحران آب و مرگ تالابها را در گفت و گو با رییس کمیته محیط زیست یونسکو بررسی کرد

## فروپاشی اکولوژیکی

مهدیه بهارمست- امسال هم مانند سال‌های گذشته صدای محیط زیست به گوش دولتمردان نرسید و بودجه آن بیش از همیشه آب رفته است. این در حالی است که این سازمان همیشه علت به تعویق افتادن بسیاری از برنامه‌های خود را کمبود بودجه می‌داند. گستردگی مأموریت‌های سازمان حفاظت محیط زیست از حراست ۱۹ میلیون عرصه حفاظت‌شده تحت نظر این سازمان گرفته تا مقابله با آلودگی‌های هوا، آب و خاک در سراسر ایران، برنامه‌ریزی برای آماده‌سازی دستگاه‌های اجرایی در جهت مواجهه با مخاطرات محیط زیستی گوناگون، مدیریت برنامه‌های کشور برای مبارزه با گردوغبار و مدیریت پسماندها، انجام فرهنگ‌سازی محیط زیستی در سطح جامعه، ارائه آموزش‌های زیست محیطی به عموم مردم و سایر نقش‌هایی که این سازمان باید برای حفظ محیط زیست کشور باشد، اما واقعیت نشان می‌دهد که این سازمان بودجه مناسب، از جمله مهم‌ترین نیازهای این سازمان برای عمل به وظایف قانونی و نظارت بر جلوگیری از تخریب محیط زیست و تخلفات زیست محیطی برخوردار است.

این در حالی است که درون تالاب‌ها حیات و زندگی دیده می‌شود که باید برای تداوم حیات بشر و زیست خیل عظیمی از پرندگان، پستانداران، خزندگان، دوزیستان، ماهیان و بی‌مهرگان از این زیستگاه منحصر به فرد حفاظت شود. تالاب‌ها محل اتصال خشکی و آب هستند و قدمت آنها نزدیک به قدمت کره زمین است و ماوای بخشی از غنی‌ترین تنوع زیستی روی زمین هستند. هر ساله ۵ میلیون پرنده به تالاب‌ها می‌آیند و با خود خواص بسیاری می‌آورند که در نبود تالاب‌ها دیگر شاهد حضور آنها نخواهیم بود. وقتی پرندگان مهاجر وارد تالاب‌ها نشوند یا تالاب‌ها خصوصیات مهاجرپذیری خود را از دست بدهند شاهد آن خواهیم بود که جمعیت موش، مار و حشرات زیاد خواهد شد.

در واقع باید گفت حضور این پرندگان جدا از زیبایی به نوعی تعادل اکولوژیکی ایجاد می‌کند. چرخه‌های هزارتوی طبیعت که اگر پیچی کوچک از آن برداشته شود نظم آن به هم خواهد خورد. با اینکه کمبود بارش‌ها یکی از پارامترهای اثرگذار بر خشکی رودخانه‌ها و تالاب‌هاست اما بررسی‌ها نشان می‌دهد در دهه‌های اخیر مدیریت منابع آب نیز جامع و به هم پیوسته نبوده است. احیای تالاب‌ها نیازمند مطالبه و مشارکت تمام ذی‌نفعان و همکاری سازمان حفاظت محیط زیست و دستگاه‌های مربوطه است.

بر این عقیده‌اند که سازمان محیط زیست در تمامی دولت‌ها در اولویت نبوده و نیست. تمام این‌ها در حالی است که به نظر می‌رسد از داشته‌ها و منابع آبی موجود افسار گسیخته استفاده شده که نتیجه آن وارد شدن به شرایط تنش آبی و قرار گرفتن در یک قدمی بحران آبی در کشور است. از قضا چند سالی است که از هر طرف صدای ناخوش تالاب‌ها در نقاط مختلف ایران به گوش می‌رسد. برخی از این تالاب‌ها به طور کلی خشک شده‌اند و برخی دیگر در حال کشیدن نفس‌های آخر خود هستند در حالی که عمر بیشتر تالاب‌های ایران به چندین هزار سال می‌رسد. این در حالی است که معضلات آبی در کشور تأثیرات مخربی در نابودی تالاب‌ها و آسیب‌های جبران‌ناپذیری در زندگی انسان‌ها وارد می‌کند؛ از جمله افزایش مهاجرت ساکنان به مناطق برخوردار کشور و نابودی چرخه طبیعت است که با خود بیماری‌ها و مشکلات بزرگ و کوچکی به همراه می‌آورد.

از طرفی برخی کارشناسان مشکلات آبی کشور به خصوص خشک شدن تالاب‌های حیاتی را ضعف در مدیریت سازمان محیط زیست می‌دانند. چرا که به باور آنها عزم و اراده جدی در این سازمان برای مقابله با وزارت نیرو و جهاد کشاورزی وجود ندارد، زیرا نباید حق آبه تالاب‌ها نسبت به بخش صنعت و کشاورزی تقدم داشته باشد.

موضوع کمبود بودجه نه تنها به کمبود نیروی انسانی و امکانات حفاظتی سازمان محیط زیست دامن زده، بلکه باعث شده است بسیاری از طرح‌های پژوهشی و آموزشی و همچنین دست‌انبار این سازمان برای مبارزه با تخلفات زیست محیطی و حفظ تنوع زیستی بسته بماند.

در بسیاری از موارد نیز سهم صندوق ملی محیط زیست از درآمدهای عمومی کشور از جمله در اجرای قانون هوای پاک، مقابله با گردوغبار و خسارت‌های محیط زیستی صنایع به اندازه کافی پرداخت نشده و این مساله باعث محدود شدن توان سازمان محیط زیست برای مقابله با آلودگی‌ها و معضلات زیست محیطی شده است.

بودجه ۱۴۰۱ سازمان محیط زیست معادل ۲ هزار و ۱۵۷ میلیارد تومان بود که به عقیده کارشناسان این حوزه، این مقدار برابر با سهم کمتر از ۲ درصدی این سازمان از بودجه کل کشور بود. امسال هم شرایط بودجه برای سازمان محیط زیست بهتر نشد که هیچ نسبت به تورم و شرایط اقتصادی بدتر هم شد، سهم محیط زیست از کل لایحه بودجه ۱۴۰۲ تنها دو دهم درصد، معادل ۶۸۰ میلیارد تومان ارتقا یافت اما به عقیده این سازمان بودجه محیط زیست برای اینکه بتوان برنامه‌ها را عملی کرد باید حداقل ۵ برابر بیشتر شود. به همین دلیل بسیاری از کارشناسان

معضلات آبی در کشور  
تأثیرات مخربی در نابودی تالاب‌ها دارد و آسیب‌های جبران‌ناپذیری در زندگی انسان‌ها وارد می‌کند؛ از جمله افزایش مهاجرت ساکنان به مناطق برخوردار کشور و نابودی چرخه طبیعت است که با خود بیماری‌ها و مشکلات بزرگ و کوچکی به همراه می‌آورد





## ■ ناکارآمدی سازمان محیط زیست

در همین رابطه «محمد درویش» فعال و کارشناس محیط زیست در واکنش به خشک شدن ۷۰ درصدی تالاب‌های کشور به «جهان صنعت» می‌گوید: در حال حاضر نه تنها تالاب‌های هامون، جازموریان و گاوخونی خشک شده‌اند بلکه تالاب‌های بین‌المللی مانند آلاکل، آلمگل، آجی گل و به‌طور کلی بیش از ۷۰ درصد تالاب‌های ایران نیز کاملاً خشک شده‌اند. البته مابقی هم در شرف خشک شدن کامل هستند. بنابراین حال بسیاری از تالاب‌ها که یکی از منابع طبیعی و سرمایه‌های محیط زیستی ایران هستند، خوب نیست و مردمی که در اطراف تالاب‌ها زندگی می‌کنند و کشاورزی یا دامداری دارند، تحت تاثیر این خشک شدن روزگاری سخت را تجربه می‌کنند. این در حالی است که با تامین حق آبه‌های برخی تالاب‌ها می‌توان آنها را در کوتاه‌مدت احیا کرد. به‌طور مثال حق آبه تالاب هامون باید از افغانستان تامین شود اما در این مورد هنوز اقدام موثری نشده است.

وی افزود: طبق توافقنامه‌ای که در زمان حکومت پهلوی دوم با افغانستان انجام شده است، باید سالانه ۸۰۰ میلیون مترمکعب حق آبه از هیرمند در اختیار ایران قرار بگیرد که اگر این میزان واقعا تحقق می‌یافت، شاهد بحرانی که امروز در شرق کشور با آن دست به گریبان هستیم، نبودیم. زمانی که افغانستان هنوز سد کجکی و بند کمال خان را نساخته و مسیر رود هیرمند را به سمت گودزره تغییر نداده بود، معمولاً و به‌ویژه در سال‌های پربابی تا دو برابر این رقم نیز آب وارد ایران می‌شد؛ زیرا افغانستان ابزاری برای کنترل سیلاب‌ها نداشت و ارتفاع برف در سرچشمه‌های هیرمند واقع در هندوکش خوب بود و آب فراوانی به سمت تالاب هامون سرزیر می‌شد.

این در حالی است که افغانستان با ساخت سد کجکی و بعد از آن ساخت بند کمال خان توسط دولت قبلی این کشور به‌نحوی مسیر این رودخانه را تغییر داد که در صورت بروز سیلاب نیز آب به جای ایران وارد گودزره شود. این عملکرد تخلفی بزرگ از سوی این کشور است و اگر افغانستان شرایط مناسبی داشت و طالبان از قوانین تبعیت می‌کرد، سازمان ملل می‌توانست علیه این کشور اعلام جرم کند؛ زیرا این کشور حق ندارد مسیر آب یک رودخانه بین‌المللی را تغییر دهد. البته دولتمردان ایران نیز عزم و اراده جدی

برای بازپس‌گیری این حق آبه را ندارند. این در حالی است که با توجه به ضعف اقتصادی دولت افغانستان و نیاز این کشور به برق، انرژی و سوخت، می‌توانستیم در یک توافقنامه با این کشور به‌زای برق از آنها آب و نیز تضمین‌های حقوقی لازم را بگیریم، چرا که مدیریتی که در وزارت نیروی ایران حاکم است در افغانستان حاکم نیست. بنابراین هنوز می‌توانیم در این خصوص با دولت افغانستان توافق کنیم تا بلایی که سر بختگان، گاوخونی، ارژن و دریاچه ارومیه آمده، سر هامون نیاید.

این کارشناس محیط زیست با اشاره به اینکه در آینده نه‌چندان دور برخی استان‌ها در معرض تنش‌های آبی شدید قرار می‌گیرند، گفت: با توجه به این که بسیاری از شهرها در استان‌هایی نظیر زنجان، کردستان، همدان، خوزستان، آذربایجان غربی، آذربایجان شرقی و چهارمحال و بختیاری صرفاً به یک منبع آبی وابسته هستند و راهکاری مناسب برای مدیریت منابع آبی این شهرها در شرایط بحرانی پیش‌بینی نشده است، احتمال دارد بعضی شهرهای این استان‌ها در آینده نزدیک با تنش آبی مواجه شوند. البته هنوز نشانه‌ای در کشور مبنی بر این که ایران به سمت تغییر چیدمان توسعه برای سازگاری با تبعات تغییر اقلیم حرکت می‌کند، دیده نمی‌شود. در چنین شرایطی نیز نمی‌توان آینده روشنی را برای شرایط اقلیمی ایران متصور بود و به نظر می‌رسد ایران در حال حرکت به سمت فروپاشی اکولوژیکی است و اگر روند موجود تغییر نکند، قطعاً کار برای دولت‌های بعدی سخت‌تر می‌شود.

رییس کمیته محیط زیست در کرسی سلامت اجتماعی یونسکو اظهار کرد: اینکه دولت حق آبه کشور و صنعت را نسبت به حق آبه تالاب‌ها مقدم می‌داند، یک تخلف است.

بروز چنین تخلفی هم به خاطر ضعف سازمان حفاظت از محیط زیست است که از ابزارهای قانونی‌اش برای مقابله با خاطیان استفاده نمی‌کند، چرا که سازمان محیط زیست باید اعلام کند تا زمانی که حق آبه تالاب‌ها پرداخت نشود هیچ مجوز محیط زیستی به هیچ کدام از سازه‌های وزارت نیرو نمی‌دهد، آنها حساب کار دست‌شان می‌آید. این در حالی است که به نظر حفظ میز و صندلی برای برخی مدیران سازمان محیط زیست مهم‌تر از حفظ مایملک

محیط زیستی باشد. اگر مدیران این سازمان قانونمندانه و شجاعانه از حقایق اصل ۵ قانون اساسی دفاع کنند و اجازه ندهند چنین تخلفاتی رخ دهد، نظاره‌گر مرگ تالاب‌های کشور نخواهیم بود.

این کارشناس محیط زیست با اشاره به اینکه درباره موضوعات محیط زیستی کمبود قانون نداریم، اظهار کرد: به نظر برخلاف تصور، اراده اجرای قانون وجود ندارد و قانون وقتی اجرا می‌شود که مطالبه‌گری وجود داشته باشد؛ برای مثال چند هفته پیش سازمان محیط زیست با استفاده از قانون مجوز پتروشیمی میانکاله را باطل کرد. البته این روزها ۱۵ هزار هکتار از عرصه‌های آبی تالاب میانکاله خشک شده است، زیرا در بالادست بسیاری از پنبه‌کاری‌ها راه‌به‌شالیکاری تبدیل کرده‌ایم. همچنین سدسازی شده است.

تسما این موارد هم زیر نظر وزارت نیرو و وزارت جهاد کشاورزی بوده که سازمان محیط زیست در برابر آنها کوتاهی کرده است.

البته معمولاً سازمان محیط زیست از این قدرت استفاده نمی‌کند. وقتی معصومه ابتکار در برابر طرح انتقال آب از خزر تا سمنان مقاومت نشان داد، توسط روحانی رییس‌جمهور وقت از ریاست این مسوولیت کنار گذاشته شد. این در حالی است که ما از آقای سلاجقه انتظار برخورد قدرتمندانه‌تری داشتیم، اما این روزها ایشان بسیار منفعلانه در موضوعاتی مانند سد چم‌شیر برخورد کرد. درویش ادامه داد: طبق گزارش‌های رسمی ۱۵ تا ۲۰ درصد خشک شدن تالاب‌ها از جمله تالاب گاوخونی، دریاچه ارومیه و بختگان به خاطر تغییرات اقلیمی است، اما وقتی خودشان از خشک شدن صددرصدی تالاب‌هایی مانند گاوخونی، تالاب پریشان، دریاچه ارومیه و تالاب هورالعظیم سخن می‌گویند، مشخص است نابودی این تالاب‌ها به دلیل حفر چاه و سدسازی‌ها رخ می‌دهد. البته ضعف مدیریتی هم در این امر نقش بسزایی دارد.

وی در آخرین بخش گفت: برخلاف برخی عقیده‌ها هنوز به احیای تالاب‌ها امید است. اگر درایت و عزمی برای احیای تالاب‌ها وجود داشته باشد با استفاده از حق آبه‌ها در کمترین زمان ممکن می‌توان تالاب‌های مورد نظر را زنده کرد. بنابراین هر وقت حق آبه تالاب‌ها را نسبت به بخش صنعت و کشاورزی مقدم بشماریم، قطعاً از مرگ زودرس تالاب‌ها جلوگیری می‌شود.

طبق گزارش‌های رسمی ۱۵ تا ۲۰ درصد خشک شدن تالاب‌ها از جمله تالاب گاوخونی، دریاچه ارومیه و بختگان به خاطر تغییرات اقلیمی است، اما وقتی خودشان از خشک شدن صددرصدی تالاب‌هایی مانند گاوخونی، تالاب پریشان، دریاچه ارومیه و تالاب هورالعظیم سخن می‌گویند، مشخص است نابودی این تالاب‌ها به دلیل حفر چاه و سدسازی‌ها رخ می‌دهد. البته ضعف مدیریتی هم در این امر نقش بسزایی دارد





مروری بر تحولات بازار نفت در ۲۰۲۲ و چشم‌انداز آن در ۲۰۲۳

## ترکشی تنش‌های ژئوپلیتیک بر بازار نفت جهان

بازار نفت در ۲۰۲۲ سالی پر فرازونشیب با تحولاتی عمیق را پشت سر گذاشت، به طوری که این تحولات باعث شده است چشم‌انداز سال ۲۰۲۳ با تردیدهای فراوانی روبه‌رو باشد و در پی آن بسیاری از موسسه‌های معتبر در برآوردهای خود دچار تردید شوند. بازار انرژی در سال ۲۰۲۲ یکی از پرافت‌وخیزترین دوره‌ها را به خود دید به گونه‌ای که فاصله نقطه اوج و حداقل قیمت حدود ۶ دلار بود. نکته مهم این است که در سالی که گذشت تأثیر پذیری این بازار از مولفه‌هایی که ارتباط مستقیمی با بحث انرژی ندارد برجسته بود. سال ۲۰۲۲ در حالی به انتها رسید که بازار انرژی نوسان‌های بسیار بزرگی را به دلایل مختلف اما عمدتاً سیاسی تجربه کرد و همه کشورهای ثروتمند و فقیر جهان به دلیل به هم پیوستگی شدید تحولات دچار چالش‌های قابل توجهی شدند. مهم‌ترین مولفه غیر مرتبط که تأثیری مستقیم و شدید بر بازار انرژی جهان داشت یک تحول ژئوپلیتیک یعنی آغاز جنگ در اوکراین بود که پیامد آن تحریم روسیه، قطع جریان گاز روسیه به سمت اروپا، برهم خوردن توازن عرضه و تقاضا در بازار انرژی جهان و همکاری کشورهای عضو اوپک با اوپک پلاس در جهت تثبیت قیمت بالای انرژی بود.



فاطمه رحیمی

نسبت به قبل از ایالات متحده و دیگر کشورها تهیه کند. طبق برخی آمارها، روسیه سالانه بیش از ۳۰۰ میلیارد مترمکعب گاز به اتحادیه اروپا صادر می‌کرد که بین ۴۰ تا ۵۰ درصد نیاز کشورهای اتحادیه را تأمین می‌کرد. اما شرایط در سال ۲۰۲۲ تغییر کرد و اتحادیه اروپا در این سال به غیر از پرداخت هزینه‌های انرژی حدود ۵۰۰ میلیارد دلار بابت کاهش رنج شهروندانش از افزایش قیمت انرژی پرداخت کرده است. در این میان، ذکر چند نکته ضروری است؛ نخست آنکه روسیه چند دهه صادراتی خود به اروپا را پایین‌ترین‌ترین قیمت بازار تعیین کرده بود. در طول چند دهه اخیر که خطوط لوله گازی از خاک روسیه به اروپا جریان داشتند دو طرف در یک معامله برد-برد همکاری می‌کردند. گاز بدون مشتری و ارزان روسیه در حقیقت حرکت چرخ‌های صنعت و پیشرفت اقتصادی اروپا را به حرکت در می‌آورد. نکته دوم به اشتباه راهبردی کشورهای اروپا در نوع عقد قرارداد با روسیه مربوط می‌شود. کارشناسان اروپایی می‌گویند رهبران این قاره هیچگاه قراردادهای بلندمدت (حداقل ۲۰ ساله) را که معمولاً برای تعاملات گازی مرسوم است با مسکو امضا نمی‌کردند. آنها همیشه تأکید داشتند قیمت گاز دریافتی را بر مبنای قیمت روز نفت خام در بازار و با توجه به نیاز مقطعی خود خریداری می‌کنند. به همین دلیل روسیه به راحتی قادر شد از حجم صادرات خود بکاهد یا آن را با قیمت‌های توافقی جدید بفروشد و حتی جریان انرژی را قطع کند.

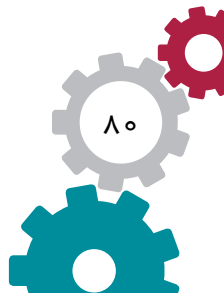
در رابطه با بحران انرژی در فصل زمستان اروپا، همچنین آزادسازی مرحله‌ای ذخایر راهبردی نفت خام از سوی کشورهای عضو اوئی‌سی‌دی، قیمت نفت خام در نیمه دوم سال با روند نزولی همراه بود. از سوی دیگر تصمیم‌های سازنده اعضای اوپک پلاس مشارکت‌کننده در بیانیه همکاری مشترک (DoC) با توجه به شرایط بازار سبب ایجاد ثبات و تعادل بیشتر در بازار جهانی نفت در سال ۲۰۲۲ شد. در مقایسه با سال گذشته، قیمت سبد نفتی اوپک ۳۱/۰ دلار یا ۴۴/۶ درصد افزایش را نشان می‌دهد، به نحوی که از میانگین ۶۹ دلار و ۴۵ سنت برای هر بشکه در سال گذشته میلادی به میانگین ۱۰۰ دلار و ۴۵ سنت به ازای هر بشکه در سال ۲۰۲۲ رسید. همزمان با تأثیر سیاست‌های پولی بانک‌های مرکزی بر اقتصاد جهانی و تقاضای نفت خام، قرنطینه مجدد در چین به شدت بر تقاضای نفت تأثیر گذاشت و این کشور در سال ۲۰۲۲ تقاضای نفت را کاهش داد، به طوری که رشد سالانه تقاضای نفت خام در کشورهای غیر اوئی‌سی‌دی، به ۱/۲ میلیون بشکه در روز رسید. بر این اساس رشد تقاضای جهانی نفت خام نیز در سال ۲۰۲۲ سالانه ۲ میلیون و ۵۰۰ هزار بشکه در روز بود.

**اروپا بازنده جنگ بایدن - پوتین**

اگرچه جنگ اوکراین با تحریک و زمینه‌چینی دولت آمریکا آغاز شده، اما بازنده اصلی آن تاکنون اروپا بوده است که هم مجبور شد کمک‌های سنگین مالی و تسلیحاتی به کی‌یف بپردازد و هم باید گاز را به چند برابر قیمت

تحولات بازار نفت در سال ۲۰۲۲ دو روند متفاوت را در نیمه نخست و نیمه دوم سال تجربه کرد. در حالی که روند بهبود اقتصاد جهانی با روندی متفاوت بین مناطق مختلف در بیشتر سال ۲۰۲۲ تداوم داشت، با کاهش قابل توجهی در سه ماهه پایانی سال روبه‌رو شد. قیمت نفت در سه ماه نخست و دوم سال ۲۰۲۲ با توجه به روند بهبود اقتصاد جهانی و در ادامه با تشدید تنش‌های ژئوپلیتیک در اروپا با روندی افزایشی همراه بود. سیاست‌های انقباضی پولی از سوی بانک‌های مرکزی و نگرانی در مورد بحران احتمالی انرژی در منطقه یورو نیز باعث افزایش قیمت‌ها شد. سیاست‌های اتحادیه اروپا در برکنار کردن ذخیره‌سازی‌های راهبردی گاز از یک سو سبب افزایش قیمت گاز و بالا رفتن تقاضای نفت خام به منظور جایگزینی در نیروگاه‌ها شد و از سوی دیگر به تسریع در افزایش ظرفیت تولید برق از منابع غیر فسیلی با توجه به افزایش قیمت‌های سوخت‌های فسیلی در نیمه نخست سال انجامید. اما در نیمه دوم سال ۲۰۲۲، با توجه به شیوع مجدد ویروس کووید ۱۹ در چین و سیاست سختگیرانه کووید صفر از سوی این کشور، رشد تولید ناخالص داخلی این کشور در نیمه دوم سال ۲۰۲۲ تحت تأثیر قرار گرفت و با توجه به کاهش فعالیت‌های اقتصادی در کشورهای عضو سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی (اوئی‌سی‌دی)، تقاضای نفت در بازار نیز رشد کمتری داشت. با توجه به تکمیل ذخیره‌سازی گازی مطابق برنامه‌های از پیش تدوین‌شده در اروپا و کاهش نگرانی‌ها

اگرچه جنگ اوکراین با تحریک و زمینه‌چینی دولت آمریکا آغاز شد، اما بازنده اصلی آن تاکنون اروپا بوده است که هم مجبور شد کمک‌های سنگین مالی و تسلیحاتی به کی‌یف بپردازد و هم باید گاز را به چند برابر قیمت نسبت به قبل از ایالات متحده و دیگر کشورها تهیه کند





## ■ منازعه در بازار انرژی

کارشناسان دلایل گوناگونی را برای تنش و نوسان بیش از حد در بازار انرژی جهان بیان می‌کنند که مهم‌ترین آن جنگ اوکراین بوده است. آغاز منازعه در شرق اروپا در واقع نظم موجود در بازار انرژی جهان را بر هم زد. این اتفاق نه تنها به خاطر کاهش یا ممنوعیت تجارت بین روسیه و اروپا رخ داد، بلکه دستکاری‌های ایالات متحده و تحریک و تشویق پایتخت‌های اروپایی موجب شد تا شدت منازعه بیشتر شود. در همین چارچوب آمریکا خود را امسال به بزرگ‌ترین صادرکننده گاز طبیعی به اروپا تبدیل کرد.

از سوی دیگر نیاز فوری اروپا برای پر کردن مخازن گازی موجب شد کشورها و شرکت‌های تامین‌کننده انرژی به محموله‌های موجود که تعداد آنها نسبت به سال گذشته افزایش چندانی پیدا نکرده بود، هجوم ببرند و سعی کنند با هر قیمتی گاز مورد نیاز خود را تهیه کنند. این امر موجب شد تا برخی کشورهای فقیر از دسترسی به منابع انرژی مورد نیاز خود محروم بمانند، زیرا مانند کشورهای اروپایی، پول کافی برای خرید محموله‌ها نداشتند.

بر اساس بررسی روزنامه وال استریت ژورنال، در برخی دوره‌ها در سال ۲۰۲۲، تکاپوی کشورهای اروپایی برای تامین نیاز گازی با هر قیمتی، به شدت به ضرر کشورهای فقیر تمام شد، زیرا گازی که آنها در بازار خریداری می‌کردند بر مبنای نفت بشکه‌ای ۲۳۰ دلاری معامله می‌شد.

مومین عامل بحران‌ساز در بازار انرژی کاهش رشد اقتصادی جهان است. اگر چه دوسال همه‌گیری کرونا در ظاهر پایان یافته است و انتظار می‌رود رونق به صنعت و تجارت جهانی بازگردد، اما تداوم شیوع بیماری در چین و برخی کشورهای غربی در کنار قوانین سختگیرانه پکن برای مقابله با ویروس موجب شده است که اقتصاد این کشور به طور کامل به راه نیفتد.

ضمن آنکه هشدارهای گاه و بی‌گاه موسسات مالی و اعتباری در مورد شیوع دوباره بیماری و کاهش رشد جهان به خاطر بحران انرژی به هراس‌ها در بازار انرژی جهان دامن می‌زند.

## ■ چشم‌انداز مبهم بازار نفت در ۲۰۲۳

نبره‌های متضاد موجود در بازار نفت نشان می‌دهد پیش‌بینی کوتاه‌مدت وضعیت این بازار با درجه بالایی از نااطمینانی همراه است. در ابعاد کلان انتظار کاهش رشد اقتصادی و حتی رکود در آمریکا و اروپا در سه ماه چهارم سال ۲۰۲۲ و سه ماه نخست سال ۲۰۲۳ از کلیدی‌ترین عوامل تضعیف‌کننده قیمت محسوب می‌شود. اما به‌طور هم‌زمان پیش‌بینی کاهش محدودیت‌های جابه‌جایی در چین به دلیل سیاست کرونا- صفر امکان دارد اقتصاد این کشور را دوباره فعال و تحریک کند و تقاضای نفت را همراه با تقویت حجم فعالیت‌های اقتصادی افزایش دهد.

در ابعاد خرد، کاهش عرضه نفت روسیه به دلیل توقف کامل واردات نفت خام از روسیه از سوی اروپا مهم‌ترین عامل اعلام شده است، اگرچه اعمال سقف قیمتی برای خرید نفت خام صادراتی روسیه نیز بر ابعاد این موضوع خواهد افزود و حداقل در کوتاه‌مدت بر قیمت‌های نفت فشار افزایشی وارد خواهد کرد.

با توجه به این نبره‌های متفاوت و ناهمسو اثرگذار بر بازار نفت، تصویر آینده بازار نفت در آینده چندان روشن نیست. در ادامه این گزارش به‌صورت مختصر به مهم‌ترین عوامل تاثیرگذار بر عرضه و تقاضای نفت پرداخته شده و پس از پیش‌بینی وضعیت تراز عرضه و تقاضای نفت قیمت نفت در سال آینده میلادی تا پایان سال ۲۰۲۳ برآورد شده است.

## ■ چشم‌انداز تقاضای نفت

بر اساس گزارش اوپک، رشد تولید ناخالصی جهان برای سال آتی ۲/۵ درصد پیش‌بینی شده و انتظار می‌رود تقاضای جهانی نفت ۲/۲ میلیون بشکه در روز در سال ۲۰۲۳ نسبت به سال قبل افزایش یابد.

این در حالی است که منابع دیگر نظیر آکسفورد انرژی پیش‌بینی کرده، تقاضای نفت در سال ۲۰۲۲ برابر ۱/۸ میلیون بشکه در روز باشد و سپس در سال ۲۰۲۳ با ۳۰۰ هزار بشکه در روز کاهش به ۱/۵ میلیون بشکه در روز برسد.

اکنون انتظار بر این است که تقاضای نفت در سه ماهه اول ۲۰۲۳ معادل ۵۹۰ هزار بشکه در روز کاهش یابد که مهم‌ترین عامل آن تضعیف رشد اقتصادی به ویژه در اقتصاد کشورهای پیشرفته است.

رشد تقاضای نفت در کشورهای عضو اوئی‌سی‌دی در آمریکا بر اساس گزارش‌های اوپک، برای سال ۲۰۲۳ حدود ۳۰۰ هزار بشکه در روز تخمین زده شده و این رقم برای کشورهای اروپایی این سازمان ناچیز و حدود ۴۰ هزار بشکه در روز است.

امادر عین حال عوامل تقویت‌کننده‌ای نیز برای رشد مصرف نفت در سال ۲۰۲۳ وجود دارند. در کشورهای غیر اوئی‌سی‌دی، پیش‌بینی می‌شود تقاضای نفت ۱/۹ میلیون بشکه در روز افزایش یابد که چین و هند بیشترین رشد را خواهند داشت.

انتظار لغو بخشی از محدودیت‌های مرتبط با کرونا- صفر در چین در سال آینده میلادی از مهم‌ترین محرک‌های رشد مصرف نفت در سال ۲۰۲۳ است و برآورد می‌شود تقاضای نفت چین در سال ۲۰۲۳ حدود ۵۵۰ هزار بشکه در روز افزایش داشته باشد.

از طرفی با لغو محدودیت‌های کرونایی در چین، تقاضا برای مسافرت به این کشور افزایش یافت. افزون بر این، تداوم رشد تقاضا برای سوخت جت به میزان ۶۸۰ هزار بشکه در روز در سال ۲۰۲۳ از عوامل اصلی مصرف نفت خواهد بود که می‌تواند اثر منفی رکود اقتصادی را تا حدودی جبران کند.

## ■ چشم‌انداز عرضه نفت

چشم‌انداز تولید نفت روسیه یکی از تعیین‌کننده‌ترین عوامل در وضعیت عرضه نفت در کوتاه‌مدت است. در ماه نوامبر ۲۰۲۲ بدون لحاظ کردن صادرات نفت از طریق خط لوله، صادرات نفت خام روسیه به اروپا ۹۷۰ هزار بشکه در روز در مقایسه با پیش از تنش روسیه-اوکراین کاهش داشته است، اما به‌طور هم‌زمان ۱/۴ میلیون بشکه در روز از نفت خام روسیه به فروشندگان آسیایی به ویژه چین و هند فروخته شده است، بنابراین صادرات نفت خام روسیه در فاصله ماه‌های مارس- نوامبر ۲۰۲۲ پس از تنش روسیه- اوکراین در مقایسه با ماه‌های ژانویه و فوریه ۲۰۲۲ و قبل از تنش ژئوپلیتیکی ۲۸۴ هزار بشکه در روز افزایش نشان می‌دهد.

این موضوع در رابطه با فرآورده‌های نفتی روسیه نیز صادق است و در مجموع می‌توان گفت صادرات نفت (مجموع نفت خام و فرآورده‌های نفتی) روسیه در دوره بعد از تنش ژئوپلیتیکی در مقایسه با دوره پیش از آن با رشد میانگین ۳۲۹ هزار بشکه در روز روبه‌رو شده است.

حالی با توجه به برنامه‌های توقف واردات نفت خام و فرآورده‌های نفتی از روسیه به اروپا و سیاست سقف قیمتی، انتظار بر این است که تا انتهای سال ۲۰۲۳ به‌طور میانگین ۲ میلیون بشکه در روز از صادرات نفت روسیه از این محل کاهش یابد که یک میلیون و ۱۰۰ هزار بشکه در روز از آن به کشورهای ثالث به ویژه هند فروخته خواهد شد. بنابراین پیش‌بینی می‌شود در اقیانوس آرام تا پایان سال

## ■ ۲۰۲۳ تولید نفت روسیه حدود ۹۰۰ هزار بشکه در روز

در مقایسه با سال قبل کاهش داشته باشد. با در نظر گرفتن تحولات تولید نفت روسیه، پیش‌بینی می‌شود در سال ۲۰۲۳، عرضه غیر اوپک یک میلیون و ۵۰۰ هزار بشکه در روز نسبت به سال پیش افزایش یابد.

انتظار می‌رود تولید نفت محدود ایالات متحده و آغاز به تولید میدان‌های فراساحلی در آمریکای لاتین و دریای شمال سبب رشد عرضه شوند. انتظار می‌رود ایالات متحده با سهمی حدود ۷۵ درصد از رشد کل، پیش‌ساز باشد و پس از آن نروژ، برزیل، کانادا، قزاقستان و گوین قرار دارند. البته کاهش عرضه روسیه به دلیل تحریم‌های اتحادیه اروپا، عامل اصلی موثر در کاهش رشد عرضه نفت غیر اوپک در سال ۲۰۲۳ نسبت به سال پیش از آن است.

کاهش عرضه نفت کشورهای غیر اوپک پلاس به دلیل تعطیلی برنامه‌ریزی‌نشده و محدودیت ظرفیت تولید ناشی از کاهش یا توقف سرمایه‌گذاری، چالش‌های عملیاتی و زیست‌محیطی مهم‌ترین محرک اصلی ضعف در رشد عرضه نفت در کوتاه‌مدت است، البته پیش‌بینی لغو نشدن تحریم‌های صادرات نفت ایران در کوتاه‌مدت بر ضعف چشم‌انداز تولید نفت در کوتاه‌مدت افزوده است.

این در شرایطی است که بسیاری از کشورهای عضو اوپک پلاس نیز در شرایط فعلی توان تولید منطبق با سهمیه‌های خود را ندارند و شکاف بین تولید واقعی این کشورها و سهمیه‌های اعلامی آنها به تدریج در حال زیاد شدن است.

این موضوع از عواملی است که میزان کاهش واقعی تولید نفت اوپک پلاس در بازار نفت کمتر از مقدار اعلامی این سازمان، یعنی ۲ میلیون بشکه در روز محقق شده است، بنابراین تاثیر محدودی را بر تقویت قیمت نفت داشته است. بر اساس برآورد آکسفورد انرژی میزان واقعی کاهش تولید نفت خام در ماه نوامبر ۲۰۲۲ تنها ۷۲۰ هزار بشکه در روز بوده که با ۲ میلیون بشکه در روز فاصله زیادی دارد.

## ■ تراز عرضه و تقاضای نفت

بر اساس برآوردهای دبیرخانه اوپک، مقدار عرضه نفت در سال ۲۰۲۲ به میزان ۴۱۰ هزار بشکه در روز بیشتر از تقاضای آن تخمین زده شده است.

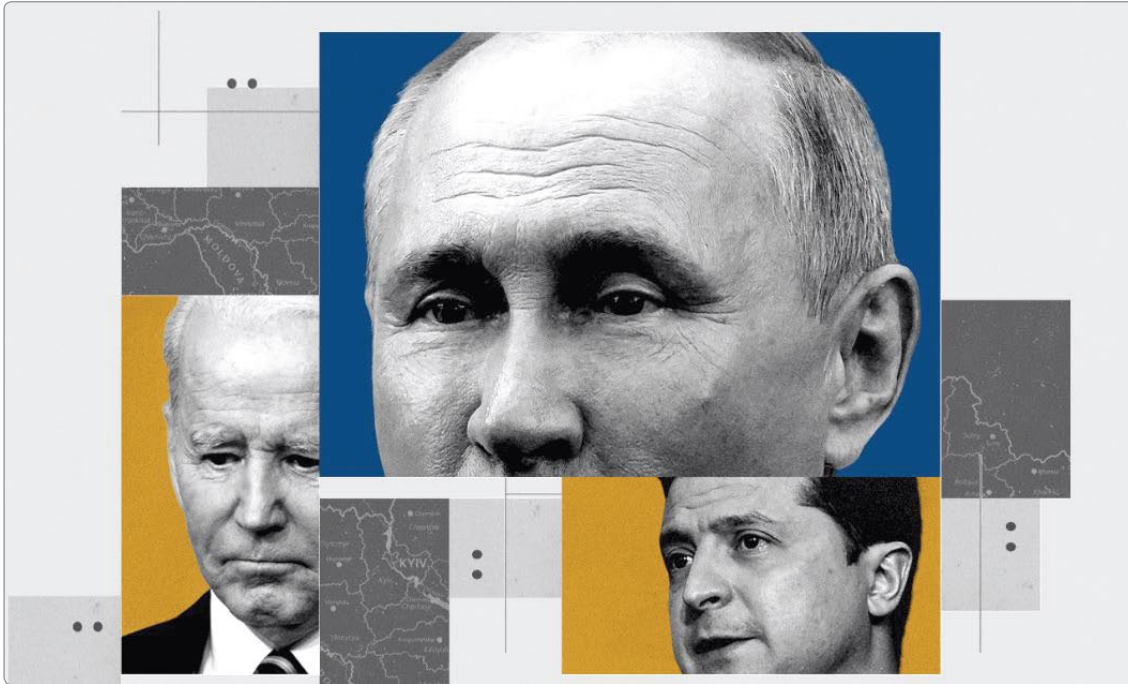
انتظار می‌رود مازاد عرضه در سال ۲۰۲۳ با شدت کمتری تداوم یابد و در سه ماهه پایانی سال معکوس شود و تقاضای نفت به میزان ۳۰۰ هزار بشکه در روز بیشتر از عرضه نفت باشد.

این برای نخستین بار از سه ماه نخست ۲۰۱۶ است که بازار نفت با ۶ فصل متوالی مازاد عرضه نفت یعنی از سه ماهه دوم سال ۲۰۲۲ تا سه ماه سوم سال ۲۰۲۳ مواجه خواهد بود، به طوری که مقدار عرضه نفت در سال ۲۰۲۳، ۵۸۰ هزار بشکه در روز بیشتر از تقاضای آن برآورد شده است، با توجه به مازاد تراز عرضه و تقاضا، انتظار می‌رود سطح ذخیره‌سازی نفت کشورهای عضو اوئی‌سی‌دی در سال ۲۰۲۳ معادل ۵۸ میلیون بشکه کمتر از میانگین پنج ساله ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۹ شود، البته همراه با احیای دوباره اقتصاد چین در نیمه دوم سال ۲۰۲۳، انتظار تغییر نیافتن برنامه عرضه کشورهای اوپک پلاس و حفظ تحریم‌های صادرات نفت ایران، منابع دیگر نظیر آکسفورد انرژی پیش‌بینی کرده‌اند که کمبود عرضه نسبت به تقاضا در بازار نفت از سه ماهه دوم سال ۲۰۲۳ اتفاق بیفتد، به طوری که تقاضای نفت به میزان ۴۳۰ هزار بشکه در روز بیشتر از عرضه نفت در سال ۲۰۲۳ باشد.

## ■ اکنون انتظار بر این

است که تقاضای نفت در سه ماهه اول ۲۰۲۳ معادل ۵۹۰ هزار بشکه در روز کاهش یابد که مهم‌ترین عامل آن تضعیف رشد اقتصادی به ویژه در اقتصاد کشورهای پیشرفته است. رشد تقاضای نفت در کشورهای عضو اوئی‌سی‌دی در آمریکا بر اساس گزارش‌های اوپک، برای سال ۲۰۲۳ حدود ۳۰۰ هزار بشکه در روز تخمین زده شده و این رقم برای کشورهای اروپایی این سازمان ناچیز و حدود ۴۰ هزار بشکه در روز است





## نبرد روسیه و اوکراین وارد دومین سال خود شد

# جنگی بدون برنده

فاطمه رحیمی - یک سال پس از حمله روسیه به اوکراین در ۲۴ فوریه ۲۰۲۲ و ایجاد درد و رنج گسترده، اقتصاد جهانی همچنان عواقب آن را تحمل می‌کند. کمبود ذخایر غلات، کود و انرژی همراه با تورم بیشتر و عدم اطمینان اقتصادی در جهانی که پیش از آن نیز زیر بار همه‌گیری کرونا خم شده بود، اکنون به چالشی جدی برای ساکنان کره زمین بدل شده است.

با ورود جنگ به دومین سال خود، هزینه اقتصادی هنگفت آن نه تنها برای بخش عمده کشورهای جهان، بلکه برای هر دو طرف این نبرد محسوس بوده است. اینک از اوکراین چیزی نمانده جز تلی از خاک، و از روسیه سربازان بی‌شماری که جان خود را در این جنگ از دست داده‌اند. تهاجم گسترده روسیه به اوکراین در فوریه ۲۰۲۲ و تحریم‌های مالی شدید اعمال شده علیه مسکو، نه تنها تأثیر اقتصادی بر روسیه و اوکراین داشته، بلکه پیامد این بحران، اقتصاد جهان از جمله آمریکا و اروپا را نیز تحت تأثیر قرار داده است. تورم ناشی از این بحران به دلیل افزایش شدید قیمت نفت و گاز و محصولات صنعتی و کشاورزی که در حال حاضر بیشتر اقتصادهای جهان را دچار آسیب کرده، به طور پیوسته در حال افزایش است.

بود. فارغ از آنچه در میدان نبرد رخ می‌دهد و با در نظر گرفتن تمام جنبه‌ها، هیچ‌یک از طرفین نمی‌تواند برنده اقتصادی این جنگ باشد و هر دو تا مدت‌ها پس از شلیک آخرین گلوله‌ها، عواقب فلج‌کننده‌ای را تحمل خواهند کرد. هجوم روسیه آشکارا اوکراین را فلج کرده است و مشخص نیست که بهبود و خروجش از وضعیت موجود، به عمر ما قد بدهد یا نه. تولید ناخالص ملی اوکراین در سال ۲۰۲۲، بیش از ۳۰ درصد سقوط کرد و این بزرگ‌ترین سقوط از زمان استقلال اوکراین در سه دهه پیش به این سو است. کسری بودجه سال گذشته اوکراین با کمک‌های خارجی و وام جبران شد. رقم رسمی تورم ۲۰ درصد اعلام شد، هر چند در واقعیت از ۳۰ درصد نیز فراتر رفت و شرایط برای قشر فقیر بدتر از این اعداد و ارقام بود.

نرخ بیکاری در اوکراین به ۴۰ درصد رسیده است، استقرار پناهجویان عمدتاً زن و کودک در کشورهای خارجی و بسیج مردان ۱۸ تا ۶۰ ساله در جنگ و خسارات نظامی که اوکراین معمولاً اعلام نمی‌کند، همه و همه تهدیدی علیه نیروی کار بالقوه کشور است. صنایع سنگین اوکراین عمدتاً در شرق و جنوب متمرکز است و روسیه در این مناطق بیشترین دستاورد نظامی و هم‌زمان بزرگ‌ترین حجم تخریب را به بار آورده است. تخمین زده شد که هزینه اقتصادی

۲۰۲۲ انتظارات رشد را کاهش داد که معادل حدود یک تریلیون دلار کاهش تولید است. بر اساس برآورد صندوق بین‌المللی پول، قیمت‌های مصرف‌کننده در ژوئیه کمترین کشورهای در سال گذشته ۷/۳ درصد افزایش یافت - بالاتر از پیش‌بینی ژانویه ۲۰۲۲ که ۳/۹ درصد بود - و ۹/۹ درصد در کشورهای فقیرتر، از ۵/۹ درصدی که پیش از تهاجم پیش‌بینی می‌شد. در ایالات متحده، چنین تورمی، کسب‌کارها را مجبور به اخراج نیروی کار کرده است.

قیمت‌های بالای مواد غذایی مشقت بیشتری را بر فقرا تحمیل می‌کند. جنگ، صادرات گندم، جو و روغن پخت و پز از اوکراین و روسیه به عنوان تامین‌کنندگان عمده جهانی آفریقا، خاورمیانه و بخش‌هایی از آسیا را که بسیاری از آنها با ناامنی غذایی دست‌وپنجه نرم می‌کنند، مختل کرده است.

این در حالی است که اقتصاددانان سازمان تجارت جهانی پیش‌بینی خود از تجارت جهانی در دو سال آینده را تغییر داده‌اند. آنها اکنون انتظار دارند تجارت جهانی کالا در سال ۲۰۲۳ با رشد اندکی نسبت به سال ۲۰۲۲ به ۳/۲ درصد افزایش یابد. این به نسبت پیش‌بینی قبلی ۴/۷ درصدی این نهاد کمتر است.

### ■ آسیب اقتصادی اوکراین

جنگ هیچ نتیجه‌ای برای هیچ‌یک از طرف‌ها ندارد، و هرچه به درازا بکشد، بار اقتصادی آن شدیدتر خواهد

این جنگ اثرات مخربی بر هزینه غذا، گرما و سرپناه که سه مورد از اساسی‌ترین نیازهای بشر به شمار می‌روند، گذاشته است. این اثرات و تبعات تنها متوجه کشورهای آفریقایی نبوده و حتی در میان سرزمین‌های مرفه اروپایی نیز به چشم می‌خورد. مجمع جهانی اقتصاد در گزارش سالانه خطرات جهانی خود برای سال ۲۰۲۳ تأکید کرد که بحران جهانی هزینه زندگی در حال حاضر در بخش‌های مختلف کره زمین دیده می‌شود.

اگرچه برخی از دولت‌ها تلاش کرده‌اند این تأثیر را مهار کنند، اما سال ۲۰۲۲ جهان شاهد موج بی‌سابقه‌ای از اعتراضات در خصوص دسترسی به اصول اولیه مورد نیاز برای زندگی روزمره بوده است. این اعتراضات در چندین کشور به بحران‌های سیاسی ملی بزرگ‌تر تبدیل شده و خشونت‌ها، تلفات و درخواست‌های گسترده برای تغییر سیاسی را نیز با خود به همراه داشته‌اند. واضح است که کشورهای آفریقایی و همچنین بخشی از منطقه خاورمیانه از آنجا که واردکننده مقادیر زیادی از غذای مورد نیاز خود هستند، به همراه کشورهای فقیر در سراسر جهان بیش از دیگر کشورهای از این روند آسیب دیده باشند.

تمام این موارد به معنای کند شدن اقتصاد جهانی است. صندوق بین‌المللی پول در سال جاری و در سال

اقتصاددانان سازمان تجارت جهانی پیش‌بینی خود از تجارت جهانی در دو سال آینده را تغییر داده‌اند. آنها اکنون انتظار دارند تجارت جهانی کالا در سال ۲۰۲۳ با رشد اندکی نسبت به سال ۲۰۲۲ به ۳/۲ درصد افزایش یابد. این به نسبت پیش‌بینی قبلی ۴/۷ درصدی این نهاد کمتر است





**جنگ روسیه و اوکراین و فشار فوری آن بر قیمت انرژی در سراسر جهان باعث شد که بسیاری از کشورها آخرین بار در دهه ۷۰ این نرخ تورم را تجربه کنند. اکثر کشورهای اروپای شرقی از جمله خود روسیه و اوکراین، نرخ تورم نزدیک یا بالاتر از ۱۵ درصد را در سال ۲۰۲۲ ثبت کردند. مورد ترکیه نیز قابل توجه است که نرخ تورم این کشور در سال گذشته میلادی به ۷۳ درصد رسید**

ناخالص داخلی در منطقه یورو به ۲/۸ درصد کاهش یافته که بزرگ‌ترین کاهش رتبه در آلمان (۲/۱ درصد) و ایتالیا (۲/۳ درصد) بوده است؛ چراکه آنها وابستگی بیشتری به واردات انرژی از روسیه دارند. البته به دلیل پیوندهای اقتصادی محدود بین روسیه و ایالات متحده، کاهش رشد تولید ناخالص داخلی در آمریکا در سال ۲۰۲۲ حدود ۰/۳ درصد است.

پیش‌بینی می‌شود که ایالات متحده در سال ۲۰۲۳ شاهد رشد ۱/۴ درصدی تولید ناخالص داخلی باشد. در سراسر اروپا، متوسط نرخ رشد تولید ناخالص داخلی پیش‌بینی شده برای سال ۲۰۲۳ میلادی حدود ۰/۷ درصد است که کاهش شدیدی نسبت به پیش‌بینی ۲/۱ درصدی سال گذشته دارد. افزون بر آن پیش‌بینی می‌شود که آلمان و ایتالیا هر دو رشد اندکی به ترتیب ۰/۱ و ۰/۶ درصد داشته باشند.

در حالی که برخی کشورهای جهان در سال ۲۰۲۲ میلادی شاهد تولید ناخالص داخلی بیشتر از سال ۲۰۲۱ بودند اما ترس از رکود جهانی در سال ۲۰۲۳ بیشتر شده است. صندوق بین‌المللی پول اعلام کرده است که سال ۲۰۲۳ رکود بر بیشتر اقتصادهای جهان حاکم خواهد شد.

#### ■ افق تاریک تورم در سال ۲۰۲۳

کارشناسان و صاحب‌نظران بر این باورند که همان‌طور که تورم در مقیاس جهانی در سال ۲۰۲۲ افزایش یافت و در بسیاری از کشورها به بالاترین سطح خود رسید، این روند در سال جاری میلادی می‌تواند نه تنها تداوم بلکه تعمیق یابد.

در حالی که صندوق بین‌المللی پول پیش‌بینی می‌کند تورم جهانی در اواخر سال ۲۰۲۲ به اوج خود رسید، انتظار می‌رود این نرخ در سال ۲۰۲۳ در بسیاری از نقاط جهان بالاتر از حد معمول باقی بماند. به دنبال نرخ تورم جهانی ۸/۸ درصدی در سال ۲۰۲۲، صندوق بین‌المللی پول نرخ ۶/۶ درصدی را برای سال ۲۰۲۳ و نرخ ۴/۳ درصدی را برای سال ۲۰۲۴ بر اساس آخرین به‌روزرسانی ژانویه ۲۰۲۳ پیش‌بینی کرده است.

پیش‌بینی می‌شود بسیاری از کشورهای آسیایی به ویژه ژاپن، تایوان و چین در سال جاری شاهد تورم کمتر از ۳ درصد باشند. وقتی صحبت از تورم پایین

بالا برود، در شرایط اینجینی کرملین مجبور می‌شود که تقریباً تمام پول فروش نفت را به ارتش اختصاص دهد و این برای مردم عادی به ویژه کارمندان دولت خبر خوبی نیست.

چشم‌انداز اقتصادی روسیه نیز همانند اوکراین به دلیل خسارات نظامی رنگ‌باخته است. شمار رسمی کشته‌شدگان در جنگ بیش از ۱۰ هزار نفر است، اما کشورهای غربی تخمین می‌زنند که شمار واقعی به مراتب بیش از این است. برخی تخمین‌ها حتی می‌گویند آمار واقعی مرگ شاید ۲۰ برابر باشد. روسیه نیز مانند اوکراین با موج مهاجرت مواجه است و اغلب متخصصان فنی بر جسته برای آنکه به جبهه اعزام نشوند، کشور را ترک می‌کنند.

برآورد بلومبرگ در مورد رشد تولید ناخالص ملی روسیه در سال ۲۰۲۳ صفر است و آن را برای اوکراین ۲ درصد در نظر گرفته است، زیرا اوکراین توانسته زیرساخت‌های خود را با وجود جنگ حفظ کند و اگر بتواند بخشی از زمین‌های زراعی و منابع طبیعی خود را پس بگیرد، می‌تواند صادرات را افزایش دهد.

#### ■ ۲۰۲۳ سرآغاز جدید عصر رکود و تورم

پیش از بحران اوکراین، نگرانی‌ها در زمینه افزایش تورم وجود داشت به این دلیل که در سال‌های ۲۰۲۰ و ۲۰۲۱ به دلیل شیوع کرونا، سیاست‌های انبساطی مالی و ارائه بسته‌های حمایتی، بستر ساز تورم شده بود، اما با آغاز جنگ روسیه علیه اوکراین، نگرانی‌ها در خصوص افزایش تورم شدت یافت. ناامنی متناثر از جنگ روسیه و اوکراین و فشار فوری آن بر قیمت انرژی در سراسر جهان باعث شد که بسیاری از کشورها آخرین بار در دهه ۷۰ این نرخ تورم را تجربه کنند. اکثر کشورهای اروپای شرقی از جمله خود روسیه و اوکراین، نرخ تورم نزدیک یا بالاتر از ۱۵ درصد را در سال ۲۰۲۲ ثبت کردند. مورد ترکیه نیز قابل توجه است که نرخ تورم این کشور در سال گذشته میلادی به ۷۳ درصد رسید.

بحران انرژی و تورم در این بخش، بیش از هر بازیگری دامن اروپا را گرفته است. انرژی نزدیک به نیمی از تورم قیمت مصرف‌کننده در آلمان و حدود یک‌پنجم تورم کلی ایالات متحده را تشکیل می‌دهد. در نتیجه افزایش قیمت جهانی انرژی، رشد تولید

ویرانی جاده‌ها، پل‌ها، خانه‌ها، مدرسه‌ها، بیمارستان‌ها و زمین‌های زراعی ۱۲۷ میلیارد دلار است. براساس اعلام دانشکده اقتصاد کی‌یف، تخریب سرمایه‌های فیزیکی کسب‌وکارهای اوکراینی ۱۳ میلیارد دلار است و آسیب غیرمستقیم مانند از دست دادن بازار یا کانال‌های توزیع کالا، به بیش از ۳۳ میلیارد دلار رسیده است. زراعت در زمین‌های حاصلخیز جنوب اوکراین نیز شدیداً ضربه خورده است، به طوری که تولید گندم از ۳۲/۵ میلیون تن در ۲۰۲۱، به ۲۶/۶ میلیون تن در سال گذشته سقوط کرد و یک‌چهارم از آن به اشغالگران روس رسید.

#### ■ پیامدهای اقتصادی جنگ در روسیه

تولید ناخالص داخلی روسیه در سال ۲۰۲۲، نزدیک به ۳ درصد سقوط کرد. تورم به ۱۳/۸ درصد رسید و کسری ۲ درصدی بودجه با وجود محدود شدن وام‌های خارجی به دلیل تحریم‌های غرب، قابل مدیریت بود. نرخ رسمی بیکاری نیز بنا به تخمین بلومبرگ از ۴/۸ در سال گذشته به ۴ درصد کاهش یافت.

با تمام اینها، این آمار و ارقام گمراه‌کننده‌اند و این فقط به دلیل تلاش کرملین برای نشان دادن وجهه خوب و اثبات مقاومت و خودکفایی و انعطاف در برابر تحریم‌های غرب نیست. پیش از جنگ پیش‌بینی می‌شد که اقتصاد روسیه با خروج از همه‌گیری دست‌کم ۳ درصد رشد کند و کاهش کلی تولید به ۶ درصد تولید ناخالص ملی در ۲۰۲۱ برسد. در حقیقت این رقم ۱۰۸ میلیارد دلار است، یعنی تقریباً نصف تولید ناخالص ملی اوکراین در ۲۰۲۱، به این معنی که سقوط اقتصادی روسیه بالاتر از اوکراین است.

زبان‌های اقتصادی روسیه نیز به طرز فریبنده‌ای کوچک به نظر می‌رسد، زیرا تحریم‌هایی که اگرچه در مقیاس خود بی‌سابقه‌اند، به تدریج اعمال شده‌اند. روسیه در اوایل جنگ از افزایش قیمت انرژی سود برد، اما در ماه‌های اخیر اثرات تحریم و تعیین سقف قیمت

برای نفت روسیه خود را نشان داده است. با کاهش درآمد نفت و گاز، نهادهای نظامی و امنیتی گرسنه‌تر می‌شوند. هزینه‌های دفاعی فدرال در سال ۲۰۲۲ رشد ۲۳ درصدی داشت و تخمین زده می‌شود که در سال جاری میلادی ۶ درصد دیگر نیز



می شود، نام کشوری چون ژاپن برجسته می شود. انتظار می رود با کنترل شدید قیمت ها، نرخ بهره منفی و جمعیت پیر شود و نرخ تورم تنها ۱/۴ درصد در سال ۲۰۲۳ در این کشور رقم بخورد.

افزایش تورم در اروپا بیش از نقاط دیگر جهان مشهود است و بعد از آن، آفریقا و سپس خاورمیانه، آسیای مرکزی و آسیای پاسیفیک قرار دارند. امروزه افزایش قیمت مواد غذایی و انرژی از جمله عوامل و محرک های اصلی رشد تورم است که در سال ۲۰۲۲ نیز مشاهده شد. چشم انداز اقتصاد جهانی از دریچه نگاه صندوق بین المللی پول نشان می دهد که تورم اصلی در جهان به قیمت غذا، انرژی، حمل و نقل و مسکن ارتباط می یابد.

#### تغییرات در نظم ژئوپلیتیک جهان

تهاجم روسیه به اوکراین که از فوریه ۲۰۲۲ آغاز شد علاوه بر اثرات وحشتناک انسانی، تغییرات عمده ای هم در نظم ژئوپلیتیک جهان پدید آورده و این مساله با اثرات و تبعات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در دیگر بخش های کره زمین همراه بوده است.

#### ادغام بلوک های جدید

این جنگ باعث تشدید درگیری ها و تقابل ها در بلوک های مختلف جهانی شده است. کشورهای مختلف در این زمینه تلاش کرده اند که به بلوک هایی با محوریت واشنگتن یا پکن ببینند. در همین رابطه، جوزپ بورل، مسوول سیاست خارجی اتحادیه اروپا در ماه دسامبر گفته بود: «در حال حاضر ما به یک جهان چندقطبی بی نظم تبدیل شده ایم که در آن همه چیز یک سلاح به شمار می رود: انرژی، داده ها، زیرساخت ها و همچنین مهاجرت.»

واقعیت این است که این جنگ بار دیگر اهمیت ژئوپلیتیک را آشکار کرد؛ جنگی که از اساس بر مبنای اهمیت ژئوپلیتیک و لزوم حفاظت و توجه به عمق استراتژیک روسیه شکل گرفت. ما شاهد بوده ایم که در مناطق مختلفی از کره زمین، از آسیای مرکزی و قفقاز گرفته تا آفریقا، آسیا و همچنین اقیانوسیه، نبرد برای کسب نفوذ بیشتر بین قدرت هایی مانند چین، اتحادیه اروپا، روسیه، آمریکا و حتی ترکیه در جریان بوده است. این تلاش ها چه از طریق تامین مالی پروژه های زیرساختی و چه از طریق انعقاد قراردادهای

تجاری، نظامی یا دیپلماتیک در جریان بوده است. در این میان جنگ در اوکراین همه چیز را بیش از پیش متزلزل و تسلط روسیه بر جمهوری های شوروی سابق در آسیای مرکزی را تضعیف کرده و نقش جدیدی را برای ترکیه به عنوان میانجی باز کرده است.

#### محدود شدن قدرت روسیه

چین مجبور است جنگ روسیه و اوکراین را با توجه به هدف راهبردی بلندمدت خود برای تبدیل شدن به قدرت پیشرو جهان تا سال ۲۰۴۹ در نظر بگیرد. این کشور اگرچه از مسکو حمایت می کند، اما در عین حال از اقداماتی که می تواند باعث خشم و نارضایتی غرب شود، اجتناب کرده است.

به باور آلیس اکمن، تحلیلگر آسیایی در موسسه مطالعات امنیتی اتحادیه اروپا چین همان سطح کمکی را که واشنگتن به کی یف ارائه می دهد، به مسکو نمی دهد اما باید به واقعیت نگاه کنیم؛ این یک امر واضح است که روابط اقتصادی دو کشور تقویت شده است. در واقع جنگ باعث شده که مسکو در خطر تبدیل شدن به یک دست نشانده صرف یا اقماری پکن قرار داشته باشد.

در واقع، روسیه در موقعیتی نیست که با چین مذاکره کند، زیرا پکن هر آنچه را که از مسکو بخواهد می گیرد بدون اینکه چیزهایی را که روسیه به آنها نیاز دارد مانند تسلیحات یا قطعات الکترونیک ضروری و کلیدی در اختیار این کشور قرار دهد. برای اتحادیه اروپا، جنگ نشان دهنده فرصتی برای نشان دادن این است که می تواند به عنوان یک بازیگر کلیدی عمل کند. در عین حال این جنگ می تواند خطر تبدیل شدن اروپا به کمانچه واشنگتن را ایفا کند.

با توجه به اینکه بیشتر کشورهای عضو اتحادیه اروپا آینده ای خارج از چتر امنیتی ایالات متحده و ناتو نمی بینند، به دنبال کاهش وابستگی استراتژیک خود به سوخت های فسیلی روسیه هستند که در حال حاضر به شکل قابل توجهی کاهش یافته است.

برونو تر ترابیس از بنیاد تحقیقات استراتژیک مستقر در فرانسه (FRS) معتقد است که اروپایی ها از تاخیر استراتژیک رنج می برند و تا زمانی که گزینه روشن در دسترس نباشد، از اقدام خودداری

می کنند. در عین حال اروپا به دنبال این است که در مذاکرات مربوط به پایان جنگ حضور داشته باشد و خواسته های خود را در آن مطرح کند.

#### چرخش ایالات متحده به آسیا

باراک اوباما رییس جمهوری وقت آمریکا در سال ۲۰۰۹ پیش بینی کرده بود که روابط بین ایالات متحده و چین قرن بیست و یکم را شکل خواهد داد و پیش بینی کرده بود که توجه واشنگتن از اقیانوس اطلس به اقیانوس آرام تغییر خواهد کرد.

با این حال، تهاجم روسیه به اوکراین نشان می دهد که رهایی از اروپا ممکن است برای جو بایدن، معاون سابق رییس جمهور اوباما، چندان آسان نباشد. به باور کارشناسان، روسیه از حرکت آمریکا به سمت چین جلوگیری می کند. ایالات متحده باید نسبتاً سریع این مساله اروپایی را حل کند. جووانا دی مایو پژوهشگر دانشگاه واشنگتن معتقد است که کاخ سفید با یک اقدام متعادل کننده مواجه است. از یک سو تقاضاهای فزاینده ای برای حل و فصل هر چه سریع تر مناقشه از سوی سیاستمداران آمریکایی مطرح است و از طرف دیگر در حزب جمهوریخواه نارضایتی هایی در خصوص تحویل تسلیحات به اوکراین دیده می شود.

#### ضربه به جهانی شدن

متحدها اوکراین به رهبری ایالات متحده و اتحادیه اروپا، علاوه بر تامین تسلیحات کی یف، تلاش کرده اند تا با اعمال تحریم های شدید، به اقتصاد روسیه ضربه بزنند. در حوزه انرژی، جایی که روسیه سهم قابل توجهی در آن دارد، تحریم هایی مانند محدودیت های اعمال شده توسط گروه ۷ و اتحادیه اروپا باعث شده تا عملاً روسیه سهم خود در بازارهای جهانی را از دست بدهد، اما وقتی چین و هند تحریم ها را اعمال نمی کنند، تعیین سقف قیمت و فروش برای نفت و گاز روسیه معنایی ندارد.

در واقع قدرتهای بزرگ در حال عدم رعایت برخی از اصول تجارت آزاد در سراسر جهان هستند که از آن جمله می توان به اعمال محدودیت های ایالات متحده در فروش تراشه های کامپیوتری مخصوص به چین یا تعلیق صادرات گندم به هند اشاره کرد. این اقدامات علاوه بر تبعات همه گیری کرونا به زنجیره های تامین جهانی آسیب وارد کرده است.

واقعیت این است که این جنگ بار دیگر اهمیت ژئوپلیتیک را آشکار کرد؛ جنگی که از اساس بر مبنای اهمیت ژئوپلیتیک و لزوم حفاظت و توجه به عمق استراتژیک روسیه شکل گرفت. ما شاهد بوده ایم که در مناطق مختلفی از کره زمین، از آسیای مرکزی و قفقاز گرفته تا آفریقا، آسیا و همچنین اقیانوسیه، نبرد برای کسب نفوذ بیشتر بین قدرت هایی مانند چین، اروپا، روسیه، آمریکا و حتی ترکیه در جریان بوده است.

